انجمن حسابداران خبره ایران
در آخرین دهه قرن

گفتگو با

دبیر کل انجمن
حسابداران خبره ایران
(۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰)

به کوشش:
علی مجد
فروردین
۱۴۰۰

شناسنامه کتاب

سرشناسه	:	قاسمی، محسن. ۱۳۵۶. مصاحبه‌شونده.
عنوان و نام پدیدآور	:	انجمن حسابداران خبره ایران در آخرین دهه قرن: گفتگو با محسن قاسمی، دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران (۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰)، به کوشش علی مجد، ۱۳۶۵.
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات پیك نور، ,۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	:	۲۲۰ص. ۱۴×۲۱سم.
شابك	:	
وضعیت	:	فیپا
فهرست‌نویسی	:	گفتگو با محسن قاسمی، دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران
عنوان دیگر	:	ایران - تاریخ - حسابداری — ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ - سرگذشتنامه
موضوع	:	قاسمی، محسن. ۱۳۵۶- مصاحبه‌ها
موضوع	:	قاسمی، محسن. ۱۳۵۶- سرگذشتها
موضوع	:	حسابداران ایران - قرن ۱۴ - مصاحبه‌ها
موضوع	:	حسابداران ایران - قرن ۱۴ - سرگذشتها
موضوع	:	انجمن حسابداران خبره ایران- ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰
موضوع	:	حسابداری ایران - ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰
موضوع	:	سازمانهای مردم‌نهاد ایران - ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰
موضوع	:	نشریات ایران - ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰
موضوع	:	مجد،علی. ۱۳۶۵
شناسه افزوده	:	انتشارات پیك نور
شناسه افزوده	:	
رده‌بندی کنگره	:	
رده‌بندی دیویی	:	
شماره کتابشناسی ملی	:	

انجمن حسابداران خبره ایران
در آخرین دهه قرن

گفتگو با

دبیر کل انجمن
حسابداران خبره ایران
(۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰)

به کوشش:
علی مجـد
فروردیـن
۱۴۰۰

مقدمه

هفت سال و سه ماه و نوزده روز پیش، در روز چهارشنبه، ۲۵ دی ۱۳۹۲، این افتخار بی‌بدیل نصیب من شد که در جایگاه دبیرکل یکی از ارجمندترین نهادهای حرفه‌ای میهن عزیزمان، انجمن حسابداران خبره ایران، به خدمتگزاری اعضای گرانمایه‌ای نائلم آیم که در زمره فرهیخته‌ترین، خدمتگزارترین و تاثیرگذارترین کارشناسان وطنم هستند. برای این برادر کوچکتان یکایك لحظات این قریب به دوهزار و هفتصد روز گذشته که در خدمتتان بودم، دمادم مایه مباهات بود. از این بابت، از یکایك شما عزیزان سپاسگزارم که با پشتیبانی‌ها، راهنمایی‌ها، و انتقادهای مشفقانه خود، شرایط را برای خدمتگزاری پرتوان‌تر و کم‌خطاتر من فراهم آوردید.

من خود را همواره دانش‌آموز تاریخ می‌دانم؛ و آموزگاری دلسوزتر و داناتر از تاریخ سراغ ندارم. از این رو، با هدف ثبت در تاریخ وطن عزیزم ایران، حرفه شریف حسابداری، و انجمن عزیزمان، طی یکماه گذشته در قالب این گفتگوی تفصیلی جزئیات یکایك اقداماتی که در دوره مسئولیتم در انجمن با کمك همگی شما عزیزان، اعضای گرانمایه شورای عالی، و کارکنان خدمتگزار دبیرخانه به انجام رسید را بازگو کرده‌ام.

انجمن عزیز ما که در نخستین سال قرن پیش رو، در روز سه‌شنبه، دوم اسفند ۱۴۰۱، پنجاهمین سالروز تاسیس خود را جشن خواهد گرفت، طی پنج دهه پر فراز و نشیب گذشته، در قامت نماینده شاغلان در بخش خصوصی حرفه، مشارکتی ارزشمند، تاثیرگذار و ماندگار در توسعه حسابداری میهن عزیزمان داشته است. بی‌تردید اگر ساختار اقتصادی ایران طی یك قرن گذشته اینچنین در چنبره نهادهای حکومتی، دولتی و عمومی گرفتار نبود، و اگر در نتیجه استضعاف نهادهای حرفه‌ای طی پنج دهه گذشته، مسیر توسعه حسابداری کشور به بیراهه دانشگاه‌زدگی کشانده نشده بود، تاثیرگذاری نهادهای حرفه‌ای برآمده از بخش خصوصی، از جمله انجمن حسابداران خبره ایران، به مراتب بیش از این بود. با این حال، اقدامات انجام‌شده در انجمن عزیز ما طی قریب به نیم‌قرن گذشته که در بستر ناهموار این ساختار دولتی‌زده و دانشگاه‌زده حاصل شده، به زعم این برادر کوچکتان فراتر از تصور بوده است.

انجمن عزیز ما، هم در بدو تاسیس با طراحی و معرفی گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای **حسابدار خبره** (نخستین اعضای انجمن)، هم در بهمن ۱۳۶۴ با انتشار نخستین فهرست **حسابداران مستقل** (شرکای شاغل در موسسات حسابرسی بخش خصوصی)، هم در سال ۱۳۸۰ با مشارکت تاثیرگذار در راه‌اندازی جامعه حسابداران رسمی ایران، هم در تیر ۱۳۹۳ با تصویب اساسنامه جدید و معرفی گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای **حسابدار مستقل خبره، حسابدار مالی خبره، حسابدار مدیریت خبره، مدیر مالی خبره و حسابرس داخلی خبره**، و هم پس از آن، با طراحی گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای دیگر، پیشگام توسعه حرفه‌ایگری در حسابداری ایران بوده است. در کنار این ماموریت و کارکرد اصلی، انجمن طی دوران پربار فعالیتش از راه انتشار مستمر **حسابدار**، نخستین و پاینده‌ترین نشریه تخصصی حسابداران ایران، و نیز برگزاری بیش از چهل سمینار تخصصی، نقشی بی‌مانند در انتقال دانش روز و طرح مفاهیم نوین در حرفه حسابداری ایران ایفا کرده است. و سرانجام، مرکز آموزش انجمن (PACT)، این نگین درخشان حرفه حسابداری ایران که پس از تجربه موفق انجمن در برگزاری دوره‌های آموزشی حرفه‌ای طی دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰، نهایتا در سال ۱۳۸۲ در هیات یك شخصیت حقوقی مستقل راه‌اندازی شد؛ طی دو دهه گذشته تحت هدایت و پشتیبانی همه‌جانبه انجمن و همگی شما عزیزان کارنامه‌ای بسیار درخشان و فراتر از باورها در ارائه خدمات آموزش حرفه‌ای به اهالی شریف حرفه حسابداری ایران داشته است.

مجموعه این دستاوردهای ارزشمند، تاثیرگذار و ماندگار که توسط انجمن در بستر ناهموار این ساختار دولتی‌زده و دانشگاه‌زده حاصل شده است، معجزه‌ای همچون پرواز کردن در توده‌ای چسبناك بوده که به همت جمعی از شیفتگان و خدمتگزاران حرفه در انجمن عزیز ما حاصل شده است.

امروز که به حکم سنت تغییرناپذیرِ تغییر، با جانی از هم‌اکنون بیقرار برای انجمن، ناگزیر از ترك معشوقم، خرسندم که امور اجرایی انجمن به دستان یکی از اعضای گرامی، جناب آقای سیدمحمد باقرآبادی، سپرده شده است. از آنجا که بزرگترین آرزوی حرفه‌ای جملگی ما اعضای انجمن ارتقای بیش از پیش جایگاه حسابداران و حرفه در جامعه و فراهم شدن هر چه بیشتر شرایط برای ارائه خدمات ارزشمند حسابداران حرفه‌ای به عموم است، باورمندم که این عزیز هر آنچه در توان دارد، در این راه مبذول خواهد داشت. من نیز به عنوان یکی از اعضای انجمن تا هر زمان که نیاز باشد، هر آنچه از دستانم برآید در این راه فروگذار نخواهم کرد. امیدوارم یکایك شما گرانمایگان نیز جملگی همدل و همصدا این عضو گرامی را در ایفای این مسئولیت که به انجام رساندن موفق آن آرزوی یکایك ماست، با تمام وجود و با تمام توان یاری فرمایید.

محسن قاسمی

عضو انجمن حسابداران خبره ایران

یکشنبه، ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

فهرست

	صفحه
مقدمه	۵
گفتگو	۱۱
پیوست (۱): مقاله‌ها	۱۸۵
پیوست (۲): یادداشتها	۱۹۷
پیوست (۳): کتابها	۲۰۱
پیوست (۴): گفتگوها	۲۰۲
پیوست (۵): میزگردها	۲۰۸
پیوست (۶): سخنرانیها	۲۱۰
پیوست (۷): جدول کلمات متقاطع حسابداری	۲۱۱
پیوست (۸): فیلمهای مستند	۲۱۳
پیوست (۹): ویدئوها	۲۱۸
پیوست (۱۰): پادکستها	۲۱۹
پیوست (۱۱): مطالب مربوط به ترویج حرفه‌ایگری در حسابداری ایران	۲۲۲
پیوست (۱۲): وبگاه شخصی و شبکه‌های اجتماعی	۲۲۶

گفتگو

سلام آقای دکتر. سال نو را به شما تبریك می‌گویم. سپاسگزارم که دعوت من را برای انجام این گفتگو پذیرفتید. لطفا در آغاز خودتان را برای افرادی که کمتر با شما آشنا هستند معرفی بفرمایید.

من هم خدمت شما و خوانندگان گرامی این گفتگو سلام عرض می‌کنم. سال نو را به شما و این عزیزان تبریك می‌گویم[1]. امیدوارم همگی تندرست باشید. از شما هم برای انجام این گفتگو سپاسگزارم. محسن قاسمی هستم. از دی ۱۳۹۲ به عنوان دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران و مدیر اجرایی مجله حسابدار (نشریه انجمن) در خدمت حسابداران عزیز بوده‌ام. از اردیبهشت ۱۳۹۷ هم با حفظ سمت دبیرکل انجمن، سردبیری مجله حسابدار هم به من واگذار شد.

۱- این گفتگو فروردین ۱۴۰۰ در محل انجمن حسابداران خبره ایران انجام شد.

روز چهارشنبه، ۹ آذر ۱۳۵۶، مصادف با عید غدیر آن سال[۲] در محله امامزاده عبدالله (غرب تهران) متولد شدم. اینطور که مادرم تعریف می‌کند، در ساعات پایانی منتهی به تولد من مشکلی پیش آمده بود که پزشك ایشان نگران خفگی جنین شده بود. مادرم این را که می‌شوند، همانجا نذر می‌کند اگر من زنده به دنیا بیایم، نام من را به نیت فرزند سقط‌شده حضرت زهرا (س)، محسن بگذارد. من دومین فرزند و پسر بزرگ خانواده هستم. به جز برادرم که در رشته مهندسی مکانیك (فوق‌لیسانس دانشگاه تهران) تحصیل کرد، و الان هم در یك شرکت معتبر در استرالیا در همین زمینه کار می‌کند، من و سه خواهرم در رشته حسابداری تحصیل کردیم. از این نظر می‌شود گفت خانواده حسابدارپروری هستیم [خنده]. یك خواهرم تا مقطع دکتری حسابداری در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و خواهر دیگرم تا مقطع فوق‌لیسانس مالی (Finance) در دانشگاه علامه طباطبایی ادامه تحصیل دادند.

تا سال اول مقطع راهنمایی (نظام قدیم) را در مدارس همان محله گذراندم. بعدا، به همراه خانواده به خیابان جمهوری اسلامی بین چهارراه مخبرالدوله و میدان بهارستان نقل مکان کردیم. به این ترتیب، مابقی مقطع راهنمایی را در مدرسه بهبهانی (محله سرچشمه) و دبیرستان را در مدرسه نمونه مردمی شهید باهنر (انتهای کوچه ممتاز) گذراندم. آن مدرسه پیش از انقلاب به عنوان دبیرستان دانشگاه ملی (شهید بهشتی فعلی) تاسیس شده بود و جزو

۲- ۱۸ ذیحجه ۱۳۹۷هـ.ق.

دبیرستانهای ممتاز منطقه دوازده و تهران بود. آن سال که من در آن دبیرستان نام‌نویسی کردم، خانواده ما به محله یوسف‌آباد نقل مکان کردیم. ولی من همچنان تمام چهار سال دبیرستان را، با اینکه مسیر رفت و آمدم خیلی طولانی شده بود، در همان دبیرستان گذراندم.

در دوران کودکی دوست داشتید چکاره بشوید؟

نسل ما نسل کودکان دوران جنگ بود. به همین دلیل، در دوران کودکی ما از هر ده پسری که می‌پرسیدید: «دوست داری چیکاره بشی؟» تعداد زیادی پاسخ می‌دادند: «خلبان!» من هم از این قاعده مستثنی نبودم. چون در دوران کودکی ما خلبانان قهرمانان ملی بودند. البته همیشه هستند. ولی آن زمان چون ما در دل جنگ بودیم، این را بیشتر ادراك می‌کردیم. فیلم سینمایی بسیار زیبای **عقابها** ساخته زنده‌یاد ساموئل خاچیکیان هم که انصافا همه ما را تحت تاثیر قرار داده بود و به‌اصطلاح هوایی کرده بود. ولی چند سال که گذشت، من به شدت علاقه‌مند به کار روی کشتی شدم. آن زمان، صمیمی‌ترین و نزدیکترین دوستم پسرعمویم بود که حدود یك سال از من کوچکتر بود. در همسایگی آنان خانواده‌ای ساکن بود که پسرشان مهندسی دریا (دریانوردی) خوانده بود و در شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران کار می‌کرد. از زمانی که من درباره او شنیده بودم که مدام در حال سفر در دریاها و اقیانوسهاست، و تقریبا همه بنادر جهان را دیده است، با تمام وجود دوست داشتم من هم این زندگی را انتخاب کنم. اینطور شد که در مقطع متوسطه رشته ریاضی و فیزیك را انتخاب کردم، و تمام چهار

سال دبیرستان را به عشق پذیرش در آن رشته گذراندم. در همان اولین سال شرکت در کنکور سراسری هم در همان رشته **مهندسی دریا – دریانوردی** دانشگاه دریانوردی چابهار پذیرفته شدم. دانشجویان این رشته بورسیه شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران بودند. از این رو، پس از پذیرش اولیه باید آزمایشهای پزشکی مفصل و گزینش‌های متنوع نیروی انسانی آن شرکت را هم با موفقیت پشت سر می‌گذاشتیم. حدود دو هفته‌ای درگیر آن مراحل گزینش بودم و همه آنها را با موفقیت گذراندم. ولی در نقطه پایانی به ما اعلام شد باید تا فلان تاریخ یك وثیقه ملکی در رهن آن شرکت بگذاریم؛ و تا زمانی که در خدمت آن شرکت هستیم آن ملك باید در وثیقه بماند. آن زمان منزل پدری من در رهن بانك بود. در اقوام و آشنایان هم طبیعی بود که هیچ کس حاضر نبود چنین مدت طولانی ملکش را در رهن بگذارد. اینطور شد که در کمال ناباوری در یك‌قدمی رسیدن به بزرگترین آرزوی زندگیم از آن بازماندم.

بعد از آن، برای چندین ماه تقریبا افسرده شده بودم. دیگر برایم چندان تفاوت نداشت در چه رشته‌ای در دانشگاه تحصیل کنم. ولی از قضای روزگار در همان سال (۱۳۷۴) خواهر بزرگترم که کارمند قوه قضائیه بود، و دیپلم تجربی داشت، تصمیم گرفت در گروه علوم انسانی در کنکور شرکت کند. قصد اولیه‌اش این بود که در رشته حقوق یکی از دانشگاههای تهران پذیرفته شود. ولی بعد از آنها رشته حسابداری دانشگاههای تهران را هم انتخاب کرده بود.

اینطور شد که همان سال در رشته حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی پذیرفته شد؛ و چون دانشکده حسابداری و مدیریت نسبتا به منزل ما نزدیك بود، عصرها که کلاسش تمام می‌شد، من به دنبالش می‌رفتم و با هم به منزل میامدیم. این اولین مواجهه من با رشته حسابداری بود. هر از گاهی هم از روی کنجکاوی کتابهای حسابداری او را تورق می‌کردم و مطالب آن به نظرم جالب میامد. ولی همچنان در اثر حال و هوایی که بچه‌های ریاضی و فیزیك در آن قرار دارند، من هنوز می‌خواستم در یکی از رشته‌های مهندسی ادامه تحصیل بدهم. ولی باز از قضای روزگار، آن سال (۱۳۷۵) برای اولین بار داوطلبان همه گروهها این امکان را پیدا کردند که رشته‌های حسابداری، مدیریت و اقتصاد بازرگانی را هم در انتخاب رشته انتخاب کنند. اینطور شد که من با اینکه در گروه فنی و مهندسی در کنکور شرکت کرده بودم، این امکان را پیدا کردم بعد از رشته‌های مهندسی (عمدتا شیمی، پتروشیمی، و متالوژی) رشته‌های حسابداری و مدیریت دانشگاههای تهران را هم انتخاب کنم. جالب اینکه من هم در همان رشته حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی پذیرفته شدم، و با یك سال اختلاف هم‌دانشگاهی خواهرم شدم. این هم از آن بازیهای جالب روزگار است.

البته همان سال من دو رشته مهندسی مکانیك و مهندسی عمران دانشگاه افسری امام علی (ع) را هم انتخاب کرده بودم. بعد از یك ترم تحصیل در دانشکده حسابداری و مدیریت، نتیجه آن دانشگاه هم اعلام شد، و من جزو پذیرفته‌شدگان اولیه هر دو رشته بودم.

همانطور که قبلا هم عرض کردم، چون بچه‌های ریاضی و فیزیك عمدتا در فضای مهندس‌شدن هستند، آن سال من هم تصمیم گرفتم بروم و در رشته مهندسی عمران دانشگاه افسری تحصیل کنم. البته علاقه‌ای به نظامی‌شدن نداشتم. ولی شنیده بودم که بعد از اتمام تحصیل این امکان وجود دارد که تعهدم را بازخرید کنم و از ارتش بیرون بیایم. به هر حال، اقدامات اولیه را انجام دادم و برای گزینش نهایی رفتم. آنجا باز یك اتفاق جالب پیش آمد. افسر ارشدی که کار مصاحبه با داوطلبان را انجام می‌داد، همان ابتدا که پرونده‌ام را باز کرد، متوجه شد من دانشجوی حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی هستم. به همین دلیل با تعجب پرسید: «چرا میخوای بیایی ارتش؟» گفتم: «چون دوست دارم مهندس بشم!» خندید و گفت: «اینجا در درجه اول نظامی میشی. سی سال هم باید در لباس نظام خدمت کنی.» در پاسخش گفتم: «ولی من شنیدم که می‌تونم خدمتم رو بخرم.» خندید و گفت: «اصلا اینطور نیست!» و با تحکمی دوستانه پرونده‌ام را به سمتم گرفت و گفت: «برو همون حسابداری رو بخون. اگه اینجا میخوای بیایی، باید به کار نظامی علاقه داشته باشی.» من هم که دیدم اینطور می‌گوید، پرونده را گرفتم و بیرون آمدم.

به یاد دارید از چه زمان به حسابداری علاقه‌مند شدید؟ چون فکر می‌کنم شما خیلی به این رشته علاقه دارید.

بله. کاملا درست است. دلیل علاقه‌ام به حسابداری را هم در خلال این گفتگو توضیح می‌دهم. ولی در پاسخ این سوال باید بگویم،

از ترم دوم دانشگاه، حسابداری برایم جدی شد و کاملا به آن علاقه‌مند شدم. حالا چرا یك ترم طول کشید تا این علاقه در من به وجود بیاید؛ دلیلش این بود که آن زمان یك رویه عجیبی در دانشکده ما حاکم بود که، طبق آن، اصول حسابداری ۱ را از ترم دوم می‌توانستیم انتخاب کنیم. من دلیلش را هیچوقت متوجه نشدم. به هر حال، ترم اول فقط یك سری دروس عمومی و پایه داشتیم که طبیعتا علاقه‌ای به حسابداری در ما ایجاد نمی‌کردند. ولی تقریبا از همان جلسات اول کلاس اصول حسابداری ۱ به طور جدی به حسابداری علاقه‌مند شدم. پیش از آن تصور دقیقی از حسابداری نداشتم. ولی در اثر تدریس بسیار حرفه‌ای و هوشمندانه جناب آقای قاسم محبی (حسابدار رسمی، کارشناس رسمی دادگستری) تقریبا همه ما در همان جلسات اول به این رشته علاقه‌مند شدیم. آقای محبی که امیدوارم هر جا هستند سلامت و موفق باشند، روش جالبی برای تدریس اصول حسابداری داشت. ایشان در خلال تجزیه و تحلیل رویدادهای مالی و انجام ثبتهای حسابداری و تهیه صورتهای مالی، مدام به چارچوب مفهومی گزارشگری مالی گریز می‌زد و دلیل انجام هر کاری را از این منظر توضیح می‌داد. این به نظرم بهترین روش برای آموزش اولیه حسابداری است. من خودم هم در سرتاسر دوران تدریسم در دانشگاه این رویه را دنبال کردم. به هر حال، اینطور شد که بدواً در کلاسهای درس ایشان جرقه عشق و علاقه به حسابداری در جانم افتاد، و همچنان در وجودم زنده مانده است. آن سال طوری به حسابداری علاقه‌مند شده بودیم که با دو، سه نفر از دوستان دیگر به طور جدی به فکر راه‌اندازی انجمن

علمی دانشجویی حسابداری در آن دانشکده افتاده بودیم. حتی با الگوبرداری از انجمن علمی دانشجویی فیزیك دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی (که برادر همسر یکی از دوستان عضو آن بود) پیش‌نویس اساسنامه‌ای را هم برای انجمن تهیه کرده بودیم. ولی در گیر و دار کارهای اداری، انجام این کار به فرجام مناسب نرسید.

از دیگر استادان تاثیرگذار بر شما در مقطع لیسانس نام فرد دیگری را دوست دارید ذکر کنید؟

دانشگاه علامه طباطبایی هم قبل از انقلاب، که با عنوان موسسه عالی بازرگانی فعالیت می‌کرد، و هم در تمام سالهای پس از انقلاب تا به امروز، یکی از قطب‌های دانشگاهی حسابداری در ایران بوده است. از این رو، اغلب استادانی که ما داشتیم افراد فرهیخته و از بنامان حسابداری ایران بودند. ولی خب مسلما من افتخار دانشجویی نزد همه این عزیزان را نداشتم. در بین استادانی که افتخار دانشجویی نزد آنان را داشتم، می‌توانم علاوه بر جناب آقای قاسم محبی که اصول حسابداری ۱ و ۲ را نزد ایشان آموختم، از زنده‌یاد دکتر شهریار دیلم صالحی یاد کنم که دروس میانه ۱ و ۲ را نزد ایشان گذراندم. انصافا کلاسهای آن زنده‌یاد هم در شکل گرفتن شخصیت حسابداری ما بسیار تاثیرگذار و مفید بود. حسابداری پیشرفته ۱ را نزد جناب آقای دکتر محمدقسیم عثمانی گذراندم که آن زمان از دانشجویان دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی بود. حسابداری پیشرفته ۲ هم آن سالها در دانشکده ما سرقفلی استاد بزرگوار و فرهیخته جناب آقای دکتر محسن

خوش‌طینت بود که همواره از استادان برجسته گزارشگری مالی تلفیقی بوده‌اند، و یکی از افتخارات من در دوران دانشجوییم این بود که موفق شدم از ایشان که بسیار در نمره دادن سخت‌گیر بودند نمره ۲۰ بگیرم! و این همیشه برایم لذت‌بخش بود. اصول حسابرسی۱ را با استاد بزرگوار جناب آقای دکتر کیهان مهام گذراندم. ایشان هم آن زمان دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی بود. اصول حسابرسی۲ را نزد استاد بزرگوار جناب آقای دکتر یحیی حساس یگانه گذارندم. دروس حسابداری صنعتی (حسابداری بها) ۱ و۲ و۳ را هم به ترتیب نزد استادان بزرگوار جنابان آقایان دکتر موسی بزرگ‌اصل، دکتر محمدعلی اکباتانی و سیروس گوهری گذراندم. آن زمان دکتر بزرگ‌اصل هم از دانشجویان دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی بود. همزمان هم در حال گذراندن دوره ACCA بود. من اولین بار درباره ACCA سر کلاس درس و از زبان ایشان شنیدم. الان که به این فهرست اسامی نگاه می‌کنم برایم جالب است که این عزیزان آن زمان در مقطع لیسانس حسابداری به ما آموزش می‌دادند. البته شخصا همین رویه را درست می‌دانم. به عنوان مثال، اهمیت تدریس اصول حسابداری۱ در مقطع لیسانس به مراتب بیشتر از اهمیت تدریس تئوری حسابداری در دوره دکتری است. چراکه پایه و زیربنای فکری حسابداران را شکل می‌دهد. ولی به هر حال، در پی انفجار تحصیلات تکمیلی در دوره‌های فوق‌لیسانس و دکتری حسابداری، به مرور رویه‌ای در دانشگاههای ما شکل گرفت که دانشجویان لیسانس از آموزش استادان کارکشته و ممتاز محروم شدند.

آقای دکتر من و بسیاری از مخاطبان آثار شما، از قلم و از زبان شما خوانده و شنیده‌ایم که ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی حسابداری بیراهه است. شما خودتان چطور شد تصمیم به ادامه تحصیل گرفتید؟

نقل قولتان از نوشته‌ها و گفته‌های من در این ارتباط دقیق نیست! خیلی وقتها دلیل دلخوری خیلی از عزیزان از من به خاطر همین نقل قولهای نادقیق است. من هر جا درباره تحصیلات تکمیلی حسابداری گفته و نوشته‌ام، موضوع را به این شکل طرح کرده‌ام که ادامه تحصیل دانشگاهی در مقاطع تحصیلات تکمیلی حسابداری (فوق‌لیسانس و دکتری) با هدف پیشرفت در کار حرفه‌ای نادرست و بیراهه است. اینجا یك قید مهم وجود دارد: **با هدف پیشرفت در کار حرفه‌ای**. این چیزی نیست که ادعای من باشد. این رویه‌ای است که در جهان وجود دارد. در هیچ حرفه توسعه‌یافته حسابداری در جهان نمی‌توانید موردی را پیدا کنید که راه پیشرفت افراد حرفه‌ای از تحصیلات تکمیلی دانشگاهی بگذرد. محال ممکن است. من قبل از آنکه به عنوان دبیرکل به انجمن حسابداران خبره ایران بیایم، حدود دوسال درباره انجمنها و نهادهای حسابداری در جهان مطالعه می‌کردم که حاصل آن در سلسله مقالات **آشنایی با نهادهای حسابداری** در مجله حسابدار (خرداد ۱۳۹۱ تا اردیبهشت ۱۳۹۲) منتشر شد[۳]. بعد از آنهم به دلیل علاقه شخصی و جایگاه شغلیم همیشه روند حرفه حسابداری در جهان، به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، را دنبال

۳- **پیوست (۱): مقاله‌ها** را ببینید.

کرده‌ام. یعنی می‌توانید به شناخت من از حسابداری جهان اعتماد کنید. حتی دوستانی که نمی‌توانند اعتماد کنند هم خودشان می‌توانند بروند مطالعه کنند. مجددا به ضرس قاطع عرض می‌کنم، در هیچ حرفه توسعه‌یافته حسابداری در جهان نمی‌توانید موردی را پیدا کنید که راه پیشرفت افراد حرفه‌ای از تحصیلات تکمیلی دانشگاهی بگذرد. در این کشورها انجمنها و نهادهای حرفه‌ای حرف اول و وسط و آخر را در حسابداری (شامل همه شاخه‌های تخصصی آن) می‌زنند. به همین دلیل، تنها راهی که در این کشورها برای ورود و پیشرفت افراد در زمینه‌های تخصصی مختلف حسابداری وجود دارد، از مسیر حرفه‌ای است؛ نه دانشگاهی.

در انگلستان و کشورهای مشترك‌المنافع (ولز، اسکاتلند، ایرلند، استرالیا، کانادا، هند،...) پرورش حسابداران حرفه‌ای از همان نقطه آغاز از مسیر انجمنهای حرفه‌ای است. یعنی افراد علاقه‌مند به ورود به حرفه حسابداری، پس از دیپلم دبیرستان یا کالج، وارد دوره‌های حرفه‌ای حسابداری نزد انجمن‌هایی همچون **انجمن حسابداران چارترد انگلستان و ولز** (ICAEW)، **انجمن حسابداران رسمی چارترد** (ACCA)، **انجمن حسابداران مدیریت چارترد** (CIMA)،... می‌شوند، و پس از گذراندن این دوره‌ها و عضویت در این انجمنهای حرفه‌ای، به عنوان حسابداران حرفه‌ای گواهی‌شده از سوی این انجمنهای حرفه‌ای وارد حرفه حسابداری می‌شوند. در کشورهای دیگر (از جمله، امریکا) نیز افراد فقط مبانی حسابداری را در سطح لیسانس حسابداری در دانشگاهها آموزش می‌بینند. سپس، برای

ورود به حرفه و پیشرفت حرفه‌ای ناچارند شرایط دریافت حداقل یك گواهینامه حرفه‌ای و عضویت در انجمن حرفه‌ای صادرکننده آن گواهینامه را احراز کنند. ما در ایران، در هیچ دوره تاریخی انجمنهای حرفه‌ای قدرتمند در حسابداری نداشتیم. ولی تا دلتان بخواهد رشته حسابداری در دانشگاهای ما توسعه کمی پیدا کرده است. به همین دلیل، تنها مسیر در دسترس برای توسعه فردی حسابداران در ایران راه تحصیلات تکمیلی دانشگاهی بوده است. البته نه اینکه ما توان ایجاد انجمنهای حرفه‌ای قدرتمند را نداشته‌ایم. بلکه شرایط کشور و اقتصاد ایران طوری بوده است که انجمنهای حرفه‌ای حسابداران نتوانسته‌اند قدرت پیدا کنند. اینطور شده است که در حسابداری ایران تحصیلات تکمیلی دانشگاهی رشد سرطانی پیدا کرده است. این ابداً توهین به دانشگاهها نیست. عین واقعیت است. در بدن انسان یا هر موجود زنده‌ای وقتی مجموعه‌ای از سلولها رشد غیرعادی پیدا می‌کنند، به این عارضه اصطلاحا **سرطان** گفته می‌شود. در حسابداری ایران چنین رشد غیرعادی در تحصیلات تکمیلی دانشگاهی رخ داده است. به طوری که حتی حیات کل حسابداری ایران را تهدید می‌کند. چون در کشورهای توسعه‌یافته همه خوراك آموزشی دانشگاهها حتی در نظری‌ترین مباحث حسابداری توسط حرفه و نهادهای حرفه‌ای تامین می‌شود. اصلا نظری‌تر از تئوری‌های حسابداری مگر داریم؟ ریشه همه مباحثی که در تئوری‌های حسابداری مطرح می‌شوند در نشریات انجمن حسابداران رسمی امریکا (AICPA) است. منبع همه آموزشها و مباحث دانشگاهی حسابداری هم در

استانداردهای حسابداری و حسابرسی و سایر نشریاتی است که همگی آنها محصول انجمنها و نهادهای حرفه‌ای هستند. چرا ما با اینکه یکی از قدیمی‌ترین تمدنها و یکی از باسابقه‌ترین حسابداری‌های جهان را داریم، ولی در سطح بین‌المللی حرفی برای گفتن نداریم؟ چون نهادها و انجمنهای حرفه‌ای قدرتمند حسابداری نداریم. یا دقیق‌تر بخواهم بگویم، چون شرایط حکمرانی و شرایط اقتصادمان به گونه‌ای بوده که شرایط قدرتمندشدن نهادها و انجمنهای حرفه‌ای حسابداری در ایران فراهم نشده است. این تمام حرفی است که من در تمام این سالها در هر جا که فرصتی فراهم بوده است گفته‌ام و نوشته‌ام.

اما در پاسخ سوالتان که پرسیدید چرا خودم در مقاطع تحصیلات تکمیلی ادامه تحصیل دادم، یك دلیل مشخص و نسبتا مضحك داشت؛ و آنهم برای به تعویق انداختن خدمت نظام وظیفه بود! تعداد قابل توجهی از پسران دلیلشان برای ادامه تحصیل همین است. اساسا ما اعتقاد راسخی به ضرب‌المثل «از این ستون به آن ستون فرج است» داریم! [خنده] سالی که من طبق روال عادی می‌توانستم از مقطع لیسانس دانش‌آموخته شوم، ناگهان امکان خرید خدمت نظام وظیفه لغو شد. به همین دلیل، در ترم آخر چند واحد درسی را حذف کردم، ترم بعد را هم مرخصی تحصیلی گرفتم، تا بتوانم خودم را برای کنکور فوق‌لیسانس آماده کنم؛ که به خدمت سربازی نروم! پیش از آن به هیچ‌وجه چنین قصدی نداشتم. به همین دلیل، برای شرکت در کنکور فوق‌لیسانس آن سال اصلا آمادگی نداشتم.

بنابراین در کنکور آن سال حتی نام‌نویسی هم نکردم. آن زمان (سال ۱۳۸۰) فقط دانشگاههای علامه طباطبایی، تهران، شهید بهشتی، تربیت مدرس، الزهرا، شیراز، شهید چمران (اهواز) و واحدهای علوم و تحقیقات و تهران مرکز دانشگاه آزاد اسلامی در مقطع فوق‌لیسانس حسابداری دانشجو می‌پذیرفتند. ظرفیت پذیرش همه این دانشگاهها هم مجموعا کمتر از صد دانشجو در سال بود. به همین دلیل، قبولی در مقطع فوق‌لیسانس حسابداری کار بسیار دشوار و در نظر اغلب دانشجویان قریب به محال بود.

ولی به هر حال من تصمیم گرفته بودم بخت خودم را امتحان کنم. خوشبختانه همان سال، یکی از همکلاسی‌هایم رتبه چهارم کنکور سراسری فوق‌لیسانس حسابداری شد. از این نظر هم راهنمای خوبی بود که چه منابعی را بخوانیم؛ هم امید به قبولی را در دل ما زنده کرده بود. آن سالها یك تصوری در بین دانشجویان حسابداری وجود داشت، مبنی بر اینکه هر کسی زبان تخصصیش ضعیف باشد نمی‌تواند در کنکور فوق‌لیسانس موفق شود. جالب اینکه آن دوستمان زبان تخصصی را کلا سفید داده بود. با این حال رتبه چهارم کنکور شده بود. این برای همه هم‌دوره‌ای‌های ما خیلی امیدبخش بود. اتفاقا من هم سال بعد با همان روش خودم را برای کنکور آماده کردم، و من هم زبان تخصصی را سفید دادم (هیچ تستی را نزدم) و من هم رتبه چهارم کنکور سراسری و رتبه دوم کنکور دانشگاه آزاد اسلامی شدم!

یك نکته دیگر هم آن زمان وجود داشت که به نظرم قابل توجه است. آن سالها به دلیل اینکه قبولی در مقاطع تحصیلات تکمیلی حسابداری بسیار دشوار بود، داشتن مدارك دانشگاهی مقاطع تحصیلات تکمیلی یك کارکرد جانبی پیدا کرده بود؛ کارفرمایان با اینکه بعضا می‌دانستند در مقطع تحصیلات تکمیلی حسابداری مهارت و دانش کاربردی افزون‌تری (نسبت به لیسانس) به افراد آموزش داده نمی‌شود، ولی فرض می‌کردند با توجه به دشوار بودن ورود افراد به این مقاطع، قاعدتا دانش‌آموختگان این مقاطع افراد باهوش‌تر و شایسته‌تری هستند؛ همین! و متاسفانه همین کارکرد جانبی رفته‌رفته موجب شد تا سایر دانش‌آموختگان لیسانس حسابداری هم برای اینکه از این قافله عقب نمانند و شایستگی خود را به کارفرمایان اثبات کنند به دنبال تحصیلات تکمیلی بروند. مثلا، در بانکها و شرکتهای بزرگ طبق یك قاعده نانوشته رفته‌رفته این رویه غلط جاافتاد که صرفا از دانش‌آموختگان دکتری حسابداری برای انتصاب در سمت ارشدترین فرد مالی استخدام کنند! حسابداران حرفه‌ای صلاحیت‌دار وقتی با این رویه عجیب و غریب مواجه شدند، با اینکه می‌دانستند تحصیلات تکمیلی دانشگاهی هیچ دانش و مهارت قابل توجهی به آنان اضافه نمی‌کند، ولی برای اینکه مزیت رقابتی خود را حفظ کنند به دنبال گرفتن مدارك فوق‌لیسانس و دکتری حسابداری رفتند. از آن طرف، دانشگاهها هم وقتی با این سیل متقاضیان تحصیلات تکمیلی مواجه شدند، سال به سال ظرفیت پذیرش خود را بالاتر و بالاتر بردند. به همین پوچی و عبثی! واقعا باورنکردنی است که ما طی سالیان

دراز گذشته چه منابع هنگفتی را در این دور باطل به هدر داده‌ایم و هیچ نفع مشخصی هم در سطح ملی و در حرفه حسابداری عایدمان نشده است. در صورتیکه اگر بنگاههای بزرگ اقتصادی ما به جای اهمیت دادن به مدارك دانشگاهی به گواهینامه‌های حرفه‌ای داخلی و بین‌المللی بها می‌دادند، به همین نسبت می‌توانستند موجب توسعه این گواهینامه‌های حرفه‌ای در کشور شود.

در طرح این مباحث نگران دلخوری دانشگاهیان نیستید؟

خیر. چون بحث منافع ملی و توسعه پایدار حرفه حسابداری ایران مطرح است. ما باید یاد بگیریم در مواردیکه پای منافع ملی و منافع عمومی در میان است، تعارف را کنار بگذاریم و صریح باشیم. در ارتباط با موضوعات موثر بر منافع ملی دلخوری آدمها کوچکترین اهمیتی ندارد. اینکه ما هیچکدام نمی‌خواهیم در هیچ زمینه‌ای هزینه بدهیم، ولی همگی انتظار داریم همه امور اصلاح شود، غیرممکن است. اگر من این حرف را نگویم، فلان دوست هم نگوید، آن دیگری هم نگوید، خب پس چطور قرار است رویه‌های غلط اصلاح شود. اتفاقا تعداد منتقدان هر اندازه بیشتر شود، هزینه هر منتقد پایین‌تر میاید. ما اگر می‌خواهیم حرفه حسابداری توسعه‌یافته و حسابداران حرفه‌ای توانمند و بین‌المللی داشته باشیم، راه آن از دانشگاهها نمی‌گذرد. حتی اگر همه حسابداران ایران هم مثلا دکتری حسابداری از دانشگاه علامه طباطبایی داشته باشند، باز حرفه حسابداری ما توسعه نخواهد یافت. ما باید حرفه‌ایگری را در حسابداری ایران ترویج کنیم.

درست می‌فرمایید. آثار شما نشان می‌دهند که در انتقاد کردن صریح هستید. یکی دیگر از زمینه‌هایی که صراحتا آن را مورد نقد قرار داده‌اید بحث دولتی‌کردن حرفه حسابداری ایران بوده است که در جای خودش به آن می‌پردازیم. ولی در اینجا برای اینکه بیشتر با زندگی شما آشنا شویم، لطفا بفرمایید از چه زمانی کار حرفه‌ای را شروع کردید؟

در زمان تحصیل من در مقطع لیسانس چون تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان حسابداری در مقایسه با امروز بسیار کمتر بود، اغلب دانشجویان از همان دوران دانشجویی در موقعیتهای شغلی مناسبی مشغول به کار می‌شدند. مثلا، تعداد زیادی از هم‌دانشگاهیان من در واحدهای حسابداری شرکتهای بزرگ یا در موسسات حسابرسی معتبر و خوشنام مشغول به کار بودند. من از پایان سال دوم دانشگاه (تابستان ۱۳۷۷)، ابتدا حدود یك سال و چند ماه به عنوان کمك حسابدار در شرکت یکی از دوستان پدرم مشغول به کار شدم. بعدا هم با توصیه‌نامه استاد بزرگوار جناب آقای دکتر علی پارسائیان به استاد عزیزم جناب آقای دکتر عباس هشی، به موسسه حسابرسی بهمند رفتم، و تا پایان مقطع لیسانس در آن موسسه مشغول به کار حسابرسی بودم. آن زمان (سال ۱۳۷۸) موسسه بهمند و موسسه هشیار بهمند هر دو در قالب موسسه بهمند فعال بودند. مثل امروز هم جزو موسسات بزرگ، معتبر و خوشنام حرفه حسابداری ایران بود. برای من سابقه کار کردن در این موسسه افتخار بزرگی است، و همیشه خودم را یك **بهمندی** می‌دانم. دوستان علاقه‌مند به تاریخ حسابداری ایران حتما مطلع هستند که، آغاز به

کار موسسات حسابرسی در ایران از دهه ۱۳۴۰ کلید خورد، و یکی از نخستین (و بنا به روایتی، **نخستین**) موسسه حسابرسی ایرانی **موسسه حسابرسی دقیق** بود که توسط زنده‌یاد حسن سجادی‌نژاد و شاهرخ بهنام تاسیس شده بود. موسسه بهمند میراث‌دار موسسه دقیق است. آن زمان که من در آن موسسه کار می‌کردم، هنوز در بایگانی موسسه پرونده‌های حسابرسی موسسه دقیق بود، و این برای من خیلی جالب بود.

اشتغال من در بهمند تا پایان مقطع لیسانس ادامه داشت. آن زمان، چون می‌خواستم با تمام توان در کنکور فوق‌لیسانس شرکت کنم، حدود هشت ماه با موسسه قطع همکاری کردم و تمام‌وقت درس خواندم. البته بعد از کنکور (اسفند ۱۳۷۹) مجددا در موسسه مشغول به کار شدم. تا زمانی که نتیجه کنکور اعلام شد. همانطور که عرض کردم، آن زمان چون زبان تخصصی من و تقریبا همه هم‌دوره‌ای‌هایم ضعیف بود، و در کنکور هم به دلیل محدودیت زمانی از همان ابتدا زبان تخصصی را کنار گذاشته بودم، بنابراین، بعد از قبولی در کنکور تازه متوجه شدم که با چه چالش بزرگی مواجه هستم! من در اولین انتخابم که دانشگاه علامه طباطبایی بود، پذیرفته شده بودم. آن سال اولین سالی بود که آن دانشگاه به پشتوانه گروه حسابداری توانمندنش در دو گروه هشت نفری دانشجوی فوق‌لیسانس حسابداری پذیرش کرده بود. یعنی مجموعا شانزده نفر از پذیرفته‌شدگان آن سال در دانشگاه ما پذیرفته شده بودند. در بین ما از رتبه ۱ تا رتبه ۲۰ کنکور بود. یعنی از بین

بیست نفر اول کنکور فقط چهار نفر دانشگاههای دیگر را انتخاب کرده بودند. به پشتوانه چنین دانشجویان مستعدی، استادان دروس مختلف هم چون فرضشان این بود که توانمندی دانشجویان بالاست، همگی از منابع به زبان اصلی (انگلیسی) برای تدریس استفاده می‌کردند. ضمن اینکه برای هر درس هم ملزم به ترجمه و ارائه یك مقاله مرتبط بودیم. همگی اینها را بگذارید کنار ضعیف بودن زبان من! اینطور شد که ناچار شدم برای بار دوم (و برای همیشه) موسسه بهمند و حسابرسی را ترك کنم. حدود شش ماه هیچ جا مشغول به کار نشدم. بخش قابل توجهی از وقت و انرژیم را صرف تقویت زبان عمومی و زبان تخصصی کردم. اوضاع که قدری بهتر شد و کم کم توانستم گلیمم را از آب بیرون بکشم، یك روز یکی از همکاران سابق بهمند، سرکار خانم رویا مهدی‌زاده (از شرکای فعلی موسسه حسابرسی هشیار بهمند)، که آن زمان در امور مالی سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران (سابق) مشغول به کار بود، به من اطلاع داد که آن سازمان از بین دانشجویان و دانش‌آموختگان فوق‌لیسانس حسابداری دانشگاههای تهران استخدام می‌کند. من تا آن زمان تقریبا هیچ آشنایی با بورس نداشتم. ولی به توصیه موکد ایشان که می‌گفت موقعیت شغلی بسیار مناسبی است، مشتاق استخدام در آن سازمان شدم. فرایند گزینش و استخدام حدود یك ماه طول کشید. خانم مهدی‌زاده هم در گذراندن این فرایند خیلی به من کمك کرد. سرانجام از یکم اسفند ۱۳۸۰ به عنوان کارشناس اداره نظارت بر شرکتها در آن سازمان مشغول به کار شدم. آن زمان هنوز قانون بازار اوراق بهادار جمهوری

اسلامی ایران (آذر ۱۳۸۴) تصویب نشده بود. به همین دلیل، مجموعه بازار سرمایه تحت ضوابط قانون تاسیس بورس اوراق بهادار (اردیبهشت ۱۳۴۵) فعالیت می‌کرد. طبق آن قانون، ارکان بورس عبارت بود از: شورای بورس، هیئت پذیرش اوراق بهادار، هیئت داوری بورس، و سازمان کارگزاران بورس. در واقع، وظایف و کارکردی که امروز سازمان بورس و اوراق بهادار، شرکت بورس اوراق بهادار تهران، شرکت فرابورس ایران، شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، شرکت مدیریت فناوری بورس تهران، و شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه بر عهده دارند (نظارت و عملیات)، در آن زمان، همگی در سازمان کارگزاران متمرکز بود. یکی از مهمترین امور نظارتی هم که آن سازمان بر عهده داشت، و امروز مدیریت نظارت بر ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار بر عهده دارد، نظارت بر فرایند انتشار اطلاعات شرکتهای بورسی بود. یعنی موقعیت شغلی جدیدی که وارد آن شده بودم هم به نوعی از جنس همان خدمات اطمینان‌بخشی بود. البته سازمان کارگزاران و هم‌اینك سازمان بورس هیچگاه چنین اظهاری نکرده‌اند. چون مسئولیت اطلاعات منتشرشده تماما بر عهده مدیران شرکتهای بورسی است. ولی از نظر ماهیتی به نوعی کار اطمینان‌بخشی در این اداره انجام می‌شد.

در آن اداره چه کارهایی انجام می‌دادید؟

ساختار آن اداره بدین شکل بود که از یك مدیر، سه سرگروه، تعدادی کارشناس و تعدادی کارمند اداری تشکیل شده بود. به جز

سه، چهار کارشناس که لیسانس حسابداری و اقتصاد داشتند، مابقی کارشناسان آن اداره یا دانشجو یا دانش‌آموخته فوق‌لیسانس حسابداری از دانشگاههای دولتی تهران بودند. صنایع بورسی بین این سه گروه تقسیم شده بود، و هر کارشناس مسئول شرکتهای بورسی فعال در یك یا چند صنعت بود. من بلافاصله پس از استخدام، مسئول نظارت بر شرکتهای تولیدکننده قند و شکر شدم. یکی، دو ماه بعد هم شرکتهای تولیدکننده سیمان به آنها اضافه شدند. آن زمان به دلیل رونق ساخت و ساز و اجرای طرحهای عمرانی دولت در سرتاسر کشور و تقاضای روزافزون سیمان از کشورهای همسایه یکی از درخشان‌ترین دوران شرکتهای تولیدکننده سیمان در بورس بود. اکثر این شرکتها هم به دلیل آن رشد چشمگیر در مصرف داخلی و خارجی، در حال اجرای طرحهای توسعه بودند؛ و برای تامین مالی آن طرحها برنامه افزایش سرمایه داشتند. بنابراین، یکی پس از دیگری درخواست مجوز افزایش سرمایه آنها به سازمان کارگزاران ارسال می‌شد. آن زمان مسئولیت بررسی این درخواستها بر عهده اداره ما بود. اینطور شد که ظرف همان چند ماه اول ورودم به آن اداره در موقعیتی قرار گرفتم که توانستم به سرعت اعتماد مدیرمان را جلب کنم[۴]. به همین دلیل، حدود شش ماه بعد از استخدامم، وقتی تعداد گروههای آن اداره از سه به پنج افزایش پیدا کرد، من هم با اینکه از بسیاری از کارشناسان آنجا کم‌سن‌تر و کم‌سابقه‌تر بودم، ولی به عنوان یکی از

۴- آن زمان جناب آقای هادی بیدختی، دانش‌آموخته فوق‌لیسانس حسابداری از دانشگاه شهید بهشتی، مدیر اداره نظارت بر شرکتهای سازمان کارگزاران بود.

سرگروهها انتخاب شدم. سایر سرگروهها، امیر حمزه مالمیر (معاون اسبق ناشران و اعضای شرکت بورس اوراق بهادار تهران)، آزاده مداحی (مدیر اسبق اداره نظارت بر حسابرسان معتمد و گزارشگری مالی سازمان بورس و اوراق بهادار)، زنده‌یاد محمدرضا عقیلی، و مهدی حامدیان بودند. جناب آقای دکتر علی صحرایی (مدیرعامل بورس اوراق بهادار تهران) هم آن زمان یکی از همکاران ما در آن اداره بود و به عنوان کارشناس ارشد مستقیما به مدیر اداره گزارش می‌داد. از دیگر همکارانم که در ادارات دیگر آن سازمان خدمت می‌کردند هم می‌توانم به مصطفی امیدقائمی (نخستین مدیرعامل فرابورس ایران، و مدیرعامل فعلی شرکت سرمایه‌گذاری اهداف)، علی سنگینیان (معاون اسبق توسعه و معاون اسبق ناشران و اعضای بورس اوراق بهادار تهران)، علی‌عباس کریمی (معاون توسعه بورس اوراق بهادار تهران)، مجید نوروزی (معاون ناشران و اعضای بورس اوراق بهادار تهران)، شهرام دانشور (مدیر حسابرسی داخلی بورس اوراق بهادار تهران)، طوبی دهقان (مدیر امور ناشران بورس اوراق بهادار تهران)، علی بیك‌زاده میلانی (مدیریت نظارت بر بازار اولیه سازمان بورس و اوراق بهادار)، و مهسا رادفر (رئیس اداره نظارت بر انتشار و ثبت اوراق بهادار بدهی سازمان بورس و اوراق بهادار) اشاره کنم.

تا چه سالی در سازمان کارگزاران مشغول به کار بودید؟

خدمت تمام‌وقتم در آن سازمان تا مهرماه ۱۳۸۴ ادامه داشت. آن دوران جزو بهترین دوران زندگی حرفه‌ایم بود. بورس و بازار

سرمایه از اواخر دهه ۱۳۴۰ در ایران راه‌اندازی شده بود، و دوران درخشانی هم در دهه ۱۳۵۰ داشت. ولی بعد از انقلاب به دلیل ملی‌شدن شرکتها و صنایع مختلف و حاکم شدن دیدگاههای چپگرایانه بر اقتصاد کشور طی دهه ۱۳۶۰ عملا فعالیت خاصی نداشت. تا اینکه بعد از خاتمه جنگ، به مرور از سال ۱۳۶۸ به بعد، با اعمال سیاستهای تعدیلات اقتصادی در دوران ریاست جمهوری مرحوم هاشمی مجددا تلاشهایی برای احیای بورس انجام شد. در اثر آن تلاشها در نیمه اول دهه ۱۳۷۰ مجددا فعالیت بورس رونق گرفته بود. ولی در نیمه دوم آن دهه در پی سقوط قیمت سهام مجددا بورس راکد شده بود. ولی آن چند سالی که من در سازمان کارگزاران خدمت می‌کردم (اوایل دهه ۱۳۸۰) مخصوصا سالهایی که استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حسین عبده تبریزی به عنوان دبیرکل سازمان کارگزاران رهبری بازار سرمایه را بر عهده گرفت، دوران رونق و احیای دوباره بورس بود. ضمن اینکه بسیاری از رویه‌ها و حتی ساختارهای نظارتی و عملیاتی امروزی بورس هم حاصل کارهایی بود که من و همکارانم در آن سالها در سازمان کارگزاران انجام دادیم.

به هر حال، من چون بهمن ۱۳۸۳ از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشدم دفاع کردم، انگیزه‌ای هم برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری نداشتم، به ناچار از آن سازمان استعفا دادم؛ و از دوم آبان ۱۳۸۴ به خدمت نظام وظیفه اعزام شدم. البته بعد از گذراندن دوره حدود یک‌ماهه آموزشی که شبانه‌روزی در پادگان بودم، وقتی در یگان

محل خدمتم در تهران مستقر شدم، مجددا این امکان برایم فراهم شد که به صورت پاره‌وقت به خدمت در سازمان کارگزاران و بعدا سازمان بورس ادامه بدهم.

در کدام نیرو خدمت کردید؟ آن زمان این امکان برایتان فراهم نبود که برای انجام خدمت نظام وظیفه در همان سازمان کارگزاران امریه بگیرید؟

من در امور مالی ستاد مرکزی نیروی انتظامی خدمت کردم. اگر جزئیات را بخواهم بگویم بحث به درازا می‌کشد. ولی خلاصه‌اش این است که تا آخرین روزها در تلاش بودم اتفاق دیگری رقم بخورد. ولی به هر دری که زدم بسته بود. در نهایت، در کمال ناباوری در سن بیست و هشت سالگی و بعد از حدود هشت سال کار کردن، موهایم را با نمره چهار کوتاه کردم، لباس سربازی پوشیدم، آن کوله معروف سربازها را روی دوشم انداختم؛ و در یك صبح بسیار غم‌انگیز که هیچوقت از یادم نخواهد رفت، به پادگان آموزشی نیروی انتظامی حوالی حصارك کرج رفتم.

یگان آموزشی ما از حدود سی و چند پزشك، دندانپزشك، دامپزشك و داروساز و حدود سی و چند فوق‌لیسانس رشته‌های مختلف تشکیل شده بود. در مجموع جو خیلی خوبی بر آن یگان حاکم بود. یك خاطره جالبی هم از آن روزها دارم که به نظرم شنیدنش برای دوستان حسابدار و اعضای انجمن خالی از لطف نیست. آن روزها در آن فضای دلگیر پادگان یکی از دلخوشیها و

تفریحات چند نفری از ما این بود که در گوشه‌ای نسبتا پرت از محوطه پادگان چند دقیقه‌ای دور هم جمع می‌شدیم و سیگار می‌کشیدیم. در یکی از همان شبهای اول که هنوز کامل با یکدیگر آشنا نشده بودیم، هر کداممان شروع کردیم مختصرا خودمان را برای بقیه معرفی کردیم؛ اینکه اهل کدام شهر هستیم و در چه رشته و کدام دانشگاه درس خوانده‌ایم. نوبت به من که رسید و خودم را معرفی کردم، یکی از بچه‌ها با تعجب پرسید: «تو علامه حسابداری خوندی؟!» گفتم: «بله! چطور؟» گفت: «پس حتما باید بابای منو بشناسی!» آنجا برای اولین بار بود که توجه‌ام به نام و نام خانوادگی نوشته‌شده روی پیرهنش جلب شد: «رضا گلستانی!» با تعجب ازش پرسیدم: «تو پسر پرویز گلستانی هستی؟!» سرش را به نشانه تایید تکان داد و با لبخند گفت: «بله!» خیلی برایم جالب بود. رضا با اینکه در رشته پزشکی دانشگاه تهران تحصیل کرده بود، ولی از زمین تا آسمان با همه پزشکان دیگر یگان ما فرق داشت. بسیار متواضع و خاکی بود. من حدود شش سال پیش از آن روزها، درس **حسابداری دولتی** مقطع لیسانس را نزد پدر بزرگوارش، استاد عزیز جناب آقای پرویز گلستانی[۵] گذرانده بودم. این خاطره را داشته باشید. حدود دوازده سال بعد از آن شب، وقتی به عنوان دبیرکل به انجمن آمده بودم، در یکی از مراسم انجمن وقتی استاد

۵- پرویز گلستانی از اعضای برجسته انجمن حسابداران خبره ایران، عضو اسبق کارگروه آموزش انجمن و از بنیانگذاران آموزشهای حرفه‌ای انجمن در اواخر دهه ۱۳۶۰ است. وی در زمان دبیرکلی الهویردی رجایی سلماسی معاون سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران بود. شامگاه یکشنبه، ۲۶ آذر ۱۳۹۶،در یازدهمین سالانه آیین گرامی‌داشت روز حسابدار از یك عمر خدمات ماندگار و مشارکت تاثیرگذار وی به عنوان چهره ماندگار انجمن حسابداران خبره ایران قدردانی شد (خبر کامل).

بزرگوار را دیدم و ایشان من را مورد لطف قرار داد، این خاطره را برایش تعریف کردم. ناگهان چشمانش پر از اشك شد و من را در آغوش گرفت و گفت الان رضا چند سالی است که برای ادامه تحصیل و گرفتن تخصص به خارج از کشور رفته و دلتنگ اوست.

آن زمان فرمانده پادگان آموزشی ما یك سرهنگ فرهیخته بود که خودش در حال گذراندن دوره دکتری در دانشگاه عالی دفاع ملی بود. به همین دلیل به سفارش ایشان با یگان ما بسیار با احترام رفتار می‌شد. خودش هم یك شب خیلی صمیمانه آمد در جمع ما و خیلی به ما ابراز محبت کرد. حدود سه هفته شبانه‌روزی در آن پادگان بودیم. البته چهارشنبه عصر به منزل می‌رفتیم و شنبه صبح اول وقت برمی‌گشتیم. بعد از آن، حدود سه هفته هم به ما مرخصی تشویقی دادند. در نهایت، در پایان دوره آموزشی، با درجه ستوان یکمی (وظیفه) بین یگانهای مختلف تقسیم شدیم. در یگان‌های محل خدمت هم بسیار با احترام با ما رفتار می‌شد. درجه نظامی من از بسیاری از پرسنل کادر (رسمی) یگان محل خدمتم بالاتر بود. آنان به شوخی به من ارتشبد وظیفه می‌گفتند! چون بالاترین درجه نظامی که به نیروهای وظیفه می‌دادند را داشتم. محل خدمتم ستاد مرکزی نیروی انتظامی در منتهی‌الیه شمالی اتوبان کردستان بود. از حدود ساعت شش و نیم صبح تا حدود ساعت یك بعد از ظهر آنجا بودم. با خودروی خودم به آنجا می‌رفتم. لباسهای شخصیم داخل خودرو بود. با لباس نظامی از ستاد بیرون می‌آمدم، و در یك گوشه خلوت لباسهایم را تعویض می‌کردم. بعدش سریع به ساختمان بورس

(خیابان حافظ) می‌رفتم. آن زمان دکتر عبده تبریزی از بورس رفته بود، و دکتر علی صالح‌آبادی، که پیشتر مدیر تالار بورس منطقه‌ای استان البرز (کرج) بود، به عنوان آخرین دبیرکل به سازمان کارگزاران آمده بود. آقای بیدختی هم که قبلا مدیر نظارت بر شرکتها بود، به عنوان معاون عملیاتی ایشان منصوب شده بود. من هم چون مورد اعتماد ایشان بودم، قرار شد یك گروه کارشناسی مستقل زیر نظر مستقیم ایشان تشکیل بدهم و کارهایی که ارجاع می‌داد را انجام دهم. مثلا، در همان روزهای اول یك روزنامه پرمخاطب می‌خواست با دکتر صالح‌آبادی مصاحبه کند. ایشان گفت سوالات را کتبی بفرستند. سوالات را که فرستادند، آنها را به آقای بیدختی داد. او هم برای من فرستاد. من پاسخها را مکتوب به ایشان دادم، و با اندکی اصلاح به عنوان مصاحبه با دبیرکل جدید در آن روزنامه منتشر شد. مدتی که گذشت دو کارشناس هم استخدام کردیم و گروه کارشناسی معاون عملیاتی رسما تشکیل شد. کارشناسان گروه، آقای دکتر مسلم پیمانی و خانم دکتر مریم دولو بودند، که آن زمان هر دو عزیز دانشجوی فوق‌لیسانس بودند. البته بعدا ادامه تحصیل دادند و الان به ترتیب عضو هیئت علمی گروه مالی دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه شهید بهشتی هستند. حدود یك سال به همان ترتیب به صورت پاره‌وقت در سازمان کارگزاران خدمت کردم. تا اینکه در روزهای پایانی سال ۱۳۸۵ در اثر تصادف با یك خودرو، تاندون زانوی پای چپم آسیب دید و به ناچار حدود دو ماه در منزل بودم. بعد از بهبودی نسبی هم

چون هنوز عوارض آن تصادف ادامه داشت، دیگر تا پایان خدمت سربازی به سازمان کارگزاران برنگشتم.

بعد از خدمت دوباره به سازمان بورس برگشتید؟

خیر. دوم تیر **۱۳۸۶** خدمتم تمام شد. از مرداد **۱۳۸۶** به عنوان مدیر امور ناشران (نظارت بر شرکتهای بورسی) به استخدام شرکت بورس اوراق بهادار تهران درآمدم. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران آذرماه **۱۳۸۴** به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در پی آن، سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران منحل شد، و از دل آن، سازمان بورس و اوراق بهادار (سازمان دولتی زیرمجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی) و بورس اوراق بهادار تهران (شرکت سهامی عام) متولد شد. آن زمان چند ماه‌ای بود که دکتر علی رحمانی به عنوان مدیرعامل مامور تاسیس و راه‌اندازی **بورس اوراق بهادار تهران** به عنوان یك شرکت سهامی عام تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار شده بود. ایشان من را از زمان دانشجویم در دوره فوق‌لیسانس به یاد داشت. آن زمان درس مدیریت مالی پیشرفته را نزدشان گذرانده بودم، و چون در سازمان کارگزاران مشغول به کار بودم در یادشان مانده بودم. همکاران سابقم در سازمان کارگزاران، آقای امیدقائمی (که آن زمان رئیس هیئت مدیره شرکت بورس بود) و علی سنگینیان (که معاون دکتر رحمانی بود)، هم من را نزد ایشان تایید کرده بودند. به همین دلیل، با توجه به سابقه خدمتم در مدیریت نظارت بر شرکتهای سازمان کارگزاران، دکتر رحمانی

پیشنهاد کرد مسئولیت مدیریت امور ناشران شرکت بورس را برعهده بگیرم و آن اداره را راه‌اندازی کنم. قبل از پیوستن من به شرکت بورس، ادارات پذیرش ناشران، و امور اعضاء (نظارت بر کارگزاران) زیرمجموعه معاونت ناشران و اعضاء راه‌اندازی شده بودند. حدود یك ماه بعد از من هم دکتر امیر پوریانسب به عنوان معاون ناشران و اعضاء به بورس آمد و مسئولیت هدایت آن سه اداره عملیاتی بورس را بر عهده گرفت. من قبلا در دوران دانشجویی و در دوران خدمت نظام وظیفه هر از گاهی مقالات ایشان را در مجلات حسابداری و روزنامه‌های اقتصادی خوانده بودم، و سبك نوشتاری ایشان همیشه برایم متفاوت و جالب بود. از این رو، آن زمان که متوجه شدم قرار است با ایشان کار کنم خوشحال شدم. ولی هیچوقت فکر نمی‌کردم آشنایی با ایشان چنین تاثیر عمیقی بر دیدگاه من نسبت به حسابداری بگذارد.

درباره کارهایی که طی آن چند سال در شرکت بورس انجام دادید مختصرا توضیحاتی بفرمایید.

آن سالهای اول راه‌اندازی سازمان بورس و شرکت بورس، قرار اولیه بر این بود که امور نظارتی و ضابطه‌گذاری در سازمان بورس انجام شود، امور عملیاتی هم در شرکت بورس انجام شود. به همین دلیل، خیلی زود معاونت بازار، معاونت توسعه، مدیریت پذیرش، مدیریت امور اعضاء، و مدیریت بورسهای منطقه‌ای به شرکت بورس واگذار شد. ولی فرایند انتقال مدیریت امور ناشران (نظارت بر شرکتهای بورسی) که به نوعی قدرتمندترین بازوی نظارتی سازمان

کارگزاران بود، دچار تفسیر به رای مدیران آن زمان سازمان بورس شد. یعنی به رغم آنکه در نمودار سازمانی شرکت بورس راه‌اندازی این اداره مصوب شده بود؛ ولی پای اجراء که رسید، مدیران سازمان بورس زیر بار انتقال این بخش از کارها نرفتند. در نهایت، پس از پیگیریهای فراوان من تنها کاری که از مدیریت نظارت بر ناشران سازمان بورس به مدیریت امور ناشران شرکت بورس واگذار شد، امور مربوط به طبقه‌بندی شرکتهای پذیرفته‌شده در بازارها و تابلوهای مختلف بورس بود. این در واقع نقطه شروع شکل‌گیری آن اداره بود. ولی به مرور ما خودمان شروع به انجام کارهایی کردیم که اتفاقا جزو اقدامات تاثیرگذار شرکت بورس در آن دوران به شمار می‌آیند. آن سالها با توجه به اینکه قانون بازار اوراق بهادار به تازگی تصویب شده بود، در ساختار بازار سرمایه نیاز به ضابطه‌گذاری تکمیلی در اغلب زمینه‌ها احساس می‌شد. از این رو، من و همکارانم در مدیریت امور ناشران تحت هدایت و راهنمایی دکتر پوریانسب شروع به انجام مطالعه در چند زمینه مشخص کردیم که خروجی نهایی همه آنها پیشنهاد دستورالعملهایی به سازمان بورس بود که به جز یك مورد همگی آنها به تصویب رسیدند و لازم‌الاجراء شدند.

اولین مورد، بحث بسیار مهم **Investor Relations** یا **IR** بود که ما برای اولین بار معادل **روابط سرمایه‌گذاران** را برای آن استفاده کردیم، و خوشبختانه الان این اصطلاح در ادبیات مالی ایران جا افتاد. آن زمان که ما مطالعه در این زمینه را آغاز کردیم، در هیچکدام از

بورسهای منطقه غرب آسیا برای این زمینه تخصصی ضوابطی وجود نداشت. نخستین کاری که ما انجام دادیم، ترجمه رهنمود روابط سرمایه‌گذاران بورس مالزی (توسط من و دکتر پوریانسب) بود که توسط انتشارات شرکت بورس منتشر شد[۶]. ترجمه یك کتاب قطورتر هم به دکتر علی پارسائیان سفارش دادیم. نهایتا، بر مبنای آنها من پیش‌نویس **دستورالعمل روابط سرمایه‌گذاران شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران** را تنظیم کردم و برای تصویب نهایی به سازمان بورس ارسال کردم. بسیاری از مسائل و مشکلاتی که سهامداران شرکتهای بورسی در تمام این سالها با آنها مواجه بوده‌اند، ریشه‌اش در نداشتن ضوابط لازم‌الاجرای روابط سرمایه‌گذاران بوده است. ولی متاسفانه این دستورالعمل هیچگاه از سوی سازمان بورس تصویب نشد. من هم هیچوقت دلیل آن را متوجه نشدم. شخصا اعتقاد دارم اگر این اتفاق میفتاد بسیاری از مسائل و مشکلات سهامداران مرتفع می‌شد. جالب اینجاست که این پیش‌نویس هنوز هم روی **وبگاه سازمان بورس** در دسترس است.

دومین مورد، تنظیم پیش‌نویس **دستورالعمل انضباطی ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران** بود که با الگوبرداری از ضوابط مشابه شماری از بورسهای پیشرفته جهان تنظیم کردم و برای تصویب نهایی به سازمان بورس فرستادم. در آن پیش‌نویس اخذ جرایم نقدی از متخلفان بازار اوراق بهادار هم پیش‌بینی شده بود، ولی در

۶- **روابط سرمایه‌گذاران در عرصه عمل**، رهنمود بورس مالزی، ترجمه امیر پوریانسب و محسن قاسمی، انتشارات شرکت بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۷

ویرایش نهایی حذف شد. جرح و تعدیلات نسبتا گسترده‌ای بر آن پیش‌نویس اعمال شد. طوری که حاصل نهایی با پیش‌نویس پیشنهادی من خیلی فاصله داشت.

سومین مورد، بحث باز بسیار مهم Corporate Governance یا CG بود که ما در شرکت بورس از معادل **راهبری شرکتی** برای آن استفاده می‌کردیم. برای این موضوع هم من و دکتر پوریانسب ابتدا آیین‌نامه راهبری شرکتی شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس مالزی را ترجمه و منتشر کردیم. سپس، با الگوبرداری از آن آیین‌نامه که **مبتنی بر اصول** (principle based) بود، یك دستورالعمل مبتنی بر اصول برای شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تنظیم کردیم و برای تصویب نهایی به سازمان بورس فرستادیم. آن زمان، من به نمایندگی از شرکت بورس در جلساتی که در سازمان بورس برای تصویب نهایی آن دستورالعمل تشکیل می‌شد حضور پیدا می‌کردم. ولی متاسفانه آن دستورالعمل به رغم آنکه مبتنی بر اصول بود و به راحتی در بازار سرمایه ایران قابلیت اجرا داشت، آن سالها به تصویب نرسید. حدود ده سال بعد، یك دستورالعمل **مبتنی بر قاعده** (rule based) با عنوان **دستورالعمل حاکمیت شرکتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران** (۲۷ تیر ۱۳۹۷) با اعمال تغییرات گسترده در آن پیش‌نویس اولیه، مصوب شد؛ که به دلیل تعارضات گسترده با سایر قوانین و مقررات تا کنون به طور کامل به اجرا در نیامده است.

و چهارمین مورد، مطالعه در زمینه کنترل داخلی بود که خوشبختانه به‌خوبی به سرانجام رسید. آن زمان تازه چند سالی بود که از رسوایی‌های مالی بزرگ در امریکا (انرون، وردکام، آرتور اندرسن و...) می‌گذشت؛ و یکی از بحث‌های مطرح در سطح بین‌المللی مباحث مربوط به قانونگذاری در امریکا در زمینه‌های راهبری شرکتی و کنترل داخلی بود. از این رو، من در مدیریت امور ناشران با الگوبرداری از چارچوب یکپارچه کنترل داخلی COSO، بخش ۴۰۴ قانون ساربنز آکسلی (SOX)، و استاندارد شماره ۵ هیئت نظارت بر حسابداری شرکتهای عام (PCAOB) (که آن را هم من به همراه دکتر پوریانسب و محمد قربانی ترجمه کردیم و از طریق انتشارات بورس چند بار تجدید چاپ شد[۷]) پیش‌نویس **دستورالعمل کنترلهای داخلی برای شرکتهای پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران** را تنظیم کردم و برای تصویب نهایی به سازمان بورس فرستادم. این دستورالعمل ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۱ به تصویب سازمان بورس و اوراق بهادار رسید و از آن تاریخ رعایت آن برای همه شرکتهای بورسی و فرابورسی لازم‌الاجراست.

تصویب این دستورالعمل ماجرای جالبی دارد که ذکر آن در اینجا برای خوانندگان و برای ثبت در تاریخ خالی از لطف نیست. آن زمان ما در مدیریت امور ناشران به طور همزمان دو پروژه تنظیم

۷- **استاندارد حسابرسی شماره ۵: حسابرسی کنترل داخلی حاکم بر گزارشگری مالی که با حسابرسی صورت‌های مالی یکپارچه می‌شود**، محسن قاسمی، امیر پوریانسب، محمد قربانی، انتشارات بورس (وابسته به شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس)، ۱۳۹۱.

پیش‌نویس دستورالعمل راهبری شرکتی و تنظیم پیش‌نویس دستورالعمل کنترل داخلی را پیش می‌بردیم. اتفاقا با توجه به ماهیت موضوع، بحث کنترل داخلی در اولویت دوم بود. چون یکی از اجزای راهبری شرکتی است. تا اینکه آن زمان بحث تقلب موسوم به اختلاس سه هزار میلیارد تومانی رسانه‌ای شد. یك سر آن تقلب در بانك صادرات ایران بود؛ که یکی دو سالی بود در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شد. از این رو، وزیر وقت اقتصاد (شمس‌الدین حسینی) در نامه‌ای به رئیس وقت سازمان بورس (علی صالح‌آبادی) تکلیف کرد که سریعا در زمینه کنترل داخلی ضوابطی در بورس وضع شود. چون همکاران من در سازمان بورس (دکتر سیدعلی حسینی و خانم دکتر مداحی) می‌دانستند ما در امور ناشران شرکت بورس مطالعاتی را در این زمینه در دست انجام داریم، از من خواستند سریعا آن را نهایی و به سازمان بورس ارسال کنم. اینطور شد که من شخصا یکی، دو روز وقت گذاشتم و حاصل کار را در قالب پیش‌نویس آن دستورالعمل تنظیم و ارسال کردم. نهایتا هم آن پیش‌نویس با اعمال اصلاحات جزئی به تصویب سازمان بورس رسید. یکی از تاثیرات ماندگار این دستورالعمل راه‌اندازی کمیته‌های حسابرسی و واحدهای حسابرسی داخلی در شرکتهای بورسی و فرابورسی است، که از ارکان اصلی راهبری شرکتی به شمار می‌آیند.

تا چه سالی در شرکت بورس بودید؟ و اینکه بفرمایید چرا از آن مجموعه جدا شدید؟

من تا اواسط سال **۱۳۸۹** در شرکت بورس بودم. دلیل اصلی جداییم هم تغییر مدیریت ارشد آنجا بود. دکتر رحمانی سال **۱۳۸۷** شرکت بورس را ترك کرد. همزمان با وی دکتر عبدالرضا تالانه (معاون پشتیبانی) هم استعفاء داد. دکتر پوریانسب هم چند ماه بعد رفت. شرکت بورس در آن سالهای نخست عملا تحت تفکر این سه عزیز رهبری می‌شد. محورهای اصلی تفکرشان هم این بود که ما مبتنی بر رویه‌ها و الگوهای متداول در بورسهای پیشرفته جهان، یا دست‌کم بورسهای کشورهای در حال توسعه (مثلا، مالزی، ترکیه،...)، زیرساختها و ضوابط مورد نیاز بورس را تنظیم و تدوین کنیم، و عملیات بازار را به ساز و کارهای بازار بسپاریم. دکتر رحمانی و تیم همراهش نگاه ویژه‌ای هم به بین‌المللی‌کردن بورس و کارکنان آن داشتند. در دوره مدیریت این عزیزان ما در مجامع بین‌المللی حضور فعال داشتیم. مثلا، خود من در آن سالها دو بار به نمایندگی از بورس تهران در مجمع سالانه **فدراسیون بورسهای سهام اروپایی–آسیایی**[۸] (اولی در باکو و دومی در استانبول) شرکت کردم. یك بار هم در اجلاس سالانه **شبکه بین‌المللی راهبری شرکتی**[۹] در سئول شرکت کردم. در آن سفر چون به طور ترانزیت چند ساعت هم در دوحه اقامت داشتیم، از بورس دوحه هم بازدید کردیم. در سئول هم از بورس آنجا بازدید کردیم. در همه این ماموریتها هم هر بار به همراه چند نفر از مدیران و کارشناسان ادارات مختلف شرکت بورس و سازمان بورس بودیم. حتی یکبار تعداد قابل توجهی (حدود بیست، سی نفر) از کارشناسان شرکت

۸ - The Federation of Euro-Asian Stock Exchanges (FEAS)
۹ - International Corporate Governance Network (ICGN)

بورس برای گذراندن یك دوره کوتاه‌مدت حدود یك هفته‌ای به بورس بمبئی اعزام شدند. نگاه دکتر رحمانی و تیم همراهش این بود که مدیران و کارشناسان ما باید بروند و جهان را ببینند؛ و نگاه و تفکرشان بین‌المللی شود. انصافا هم نگاهشان درست و تاثیرگذار بود. مثلا، وقتی ما وارد بورس باکو شدیم، دیدیم از نگهبان جلوی در تا مدیرعامل آنجا (که جزو کوچکترین بورسهای منطقه هم است) همگی مسلط به زبان انگلیسی هستند و خیلی راحت ارتباط برقرار می‌کنند. اینها شاید به زبان و به ظاهر کم‌اهمیت به نظر برسد. ولی تا افراد با چشم خودشان نبینند، و در فضایش قرار نگیرند، در عمق وجودشان تاثیر نمی‌گذارد. ما متاسفانه در ایران آنقدر ارتباطاتمان با جهان محدود شده است که خیلی از ضروریات بدیهی را کلا فراموش کرده‌ایم. دکتر رحمانی و تیم همراهش کاری کرده بودند که در آن چند سال همه مدیران و کارشناسان بورس در فضا و اتمسفر بین‌المللی قرار گرفته بودند. ولی بدخواهان همین رویه و طرز فکر ایشان را چشم اسفندیار دیدند و از همین نقطه ضربه زدن را شروع کردند.

به هر حال، تیم مدیریتی جدید که آمد و هدایت امور را در دست گرفت، آن عزیزان عمدتا از دانش‌آموختگان مالی (Finance) بودند. از این رو، دیدگاهشان بیشتر نزدیك به دیدگاه عملیاتی کف بازار بود. آن عزیزان اولویت چندانی برای امور ضابطه‌گذاری و نظارتی قائل نبودند. بیشتر تمایل داشتند مدیران و کارشناسان شرکت بورس در خدمت اهالی بازار باشند و فرایند تصمیم‌گیری

آنان را تسهیل کنند. مثلا، یکی از ماموریت‌هایی که همان ماههای اول به اداره ما واگذار شد، راه‌اندازی میز صنایع مختلف بود. به عنوان مثال، میز صنعت سیمان را تشکیل می‌دادیم، و از مدیران شرکتهای تولیدکننده و کارشناسانی که در این زمینه فعال بودند دعوت می‌کردیم. آنان هم می‌آمدند و درباره مسائل و مشکلاتشان صحبت می‌کردند. من شخصا نتوانستم خودم را با آن رویه منطبق کنم. اینطور شد که اواسط سال ۱۳۸۹ شرکت بورس را ترك کردم.

بعد از بورس کجا رفتید؟

ابتدا به عنوان مدیر سرمایه‌گذاری به کارگزاری بانك ملی ایران، و سپس، با همین عنوان به کارگزاری بانك صادرات ایران رفتم. ولی فضای آن زمان بازار با روحیه من سازگار نبود. الان اوضاع خیلی بهتر شده است. عزیزانی که الان در واحدهای تحلیلگری نهادهای مالی مشغول به فعالیت هستند، بخش عمده تحلیل‌هایشان مبتنی بر روشهای علمی (بنیادی و تکنیکال) است. ولی آن زمان، واحدهای سرمایه‌گذاری عمدتا در پی برقراری ارتباطات و دست یافتن به اطلاعات نهانی بودند. اینطور شد که نتوانستم در آن فضا هم دوام بیاورم. بعد از آنهم حدود یك سال در شرکت دکتر پوریانسب به عنوان معاون ایشان همکاری داشتم. آنهم تجربه بسیار خوبی بود. مثلا در برگزاری همایشهای ایشان همکاری می‌کردم، یا کتابهایی را مشترکا در زمینه ضدتقلب ترجمه می‌کردیم. همکاری خوبی بود. تا سرانجام، از طرف دکتر علی سنگینیان (معاون اسبق بورس) که آن زمان از شرکت بورس بیرون آمده بود و مدیرعامل تامین سرمایه امین شده بود، به عنوان مدیر حسابرسی داخلی دعوت به

همکاری شدم. برای من چالش جذابی بود. در آن نهاد مالی که اولین و بزرگترین بانك سرمایه‌گذاری ایران است، قرار بود واحد حسابرسی داخلی را به صورت داوطلبانه و بر مبنای استانداردهای بین‌المللی راه‌اندازی کنیم؛ و این کار را انجام دادیم. این جزو کارهایی است که هر بار آن را یادآوری می‌کنم، برایم دلپذیر است. تا دی ۱۳۹۲ با آن شرکت همکاری داشتم. بعد به انجمن دعوت شدم.

چطور شد بعد از حدود دوازده سال کار در بازار سرمایه به عنوان دبیرکل به انجمن حسابداران خبره ایران پیوستید؟ اولین بار اصلا چطور با انجمن آشنا شدید؟

من از دوران دانشجویی (لیسانس) به واسطه مجله حسابدار با انجمن آشنا شده بودم. اولین شماره مجله حسابدار را که خودم از کیوسك روزنامه‌فروشی خریدم به‌وضوح به یاد دارم؛ **شماره ۱۳۲، شهریور ۱۳۷۸** بود. عکس قدی زنده‌یاد حسن سجادی‌نژاد روی جلد آن بود. در واقع، یادنامه یازدهمین سالگرد درگذشت آن زنده‌یاد بود. البته پیش از این شماره هم مجلات حسابدار و حسابرس را در کتابخانه دانشکده‌مان می‌خواندم. آشنایی نزدیکم با انجمن هم به سال ۱۳۸۸ برمی‌گردد که دکتر پوریانسب سردبیر مجله حسابدار شد. همانطور که عرض کردم، ایشان آن زمان معاون امور ناشران و اعضای شرکت بورس بود و من تحت سرپرستی ایشان مسئولیت مدیریت امور ناشران (نظارت بر شرکتها) شرکت بورس را بر عهده داشتم. در آن سالها در راستای ضابطه‌گذاری برای ناشران بورسی، بخش قابل

توجهی از کارهای ما در آن مدیریت به ترجمه منابع تخصصی اختصاص پیدا کرده بود که بعضا آنها را در قالب کتاب و نشریه توسط شرکت بورس و انتشارات بورس منتشر می‌کردیم. حین انجام این کارها ترجمه من مورد توجه آقای دکتر پوریانسب قرار گرفت. البته من هم طی آن مدت و سالهای پس از آن در زمینه ترجمه متون تخصصی بسیار از ایشان آموختم. به هر حال، وقتی ایشان سردبیر مجله حسابدار شد، از من خواست مسئولیت تامین مطالب ستون ثابت **دانستنی‌های حسابداری**[۱۰] را بر عهده بگیرم و برای هر شماره مطلبی را انتخاب، ترجمه و ارسال کنم. بعدا، مسئولیت ستون ثابت **مشاهیر حسابداری**[۹] و بعدتر طراحی **جدول کلمات متقاطع حسابداری**[۱۱] هم به آنها اضافه شد. از یك جایی به بعد هم از طرف ایشان به عنوان **ویراستار فنی** مجله انتخاب شدم؛ و ویرایش فنی و ادبی همه مقالات و مطالب حسابدار به من واگذار شد. این روند از اواخر سال **۱۳۸۸** تا تابستان **۱۳۹۲** طی شد.

شما خودتان هم به کار رسانه‌ای علاقه دارید، درست است؟

کاملا درست است. یکبار خودم این موضوع را در ذهنم واکاوی کردم. می‌خواستم ببینم ریشه علاقه‌ای که به کار رسانه‌ای و حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی دارم در چیست. پاسخ جالبی هم برای خودم پیدا کردم. متوجه شدم ریشه این علاقه به سالهای خردسالی من برمی‌گردد، و نقش کلیدی را در این ارتباط پدرم ایفا کرده

۱۰- **پیوست ۱: مقاله‌ها** را ببینید.
۱۱- **پیوست۷: جدول کلمات متقاطع حسابداری** را ببینید.

است. یکی از شیرین‌ترین و ماندگارترین خاطرات من از دوران کودکی به سه‌شنبه‌های جذابی برمی‌گردد که پدرم موقع برگشت به منزل با خودش مجله کیهان بچه‌ها[۱۲] می‌آورد، و خودش با صدای گرمش داستانها و مطالب آن را برای من و خواهرم می‌خواند؛ و من در طول هفته، تا آمدن شماره بعدی، یکی از سرگرمی‌هایم ورق زدن چندین و چند باره آن مجله و دیدن عکسهای آن بود. بعدا هم که خودم به مدرسه رفتم، و رفته رفته می‌توانستم بخوانم، خودم به هر زحمتی بود داستانها و مطالب آن را می‌خواندم. این علاقه به خریدن مجله و مجله‌خوانی ناخودآگاه در تمام سالهای بعدی زندگیم ادامه پیدا کرد. تنها چیزی که طی این سالها تغییر می‌کرد فقط عنوان و موضوع مجلاتی بود که می‌خریدم و می‌خواندم. ولی چیز ثابت همان خریدن مجله و خواندنش بود. مثلا، در دوره‌ای طولانی در سالهای نوجوانی و جوانی به دلیل علاقه زیادی که به طنز و کاریکاتور پیدا کرده بودم، هر ماه مجله ارزشمند طنز و کاریکاتور[۱۳] را مشتاقانه می‌خریدم و مطالب آن را در طول ماه بارها و بارها می‌خواندم. یا در دوران دانشجویی دو مجله کیان[۱۴] و ایران فردا[۱۵] را می‌خریدم. در همان سالها مجله حسابدار را

۱۲- کیهان بچه‌ها مجله‌ای ویژه کودکان است که مؤسسه کیهان آن را از دی ۱۳۳۵ در تهران منتشر کرده‌است. ویکی‌پدیا

۱۳- ماهنامهٔ طنز و کاریکاتور از جمله نشریات طنز در ایران است که از آذر ۱۳۶۹ به طور منظم منتشر می‌شود. ویکی‌پدیا

۱۴- کیان نشریه گروهی از روشنفکران دینی در ایران بود که در سال ۱۳۷۰ پس از بروز مشکل برای عده‌ای از نویسندگان مجله کیهان فرهنگی به وجود آمد. ویکی‌پدیا

۱۵- ایران فردا نشریه نزدیك به جریان ملی مذهبی است که انتشار آن از خرداد ۱۳۷۱ به مدیرمسئولی عزت‌الله سحابی و سردبیری رضا علیجانی آغاز شد. ویکی‌پدیا

هم در کتابخانه دانشکده دنبال می‌کردم. از زمستان **۱۳۷۷** هم که انتشار مجله **حسابرس**[۱۶] آغاز شد، هر وقت برای خرید کتابهای سازمان حسابرسی به کتابفروشی سازمان واقع در تقاطع خیابانهای ولیصر و زرتشت می‌رفتم، شماره‌های جدید آن مجله را هم می‌خریدم. خلاصه اینکه ریشه علاقه من مطبوعات و کار رسانه‌ای به همان کیهان بچه‌های دوست‌داشتنی دوران خردسالیم برمی‌گردد. در تمام این سالها هم در مقاطع مختلف به روش‌های مختلف به انجام کار رسانه‌ای علاقه داشتم. مثلا، در دوران دبستان بسیار به تنظیم روزنامه دیواری علاقه داشتم، و به مناسبتهای مختلف این کار را انجام می‌دادم. یا در دوران دانشجویی به همراه چند نفر از همکلاسیهای دانشکده یك نشریه دانشجویی ادبی-اجتماعی با عنوان **صدای فاصله‌ها** منتشر می‌کردیم که دوست عزیزم بابك وهابی (عضو خبره انجمن در شاخه تخصصی حسابدار مالی خبره) سردبیر آن بود. من هم دبیر بخش اجتماعی مجله بودم. عنوان نشریه را هم از شعر **عشق صدای فاصله‌هاست** (سهراب سپهری) انتخاب کرده بودم. بعد از دوره لیسانس هم چون به مرور شبکه‌های اجتماعی در ایران و جهان در حال گسترش بود، من در مقاطع مختلف علاقه‌ام به کار رسانه‌ای را از طریق نوشتن در این شبکه‌های اجتماعی و در دوره‌ای هم وبلاگ‌نویسی بروز می‌دادم. تا اینکه به همان ترتیب که عرض کردم، با دکتر پوریانسب و مجله حسابدار آشنا شدم. البته

۱۶- **حسابرس** دوماهنامه حرفه‌ای سازمان حسابرسی است.

طی این سالهای اخیر علاوه بر مجله حسابدار فعالیت در شبکه‌های اجتماعی را هم همزمان ادامه داده‌ام[۱۷].

برگردیم به همان پرسش قبلی؛ چطور شد بعد از حدود دوازده سال کار در بازار سرمایه به عنوان دبیرکل به انجمن آمدید؟

در شماره مرداد ۱۳۹۲ مجله حسابدار مقاله‌ای از من با عنوان **ضابطه‌گذاری حسابداری در ایران: نیازمند بازاندیشی و دگرگونی**[۱۸] منتشر شد که مورد توجه اهالی حرفه قرار گرفت. گروهی از عزیزان (عمدتا شاغلان در بخش خصوصی حرفه) با این مقاله موافق و گروهی دیگر (عمدتا شاغلان در بخش دولتی) با این مقاله مخالف بودند. ولی به هر حال، از آنجا که رهبران انجمن همواره در طول سالهای مختلف انجمن را نماینده بخش خصوصی حرفه می‌دانستند، این مقاله در **هفتمین سالانه آیین گرامی‌داشت روز حسابدار** (۱۷ آذر ۱۳۹۲) از سوی انجمن به عنوان مقاله برگزیده سال انتخاب و معرفی شد. حدود یك ماه پس از آن، آقای دکتر سعید جمشیدی فرد (رئیس وقت شورای عالی انجمن) با من تماس گرفت و از تصمیمش برای ایجاد تغییراتی در دبیرخانه انجمن گفت و نظر من را برای تصدی پست دبیرکلی انجمن جویا شد. من بر مبنای شناخت نسبی که طی آن چند سال با انجمن و پیشینه قابل احترام آن پیدا کرده بودم، بسیار مشتاق بودم که هر کاری از دستم بر

۱۷- **پیوست ۱۲: وبگاه شخصی و شبکه‌های اجتماعی** را ببینید.
۱۸- **ضابطه‌گذاری حسابداری در ایران: نیازمند بازاندیشی و دگرگونی**، مجله حسابدار، شماره ۲۵۷، مرداد ۱۳۹۲، صص ۳-۹.

میاید برای خدمت به انجمن و حرفه حسابداری انجام دهم. با این حال، یك ملاحظه جدی داشتم و آنهم اطمینان از رضایت زنده‌یاد محمد منیری (دبیرکل وقت انجمن) از انجام این تغییر بود. در آن هنگام، هم آقای دکتر جمشیدی فرد این اطمینان را به من داد، و هم خودم بعدا با آن زنده‌یاد حضورا صحبت کردم. نهایتا اطمینان حاصل کردم که خود ایشان هم به انجام این تغییر رضایت دارد. اینطور شد که از روز اول بهمن ۱۳۹۲ به طور رسمی به عنوان دبیرکل به انجمن آمدم.

اولین چالشی که در بدو ورود به انجمن به عنوان دبیرکل با آن مواجه بودید چه بود؟

چالش مقبولیت! زنده‌یاد منیری هفده سال بود که صادقانه و دلسوزانه در این جایگاه به انجمن خدمت کرده بود. از این منظر گروهی درباره انتخاب من تردید داشتند. یعنی کاملا دلسوزانه (نه مغرضانه) نگران انجمن بودند. برایشان مبهم بود که آیا من از عهده این کار برخواهم آمد یا نه. گروهی هم با دیدگاههای من، به‌ویژه بعد از نوشتن آن مقاله، مشکل داشتند. می‌گفتند کسی که نظراتش درباره بخش دولتی حرفه و سازمان حسابرسی این چنین است نباید دبیرکل انجمن شود. گروهی فکر می‌کردند ترکشهای این ماجرا به انجمن هم اصابت خواهد کرد؛ گروهی دیگر هم که عمدتا از وابستگان بخش دولتی حرفه بودند از اساس تمایل نداشتند فردی با این دیدگاهها مسئولیت امور اجرایی انجمن را بر عهده بگیرد. البته این گروه با توجه به فضای کلی انجمن (گرایش عمومی

به بخش خصوصی حرفه) می‌دانستند که هیچگاه فردی متمایل به بخش دولتی در انجمن منصوب نخواهد شد. ولی انتظار هم نداشتند کسی مثل من این مسئولیت را بر عهده بگیرد. مثلا، وقتی دیماه ۱۳۹۲ برای ارائه برنامه‌هایم به جلسه شورای عالی انجمن آمدم، یکی از عزیزان عضو شورای عالی که از مدیران سابق سازمان حسابرسی بود، متن مقاله من را روبرویش روی میز گذاشته بود و عتاب‌آلود خطاب به من گفت: «آمدن شما به انجمن با این دیدگاههایی که داری اصلا به صلاح نیست!» از آن عزیز پرسیدم: «چه دیدگاههایی؟» گفت: «همین که در یك مقاله اینقدر به سازمان حسابرسی توهین کردی!» گفتم: «مقاله که روبرویتان است. لطفا از روی آن بخوانید و بفرمایید کجا توهین شده است؟» بعدا متوجه شدم آن عزیز مقاله را نخوانده بود و فقط از دیگران نقل قولهایی شنیده بود. یك گروه آخری هم که مخالف آمدن من به انجمن بودند، عزیزانی بودند که گمان می‌کردند من کاملا وابسته به دکتر پوریانسب هستم. من همه جا گفته‌ام و حتی نوشته‌ام که آقای دکتر پوریانسب نگاه من را نسبت به حسابداری تغییر داد. طی مدت زمان نسبتا طولانی که من از نزدیك با ایشان در ارتباط بودم (از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۴) مطالب بسیاری از ایشان آموختم. از این نظر ایشان تاثیرگذارترین فرد در شکل دادن شخصیت حرفه‌ای من بوده‌اند. تردیدی در این نیست. ولی به یقین می‌گویم در تمام مدت حضورم در انجمن کاملا مجری سیاستهای انجمن، مصوبات شورای عالی، و دستورات رئیسان شورای عالی بودم. حتی در مواردی که با خودم سیاست، مصوبه یا دستوری موافق نبودم.

به هر حال در بدو ورودم به انجمن گروهی این نگرانیها را داشتند. مثلا، در مجمع سالانه انجمن در آن سال (دیماه ۱۳۹۲) که من به تازگی به عنوان دبیرکل انتخاب شده بودم، یکی از استادان بزرگوار که من همیشه برای ایشان احترام بسیار ویژه‌ای قائل هستم، همین که من را دید، بدون اینکه جواب سلامم را بدهد، با عتاب خطاب به من گفت: «میگن تو نوچه پوریانسبی!! راست میگن؟!» من هاج و واج مانده بودم! شرایط به این شکل وخیم بود. الان که به عقب برمی‌گردم و خاطرات آن روزها را مرور می‌کنم، خودم هم تعجب می‌کنم که چطور در آن فضا وارد انجمن شدم. چون من هیچوقت روحیه جنگجویی نداشته‌ام که بخواهم خودم را به بقیه اثبات کنم. ولی آن سال به هر حال در آن شرایط وارد انجمن شدم.

البته در اینجا جا دارد از افرادی که از همان اول تمام‌قد از من حمایت کردند هم یاد کنم. در درجه نخست شخص آقای دکتر جمشیدی‌فرد که به رغم جوّ نسبتا مخالف و ممتنع شورای عالی یك‌تنه ایستاد و حتی در جلسه معارفه من در شورای عالی صریحا اعلام کرد که انتخاب دبیرکل از اختیارات رئیس شورای عالی است (طبق اساسنامه قبلی انجمن اینطور بود) و بدون اینکه منتظر تایید شورای عالی بماند حکم من را صادر کرد. یا استاد بزرگوار جناب آقای غلامرضا سلامی که از همان ابتدای شروع به کار من از حامیان اصلی من بود و این برای من همیشه مایه قوت قلب بود. آقای دکتر پوریانسب هم که قاعدتا از حامیان اصلی من بود و آن روزها و ماههای نخست بسیار به من انرژی و روحیه می‌داد.

در چه مقطعی برای اولین بار احساس کردید به عنوان دبیرکل نزد اکثریت اعضاء مقبولیت پیدا کرده‌اید؟

اگر تاریخ دقیقش را بخواهم بگویم، دقیقا شامگاه روز دوشنبه، ۲۳ تیر ۱۳۹۳ بود! من وقتی وارد انجمن شدم، دو کار نیمه‌تمام در انجمن بود. یکی برگزاری **سی و پنجمین همایش انجمن** که مباحث علمی (درون‌مایه) آن از چندماه قبل در کارگروه همایش طراحی شده بود، و من باید به عنوان دبیرکل مسئولیت اجرایی همایش را بر عهده می‌گرفتم. و مسئله به مراتب مهم‌تر، برگزاری **مجمع عمومی فوق‌العاده اعضای انجمن** برای تصویب اساسنامه جدید بود که رسیدن به حدنصاب رسمیت یافتن جلسه آن به یك چالش بزرگ برای انجمن تبدیل شده بود.

همایش را ظرف مدت کوتاهی به خوبی برگزار کردیم. با اینکه اولین تجربه من در برگزاری همایش بود، ولی خوشبختانه بسیار آبرومندانه از آب درآمد. ما حتی برای اولین بار امور مربوط به نمایشگاه جنبی همایش را هم خودمان در انجمن بر عهده گرفتیم. چون پیش از آن، این امور توسط همکاران مرکز آموزش انجمن پیگیری می‌شد. ولی در آن مقطع من از شورای عالی خواستم این کار را هم به من واگذار کنند. از آن محل درآمد خوبی هم حاصل شد. یك کار دیگر هم که در برگزاری آن همایش انجام دادم این بود که با تهیه‌کننده برنامه **نگاه چهارم** (شبکه چهار) تماس گرفتم، و یك گزارش حدود ده دقیقه‌ای از همایش تهیه شد و در ساعت

پرمخاطب آن شبکه پخش شد[۱۹]. با یك شرکت معتبر مشاور امور رسانه‌ای هم قراردادی منعقد کردم و حدود یکصد خبر از برگزاری همایش در روزنامه‌ها و رسانه‌های مختلف منتشر شد. در مجموع، با اینکه اولین تجربه‌ام در انجام امور اجرایی یك همایش بود، خوشبختانه به‌خوبی برگزار شد.

ولی همانطور که عرض کردم، آن مقطع چالش اصلی انجمن برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده برای تصویب اساسنامه جدید بود. اساسنامه قبلی مصوب سال ۱۳۷۲ بود، و طی حدود بیست سال که از زمان تصویب آن گذشته بود، شرایط حرفه تغییر کرده بود. بنابراین، نیاز ضروری وجود داشت که اساسنامه انجمن هم متناسب با این شرایط بروز شود. شاه‌بیت این تغییرات هم ماده ۸ اساسنامه جدید بود که طبق آن مقرر شده بود انجمن حرفه‌ایگری در زمینه‌های تخصصی حسابداری را از راه برگزاری آزمونهای تخصصی و صدور گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای عملیاتی کند. ولی گره کور و چالش‌برانگیز این بود که طبق اساسنامه قبلی حدنصاب رسمیت یافتن جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده در نوبت سوم، حضور حداقل ده درصد از اعضای انجمن بود. آن زمان شمار اعضای انجمن حدود شش هزار نفر بود. یعنی بیش از ششصد نفر باید در مجمع حضور پیدا می‌کردند. این در حالی بود که تا آن

۱۹- **سمینار سراسری تحولات پیش روی حرفه حسابداری و مالی در دوره گذار به محیط کسب و کار بین‌المللی**، برنامه تلویزیونی نگاه چهارم، شبکه چهار سیمای جمهوری اسلامی ایران، گزارش تصویری از سی و پنجمین همایش انجمن حسابداران خبره ایران، با حضور (به ترتیب الفبا) شهریار دیلم صالحی، فرزام زمانی، منصور شمس احمدی، ابوالقاسم فخاریان، و محسن قاسمی، پژوهشگاه صنعت نفت، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۳.

زمان بیشترین تعدادی که در مجامع عمومی عادی سالانه انجمن حضور یافته بودند از دویست و چند ده نفر فراتر نرفته بود. همان تعداد هم انگیزه اصلیشان عمدتا حضور در انتخابات شورای عالی بود. بنابراین، اینکه انجمن بتواند مجمعی برگزار کند که بیش از ششصد نفر از اعضاء در آن حاضر شوند و انتخابات شورای عالی هم در میان نباشد، یك چالش بزرگ بود.

من در یکی دو ماه اول حضورم در انجمن برای اینکه به جزئیات با تاریخ انجمن، فعالیتها و افراد مهم آن آشنا شوم، همه مطالب مرتبط با انجمن را که در مجله حسابدار (از پاییز ۱۳۵۵) منتشر شده بود، خوانده و فیش‌برداری کرده بودم. آنجا بود که برای اولین بار به ذهنم رسید برای اینکه اعضای انجمن را به حضور در مجمع عمومی فوق‌العاده ترغیب کنیم، جشنی به مناسبت چهلمین سالگرد ثبت انجمن (۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۳) برگزار کنیم، و در کنار آن جشن، مجمع عمومی فوق‌العاده را هم برگزار کنیم. خوشبختانه با توجه به تجربه موفق برگزاری سی و پنجمین همایش انجمن (۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۳) شورای عالی هم به من اعتماد کرد و این پیشنهاد را پذیرفت[۲۰]. البته چون فرصتمان برای برگزاری جشن و رعایت تشریفات قانونی فراخوان مجمع محدود بود، و از طرفی هم نمی‌خواستیم این مراسم در اوج کار حسابداران و حسابرسان برگزار شود، نهایتا با دو ماه تاخیر، ۲۳ تیر ۱۳۹۳ را برای برگزاری آن

۲۰- **برنامه برگزاری مجمع عمومی فوق العاده اعضا و جشن چهل سالگی انجمن به تصویب شورای عالی رسید**، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۶ تیر ۱۳۹۳.

مراسم و مجمع در نظر گرفتیم. طی آن مدت هم من با یك سری از افراد تاثیرگذار در تاریخ انجمن، از جمله، اعضای مجمع موسسان، رئیسان پیشین شورای عالی، دبیران کل پیشین، و سردبیران پیشین مجله حسابدار که در قید حیات و در ایران بودند تماس گرفتم و از آنان برای حضور در مراسم دعوت کردم. از آنجا که یکی از علایق شخصی من هم جمع‌آوری سکه‌ها و مدالهای یادبود قدیمی است، یك مدال یادبود هم به مناسبت چهلمین سالگرد ثبت انجمن با ایده‌پردازی من توسط خانم بیگلری طراحی کردیم و به تعداد این افراد (سی قطعه) سفارش ساخت دادیم تا در آن روز به آنان تقدیم کنیم[۲۱]. محل برگزاری مراسم را هم با اینکه هزینه آن برای انجمن قابل توجه بود، ولی تالار بزرگ و مجلل دریای نور هتل استقلال در نظر گرفتیم که درخور برگزاری چنین مراسمی باشد. در آن مقطع، اعضای شورای عالی انجمن هم حمایت مالی شماری از موسسات حسابرسی را جلب کردند و از این محل چیزی حدود بیست و چند میلیون تومان جذب شد[۲۲] که در آن زمان برای تامین هزینه‌های برگزاری آن مراسم بسیار ارزشمند و راهگشا بود. خلاصه همه چیز را مهیا کردیم تا حضور حداکثری اعضای انجمن را داشته باشیم.

آن شب را به خوبی به یاد دارم. همان اول مراسم یکی از عزیزان که بعدا به عضویت شورای عالی هم درآمد، به محض اینکه وارد محل

۲۱- نشان یادبود چهلمین سالروز ثبت انجمن حسابداران خبره ایران، مجله حسابدار، شماره ۲۶۸، تیر ۱۳۹۳، ص ۹.

۲۲- پشتیبانی مالی موسسات حسابرسی از برگزاری جشن چهل سالگی انجمن، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۶ خرداد ۱۳۹۳.

برگزاری مراسم شد، با حالت مایوسانه‌ای گفت: «خیلی بد اطلاع‌رسانی کردید! هیشکی خبر نداره همچین مراسمی دارید برگزار می‌کنید! به زور صد نفرم بیان!» ولی هنوز یك ساعت از آغاز مراسم نگذشته بود که تالار دریای نور (که حدود هشتصد نفر ظرفیت دارد) کاملا پر شد و با مساعدت جناب آقای دکتر صادقیان (رئیس انجمن) که آن زمان معاون بنیاد مستضعفان بودند، دو تالار جنبی آن تالار هم به‌سرعت آماده پذیرایی از اعضای انجمن شد. آن شب طبق آمار ما و آمار رسمی هتل قریب به هزار نفر از اعضای انجمن در آن مراسم حضور پیدا کردند و یکی از خاطره‌انگیزترین شبها در تاریخ انجمن رقم خورد.

در اثر برگزاری آن مراسم، نه تنها اساسنامه انجمن به تصویب رسید، بلکه با توجه به اینکه این حس در اغلب اعضای انجمن به وجود آمد که فصلی نو در تاریخ انجمن آغاز شده است، بسیاری از اعضا که ارتباطشان با انجمن تقریبا قطع شده بود، مجددا به انجمن نزدیك شدند. ما در آن سال مالی (منتهی به ۳۱ شهریور ۱۳۹۳) حدود ۶۵ درصد بیشتر از سال قبل حق عضویت وصول کردیم که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن مبلغ حق عضویتهای معوق و سنواتی بود. در آن سال مالی حق عضویت دریافتی انجمن از حدود ۲۲۰ میلیون تومان سال قبل، به بیش از ۳۶۰ میلیون تومان افزایش یافت. بیشتر وصولیهایمان هم در تابستان و بعد از برگزاری آن مراسم بود.

پس برداشت خودتان اینست که شورای عالی و اعضای انجمن بعد از آن مراسم کاملا به شما اعتماد کردند؟

اعتماد کامل به یك فرد که گمان نمی‌کنم هیچوقت حاصل شود؛ ولی اطمینان نسبی بله. این را خودم کاملا احساس می‌کردم. حتی افرادی که به هر دلیلی همچنان با من مخالف بودند، محتاطانه‌تر ابراز مخالفت و کارشکنی می‌کردند. مثلا، همان عزیز عضو شورای عالی که در جلسه ارائه برنامه‌هایم گفته بود من در آن مقاله به سازمان حسابرسی توهین کرده‌ام، در یکی از جلسات شورای عالی بعد از آن مراسم یك نسبت خلاف واقعی به من داد که واقعا به من برخورد. ناخودآگاه از جلسه شورای عالی بیرون آمدم و به سمت اتاقم رفتم که وسائلم را بردارم و برای همیشه از انجمن بروم. رفتارم هم نمایشی نبود. واقعا آن حرف برایم غیرقابل تحمل بود. ولی فضای شورای عالی طوری شده بود که آن عزیز همانجا عذرخواهی کرد و حرفش را پس گرفت. من هم به جلسه برگشتم. بعد از آن جلسه هم هرگز چنین اتفاقی تکرار نشد. برداشت خودم اینست که اینها همه از اثرات برگزاری آن مراسم باشکوه و تصویب اساسنامه انجمن بود.

در بین کارکنان انجمن چطور؟ از چه زمانی شما را به عنوان مدیرشان پذیرفتند؟

در بین کارکنان این پذیرش طبیعتا زودتر اتفاق افتاد. البته آن اوایل چند تنش جزئی پیش آمد. مثلا در دو ماه اول حضورم (بهمن و اسفند ۱۳۹۲) که زنده‌یاد منیری هم تمام‌وقت در دفتر

انجمن حضور داشت تا فرایند انتقال کارها مطمئن‌تر صورت گیرد، یکی دو نفر از کارکنان هنوز در فضایی بودند که آن زنده‌یاد را به عنوان مدیرشان می‌شناختند. البته آن زنده‌یاد به هیچ وجه نقشی در این برداشت نادرست نداشت. من این را بدون تعارف می‌گویم. آن زنده‌یاد با تمام وجود تمایل داشت این تغییر موفقیت‌آمیز اتفاق بیفتد. چون پیش از هر چیزی انجمن برایش اولویت داشت. ولی برای کارمندی که از اول استخدام در انجمن آن زنده‌یاد را به عنوان مدیر دیده بود، و محیط کاری دیگری را هم تجربه نکرده بود، سخت بود این تغییر را بپذیرد. البته در مجموع همان یکی دو تنش جزئی هم بسیار زودگذر بود و خیلی زود همه چیز روی روال طبیعی افتاد. من در زمان پذیرش این مسئولیت با اینکه حدود سی و شش ساله بودم، ولی حدود ده سال سابقه مدیریت در مجموعه بورس داشتم. بنابراین همکاری با کارکنان انجمن چالش بزرگی برایم نبود.

به نظر شما مهمترین چالش نیروی انسانی انجمن چیست؟

مهمترین چالش غیرحسابدار بودن اکثریت قریب به اتفاق کارکنان است. به جز حسابدار انجمن که لیسانس حسابداری و عضو انجمن است، مابقی کارکنان تحصیلات حسابداری ندارند. به نظرم وضعیت مطلوب اینست که اکثریت کارکنان چنین نهادهایی از دانش‌آموختگان همان رشته باشند. این وضعیت دو مزیت اصلی در پی خواهد داشت. نخست، اینکه کارکنان و اعضای انجمن زبان مشترك پیدا می‌کنند. دوم، هم اینکه دلبستگی کارکنان به انجمن و

همدلی آنان با اهداف و اقدامات انجمن به مراتب بیشتر می‌شود. نظر شخصی من اینست که در بین سه تشکل اصلی حسابداران در ایران، یعنی انجمن حسابداران خبره ایران، جامعه حسابداران رسمی ایران، و انجمن حسابداری ایران، وضعیت انجمن حسابداران خبره ایران در بدترین حالت، و وضعیت انجمن حسابداری ایران در بهترین حالت است.

شما در این زمینه اقدامی انجام ندادید؟

در این قبیل موارد خیلی ملاحظات در تصمیم‌گیری دخیل می‌شود. مهمترین مسئله هم ملاحظات انسانی است. کارمندی که همه زندگیش وابسته به اشتغال در اینجاست و نان‌آور خانوار است، آنهم در این اوضاع بسیار نامناسب اشتغال که بعضا افراد متخصص هم در یافتن شغل با مشکل مواجه هستند، به راحتی و به صورت مکانیکی نمی‌شود درباره تغییرش تصمیم گرفت. بعضی ملاحظات دیگر هم هست که چون توضیح دادنشان دشوار است و به احتمال قریب به یقین موجب سوءبرداشت و دلخوری خواهد شد، بنابراین ترجیح می‌دهم ذکر نکنم. ولی یك اقدام مثبت که طی یکی دو سال گذشته در انجمن انجام شد، اینست که دو تن از کارکنان قدیمی چون حائز شرایط بازنشستگی شده بودند، با حمایت همه‌جانبه شخص جناب آقای دکتر صادقیان و همینطور دیگر اعضای شورای عالی، بازنشستگی آنان را از تامین اجتماعی پیگیری کردیم، و سرانجام محقق شد. امسال هم یکی دیگر از کارکنان مشمول بازنشستگی است. به این ترتیب چنانچه در آینده در گزینش نیروی

انسانی نهایت دقت مبذول شود ساختار نیروی انسانی انجمن به مرور اصلاح خواهد شد.

طی این سالها رابطه‌تان با رئیسان وقت انجمن چطور بود؟

دوران همکاریم با دکتر جمشیدی‌فرد متاسفانه خیلی کوتاه بود. گمان کنم به یك ماه هم نرسید. چون ایشان در آخرین ماه مسئولیتش این تغییر را انجام داد. بنابراین، اولین رئیس انجمن که یك دوره کامل یکساله (بهمن ۱۳۹۲ تا دی ۱۳۹۳) با وی همکاری داشتم، استاد بزرگوار جناب آقای ابوالقاسم فخاریان بود. همکاری با این استاد فرهیخته در همان بدو آغاز به کارم در انجمن برای من افتخار بزرگی بود. ایشان جزو حسابداران حرفه‌ای بین‌المللی شاغل در حرفه حسابداری ایران است. سالیان درازیست که ایشان عضو پیوسته **انجمن حسابداران مدیریت چارترد انگلستان** (CIMA) است، و تنها حسابدار ایرانی است که در یکی از کمیته‌های فدراسیون بین‌المللی حسابداران (Professional Accountants in Business Advisory Group) عضویت داشته است. وی سالیان طولانی هم رابط مرکز آموزش انجمن و CIMA بود. یك ویژگی بارز ایشان که من در آن یك سال همکاری متوجه شدم، حرکت از روی برنامه است. آقای فخاریان در همان آغاز دوران مسئولیتش یك برنامه مکتوب به شورای عالی ارائه داد، و طی آن سال تلاش کردیم در چارچوب آن برنامه حرکت کنیم. علاوه بر این، در دوران مسئولیت ایشان با همکاری جناب آقای دکتر فرزام زمانی (مدیر اجرایی اسبق مرکز آموزش و عضو اسبق

شورای عالی) برنامه راهبردی سه ساله انجمن نیز تدوین و در شورای عالی تصویب شد، که کار ارزشمندی بود.

بعد از ایشان، من مفتخر به همکاری با استاد بزرگوار و عزیزم جناب آقای هوشنگ خستوئی شدم (بهمن ۱۳۹۳ تا دی ۱۳۹۴). ایشان هم از چهره‌های ماندگار انجمن و از افراد تاثیرگذار در حرفه حسابداری ایران است. ضمن اینکه حس میهن‌دوستی و علاقه بی‌قید و شرطی که به انجمن دارند نیز همیشه برای من الهام‌بخش و بسیار قابل احترام بوده است. دوره یك ساله همکاری با این استاد بزرگوار برای من بسیار خاطره‌انگیز بود. ایشان بسیار به من اعتماد داشت. من هم متقابلا همه تلاشم را مبذول می‌کردم به نحو مطلوب پاسخگوی اعتماد ایشان باشم. ویژگی بارز آقای خستوئی اینست که اصلا برایشان فرقی نمی‌کند در انجمن سمتی دارد یا نه. در همه حال قلبش برای انجمن می‌تپد. هر زمان هر کاری از دستشان بربیاید برای انجمن انجام می‌دهند. همیشه هم ارتباطشان را با انجمن حفظ می‌کنند. آقای خستوئی عمیقا و عملا (نه به زبان) پایبند همان **فلسفه دهش** است که خودشان در جاهای مختلف درباره آن گفته است. یعنی در مواجهه با مفاهیمی مثل وطن، مردم، انجمن و...، فقط به حداکثر کاری که از دستش برمیاد و می‌تواند با فداکاری انجام دهد فکر می‌کند، و دنبال هیچ حساب و کتاب و منفعت‌طلبی شخصی نیست. اگر ده درصد افراد هر جمعی هم چنین روحیه‌ای داشته باشند، واقعا کوهها را می‌توان جابجا کرد.

چهارمین عزیزی که طی این سالها، طولانی‌ترین دوره همکاری را با ایشان داشتم، جناب آقای دکتر رحمت‌اله صادقیان است که چهار دوره یك ساله (از بهمن ۱۳۹۴ تا دی ۱۳۹۶ و از بهمن ۱۳۹۷ تا به حال) افتخار همکاری با ایشان را داشتم. من شخصا، نه فقط به عنوان دبیرکل انجمن، بلکه به عنوان یك حسابدار ایرانی وجود ایشان را در حرفه حسابداری مغتنم می‌دانم. آقای دکتر صادقیان هم سوابق درخشانی در زمینه توسعه شفافیت مالی در مجموعه بنیاد مستضعفان به عنوان یکی از بزرگترین سازمانهای خیریه کشور دارد؛ که جا دارد خودشان یك بار مفصلا برای ثبت در تاریخ درباره آن اقدامات به جزئیات صحبت کند. هم اینکه، در زمره حسابدارانی است که در سطوح مدیریت ارشد بزرگترین بنگاههای اقتصادی و عمومی ایران فعالیت داشته است. به عنوان مثال، ایشان از بدو آغاز فعالیت ایرانسل ریاست هیئت مدیره آن را بر عهده داشته است. یا نقش کلیدی که در خرید اپلیکیشن **اسنپ** و توسعه آن در ایران داشت. یا خدمات بسیار ارزشمندی که در زمینه بهداشت و درمان انجام داده‌اند. یا نقش ایشان به عنوان تهیه‌کننده پروژه ملی فیلم سینمایی **محمد رسول‌الله** (۱۳۹۴، به کارگردانی مجید مجیدی) شاید برای دوستان جالب باشد. و نقش‌آفرینی‌های گسترده دیگری که طی سالیان دراز گذشته در سطوح ارشد مدیریت کشور داشته‌اند. این سوابق مدیریتی گسترده برای ما در انجمن واقعا غنیمت بود، و آثار بسیار مثبتی داشت. به عنوان مثال، در همان ماههای آغازین اولین دوره ریاست ایشان در شورای عالی، ما از بیش از چهل سال اجاره‌نشینی رها شدیم و یك آپارتمان اداری بسیار مناسب (دفتر

فعلی انجمن) در یکی از بهترین نقاط اداری تهران (خیابان الوند میدان آرژانتین) خریدیم. روزی که من به دستور ایشان برای امضای قولنامه خرید این آپارتمان آمدم، فقط حدود ششصد میلیون تومان منابع داشتیم. ولی من به پشتگرمی ایشان یك قولنامه یك میلیارد و هشتصد میلیون تومانی را امضاء کردم که باید ظرف شش ماه پول آن را تامین می‌کردیم. ایشان بر خلاف روحیه محافظه‌کاری که بسیاری از حسابداران دارند، در روش مدیریتی خیلی متهور و عملگرا هستند. این روحیه عملگرایی در مقاطع مختلف خیلی به ما کمك کرد. نقش ایشان حتی در خرید ساختمان جدید مرکز آموزش انجمن هم بسیار کلیدی و تاثیرگذار بود. در مجموع، من به عنوان کسی که طی نزدیك به هشت سال گذشته مسئولیت امور اجرایی انجمن را بر عهده داشته‌ام، خدمات ایشان به انجمن را بسیار ارزشمند، تاثیرگذار و ماندگار می‌دانم. طی این سالها، حتی دورادور شاهد بوده‌ام که ایشان چه خدمات تاثیرگذار و ماندگاری را در جامعه حسابداران رسمی ایران ارائه دادند، که دوستان جامعه باید درباره جزئیات آن صحبت کنند. ولی یك مورد را حیفم می‌آید یادآوری نکنم، و آن نقش اساسی ایشان در ثبت رسمی پانزدهم آذرماه هر سال به عنوان **روز حسابدار** است. اگر پیگیری ایشان نبود تقریبا غیرممکن بود ما حسابداران بتوانیم این روز را در شورای فرهنگ عمومی کشور ثبت رسمی کنیم. چون می‌دانم خودشان درباره این موارد صحبت نمی‌کنند، مناسب دیدم به عنوان فرد مطلع این موارد را عرض کنم. من به عنوان یك حسابدار علاقه‌مند به تاریخ حسابداری ایران، از همان جنس که

زنده‌یاد محمدمهدی سمیعی را مایه مباهات حسابداران می‌دانم، جناب آقای دکتر صادقیان را هم جزو معدود حسابداران بسیار تاثیرگذار در تاریخ حسابداری ایران می‌دانم و امیدوارم تا سالیان دراز از برکت وجودشان در حرفه حسابداری بهره‌مند باشیم.

و پنجمین عزیزی که طی این مدت افتخار همکاری با او را داشتم، استاد بزرگوار، فرهیخته و دوست‌داشتنی جناب آقای منصور شمس احمدی بود که یك دوره یك ساله (بهمن ۱۳۹۷ تا دی ۱۳۹۸) در خدمتشان بودم. ایشان هم حقیقتا جزو سرمایه‌ها و چهره‌های ماندگار انجمن و از افراد تاثیرگذار در حرفه حسابداری ایران هستند. همکاری با این استاد عزیز و بزرگوار هم برای من افتخار بسیار بزرگی بود. در دوره یك ساله ریاست ایشان در انجمن اتفاق بزرگی که در انجمن افتاد، بحث طراحی و عملیاتی کردن سریع **گواهینامه خدمات مالیاتی مشاغل** بود که جناب آقای شمس‌احمدی با دغدغه ایجاد شغل برای حسابداران جوان سرتاسر کشور از ایده‌پردازی تا اجرای آن را هدایت کرد؛ و تا همیشه این کار به نام ایشان ثبت خواهد بود[۲۳].

بعد از آمدن شما به انجمن روند پذیرش اعضا در انجمن هم رشد شتابان‌تری پیدا کرد. چه اقداماتی در این زمینه انجام دادید که این تحول حاصل شد؟

۲۳- در مجمع عمومی عادی سالانه انجمن: منصور شمس احمدی (رئیس انجمن) از تصویب صدور «گواهینامه خدمات مالیاتی مشاغل» از سوی انجمن حسابداران خبره ایران برای متقاضیان واجد شرایط از طریق برگزاری آزمون‌های عملی خبر داد، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۵ دی ۱۳۹۷.

در زمان برگزاری مجمع عمومی عادی سالانه اعضای انجمن در دیماه ۱۳۹۲، یعنی بدو آمدن من به انجمن، تعداد اعضای انجمن بعد از نزدیك به چهل سال فعالیت ۵۹۴۰ نفر بود. الان که حدود هفت سال و چند ماه از آن تاریخ می‌گذرد، تعداد اعضای انجمن نزدیك به دو برابر شده است. چند عامل در تحقق این رشد نقش داشت. اول اینکه، در همان یکی دو سال اول، بلافاصله پس از راه‌اندازی وبگاه جدید انجمن امکان درخواست عضویت به صورت آنلاین را فراهم کردیم[۲۴]. پیش از آن، متقاضیان ناچار بودند یا از طریق پست یا با مراجعه حضوری درخواست‌نامه عضویت و مدارك خود را تحویل دهند. ولی پس از آن تاریخ، درخواست‌نامه عضویت بر روی وبگاه انجمن به نشانی iica.ir/membership تعبیه شد، و متقاضیان خیلی راحت می‌توانند آن را به صورت آنلاین تکمیل و ارسال کنند. مدارك مورد نیاز را هم می‌توانند به صورت الکترونیکی به ایمیل امور اعضا members@iica.ir بفرستند. همین اقدام به‌ظاهر ساده در رشد تعداد اعضای انجمن بسیار موثر بود. من خودم آن زمان که می‌خواستم در انجمن عضو شوم، نزدیك به یك سال بود که فرم عضویت کاغذی را تکمیل کرده بودم، ولی فرصت نمی‌کردم آن را پست کنم. اقدام دیگر، این بود که فرایند عضویت را کوتاه کردیم. در امور اعضا با خودمان قرار گذاشتیم هر کسی شرایط عضویت را دارد و مدارکش هم تکمیل است، در کمتر از یکماه حتما عضو شود. این کار مستلزم برگزاری منظم جلسات کمیته پذیرش بود که آن را هم انجام دادیم. یك اقدام

۲۴- درخواست عضویت در انجمن به صورت آنلاین فراهم شد، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۱ مهر ۱۳۹۴.

تاثیرگذار دیگر این بود که همان سال اول به شورای عالی انجمن پیشنهاد دادم اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران، با توجه به اینکه همه شرایط عضویت در انجمن را دارند، در صورت تقاضای عضویت فقط با ارسال فرم عضویت، مدارك هویتی و مدارك تحصیلی بتوانند به عضویت انجمن درآیند[۲۵]. شورای عالی هم این پیشنهاد را مصوب کرد، و از آن تاریخ این رویه را اعمال کردیم. قبل از آن، بسیار پیش می‌آمد که حسابداران رسمی متقاضی عضویت در انجمن ناچار بودند در مصاحبه تخصصی شرکت کنند، که وضعیت نامناسب و بی‌منطقی بود. الان خوشبختانه بیش از ۱۱۰۰ نفر از اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران عضو انجمن نیز هستند. اقدام تاثیرگذار دیگر، پیگیری شرکت به شرکت و سازمان به سازمان برای تشویق و ترغیب حسابداران واجد شرایط به عضویت در انجمن بود. در این راستا، جنابان آقایان دکتر رحمت‌اله صادقیان و دکتر مهران آقایی زمانی که هر دو در بنیاد مستضعفان مسئولیت داشتند، صدها نفر از حسابداران واجد شرایط شاغل در شرکتهای زیرمجموعه بنیاد را به عضویت در انجمن تشویق و ترغیب کردند. ما هم در انجمن به سرعت و در کوتاهترین زمان ممکن این درخواستها را بررسی و اقدام می‌کردیم.

البته به رغم تمام این اقدامات مثبت و تاثیرگذار که خروجی آنها دو برابر شدن اعضای انجمن طی هفت سال گذشته بوده است، ولی

۲۵- **عضویت اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در انجمن حسابداران خبره ایران تسهیل شد**، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۱ مهر ۱۳۹۴.

همچنان یکی از آرزوهای من اینست که روزی تعداد اعضای انجمن به بیش از یکصد هزار عضو برسد. در آن صورت، انجمن یکی از تاثیرگذارترین تشکلهای حرفه‌ای در ایران خواهد بود و صدای آن به مراتب رساتر و تاثیرگذارتر از اکنون خواهد بود. محقق شدن این خواسته همکاری و همیاری همه اعضای انجمن و همه اهالی حرفه شریف حسابداری ایران را می‌طلبد. امیدوارم روزی چنین شود.

در اینجا جا دارد سه نکته دیگر را هم درباره اعضای انجمن بگویم. نکته اول اینکه انجمن تنها نهاد حسابداری ایران است که از همه استانهای سرتاسر کشور عضو دارد. از این نظر، انجمن فراگیرترین نهاد حسابداری کشور است. نکته دوم اینکه، اعضای انجمن در زمینه‌های شغلی بسیار متنوعی مشغول به کار هستند. از این نظر نیز انجمن در بین تشکلهای حسابداران ایران منحصر به فرد است. و نکته سوم اینکه طی هفت سال گذشته شمار زنان عضو انجمن از حدود ۹ درصد در سال ۱۳۹۲ به حدود ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است، که از این نظر هم توفیق مناسبی برای انجمن است. این درصد در زمان تاسیس انجمن (سال ۱۳۵۱) صفر، و در زمان انتشار اولین فهرست اعضای آن (سال ۱۳۵۵) حدود دو درصد بود.

برگردیم به اساسنامه جدید انجمن؛ این اساسنامه چه ویژگی‌هایی دارد که از تصویب آن به عنوان شروع فصلی نو در تاریخ انجمن یاد می‌کنید؟

تصویب اساسنامه جدید انجمن نه تنها آغاز فصلی نو در تاریخ انجمن بود؛ بلکه به باور من، فصلی نو را در تاریخ حرفه حسابداری ایران آغاز کرد. من درباره این موضوع در جاهای مختلف به دفعات گفته و نوشته‌ام[۲۶]. از این رو، در اینجا به طور مختصر اشاره می‌کنم که بحث طولانی نشود. ما به دلیل ساختار دولتی اقتصاد، و عدم توسعه نهادهای حرفه‌ایمان، مسیر وارونه، یعنی منحرف و نامتداولی را در توسعه حسابداری ایران طی کرده‌ایم[۲۷]. در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، انجمنهای حرفه‌ای رهبری توسعه حرفه و پرورش حسابداران حرفه‌ای را بر عهده دارند. مدل پذیرفته و متداول نیز طراحی و اعطای گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای متنوع در زمینه‌های تخصصی مختلف از سوی این انجمنهای حرفه‌ای است[۲۸]. در بریتانیا و کشورهای مشترك‌المنافع نقش انجمنهای حرفه‌ای بسیار برجسته‌تر از سایر نقاط جهان است. در این کشورها، پرورش افراد حرفه‌ای از همان ابتدا از مسیر انجمنهای حرفه‌ای انجام می‌شود. در سایر کشورها هم یك نقش حداقلی (در حد آموزش مبانی) برای دانشگاهها در نظر گرفته شده است. ولی در ایران خواسته یا ناخواسته بخش عمده تلاشها و اقدامات در این راستا بوده که حسابداری از یك حرفه به یك رشته محض دانشگاهی تبدیل شده است. در نتیجه همین روند وارونه، طی یك دهه اخیر سالانه بیش از یکصد هزار جوان ایرانی از مقاطع

۲۶- به **پیوست (۱۱): مطالب مربوط به ترویج حرفه‌ایگری در حسابداری ایران** مراجعه کنید.

۲۷- یادداشت **وارونگی توسعه حسابداری در ایران**، محسن قاسمی، نوروز ۱۴۰۰، را ببینید. اینستاگرام، لینکداین.

۲۸- یادداشت **گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای در حسابداری: چرایی و چگونگی**، محسن قاسمی، نوروز ۱۴۰۰، را ببینید. اینستاگرام، لینکداین.

مختلف دانشگاهی حسابداری دانش‌آموخته شده‌اند، و هر سال نیز بر شمار دانشجویان و دانش‌آموختگان مقاطع فوق‌لیسانس و دکتری حسابداری افزوده شده است. ولی بعد از گذشت نزدیك به پنجاه سال از فعالیت انجمن حسابداران خبره ایران شمار اعضای انجمن به دوازده هزار نفر هم نمی‌رسد! و تعداد دارندگان گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای در سرتاسر ایران، از جمله، دارندگان گواهینامه‌های حسابدار رسمی، حسابدار مستقل خبره، حسابدار مدیریت خبره، و حسابدار مالی خبره، هنوز کمتر از سه هزار نفر است!

در چنین فضایی که بر حسابداری ایران حاکم است، اساسنامه جدید انجمن یك گام بزرگ در راستای جبران این انحراف و وارونگی است. در **ویرایش نهایی اساسنامه** که به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده اعضاء (مورخ ۲۳ تیر ۱۳۹۳) رسید، مقرر شده بود اعضای انجمن بعد از دو سال عضویت در انجمن بتوانند در یکی از شاخه‌های تخصصی **حسابدار مستقل خبره** (برای شاغلان در خدمات حسابرسی مستقل)، **حسابدار مالی خبره، حسابدار مدیریت خبره، مدیر مالی خبره**، یا **حسابرس داخلی خبره** به عنوان **عضو خبره** شناسایی شوند[۲۹]. ولی متاسفانه بلافاصله پس از مجمع، **انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران** و **انجمن حسابرسان داخلی ایران** به طور رسمی به وزارت کشور شکایت کردند و نهایتا دو عنوان **مدیر مالی خبره** و **حسابرس داخلی**

۲۹- **اساسنامه انجمن حسابداران خبره ایران، مصوب مجمع عمومی فوق‌العاده ۲۳ تیر ۱۳۹۳**، مجله حسابدار، شماره۲۶۸، تیر۱۳۹۳، صص ۱۶-۱۹.

خبره از ماده ۸ اساسنامه حذف شد. من شخصا برای این دو انجمن احترام بسیاری قائلم. ولی این اقدامشان کم‌لطفی بسیار بزرگی، نه‌تنها در حق انجمن، بلکه در حق یکایك حسابداران ایرانی بود. ما رقبای تجاری نیستیم که اینطور با یکدیگر رفتار کنیم. همگی ما داریم در این فضای دشوار و دولتی‌زده اقتصاد و حسابداری ایران برای اعتلای حرفه و جایگاه حسابداران فعالیت می‌کنیم. بنابراین، باید از تمام ظرفیتهای در اختیارمان استفاده کنیم. نه اینکه زیر پای یکدیگر را خالی کنیم. این تلخ‌ترین خاطره من از مدت زمان حضورم در انجمن است. هر بار هم آن را در ذهنم یادآوری می‌کنم باز هم برایم آزاردهنده است. بدتر از آن شکایت، اینکه هیچکدام از آن دو انجمن طی هفت سال گذشته هیچ کار خاصی در این زمینه انجام ندادند. اگر می‌رفتند و این دو گواهینامه حرفه‌ای را توسعه می‌دادند و از راه برگزاری آزمون (نه از طریق اعطای معافیتهای بی‌ضابطه) به افراد صلاحیت‌دار اعطا می‌کردند، آدم دلش نمی‌سوخت. به هر حال، به خاطر شکایت این دو انجمن، فرایند ثبت اساسنامه جدید انجمن حدود سه سال به درازا انجامید! طی آن سه سال، من بارها و بارها به دفتر سیاسی وزارت کشور (که به غلط علاوه بر احزاب و گروههای مذهبی، بر فعالیت انجمنهایی نظیر ما هم نظارت دارد) مراجعه داشتم. ولی متاسفانه نتوانستم توجیه‌شان کنم که **حسابدار** یك عنوان شغلی عام و فراگیر است و شامل مدیر مالی و حسابرس داخلی هم می‌شود. چون در ابتدا این دیدگاه در شورای عالی انجمن حاکم بود که ما باید برای ثبت بدون تغییر اساسنامه بجنگیم و وزارت کشور را قانع کنیم. ولی این کار تقریبا

نشدنی بود، و فقط برنامه‌های ما را به تعویق انداخت. در نهایت، در سال ۱۳۹۶ پس از اعمال آن تغییرات مجوز ثبت اساسنامه را گرفتیم، و اساسنامه را ثبت کردیم. در همان سال هم با تصویب آیین‌نامه چگونگی احراز شرایط عضویت خبره ضوابط برگزاری آزمونهای تخصصی و نحوه اعطای گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای در شورای عالی انجمن تعیین شد[۳۰]؛ و سرانجام، ۱۱ آذر ۱۳۹۶ نخستین آزمون **حسابدار مدیریت خبره** را با حضور ۲۴۱ عضو واجد شرایط انجمن برگزار کردیم[۳۱]. سی و یك پذیرفته‌شده نهایی آن آزمون هم شامگاه، یکشنبه، ۲۶ آذر ۱۳۹۶ در آیین ویژه معرفی نخستین گروه حسابداران مدیریت خبره عضو انجمن حسابداران خبره ایران همزمان با برگزاری یازدهمین سالانه آیین گرامی‌داشت روز حسابدار در تالار دریای نور هتل استقلال معرفی کردیم[۳۲]. عکس هنگام تقدیر گروهی از این افراد را هم روی جلد شماره ۳۰۹، دی ۱۳۹۶، مجله حسابدار درج کردیم، تا هم یادآور این رویداد تاریخی باشد، و هم اهمیت موضوع را به دیگر اعضای انجمن و اهالی حرفه نشان

۳۰- در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران: جزئیات «آیین‌نامه چگونگی احراز شرایط عضویت خبره» (مصوب ۲۸ فروردین ۱۳۹۶، شورای عالی) توسط دبیرکل انجمن تشریح شد / آغاز فرایند اعطای عناوین خبرگی به اعضای متقاضی واجد شرایط، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۹ فروردین ۱۳۹۶.

۳۱- صبح امروز در محل ساختمان مرکزی PACT: نخستین آزمون سراسری «حسابدار مدیریت خبره» انجمن حسابداران خبره ایران با حضور اعضاء داوطلب واجد شرایط برگزار شد، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۱ آذر ۱۳۹۶.

۳۲- شامگاه یکشنبه، ۲۶ آذر ۱۳۹۶: آیین ویژه معرفی پذیرفته‌شدگان «آزمون حسابدار مدیریت خبره سال ۱۳۹۶» انجمن حسابداران خبره ایران با حضور تمامی شرکت‌کنندگان در این آزمون در هتل استقلال تهران برگزار شد، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۱ آذر ۱۳۹۶.

داده باشیم. این افراد نخستین گروه حسابداران در تاریخ حسابداری ایران هستند که صلاحیت حرفه‌ایشان از سوی یك انجمن حرفه‌ای در زمینه‌ای غیر از حسابرسی مستقل گواهی شده است. آن روز یکی از به یادماندنی‌ترین روزهای زندگی من بود. ما بعد از آن سال هر سال (به جز سال ۱۳۹۹؛ به دلیل شیوع کرونا) آزمونهای حسابدار مدیریت خبره و حسابدار مالی خبره را در انجمن برگزار کرده‌ایم و این فرایند روی ریل مناسبی افتاده است.

یك سوال پرتکرار که اعضای انجمن و حسابداران دیگر در ارتباط با گواهینامه‌های انجمن می‌پرسند؛ و حتما بارها از شما هم پرسیده‌اند، اینست که منشاء اعتبار آنها چیست؟ مثلا، منشاء اعتبار گواهینامه‌های «حسابدار رسمی» و «کارشناس رسمی دادگستری» قانون است. منشاء اعتبار گواهینامه‌های انجمن چیست؟

بله؛ این سوال را بارها و بارها از من پرسیده‌اند. اتفاقا رمز موفقیت حرفه‌ایگری در حسابداری ایران و توسعه موفقیت‌آمیز گواهینامه‌های حرفه‌ای در ایران در پاسخ دادن درست و دقیق و مستدل به این سوال مهم است. به همین دلیل، در تعطیلات نوروز امسال، در قالب یك یادداشت، به طور مفصل به این موضوع پرداختم[۳۳]. البته قبلا هم در قالب مقالات و میزگردهای متعددی که در مجله حسابدار داشتیم به این موضوع پرداخته بودم[۳۴]. ولی در

۳۳- یادداشت **گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای در حسابداری: چرایی و چگونگی**، محسن قاسمی، نوروز ۱۴۰۰، را ببینید. اینستاگرام، لینکداین.

۳۴- به **پیوست (۱۱): مطالب مربوط به ترویج حرفه‌ایگری در حسابداری ایران** مراجعه کنید.

یادداشت اخیر این موضوع را منسجم‌تر تبیین کرده‌ام. همانطور که در این یادداشت ذکر کرده‌ام، بعضی از خدمات حرفه‌ای از چنان تاثیر و حساسیت بالایی بر منافع عمومی برخوردارند که فقط افراد مجاز (دارای مجوز یا پروانه کار) می‌توانند آن خدمات را ارائه کنند. از بین خدمات متنوع حسابداران در زمینه‌های تخصصی مختلف فقط ارائه خدمات اطمینان‌بخشی در زمره این نوع خدمات قرار دارند. در ایران، دو گروه کلی خدمات اطمینان‌بخشی از سوی حسابداران حرفه‌ای ارائه می‌شود: نخست، خدماتی که از سوی حسابداران رسمی ارائه می‌شود؛ و دوم، خدماتی که کارشناسان رسمی دادگستری ارائه می‌کنند. از این رو، قانونگذار در فرایند تشخیص صلاحیت افراد مجاز به ارائه این خدمات حرفه‌ای ورود می‌کند. یعنی هم بر فرایند تشخیص صلاحیت آنان نظارت می‌کند؛ و هم به این گواهینامه‌های حرفه‌ای اعتبار قانونی می‌دهد. چون در ارائه این خدمات حرفه‌ای پای منافع عمومی مطرح است. ولی در سایر زمینه‌های تخصصی حسابداری، نه در ایران و نه در کشورهای دیگر، قانونگذار بر فرایند اعطای گواهینامه‌های آنها نظارت نمی‌کند؛ و به آنها اعتبار قانونی هم نمی‌دهد. مثلا، در امریکا، انگلستان و سایر کشورهای جهان نیز، همانند ایران، قانونگذار هم بر فرایند اعطای گواهینامه **حسابدار رسمی** نظارت می‌کنند؛ و هم به این گواهینامه‌ها اعتبار قانونی می‌دهند. ولی در هیچ کشور جهان نمونه‌ای را پیدا نمی‌کنید که قانونگذار مثلا بر فرایند اعطای گواهینامه **حسابدار مدیریت خبره** نظارت کند؛ و به این گواهینامه‌ها

اعتبار قانونی بدهد. سایر گواهینامه‌های حرفه‌ای در سایر زمینه‌های تخصصی حسابداری هم اینچنین هستند.

پس کارکرد این گواهینامه‌ها چیست؟

کارکرد گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای در این زمینه‌های تخصصی (خدمات غیراطمینان‌بخشی) صرفا جلب اعتماد ذینفعان است. در واقع، ذینفعان هنگام نیاز به دریافت این خدمات به جای آنکه خودشان صلاحیت حرفه‌ای افراد داوطلب را ارزیابی کنند؛ به افراد گواهی‌شده از سوی یك نهاد معتبر حرفه‌ای اعتماد می‌کنند. مثلا، مدیران یك شرکت در امریکا یا کشورهای دیگر به جای اینکه خودشان بیایند و از بین تعداد زیاد داوطلبان تصدی شغل حسابرس داخلی یك فرد مناسب را انتخاب کنند، به فرایند تشخیص صلاحیت حرفه‌ای **انجمن حسابرسان داخلی** (The IIA) اعتماد می‌کنند و می‌گویند ما این حسابرس داخلی را از بین افرادی انتخاب می‌کنیم که گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای صادرشده از سوی این انجمن حرفه‌ای (CIA) را داشته باشند. آن شرکتها نه الزام قانونی به این کار دارند، و نه اینکه هیچ کشوری به گواهینامه CIA اعتبار قانونی داده است.

البته اینجا یك نکته ظریف و بسیار مهم وجود دارد که حتما باید بر روی آن، مخصوصا در نهادهای حرفه‌ای، تمرکز کنیم. اینکه همواره این ظرفیت قانونی وجود دارد، که نهادهای ناظر (مثلا، بانك مرکزی در بازار پول؛ سازمان بورس و اوراق بهادار در

بازار سرمایه؛ بیمه مرکزی در بازار بیمه؛...)، می‌توانند در راستای پاسداری از منافع عمومی، اشخاص فعال در این بازارها را به استفاده از خدمات افراد دارای صلاحیت ملزم کنند. مثلا، در ایران، نزدیك به بیست سال است که افراد شاغل در نهادهای مالی ملزم به داشتن گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای مربوط هستند. منظور از نهادهای مالی، کارگزاریها، تامین سرمایه‌ها، مشاوره‌های سرمایه‌گذاری، صندوقهای سرمایه‌گذاری، رتبه‌بندی‌های اعتباری، و سایر نهادهای مالی فعال در بازار سرمایه هستند. این ضوابط از زمان دبیرکلی جناب آقای دکتر عبده تبریزی در سازمان کارگزاران وضع شد؛ بعدا نیز در سازمان بورس و اوراق بهادار ادامه پیدا کرد. یعنی طراح و معمار این ساختار گواهی‌گری (to certify) در بازار سرمایه ایران دکتر عبده تبریزی بود. در نتیجه استقرار این ساز و کار، امروز در بازار سرمایه ایران ارزش گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای **تحلیلگری** به مراتب بالاتر از مدرك دکتری مالی (Finance) از بهترین دانشگاههای جهان است. چرا این اتفاق افتاده است؟ چون سازمان بورس اعطای مجوز فعالیتهای مختلف نهادهای مالی را به داشتن کارکنان دارای این گواهینامه‌ها گره زده است. یا مثلا، طبق ضوابط بیمه مرکزی، افراد شاغل در نمایندگی‌های بیمه ملزم به داشتن گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای مربوط هستند. به همین سیاق، شرکتهای ثبت‌شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، شرکتهای پذیرفته‌شده نزد بورس اوراق بهادار تهران، شرکتهای پذیرفته‌شده نزد فرابورس ایران، بانکها، شرکتهای بیمه، ...، و سایر شرکتها، سازمانها و موسسات دارای تاثیرات

گسترده بر منافع عمومی را می‌توان از سوی نهادهای ناظر، و حتی به موجب قانون، ملزم به استفاده از خدمات تخصصی افراد دارای صلاحیت حرفه‌ای (دارندگان گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای) در بخش‌های مختلف امور مالی آنها کرد. مثلا، در گام نخست می‌توان این شرکتها را ملزم کرد که ارشدترین مسئول مالی (CFO) خود را از بین دارندگان گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای منصوب کنند. یعنی کسی که معاون مالی و اداری یك بانك می‌شود، حتما ملزم به داشتن یك گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای (حسابدار رسمی، حسابدار مستقل خبره، حسابدار مالی خبره، حسابدار مدیریت خبره،...) از انجمنهای حرفه‌ای معتبر ایرانی یا بین‌المللی باشد. به نظر من، این بزرگترین و نیرومندترین اتفاقی است که می‌تواند بیفتد و وارونگی توسعه حرفه حسابداری ایران را جبران کند. یعنی حرفه حسابداری ایران را از مسیر منحرف و وارونه فعلی، که محصول دانشگاه‌زدگی و دولتی‌زدگی است، به مسیر درست حرفه‌ایگری منتقل کند.

چه کسی باید پیش‌قدم انجام این کار شود؟ در انجمن تا به حال چه اقداماتی در این زمینه انجام شده است؟

به نظرم این کار چون یك جراحی بزرگ در نظام حسابداری و گزارشگری مالی کشور است، نیازمند یك عزم جمعی است. یعنی از توان یك فرد و چند فرد و یك انجمن و چند انجمن خارج است. هر کسی که این ایده را قبول دارد و باور دارد که مستقر کردن این ساز و کار در حسابداری ایران، در درجه نخست به نفع **عموم** (public) است و منافع ملی ما را تامین می‌کند، و در درجات

بعدی موجبات توسعه پایدار و اصولی حرفه حسابداری ایران را فراهم می‌کند، باید هر کاری از دستش برمیاید در این راستا انجام دهد. ما حسابداران تاثیرگذاری در بخش‌های مختلف کشور داریم که هر یك در جایگاه و به حد توان خود می‌توانند به عملیاتی شدن این ایده کمك کنند. ولی به طور مشخص در انجمن حسابداران خبره ایران، اساسا ایده طراحی و عملیاتی کردن ساز و کار صدور گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای در راستای تحقق این ایده بود. چون وقتی قرار است شرکتها ملزم به استخدام افراد دارای گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای بشوند، باید ابتدا تعداد قابل قبولی دارندگان این گواهینامه‌ها وجود داشته باشند که شرکتها بتوانند از بین آنان انتخاب کنند. متاسفانه هم‌اینك در ایران چیزی کمتر از سه هزار حسابدار وجود دارد که حداقل یك گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای دارند. اکثریت این افراد هم حسابدار رسمی هستند که بخش قابل توجهی از آنان در موسسات حسابرسی مشغول به کار هستند. پس اولین کاری که باید انجام شود اینست که انجمنهای حرفه‌ای معتبر در کشور نسبت به ترویج حداکثری این گواهینامه‌ها اقدام کنند. به موازات این کار، طی سالهای اخیر ما در انجمن از همه ظرفیتمان برای مذاکره با نهادهای ناظر و قانونگذاران استفاده کرده‌ایم تا این ایده را بپذیرند که هر کسی نمی‌تواند عهده‌دار مسئولیت امور مالی شرکتها و سازمانهای بزرگ و دارای تاثیرات گسترده بر منافع عمومی شود. مثلا، چرا نهادهای ناظر (سازمان بورس، بانك مرکزی،...) هر کدام آمده‌اند و با معیارهای مختلف فهرستهای متفاوتی از حسابرسان معتمد تنظیم

کرده‌اند و هر حسابرسی نمی‌تواند شخصیتهای حقوقی تحت نظارت آنها را حسابرسی کند؟ ولی همین نهادهای ناظر هیچ ضوابطی برای استخدام مدیران ارشد مالی در آن شخصیتهای حقوقی ندارند! البته خوشبختانه اقدامات خوبی در این زمینه انجام شده و در حال انجام است که به دلیل پاره‌ای ملاحظات نمی‌توانم جزئیات آنها را ذکر کنم. ولی علی‌الحساب توصیه موکد دوستانه‌ام به همکاران شاغل در شرکتهای ثبت‌شده نزد سازمان بورس، بانکها، بیمه‌ها، و سایر شخصیتهای حقوقی بزرگ اینست که حتما برای دریافت یك گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای از یك انجمن حرفه‌ای معتبر داخلی یا بین‌المللی برنامه‌ریزی کنند. چون در آینده نزدیك پس از عملیاتی‌شدن این ایده به داشتن این گواهینامه نیاز خواهند داشت.

پس از تصویب اساسنامه جدید انجمن چند آیین‌نامه جدید هم در انجمن تصویب شد. درباره آنها هم توضیح می‌فرمایید؟

بله؛ حتما. اتفاقا مورد بسیار مهمی است. بعد از تصویب اساسنامه جدید انجمن در مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۲۳ تیر ۱۳۹۳، اجرای تعداد زیادی از مواد اساسنامه منوط به تعیین ضوابطی توسط شورای عالی بود. به همین دلیل، من گزارشی را تنظیم کردم، و همه این مواد اساسنامه را احصاء کردم، و آن گزارش را به شورای عالی انجمن ارائه کردم. این گزارش مبنایی برای تهیه و تصویب آیین‌نامه‌های موردنیاز در انجمن شد. اولین مورد، **آیین‌نامه چگونگی تشکیل و وظایف کارگروهها** بود که در اجرای بند ت ماده ۳۴ اساسنامه پیش‌نویس آن توسط جنابان آقایان دکتر عبدالرضا تالانه، دکتر

سعید جمشیدی‌فرد و اسفندیار گرشاسبی تهیه شد، و پس از بحث و بررسی نهایتا در جلسه روز دوشنبه، ۲۳ فروردین ۱۳۹۵، به تصویب شورای عالی رسید[۳۵]. در اساسنامه قبلی انجمن، عناوین کارگروههای تخصصی انجمن در متن اساسنامه تصریح شده بود. به همین دلیل، انعطاف‌پذیری انجمن در تشکیل کارگروهها متناسب با نیازهای متفاوت ادوار مختلف محدود شده بود. ولی یکی از نکات مثبت اساسنامه جدید انجمن اینست که تعیین ضوابط چگونگی تشکیل و وظایف کارگروهها را در اختیار شورای عالی گذاشته است. یعنی شورای عالی بر مبنای نیاز هر دوره زمانی می‌تواند کارگروههای قبلی را منحل یا کارگروههای جدیدی را راه‌اندازی کند.

آیین‌نامه چگونگی احراز شرایط عضویت خبره یکی دیگر از آیین‌نامه‌های مهم مصوب شورای عالی است که پیش‌نویس آن توسط من تهیه شد. این آیین‌نامه در اجرای ماده ۸ اساسنامه، در جلسه مورخ ۲۸ فروردین ۱۳۹۶ به تصویب شورای عالی رسید[۳۶]. در این آیین‌نامه ضوابط انجمن برای اعطای سه گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای **حسابدار مستقل خبره، حسابدار مدیریت خبره، و حسابدار مالی**

۳۵- **با تصویب آیین‌نامه چگونگی تشکیل وظایف کارگروه‌ها در شورای عالی انجمن: هفت کارگروه پذیرش و آزمون اعضاء، آموزش حرفه‌ای، پژوهش، همایش، انتشارات، روابط عمومی و امور بین‌الملل، و مقررات و رهنمودها در انجمن راه اندازی خواهد شد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۵.

۳۶- **در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران: جزئیات «آیین‌نامه چگونگی احراز شرایط عضویت خبره» (مصوب ۲۸ فروردین ۱۳۹۶، شورای عالی) توسط دبیرکل انجمن تشریح شد / آغاز فرایند اعطای عناوین خبرگی به اعضای متقاضی واجد شرایط،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۹ فروردین ۱۳۹۶.

خبره تعیین شد. همانطور که در پاسخ پرسشهای قبلی هم عرض کردم، در کشورهای مختلف، دو روش اصلی برای گواهی‌کردن صلاحیت حرفه‌ای افراد از سوی انجمنهای حرفه‌ای وجود دارد. در روش اول، که در انگلستان و کشورهای مشترك‌المنافع مورد عمل است، متقاضیان دریافت این گواهینامه‌ها یك دوره آموزشی و کارآموزی را طی می‌کنند، و در صورت موفقیت در این دوره، به عضویت آن نهاد درمی‌آیند و گواهینامه مربوط را دریافت می‌کنند (مانند عضویت در ACCA). ولی در روش دوم، متقاضیان باید حائز یك حداقل شرایط تحصیلی (عمدتا لیسانس) و تجربی (سابقه کار مرتبط) باشند، تا مجاز به شرکت در آزمون مربوط شوند؛ و در صورت قبولی در آزمون به عضویت آن نهاد درمی‌آیند و گواهینامه مربوط را دریافت می‌کنند (مثل عضویت در جامعه حسابداران رسمی ایران). من در این آیین‌نامه هر دو روش را پیشنهاد کردم، و هر دو روش همزمان تصویب شدند. یعنی طبق این آیین‌نامه، ما علاوه بر برگزاری آزمون‌های گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای که از سال **۱۳۹۶** برگزار می‌کنیم، می‌توانیم دوره‌هایی را هم برای اعطای این گواهینامه‌ها طراحی و عملیاتی کنیم.

آیین‌نامه مهم دیگری که پیش‌نویس آن را هم من تهیه کردم، **آیین‌نامه نحوه انتخاب اعضای شورای عالی و بازرسان** است که پس از بحث و بررسی در شورای عالی نهایتا در اجرای مواد **۲۴** و **۳۵** اساسنامه به تصویب **مجمع عمومی عادی سالانه اعضای انجمن (۲۳ دی ۱۳۹۷)**

رسید[۳۷]. این آیین‌نامه یکی از جامع‌ترین و دقیق‌ترین آیین‌نامه‌های انتخابات در بین تشکلهای ایرانی است. به نظرم الگوی مناسبی نیز برای سایر تشکلها می‌تواند باشد.

آیین‌نامه بعدی **آیین‌نامه چگونگی معرفی اشخاص حقوقی تشکیل‌شده توسط اعضای خبره** است، که پیش‌نویس آن را هم من تنظیم کردم. این آیین‌نامه هم در اجرای ماده ۱۰ اساسنامه در جلسه روز یکشنبه، ۲۵ فروردین ۱۳۹۸، به تصویب شورای عالی رسید[۳۸]. تصویب این آیین‌نامه نیز نقطه شروع یکی از تحولات بزرگ در انجمن است. چون انجمن از ابتدای فعالیتش فقط موسسات حسابرسی تشکیل‌شده توسط اعضای خود را معرفی می‌کرد. ولی طبق ماده ۱۰ اساسنامه جدید و این آیین‌نامه از این پس امکان معرفی سایر موسسات خدمات حرفه‌ای که توسط اعضای خبره انجمن (حسابداران مستقل خبره، حسابداران مدیریت خبره، و حسابداران مالی خبره) تشکیل شده‌اند نیز فراهم شده است.

آیین‌نامه دیگری موردنیازست که تا به امروز تصویب نشده باشد؟

بله. آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای، آیین‌نامه انضباطی، آیین‌نامه پذیرش اعضا، آیین‌نامه آموزش حرفه‌ای مستمر، و آیین‌نامه منابع انسانی

۳۷- **شامگاه ۲۳ دی ۱۳۹۷: مجمع عمومی عادی سالانه اعضای انجمن حسابداران خبره ایران با حضور ۲۸۱ عضو انجمن در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران برگزار شد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۴ دی ۱۳۹۷.

۳۸- **در نخستین جلسه شورای عالی در سال ۱۳۹۸: آیین‌نامه چگونگی معرفی اشخاص حقوقی تشکیل‌شده توسط اعضای خبره موضوع ماده ۱۰ اساسنامه به تصویب رسید،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۷ فروردین ۱۳۹۸.

از جمله مواردی هستند که طبق اساسنامه باید ضوابط آنها توسط شورای عالی تعیین شوند؛ ولی تا به امروز در قالب آیین‌نامه تصویب نشده‌اند.

برگردیم به همان روزهای نخست که وارد انجمن شدید. آن زمان چه کارهایی در انجمن انجام دادید که فکر می‌کنید کمتر درباره آنها صحبت شده است؟

همانطور که عرض کردم، من از اول بهمن ۱۳۹۲ به انجمن آمدم. تا پایان آن سال، زنده‌یاد منیری همزمان با من در انجمن حضور داشت، و طی آن دو ماه بیشتر درگیر منتقل کردن کارها بودیم. در کنار آن، من همه مطالب مربوط به انجمن را که از سال ۱۳۵۵ در مجله حسابدار منتشر شده بود می‌خواندم تا به جزئیات با انجمن آشنا شوم. بعد از خواندن آن مطالب وقتی با بزرگان انجمن صحبت می‌کردم و داده‌هایی را خدمتشان عرض می‌کردم عمدتا برایشان جالب بود. انگار من به یك سفر فشرده چهل ساله در دل تاریخ رفته بودم و تقریبا هر چه در انجمن اتفاق افتاده بود را دیده بودم. از ابتدای سال ۱۳۹۳ هم ابتدا درگیر برگزاری سی و پنجمین همایش انجمن (۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۳)، و بعد از آن بلافاصله درگیر برگزاری جشن چهلمین سالگرد ثبت انجمن و برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده (۲۳ تیر ۱۳۹۳) شدم. پرداختن به این کارها تقریبا همه وقتم را پر کرده بود. با این حال، در همان ماهها چند کار را انجام دادم که شاید از نظر برخی بی‌اهمیت یا کم‌اهمیت باشد. ولی به نظرم خودم بسیار اهمیت داشتند.

اول اینکه در همان روزهای نخست، در کمال تعجب و حتی ناباوری متوجه شدم چند ریخت (فُرم) مختلف از نشان (لوگو) انجمن وجود دارد. قاعدتا اولین سوالم این بود که کدامیك از این ریختها ریخت اصلی است. از آنجا که معتبرترین منبع برای پاسخ به این سوال وبگاه رسمی زنده‌یاد مرتضی ممیز (پدر گرافیك ایران و آفریننده نشان انجمن) است، به آن وبگاه مراجعه کردم. همین الان می‌توانید به این وبگاه مراجعه کنید و خودتان ببینید. اگر به قسمت **آثار/طراحی گرافیکی/نشانه** مراجعه کنید، می‌بینید که نشان انجمن چهارمین نشان است که آن زنده‌یاد طراحی کرده است. ماجرای ایده‌پردازی طراحی آن را هم همانجا از قول آن زنده‌یاد نوشته‌اند[۳۹]. خب مسلما ریختی که آنجا درج شده است، معتبرترین ریخت موجود از نشان انجمن است. بنابراین، تلاش کردم ریختهای دیگر را از هر جا که بودند حذف کنم. حتی در مهر رسمی انجمن و در سربرگهای انجمن هم یکی از آن ریختهای دِفُرمه‌شده (دستکاری‌شده) استفاده شده بود. بنابراین، دومین کاری که بلافاصله انجام دادم این بود که سربرگهای انجمن را با یك طراحی جدید و یکپارچه (شامل سربرگهای A۴، و A۵، و پاکتهای بزرگ و متوسط و ملخی) با استفاده از نشان اصلی جایگزین سربرگها و پاکتهای قبلی کردم. و سومین کاری که انجام دادم هم این بود که

۳۹- «نشانه انجمن حسابداران خبره ایران اولین کاری بود که به شیوه مونوگرام ساختم. زیرا طرح برای موضوع حسابداران کاری مشکل بود. هر نقشی که می‌ساختم ممکن بود مورد تفسیر و خیال‌پردازی‌های گوناگون قرار گیرد. این بود که پس از مدتی طراحی و مطالعه ملاحظه کردم، حروف اول کلمات عنوان انجمن از حروفی تشکیل شده که به خوبی می‌تواند ریتم جالبی را به وجود آورد و این نشانه به وجود آمد.» مرتضی ممیز (www.momayez.ir/fa/logo)

دو مهر مفهومی و با جزئیات زیاد، یکی به زبان فارسی و دیگری به زبان انگلیسی، با استفاده از نشان اصلی انجمن طراحی و جایگزین مهر ساده قبلی کردم. ایده‌پردازی طراحی هر دو مهر توسط من انجام شد. خانم بیگلری هم بر مبنای آن ایده‌پردازی کارهای طراحی نرم‌افزاری را انجام داد. قاب مهر قبلی انجمن مستطیل بود و نشان دِفُرمه‌شده و نام انجمن به صورت خطی زیر آن درج شده بود.

دوستانی که به طراحی لوگو و مهر آشنایی دارند، می‌دانند که لوگو و مهر هر چه متقارن‌تر باشند، از نظر بصری مناسب‌تر هستند. نشان انجمن علاوه بر اینکه متقارن نیست، ارتفاعش نیز بیشتر از عرضش است. اتفاقا یکی از عزیزانی که این نشان را دِفُرمه کرده بود، و من بعدا با او صحبت کردم، می‌گفت برای اینکه ارتفاع و عرض نشان را برابر کند، آن را دِفُرمه کرده است! ما برای اینکه

این عدم تقارن را جبران کنیم، یك قاب گرد (مُدوّر) دورتادور نشان انجمن گذاشتیم، و جزئیاتی را هم برای زیبایی و همچنین برای امنیت مهر به آن اضافه کردیم. مثلا، در قاب گرد دورتادور مهر فارسی پنجاه نشان کوچك کار کردیم که با نشان بزرگ مرکز مهر مجموعا پنجاه و یك نشان می‌شوند؛ که یادآور سال ۱۳۵۱، سال تاسیس انجمن به هجری شمسی است. در مهر انگلیسی هم هفتاد و دو نشان کوچك دورتادور قاب است که با نشان بزرگ مرکز آن مجموعا هفتاد و سه نشان می‌شود؛ که این هم یادآور سال ۱۹۷۳، سال تاسیس انجمن به میلادی است.

بینظیر است! من بارها این دو مهر را دیده بودم ولی به این اعداد و مفاهیم آنها توجه نکرده بودم. آقای دکتر کسانی که با شما کار کرده‌اند، و حتی کسانی که کارهای شما را با دقت بیشتری دنبال می‌کنند، نظرشان اینست که شما خیلی به جزئیات توجه می‌کنید و روی جزئیات خیلی زمان می‌گذارید. مثلا، طراحی همین دو مهر یکی از مثالهای بارز این موضوع است. به نظر شما چرا جزئیات اینقدر مهم هستند؟

از این سوال بسیار هوشمندانه ممنونم. باعث خوشحالی من است که این موضوع برای شما قابل توجه بوده است و درباره آن می‌پرسید. من بارها به نزدیکانم دلیل این توجه وسواس‌گونه به جزئیات را گفته‌ام. به نظر من چیزی که یك کار را شاهکار و ممتاز می‌کند و یك کار دیگر را معمولی، همین توجه به جزئیات است. در انجام دادن هر کاری هم مصداق دارد. آدمها در انجام دادن کارهای مختلف عموما در کلیات با یکدیگر مشابه عمل می‌کنند. ولی دلیل

اینکه مثلا یك مینیاتوریست استاد محمود فرشچیان می‌شود که فخر زمین و زمان است، و دهها و صدها مینیاتوریست دیگر هم کار می‌کنند ولی همگی معمولی هستند، همین توجه به جزئیات است. توجه به جزئیات فقط شکلی و ظاهری هم نیست. بلکه اتفاقا در محتوا و مفهوم بسیار بااهمیت‌تر است. مثلا، وقتی شما می‌خواهید یك مقاله درباره یك موضوع مشخص بنویسید، چیزی که در درجه نخست اهمیت دارد اینست که از چه منظری می‌خواهید به این موضوع نگاه کنید. در کلاسها و دوره‌های مقاله‌نویسی، به سرفصل **انتخاب موضوع مقاله** که می‌رسیم، در درجه نخست می‌گوییم بهتر است مقاله درباره یك موضوع بکر و نو باشد که قبلا کسی به آن نپرداخته است. ولی اگر درباره موضوعی می‌خواهیم بنویسیم که قبلا افراد دیگر درباره آن نوشته‌اند، حتما باید از یك زاویه جدید به آن موضوع تکراری نگاه کنیم. این توجه به جزئیات در مفهوم و محتواست. از نظر شکلی هم مثلا در همین زمینه مقاله‌نویسی توجه به جزئیات بسیار اهمیت دارد. به عنوان نمونه، اگر مقاله ما درباره یك موضوع بکر و جذاب باشد، یا از یك زاویه جدید و جذاب به یك موضوع تکراری نگاه کنیم، ولی از نظر شکلی نه ساختار درست مقاله‌نویسی را رعایت کنیم، نه املای درست کلمات را رعایت کنیم، و نه دستور خط (آیین نگارش) و دستور زبان فارسی را رعایت کنیم، کل زحماتمان به باد می‌رود. خواننده همین که با اولین غلط املایی در مقاله مواجه شود، کل اعتمادش را به ما و مقاله از دست می‌دهد. خب، حالا شما این را می‌توانید به همه کارهای دیگر تعمیم بدهید.

طی دوران دبیرکلی شما انتشارات انجمن هم فعال شد و چندین عنوان کتاب در این دوره منتشر شد. در این ارتباط هم اگر توضیحی هست بفرمایید.

من همیشه هم دوست داشتم، و هم این ظرفیت را در انجمن می‌دیدم که یك انتشارات فعال و پربار در زمینه‌های تخصصی مختلف حسابداری و حتی موضوعات غیرحسابداری مرتبط با کار حسابداران داشته باشیم. البته پیش از دوران مسئولیت من، در مقاطع مختلف، کتابهایی توسط انجمن منتشر شده بود. مثلا، یکی از اولین کتابهای انتشارات انجمن **استانداردهای حسابرسی** ترجمه دکتر مهدی تقوی است که سال **۱۳۶۳** منتشر شد. یا یکی دیگر از نخستین کتابهای انتشارات انجمن **حسابهای تلفیقی** تالیف زنده‌یاد دکتر بهرام غیائی است که چاپ اول آن شهریور **۱۳۶۴** در **۵۰۰۰** نسخه توسط انجمن منتشر شده بود و در زمان خودش یکی از اصلی‌ترین منابع گزارشگری مالی تلفیقی در ایران بود. آن زنده‌یاد در آخرین سال زندگی پربارشان بسیار تمایل داشتند ویراست دوم این کتاب هم مجددا توسط انجمن منتشر شود، و ما در مرداد **۱۳۹۶** (چند ماه پیش از درگذشت آن زنده‌یاد) به سرعت این خواسته را جامعه عمل پوشاندیم[۴۰]. جالب اینجاست که این کتاب هنوز در انجمن متقاضی دارد و تجدید چاپ می‌شود. پرکارترین فرد در انتشارات انجمن هم جناب آقای دکتر

۴۰- **سی و دو سال پس از انتشار ویراست نخست (در سال ۱۳۶۴): ویراست دوم کتاب «راهنمای کاربردی تهیه صورتهای مالی تلفیقی»، تالیف بهرام غیایی، از سوی انتشارات انجمن حسابداران خبره ایران منتشر شد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۶ مرداد ۱۳۹۶.

امیر پوریانسب هستند که پیش از آمدن من به انجمن چهار عنوان کتاب ترجمه ایشان از طریق انجمن منتشر شده بود[۴۱].

ولی به هر حال، این تلاشها عمدتا وابسته افراد بود و سازمانی برای انتشار کتاب در انجمن نداشتیم. بنابراین، من در سال دوم حضورم در انجمن به شورای عالی پیشنهاد دادم که انتشارات انجمن را به صورت سازمان‌یافته فعال کنیم. طی این سالها چندین عنوان کتاب توسط انتشارات انجمن منتشر شده است که فهرست آنها در **پایگاه تخصصی معرفی کتابهای حسابداری** (تحت نظارت انجمن حسابداران خبره ایران) در دسترس است. البته از حدود دو سال قبل، با توجه به افزایش افسارگسیخته قیمت کاغذ و به تبع آن افزایش هزینه‌های چاپ تصمیم گرفتیم کتابهای انجمن را به صورت الکترونیکی منتشر کنیم. چون هدف اولیه ما در انتشارات انجمن نشر دانش مورد نیاز حسابداران حرفه‌ای است، که اتفاقا این مهم، به دلیل سهولت در انتشار از طریق نشریات الکترونیکی بهتر محقق می‌شود.

هدف اولیه‌تان از طراحی و راه‌اندازی «پایگاه تخصصی معرفی کتاب‌های حسابداری» چه بود؟

۴۱- **گزارش حسابرس مستقل، استانداردهای حسابرسی بین المللی ۷۰۰، ۷۰۵ و ۷۰۶**، فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC)، ترجمه امیر پوریانسب، ۱۳۸۸؛ **استانداردهای بین‌المللی عمل حرفه‌ای حسابرسی داخلی**، انجمن حسابرسان داخلی (IIA)، ترجمه امیر پوریانسب، اسماعیل درگاهی، ۱۳۸۹؛ **استاندارد مدیریت ریسک**، انجمن مدیریت ریسک، جامعه مدیران بیمه و ریسک، و مجمع ملی مدیریت ریسک بخش دولتی، ترجمه امیر پوریانسب و عبداله آزاد، ۱۳۸۹؛ و **شرکت‌آزمایی: برنامه‌ریزی، سوالات، مسائل**، نوشته گوردون بینگ، ترجمه امیر پوریانسب، مسعود غلامزاده لداری، سحر پژنگ ۱۳۹۱.

این سامانه را طی سال ۱۳۹۷ توسعه دادیم. ابتدای سال ۱۳۹۸ هم خبر راه‌اندازی آن را منتشر کردیم[۴۲]. اصلی‌ترین هدفم از راه‌اندازی این سامانه این بود که، در حالت ایده‌آل، بتوانیم یك بانك اطلاعاتی جامع و متمرکز از همه کتابهای حسابداری ایران و جهان گردآوری کنیم. یعنی هر فرد و ناشری که هر کتاب یا مجموعه کتابهای مرتبط با حسابداری منتشر کرده است بتواند آثار خود را بدون هیچ هزینه‌ای از طریق این سامانه معرفی کند. ضمن اینکه خودمان هم در انجمن می‌توانیم به مرور این سامانه را تکمیل کنیم. امیدوارم این خواسته هر چه زودتر محقق شود. البته این سامانه دو کارکرد دیگر هم برای ما دارد. یکی این که انتشارات انجمن را از طریق آن یکجا و به صورت متمرکز معرفی می‌کنیم. دیگر اینکه تعداد زیادی از اعضای انجمن کتابهایی ترجمه یا تالیف می‌کنند که بعضا از انجمن انتظار دارند آنها را معرفی کند. قبلا که تعداد اعضای انجمن کمتر و تعداد کتابهای آنان بسیار محدودتر بود، این کار در مقاطعی از طریق مجله حسابدار انجام می‌شد. ولی با افزایش تعداد اعضای انجمن و افزایش تعداد کتابهای آنان انجام این کار الان غیرممکن است. ولی با راه‌اندازی این سامانه، یك بخش را به معرفی کتابهای اعضای انجمن اختصاص داده‌ایم، که از طریق آن به تعداد نامحدود امکان معرفی آثار اعضای انجمن وجود دارد.

۴۲- **همزمان با روزهای آغازین سال جدید: نسخه آزمایشی پایگاه تخصصی معرفی کتاب‌های حسابداری تحت نظارت انجمن حسابداران خبره ایران با هدف کمک به معرفی هر چه بهتر کتاب‌های حسابداری و سایر منابع آموزشی مورد نیاز حسابداران رونمایی شد**، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۹ فروردین ۱۳۹۸.

در این سالها پروژه مطالعاتی خاصی هم در انجمن داشته‌اید که یا در انجمن یا توسط پیمانکار منتخب انجمن انجام شده باشد؟

بله. در سال ۱۳۹۴ که بحث برجام و پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) در ایران داغ شده بود، پروژه مطالعاتی بررسی تطبیقی استانداردهای ملّی حسابداری ایران با استانداردهای بین‌المللی حسابداری و گزارشگری مالی متناظر آنها (IASs & IFRSs) در شورای عالی مصوب شد و حتی پیمانکار انجام آنهم تعیین شد و قراردادی بین انجمن و پیمانکار منعقد شد[۴۳]. ولی آن پروژه به دلایلی به سرانجام نرسید. در انجمن هم با توجه به اینکه آن زمان مباحث توسعه پایداری در سطح بین‌المللی بسیار مطرح شده بود، ترجمه **ویرایش ۲۰۱۵ گزارش توسعه پایدار جهانی**[۴۴] به آن پیمانکار واگذار و جایگزین پروژه قبلی شد. انتشار این کتاب هم جزو کارهای ماندگار در انجمن است. سه موسسه حسابرسی (به ترتیب الفبا) ارقام‌نگر آریا، دایارهیافت، و هادی بینات هم به عنوان حامیان مالی همه مخارج ترجمه و چاپ این کتاب را متقبل شدند. به طوریکه این اثر ارزشمند با بهترین کیفیت روی کاغذ گلاسه و رنگی در هزار نسخه چاپ شد. همانطور که در

۴۳- **پیمانکار پروژه مطالعاتی بررسی تطبیقی استانداردهای ملّی حسابداری ایران با استانداردهای بین‌المللی حسابداری و گزارشگری مالی متناظر آنها (IASs & IFRSs) تعیین شد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۶ مرداد ۱۳۹۴.

۴۴- The ۲۰۱۵ ***Global Sustainable Development Report*** was launched in June ۲۰۱۵ and contributed to the ۲۰۱۵ session of the High Level Political Forum (HLPF) on Sustainable Development. **FULL REPORT**. **BRIEFS**.

خبر انتشار این اثر ارزشمند هم ذکر کردیم[۴۵]، این گزارش در واقع خروجی نشست سپتامبر ۲۰۱۵ رهبران جهان برای اتخاذ یك برنامه جهانی و تحول برای توسعه پایدار است. این گزارش چکیده کارهای مطالعاتی و نظرات گروهی از برجسته‌ترین دانشمندان جهان است که از آن به عنوان برنامه جهان برای بیست سال آینده نام برده می‌شود. آن سال ما بلافاصله پس از چاپ کتاب ترجمه این گزارش مهم و ارزشمند آن را برای وزارتخانه‌های مختلف، معاونتهای مختلف نهاد ریاست جمهوری، کمیسیونهای تخصصی مجلس، مرکز پژوهشهای مجلس، و سازمانها و نهادهای مختلف دیگر ارسال کردیم، و بازخوردهای بسیار خوبی هم دریافت کردیم.

علاوه بر این موارد، اقدامات دیگری هم در سالهای نخست انجام داده‌اید که کمتر درباره آنها صحبت شده باشد؟

من اولین بار که به دفتر انجمن رفتم، گمان کنم سال ۱۳۹۰ یا ۱۳۹۱ بود. آقای دکتر پوریانسب آن زمان عضو شورای عالی و سردبیر مجله حسابدار بود، و جلسه‌ای را بین دبیرکل وقت (زنده‌یاد منیری)، کارکنان انجمن و اعضای تحریریه مجله حسابدار هماهنگ کرده بود. به موضوع آن جلسه کار ندارم. ولی همین که وارد دفتر انجمن شدم، به شدت جا خوردم. دفتر انجمن یك آپارتمان اداری حدود دویست متری واقع در طبقه دوم یك ساختمان قدیمی در

۴۵- از سوی انتشارات انجمن حسابداران خبره ایران: کتاب ترجمه «گزارش توسعه پایدار جهانی» منتشر شد، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۳ خرداد ۱۳۹۵.

خیابان استاد نجات‌الهی (ویلا) بود. از در آپارتمان که وارد می‌شدیم، یك راهروی به طول حدود بیست متر بود که نیمی از آن (روبروی در ورودی) فایلهای فلزی قدیمی به ارتفاع حدود یك و نیم متر چیده شده بود. انتهای راهرو هم یك بخاری قرمزرنگ بسیار بزرگ به ارتفاع حدود دو متر بود که در اثر گرما و مصرف اکسیژن آن، فضای دفتر به‌شدت خفه و سنگین شده بود. وقتی خودم به عنوان دبیرکل در آن دفتر مستقر شدم، در دو ماه نخست که زنده‌یاد منیری هم در دفتر حضور داشت، به احترام آن عزیز تغییری در چیدمان دفتر ندادم. ولی از ابتدای سال ۱۳۹۳ ابتدا آن بخاری را از راهرو برداشتیم و قدری راهرو را مرتب کردیم. سپس، طراحی داخلی و چیدمان دفتر را کاملا تغییر دادیم و بروز کردیم[۴۶]. مثلا همه آن فایلهای فلزی قدیمی را از راهرو جمع کردیم. به جای آنها در اتاق امور اعضا کتابخانه‌های چوبی سفارش دادیم؛ و پرونده اعضاء را داخل زونکنهای نو و یکرنگ در آن کتابخانه‌ها چیدیم. در سال ۱۳۹۵ هم که دفتر فعلی انجمن را خریدیم، جناب آقای دکتر صادقیان (رئیس انجمن) که آن زمان به عنوان معاون در بنیاد مستضعفان مسئولیت داشتند، یکی از پیمانکاران هتلهای بنیاد را معرفی کردند، و آن پیمانکار طی حدود دو ماه، این آپارتمان را از یك دفتر مندرس قدیمی به یك دفتر شیك و مدرن تبدیل کرد[۴۷].

۴۶- دکوراسیون و چیدمان داخلی دفتر انجمن مورد بازطراحی و بازسازی قرار گرفت، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۸ خرداد ۱۳۹۴.

۴۷- دبیرکل انجمن اعلام کرد: با تحویل قطعی و برگزاری جلسه اخیر شورای عالی در محل دفتر جدید انجمن بهره‌برداری از این دفتر رسماً آغاز شد پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۰ مرداد ۱۳۹۵.

یکی از کارهای دیگری که شما طی مدت حضورتان در انجمن انجام دادید، حضور پررنگ و گسترده انجمن در شبکه‌های اجتماعی مختلف بود. آن اوایل نگران نبودید که این حضور برای انجمن و شما چالش‌برانگیز شود؟

اگر بگویم نگران نبودم که خلاف واقع است. ولی نگرانیم در حدی نبود که مانع انجام این کار شود. شبکه‌های اجتماعی طی یك دهه اخیر خیلی از مناسبات جهان را دگرگون کردند. کار به جایی کشید که مثلا دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین امریکا، اصلی‌ترین رسانه‌اش حساب توئیترش بود! همین الان مباحث داغ انتخابات ریاست جمهوری ایران در شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود. این تحول کم‌اهمیتی نیست. یك تغییر پارادایم (الگوواره) است.

من حتی قبل از اینکه به عنوان دبیرکل به انجمن بیایم، اداره صفحه مجله حسابدار در فیسبوك را بر عهده داشتم. آن زمان هنوز فیسبوك در ایران فیلتر نشده بود و اصلی‌ترین شبکه اجتماعی در ایران بود. البته آن زمان نفوذ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در بین مردم به اندازه امروز نبود؛ و به مراتب کمتر بود. ولی با این حال به سرعت ظرفیت پنج هزار نفری صفحه مجله حسابدار تکمیل شد و ما ناچار شدیم دومین صفحه را هم برای مجله راه‌اندازی کنیم. البته محتوای هر دو صفحه کاملا یکسان بود. ولی چون آن زمان فیسبوك برای صفحات سقف پنج هزار نفری گذاشته بود (نمی‌دانم به چه علت) به همین دلیل ما ناچار شدیم صفحه دوم را هم راه‌اندازی کنیم. در آن زمان که نفوذ شبکه‌های اجتماعی بسیار پایین‌تر از امروز بود

پنج هزار و اندی دنبال‌کننده برای صفحه یك مجله تخصصی عدد خیره‌کننده‌ای بود. من از همان تجربه متوجه شدم که شبکه‌های اجتماعی برای نهادهایی مثل ما چه ظرفیت بینظیری دارند.

وقتی من به انجمن آمدم، در همان سال اول یك وبگاه جدید برای انجمن طراحی کردیم[۴۸]. چون وبگاه قبلی بسیار ناکارآمد و تقریبا چیزی شبیه به یك تابلوی اعلانات با ظرفیت بسیار محدود بود! مثلا، اگر حروف یك خبر ساده از یك تعدادی بیشتر می‌شد، امکان انتشار نداشت! در مجموع چیز عجیبی بود. همزمان، دامین وبگاه انجمن را هم از iranianica.com به iica.ir تغییر دادم. می‌خواستم IICA به‌عنوان سرواژه (Acronym) نام انجمن جا بیفتد؛ که الان خوشبختانه جاافتاده است. بعد از آنهم همه حسابهای کاربری و کانالهای انجمن در همه شبکه‌های اجتماعی را با شناسه iica_ir راه‌اندازی کردم. مثلا، دقیقا در اولین روزی که تلگرام امکان ایجاد کانال را برای کاربرانش در ایران فراهم کرد، کانال انجمن حسابداران خبره ایران در تلگرام را به نشانی t.me/iica_ir راه‌اندازی کردم[۴۹]. آن زمان هنوز تلگرام فیلتر نشده بود، و در یك بازه زمانی کوتاه به شدت مورد توجه ایرانیان قرار گرفته بود. تلگرام اولین شبکه اجتماعی در ایران بود که در لایه‌های مختلف جامعه نفوذ کرد و به‌سرعت همه‌گیر شد. البته آن زمان که ما کانال انجمن را راه‌اندازی

۴۸- وبگاه جدید انجمن راه‌اندازی شد، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱ مهر ۱۳۹۴.

۴۹- کانال رسمی انجمن حسابداران خبره ایران در تلگرام راه اندازی شد، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۴ مهر ۱۳۹۴.

کردیم، هیچ نهادی در حسابداری ایران در شبکه‌های اجتماعی فعال نبود. انگار همه به قول شما نگران تبعات نامشخص آن بودند. ولی ما در همان روز اول که کانال انجمن را ایجاد کردیم به همه اعضای انجمن پیامك گروهی زدیم و نشانی کانال را برایشان فرستادیم. در همان بیست و چهار ساعت اول هم نزدیك به هزار نفر از اعضای انجمن به این کانال پیوستند. برای من بسیار هیجان‌انگیز بود. هر زمان اراده می‌کردم با گوشی تلفن همراهم می‌توانستم با اعضای انجمن در ارتباط باشم. اینها الآن برای ما عادی شده است. ولی آن زمان واقعا مثل تحقق یك رویای دست‌نیافتنی بود.

الان انجمن در کدام شبکه‌های اجتماعی فعال است؟

ما در تلگرام یك کانال برای **انجمن**، یك کانال برای **مجله حسابدار**، یك کانال برای **پادکستهای انجمن**، یك کانال برای مرکز آموزش انجمن (**PACT**)، و یك کانال **آموزش زبان انگلیسی در PACT** داریم. در اینستاگرام، لینکداین، و آپارات هم برای انجمن و PACT حسابهای جداگانه‌ای داریم[۵۰]. البته حسابهای PACT همگی به صورت متمرکز توسط همکاران PACT اداره می‌شوند. ولی در تمام این مدت، اداره‌کننده (ادمین) همه حسابها و کانالهای انجمن در شبکه‌های اجتماعی مختلف خود من بوده‌ام. هم به خاطر حساسیت موضوع و هم به خاطر اینکه سرعت انجام کارها بالا باشد. در همه

۵۰- اینستاگرام انجمن: @iica_ir اینستاگرام پکت: @pact.ir اینستاگرام پکت انگلیسی: @pact.english آپارات انجمن: @iica_ir آپارات پکت: @pact.ir لینکداین انجمن. لینکداین پکت.

این شبکه‌های اجتماعی هم بدون استثناء حسابهای انجمن در بین همه نهادهای حسابداری ایران اولین حسابهای کاربری بودند. مثلا، اینستاگرام حدود یك سال و اندی است که در بین حسابداران ایرانی محبوب شده است. ولی از راه‌اندازی و فعالیت حساب کاربری انجمن در اینستاگرام بیش از پنج سال می‌گذرد[۵۱]. **اولین پست انجمن در اینستاگرام** ۲ فوریه ۲۰۱۶ (۱۳ بهمن ۱۳۹۴) منتشر شد. عکس لحظه نواختن سرود ملی ایران در آغاز **مجمع عمومی عادی سالانه مورخ ۳۰ دی ۱۳۹۴**، در تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران است.

خودتان در کدام شبکه‌های اجتماعی فعال هستید؟

من از اوایل دهه ۱۳۸۰ در شبکه‌های اجتماعی مختلف همیشه جزو کاربران فعال بوده‌ام. اساسا مفهوم شبکه‌های اجتماعی از همان اول برای من جذابیت زیادی داشت. کاربران شبکه‌های اجتماعی معمولا دو گروه کلی هستند. گروه اول افرادی هستند که خیلی بی‌سروصدا و به‌اصطلاح **چراغ خاموش** حضور دارند. ولی گروه دوم افرادی هستند که حضورشان خیلی پرنمود و کنشگرایانه (فعال) است. من همیشه جزو گروه دوم بوده‌ام. در دهه ۱۳۸۰ در فیسبوك خیلی فعال بودم. بعد از فیلتر شدن فیسبوك به وایبر و بعدا به تلگرام مهاجرت کردم. الان هم در **اینستاگرام**، **لینکداین** و **آپارات** کاملا فعال

۵۱- **با هدف انتشار تصاویر مرتبط با انجمن: صفحه رسمی انجمن حسابداران خبره ایران در اینستاگرام راه‌اندازی شد**، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۰ بهمن ۱۳۹۴.

هستم[۵۲]. مثلا، تعداد فالورها و بازدیدهای پستهای من در اینستاگرام، لینکداین و آپارات چندین برابر انجمن است. هیچوقت هم مطلقا از ظرفیت حسابهای انجمن در شبکه‌های اجتماعی به منظور جذب مخاطب برای خودم استفاده نکرده‌ام. بلکه همیشه برعکس این رفتار کرده‌ام. یعنی از ظرفیت مخاطبان شخصی خودم برای ترویج حسابهای انجمن و جذب مخاطب برای آنها استفاده کرده‌ام. اغلب هم بسیار موثر بوده است.

علاقه‌ای که من به شبکه‌های اجتماعی و تولید محتوا دارم حتی ناخودآگاه به پسرم هم منتقل شده است. او الان حدود ده سال سن دارد. ولی تعداد دنبال‌کنندگان حسابش در آپارات (آرین‌شو) دوبرابر تعداد دنبال‌کنندگان حساب انجمن است! [باخنده] ویدئوهایی که تولید و منتشر می‌کند هم همیشه چندین هزار بار دیده می‌شوند. همانطور که عرض کردم، امروز پارادایمهای جهان اساسا دگرگون شده‌اند. الان نوجوانانی در شبکه‌های اجتماعی فعال هستند که مخاطبان چندصدهزار نفری دارند، و با بهره‌برداری از ظرفیت مخاطبان گسترده‌شان دهها برابر افراد متخصص و حرفه‌ای درآمد کسب می‌کنند. جهان واقعا دگرگون شده است؛ و من شخصا این دگرگونی را دوست دارم.

شما طی سالهای اخیر علاوه بر قالب نوشته از پادکست و ویدئو هم برای تولید و انتشار محتوا در شبکه‌های اجتماعی استفاده کرده‌اید. چطور شد به این زمینه علاقه‌مند شدید؟

۵۲- پیوست (۱۲): وبگاه شخصی و شبکه‌های اجتماعی را ببینید.

با توجه به تجربه بسیار موفق انتشار ویدئوهای انجمن در آپارات (از بهمن ۱۳۹۴)، من در مهرماه ۱۳۹۶ تصمیم گرفتم کانال پادکستهای انجمن را در سرویس اشتراك پادکست شنوتو به نشانی shenoto.com/channel/iica_ir راه‌اندازی کنم؛ و فایلهای صوتی (پادکست) متنوعی را علاوه بر ویدئوهای انجمن تولید و از این طریق منتشر کنم. در واقع، همانطور که در راه‌اندازی کانال ویدئوهای انجمن در آپارات هدفم این بود که یك کانال تلویزیونی آفلاین برای انجمن ایجاد کنم، هدفم از راه‌اندازی این کانال پادکست هم این بود که یك کانال رادیوی آفلاین برای انجمن داشته باشیم. و چون همیشه در انجمن کمبود منابع مالی داشتیم، و نمی‌خواستم در راه‌اندازی این کانال پادکست هزینه‌ای به انجمن تحمیل شود، اغلب پادکستهای این کانال را خودم تولید و منتشر می‌کردم. یعنی خودم گویندگی و صدابرداری می‌کردم، آرش پشنج به آنها موسیقی اضافه می‌کرد، و من پادکست نهایی را منتشر می‌کردم[۵۳]. البته یکی از پادکستها که مربوط به زنده‌یاد مرتضی ممیّز – آفریننده نشان‌واره انجمن حسابداران خبره ایران بود را آرش خودش گویندگی کرد.

آن سالها چون تلگرام نفوذ خیره‌کننده‌ای در لایه‌های مختلف جامعه از جمله در بین حسابداران پیدا کرده بود، در روز سه‌شنبه، ۲ آبان ۱۳۹۶ هم یك کانال جداگانه برای انتشار پادکستهای انجمن در تلگرام به نشانی t.me/podcast_iica_ir ایجاد کردم.

۵۳– پیوست (۱۰): پادکستها را ببینید.

شما خودتان هم مجموعه پادکستهایی را تحت عنوان «هزار داستان حسابداری» به صورت شخصی تولید و منتشر می‌کنید که اتفاقا خیلی هم پرطرفدار هستند. چرا این مجموعه پادکستها را از طریق کانال پادکستهای انجمن منتشر نکردید؟

حدود یك سال بعد از آغاز تولید و انتشار پادکستها در انجمن، این ایده در من شکل گرفت که مجموعه پادکستهایی را به صورت شخصی در ارتباط با تاریخ حسابداری ایران تولید و منتشر کنم. عنوان این پادکستها را هم از عنوان کانال ویدئوهای کوتاه **هزار داستان با مسعود بهنود** در تلگرام الهام گرفتم. ولی اینکه چرا تصمیم گرفتم این پادکستها را خودم شخصی منتشر کنم و از ظرفیت کانال پادکستهای انجمن استفاده نکردم، دلیلش این بود که چون موضوعات تاریخی همواره مناقشه‌برانگیز هستند، نمی‌خواستم در بیان مطالب محدودیتی داشته باشم. اگر این پادکستها را از طریق کانال پادکستهای انجمن منتشر می‌کردم، ناچار بودم مواردی را رعایت کنم. علاوه بر این، نمی‌خواستم تبعات احتمالی این پادکستها گریبانگیر انجمن شود. اینطور شد که از ۱۲ دی ۱۳۹۷، تولید مجموعه پادکست‌های **هزار داستان حسابداری** را شروع کردم؛ و طی این مدت، آنها را از طریق کانالهایم در **آپارات**، **کست‌باکس** و **تلگرام** منتشر کرده‌ام[۵۴].

منظورتان از مناقشه‌برانگیز بودن موضوعات تاریخی و تبعات احتمالی آنها برای انجمن را می‌شودواضح‌تر توضیح بدهید؟

۵۴- **پیوست (۱۰): پادکستها** را ببینید.

اجازه بدهید با یك مثال توضیح بدهم. مثلا، اولین پادکستی که برای یکی از بزرگان حسابداری ایران تولید و منتشر کردم، قسمت هشتم این پادکستها و برای زنده‌یاد محمدمهدی سمیعی بود[۵۵]. بلافاصله بعد از انتشار این پادکست شماری از عزیزان گلایه می‌کردند که چرا به جای آن زنده‌یاد، عزیز دیگری را انتخاب نکرده‌ام! پاسخ ساده من این بود که این پادکستها تلاش شخصی من هستند؛ و آنان را تشویق می‌کردم که خودشان دست به کار بشوند و برای هر عزیزی که مایل هستند پادکست تولید کنند. اگر از ظرفیت کانال انجمن برای انتشار این پادکستها استفاده می‌کردم، در تمام این جزئیات محدود می‌شدم. در محتوای یکایك این پادکستها هم که سرتاسر مواردیست که مناقشه‌برانگیز هستند. در مجموع، جمع‌بندیم این بود که این کار اگر به صورت شخصی انجام شود بهتر است. الان هم همچنان فکر می‌کنم تصمیم درستی گرفتم.

سوال بعدی اینکه؛ در بین مشغله‌های مختلفتان چه ضرورتی احساس کردید که تصمیم گرفتید برای تولید و انتشار این پادکستها هم وقت و انرژی صرف کنید؟

ما در زمینه تاریخ حسابداری در ایران بسیار کم‌کار و کم‌اعتنا یا حتی بی‌اعتنا بوده‌ایم. در حالی که مثلا در امریکا یکی از بخشهای

۵۵- هزار داستان حسابداری (۸): محمدمهدی سمیعی (بنیانگذار انجمن حسابداران خبره ایران)، نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۲۶ بهمن ۱۳۹۷.

بسیار بااهمیت و پرکار **انجمن حسابداری امریکا**[۵۶] **آکادمی مورخان حسابداری**[۵۷] است که **مجله مورخان حسابداری**[۵۸]، مهمترین مجله تاریخی حسابداری جهان، را از سال **۱۹۷۴** منتشر می‌کند. من هر چه از اهمیت تاریخ در حسابداری بگویم باز هم کم گفته‌ام. ما متاسفانه تصور می‌کنیم کار کردن در زمینه تاریخ حسابداری یك کار لوکس و بی‌ارتباط با مسائل روز حرفه است. این تصور کاملا نادرست است. یك بنده خدایی که در ظاهر ادعای دوستی با من داشت، پشت سرم گفته بود که این کارها قرتی‌بازی است!! یا آن اوایل که من شروع به تولید و انتشار این پادکستها کرده بودم، یکی از همکاران در یکی از گروههای تلگرامی من را خطاب قرار داد و گفت: «به جای این کارها به مسائل روز حرفه بپردازید! برای ما چه اهمیتی داره که ده سال پیش و پنجاه سال پیش و صد سال پیش و هزار سال پیش چه اتفاقی در حسابداری ایران افتاده؟! مهم اینه که ما الان چه مسائل و مشکلاتی داریم!» من در پاسخ آن همکار در همان گروه نوشتم که، از قضا اهمیت تاریخ در همه زمینه‌ها همین کارکرد است. چون ریشه اکثریت قریب به اتفاق مسائل و مشکلات ما تاریخی است. در همین حسابداری ایران ریشه اغلب مسائل و مشکلات تاریخی است. علاوه بر این، یك شکاف بسیار بزرگ نیز بین حسابداری قبل و بعد از انقلاب وجود دارد. گروهی چنین جا انداخته‌اند که اساسا مبدا حسابداری ما بعد از انقلاب بوده است! گروهی دیگر چنین جا انداخته‌اند که اساسا مبداء

۵۶- The American Accounting Association (AAA)
۵۷- Academy of Accounting Historians (AAH)
۵۸- Accounting Historians Journal

حسابداری ما از دانشگاهها است! اینها دروغهای بزرگ حسابداری ایران هستند، که دلیل باورپذیری آنها نزد افراد ناآگاه نپرداختن ما به تاریخ حسابداری ایران بوده است. طی این سالها همیشه یکی از آرزوهای من این بود که در انجمن بتوانیم پروژه بزرگ و ملی تاریخ حسابداری ایران را کلید بزنیم و به روش علمی به سرانجام برسانیم. یك بار این آرزو را لابلای صحبت‌هایم به یك بنده خدایی گفتم، او هم هول شد و رفت و در قالب یکی دو کتاب به بدترین شکل ممکن این ایده را در واقع شهید کرد! انجام کار تاریخی به روش علمی شوخی‌بردار نیست. این طور نیست که چند مقاله را در یکی، دو مجلد گردآوری کنیم و توهم انجام کار تاریخی داشته باشیم. کار تاریخی اصلا نباید اینطور به شوخی گرفته شود. حتما باید به صورت گروهی و توسط افرادی علاقه‌مند و پای کار به سرپرستی یك متخصص انجام شود.

همانطور که در پاسخ پرسشهای قبلی هم یکی دو بار اشاره کردم، من در دو ماه اول آمدنم به انجمن برای این که به جزئیات با انجمن و رویدادهای آن در گذشته آشنا شوم، همه مطالب مرتبط با انجمن که در مجله حسابدار (از سال ۱۳۵۵) منتشر شده بود را خوانده بودم. این در واقع نقطه شروع علاقه‌مندی و توجه من به تاریخ معاصر حسابداری ایران بود. بر مبنای فیش‌برداریهایی که از آن مطالب و بعدا مطالب دیگر انجام دادم، مناسب دیدم که این مطالب را در قالبهای مختلف بازگو کنم. ابتدا بخشی از این مطالب را در چند مقاله و بعضی از میزگردهای مجله حسابدار بازگو کردم.

بعدا هم در قالب پادکستهای هزار داستان حسابداری و فیلمهای مستند انجمن به آنها پرداختم.

روش شما در ضبط این پادکستها چطور است؟ فی‌البداهه هر چه در ذهن دارید را درباره آن موضوع می‌گویید؟ چون لحن کاملا محاوره‌ایست. به نظر نمی‌رسد متنی در کار باشد.

فقط قسمت دهم این پادکستها[۵۹] که سخنرانیم در مرکز آموزش انجمن است را به‌صورت فی‌البداهه ارائه کردم. مابقی آنها همگی متن از پیش نوشته‌شده دارند. متن آنها را به صورت محاوره‌ای می‌نویسم، همانطور هم گویندگی می‌کنم، تا خودمانی به نظر برسند. هر آنچه در این پادکستها گفته‌ام هم مرجع معتبر تاریخی دارند. مطلقا هیچ داده‌ای را بدون مرجع معتبر ذکر نکرده‌ام.

چه بازخوردهایی از انتشار این مجموعه کارهای تاریخی داشتید؟

بازخوردها برایم غافلگیرکننده و به‌شدت دلگرم‌کننده بودند. چون به دلایل مختلف، بیشتر انتظار داشتم با واکنشهای منفی روبرو شوم. ما آدمها ذاتا اینطور هستیم که بیشتر وقتی از چیزی بدمان می‌آید نظر خود را ابراز می‌کنیم. یعنی نظرات منفی خود را بیشتر ابراز می‌کنیم. به همین دلیل، انتظار داشتم هر کدام از این مطالب به مذاق افرادی خوش نیاید و این حسهای منفی را ابراز کنند. ولی به جز چند مورد انگشت‌شمار که الان در ذهنم باقی مانده است، مابقی

۵۹- **هزار داستان حسابداری (۱۰): دورهمی در ویلا**، با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۹ اسفند ۱۳۹۷.

بازخوردها به شدت دلگرم‌کننده بودند. مثلا، چند عزیز که من قبلا افتخار آشنایی با آنان را نداشتم، به من پیام دادند و گفتند در دانشگاه تدریس می‌کنند، و از این پادکستها برای جلب علاقه دانشجویان به حسابداری سر کلاسهایشان استفاده می‌کنند. یا طی این مدت، عزیزان پرشماری نسبت به گفتگوی من با پروفسور ارفعی[۶۰] ابراز لطف کرده‌اند. پروفسور ارفعی یکی از نوادر جهان در زمینه زبانهای باستانی ایران و بین‌النهرین است، و گفتگویی که من اسفند ۱۳۹۷ با ایشان در محل دفترشان در فرهنگستان هنر انجام دادم، مشروح‌ترین و تخصصی‌ترین گفتگویی است که تا به حال با ایشان انجام شده است، و قطعا یکی از منابع مرجع در آینده خواهد بود. یا مجموعه کارهای تاریخی که من درباره نسل نخست حسابداران چارترد ایرانی، به‌ویژه، زنده‌یادان اسماعیل عرفانی، محمدمهدی سمیعی، ابوالقاسم خردجو، و حسن سجادی‌نژاد تهیه و منتشر کردم، مورد توجه بسیاری از عزیزان قرار گرفته است. تعداد زیادی از عزیزان طی این مدت به من گفته‌اند که پیش از این حتی نام بعضی از این افراد، مخصوصا زنده‌یادان سمیعی و خردجو، را نشنیده بودند. این ظلم بزرگ ما حسابداران ایرانی به خودمان و به تاریخ کشورمان بوده است. سمیعی و خردجو اگر در هر حرفه دیگری بودند، همچون دو اسطوره آنان را روی سرشان می‌گذاشتند. این دو عزیز تاثیرگذارترین افراد در تاریخ بازارهای پول و سرمایه ایران بوده‌اند. بانك مرکزی به همت سمیعی

۶۰- **گفتگوی محسن قاسمی با عبدالمجید ارفعی درباره حسابداری و کنترل در گل‌نبشته‌های باروی تخت جمشید**، مجله حسابدار، شماره ۳۲۴-۳۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸، صص ۱۶-۲۶.

راه‌اندازی شد و جای خود را در نظام اقتصادی ایران پیدا کرد. مطالعات راه‌اندازی بورس اوراق بهادار تهران هم به دستور سمیعی توسط خردجو در بانك مرکزی انجام شد. این دو عزیز در دهه اول راه‌اندازی بورس (۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷) اولی در جایگاه رئیس شورای بورس و دومی در جایگاه رئیس هیئت مدیره سازمان کارگزاران رهبری بورس را برعهده داشتند؛ و در عرض یك دهه، بورس را به جایگاه تاثیرگذاری در اقتصاد ایران (پیش از انقلاب) رساندند. همین دو عزیز، یکی در جایگاه رئیس کل بانك مرکزی و دیگری در جایگاه مدیرعامل بانك توسعه صنعتی و معدنی ایران، در کنار زنده‌یادان علینقی عالیخانی[۶۱] و محمدعلی صفی اصفیاء[۶۲] چهار ستون اصلی رشدهای خیرکننده و دورقمی اقتصاد ایران در دوران طلایی دهه ۱۳۴۰ بودند. یا نقش بی‌بدیل زنده‌یاد اسماعیل عرفانی در پیروزی جنبش ملی‌شدن صنعت نفت ایران و مطرح کردن ایده اقتصاد بدون نفت که به‌شدت مورد توجه زنده‌یاد محمد مصدق قرار گرفت (و اغلب به اشتباه ایشان را مبدع این ایده می‌دانند)، و همچنین نقش حیاتی و تاثیرگذار زنده‌یادان عرفانی، سجادی‌نژاد، سمیعی و خردجو در راه‌اندازی شرکت ملی نفت ایران، جزو فرازهای درخشان تاریخ معاصر حسابداری ایران است که به دلیل کم‌توجهی و حتی بی‌توجهی ما به تاریخ، اغلب حسابداران ایرانی از آنها بی‌اطلاع هستند.

۶۱- علینقی عالیخانی (۱۳۰۷ - ۱۳۹۸) وزیر اقتصاد ایران در کابینه‌های اسدالله علم، حسنعلی منصور، و امیرعباس هویدا (۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸) بود. ویکی‌پدیا

۶۲- محمدعلی صفی‌اصفیا (۱۲۹۲—۱۳۸۷) وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه در کابینه‌های اسدالله علم، حسنعلی منصور، و امیرعباس هویدا (۱۳۴۱ تا ۱۳۴۷) بود. ویکی‌پدیا

فهرست بالا را همینطور می‌توان ادامه داد. تاریخ چند هزار ساله ایران آکنده از خدمات ارزشمند و متنوع حسابداران در ادوار مختلف است. من در حد بضاعت بسیار ناچیزم تلاش کردم فقط تلنگری به اذهان اهالی حرفه بزنم و توجه عزیزان را به اهمیت تاریخ حسابداری ایران جلب کنم. تاریخ هر پدیده‌ای هویت آن است. ما حسابداران ایرانی وقتی چنین تاریخ غنی و پرباری داریم، اگر این تاریخ را مدون و منتشر نکنیم، در درجه اول ظلم در حق خودمان و در درجه بعد ظلم در حق میهن عزیزمان است.

شما علاوه بر تولید و انتشار این پادکستها، در تولید محتواهای ویدئویی در انجمن هم بسیار پرکار بوده‌اید. در یکی از یادداشتهایتان نوشته‌اید ایده راه‌اندازی تلویزیون آفلاین برای انجمن را محقق کرده‌اید. اشاره‌تان هم به کانال انجمن در آپارات بوده است. در این زمینه بیشتر توضیح می‌دهید؟

یادداشتی که می‌گویید، یادداشتی است که ۱۳ تیر ۱۳۹۵ در کانال یادداشتهایم در تلگرام نوشتم[۶۳]. آنجا ضمن معرفی AICPA TV (تلویزیون انجمن حسابداران رسمی امریکا) اعلام کردم با الگوبرداری از آن، IICA TV (تلویزیون انجمن حسابداران خبره ایران) را در آپارات راه‌اندازی کرده‌ایم. دوستان همین الان می‌توانند AICPA TV را گوگل کنند و آن را ببینند. در واقع، رسانه ویدئویی انجمن حسابداران رسمی امریکا است. من با الگوبرداری از آن، در بهمن ۱۳۹۴، حساب انجمن را در آپارات

۶۳- هیچ کارشناس مالیاتی بهتر از حسابدار رسمی نیست، ۱۳ تیر ۱۳۹۵، تلگرام.

راه‌اندازی کردم[۶۴]، و از آن تاریخ تا به امروز هر رویدادی که در انجمن برگزار شده است، ویدئوی کامل آن را به صورت تفکیک‌شده در این کانال منتشر کرده‌ام. منظورم از تفکیک‌شده اینست که مثلا اگر یك همایش برگزار کرده‌ایم که در آن ده سخنرانی مختلف ارائه شده است، من هر ده سخنرانی را با عنوان هر سخنرانی و هر سخنران به طور جداگانه در این کانال منتشر کرده‌ام. این کار برای من خیلی پرزحمت‌تر از بارگذاری فایل یکجای این رویدادها بوده است. ولی این روش انتشار، جستجوپذیری ویدئوهای انجمن را برای مخاطبان بسیار راحت‌تر کرده است. مثلا اگر در یك همایش ارائه‌ای درباره معافیت‌های مالیاتی طبق قانون جدید مالیاتهای مستقیم داشته‌ایم، علاقه‌مندان این موضوع مشخص را خیلی راحت پیدا می‌کنند.

رویدادهای انجمن هم شامل همه همایشها، آیینهای گرامیداشت، مجامع سالانه، میزگردها، مصاحبه‌های و گزارشها است. علاوه بر این، طی این مدت چند فیلم مستند هم تولید کردیم که آنها هم در این کانال در دسترس علاقه‌مندان هستند. تا به امروز مجموعه این ویدئوها نزدیك به دویست هزار بار توسط مخاطبان مختلف دیده شده‌اند. انتشار ویدئوهای رویدادهای انجمن اگر به همین ترتیب در این حساب ادامه پیدا کند در طول زمان یك آرشیو تصویری بسیار جذاب از انجمن ایجاد خواهد شد.

۶۴- **با هدف انتشار ویدئوهای مرتبط با انجمن و حسابداری ایران و جهان: کانال رسمی انجمن حسابداران خبره ایران در «آپارات» راه‌اندازی شد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۳ بهمن ۱۳۹۴.

درباره فیلمهای مستندی که در انجمن تولید کردید هم بیشتر توضیح می‌دهید؟ اینکه اصلا چطور شد به این زمینه علاقه‌مند شدید؟ و چطور این فیلمها را در انجمن تولید کردید؟

من جزو علاقه‌مندان فیلمهای مستند هستم. آثار مستند داخلی و خارجی را در هر فرصتی که داشته باشم در زمینه‌های مختلف دنبال می‌کنم. ولی هیچوقت تصور نمی‌کردم یك روز خودم درگیر مستندسازی بشوم. ماجرا به برگزاری **آیین گرامیداشت صدمین زادسال زنده‌یاد استاد حسن سجادی‌نژاد** (۱۶ اسفند ۱۳۹۶) برمی‌گردد. من علاقه بسیار ویژه‌ای به آن زنده‌یاد دارم. دلایل علاقه‌ام را هم به طور مشروح در یادداشت **آقای حسابدار** نوشته‌ام[۶۵]. به همین دلیل، در سال ۱۳۹۶ به شورای عالی انجمن پیشنهاد دادم، از آنجا که آن زنده‌یاد از بنیانگذاران انجمن، عضو دو دوره نخست شورای عالی، و از تاثیرگذارترین افراد در دهه اول فعالیت انجمن بوده‌اند، آیین گرامیداشت ویژه‌ای را به مناسبت صدمین زادسال آن زنده‌یاد برگزار کنیم. خوشبختانه اکثریت اعضای شورای عالی (به جز یکنفر) کاملا با این پیشنهاد موافق بودند. بنابراین قرار شد من اقدامات لازم را برای برگزاری آن مراسم انجام دهم. حین تدارك برگزاری مراسم ابتدا در نظر داشتم در قالب یك کلیپ چند دقیقه‌ای زندگینامه مختصری برای آن زنده‌یاد درست کنم و در آن مراسم نمایش بدهیم. آن زمان من به‌تازگی فیلم مستند **آقای نخست وزیر**

۶۵- یادداشت **آقای حسابدار** را به مناسبت رونمایی از تمبر یادبود روز حسابدار منقش به تصویر زنده‌یاد حسن سجادی‌نژاد (در مراسم روز حسابدار اصفهان، آذر ۱۳۹۶) در روز چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۳۹۶ نوشتم و در کانال یادداشتهایم در تلگرام منتشر کردم.

(به کارگردانی محمدرضا امامقلی، ۱۳۹۵، درباره زنده‌یاد محمد مصدق) را دیده بودم. بنابراین، حین آماده کردن آن کلیپ به مرور این ایده در ذهنم شکل گرفت که با همین امکانات محدودی که در انجمن در اختیار داریم، به جای کلیپ، یك فیلم مستند زندگینامه برای آن زنده‌یاد بسازیم. آن زمان استاد بزرگوار جناب آقای خستوئی هم در گفتگوی تلفنی که با یکدیگر داشتیم از این موضوع مطلع شد، و لطف کرد و من را به دکتر مجید سجادی‌نژاد (پسر ارشد زنده‌یاد سجادی‌نژاد، FCCA) معرفی کرد. ایشان هم ضمن اینکه بسیار بابت این موضوع خوشحال شد، تعدادی از عکسهای نوجوانی و جوانی استاد را که قبلا هیچ جا دیده نشده بود در اختیار من گذاشت. من هم در فیلم از آن عکسها استفاده کردم. خودشان هم به مناسبت آن مراسم یك پیام ویدئویی[۶۶] ضبط کرد و فرستاد؛ و ما در مراسم نمایش دادیم که برای حضار خیلی جالب بود. به هر حال، بعد از اینکه مراحل تولید فیلم به اتمام رسید. عنوان فیلم (**آقای حسابدار: زمانه و زندگی حسن سجادی‌نژاد**) را هم با الگوبرداری از فیلم مستند **آقای نخست وزیر** و همچنین یادداشت **آقای حسابدار** انتخاب کردم. در تولید این فیلم، کارهای پژوهشی، نویسندگی، گویندگی متن (نریشن)، انتخاب و حتی تولید بعضی از تصاویر را من انجام دادم. کارگردانی، تدوین و انتخاب موسیقی را هم آرش پشنج انجام داد. یعنی یك کار کاملا دِلی و بدون هزینه بود که ما دونفر به طور داوطلبانه انجام دادیم. نسخه نهایی فیلم را

۶۶- **پیام دکتر مجید سجادی‌نژاد به حسابداران ایرانی**، کانال انجمن حسابداران خبره ایران در آپارات، ۱۶ اسفند ۱۳۹۶.

برای اولین بار در همان مراسم روی پرده سفید تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران برای حضار در آن مراسم نمایش دادیم. به‌شدت هم مورد توجه آن عزیزان قرار گرفت. این برای من و آرش خیلی هیجان‌انگیز بود و خستگی را از تنمان به در کرد. بعد از آن مراسم هم نسخه کامل فیلم را از طریق کانال انجمن در آپارات منتشر کردیم که در دسترس دوستان است[۶۷].

بعد از تجربه موفق و لذت‌بخش ساخت آن فیلم، من به این نتیجه رسیدم با استفاده از این قالب (فیلم مستند) می‌توانیم خیلی مطالب را منتشر کنیم. بنابراین، در بهار و تابستان سال بعد (۱۳۹۷) به مرور دو فیلم مستند دیگر با همان روش توسط من و آرش پشنج ساخته و از طریق کانال انجمن در آپارات منتشر شد. در فیلم **ح: مثل حسابدار، مثل حرفه‌ای** (تیر ۱۳۹۷) ضمن اشاره‌ای گذرا به تاریخ حسابداری در ایران، ضرورت توسعه حرفه‌ایگری را تبیین کردیم؛ و در این بافتار، گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای انجمن را معرفی کردیم. در فیلم **IFRS در ایران** (مرداد ۱۳۹۷) هم ضمن ارائه تاریخ استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASها) و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRSها)، مشروح اقدامات انجام‌شده در ایران برای همگرایی با این استانداردها را گزارش کردیم. به یقین می‌گویم، فیلمنامه این فیلم مستند جامع‌ترین کار مطالعاتی است که

۶۷- **آقای حسابدار: زمانه و زندگی حسن سجادی‌نژاد**، فیلم مستند، ساخته مشترک محسن قاسمی و آرش پشنج، کانال انجمن حسابداران خبره ایران در آپارات، ۱۶ اسفند ۱۳۹۶.

در این زمینه در ایران انجام شده است، و یك منبع ارزشمند برای علاقه‌مندان به این موضوع می‌تواند باشد.

پاییز همان سال هم، حین تدارك برگزاری دوازدهمین سالانه آیین گرامی‌داشت روز حسابدار (۱۹ آذر ۱۳۹۷) فیلم مستند لوکا پاچیولی: قهرمان کمترشناخته‌شده رنسانس (آذر ۱۳۹۷) را ساختیم. آن فیلم را هم برای اولین بار در آن مراسم و روی پرده سفید تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران نمایش دادیم، که آنهم به‌شدت مورد توجه حضار قرار گرفت. بعد از مراسم هم نسخه کامل آن را از طریق حساب انجمن در آپارات منتشر کردیم. در ساخت این فیلم، خانم بنفشه صفری‌نژاد (از همکاران انجمن) هم به عنوان مترجم متن اولیه فیلمنامه (که بعدا توسط من ویرایش، بازنویسی و تکمیل شد) با من و آرش پشنج همکاری داشت[۶۸].

طی این سالها، بخشی از مسئولیتهای شما در ارتباط با «مجله حسابدار» (نشریه انجمن حسابداران خبره ایران) بوده است. ابتدا قدری «حسابدار» را برای خوانندگانی که کمتر با آن آشنا هستند معرفی بفرمایید.

حسابدار در بین همه نشریات دانشگاهی، حرفه‌ای و خبری که در تاریخ حسابداری ایران منتشر شده‌اند، اولین نشریه است. البته پیش از انقلاب، عنوانش **نشریه انجمن حسابداران خبره ایران** بود. انتشار این

۶۸- توضیحات ویدئویی محسن قاسمی (دبیرکل) درباره فیلم مستند لوکا پاچیولی، دوازدهمین سالانه آیین گرامی داشت روز حسابدار، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، کانال انجمن حسابداران خبره ایران در آپارات، ۱۷ آذر ۱۳۹۷.

نشریه، به سردبیری سرکار خانم دکتر فریده خلعت‌بری (از نخستین اعضای انجمن)، از سال **۱۳۵۵** آغاز شد و تا زمستان **۱۳۵۷** مجموعا دوازده شماره آن (تقریبا هر دو ماه یك شماره) منتشر شد. البته سال **۱۳۵۵** که انتشار این نشریه در انجمن آغاز شد، جناب آقای سیدمحمد بهبهانی هم به هزینه شخصی خودش انتشار مجله **حسابرس** را آغاز کرد. ایشان تا مهر **۱۳۵۸** مجموعا **۱۳** شماره آن نشریه را منتشر کرد. وی بعد از آغاز به انتشار نشریه سازمان حسابرسی (از زمستان **۱۳۷۷**) در یادداشتی که در همان مجله منتشر شد، عنوان **حسابرس** را به نشریه سازمان حسابرسی واگذار کرد. به هر حال، نشریه انجمن نخستین و ماناترین نشریه تخصصی حسابداری ایران است.

بعد از وقفه‌ای که در انتشار این مجله از زمستان **۱۳۵۷** به وجود آمد، دوره جدید آن با عنوان **حسابدار** از آذر **۱۳۶۳** به سردبیری استاد بزرگوار جناب آقای دکتر مهدی تقوی منتشر شد. دکتر تقوی که استادتمام اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی است، عمدتا به عنوان اقتصاددان شناخته می‌شود. ولی ایشان در دوره‌ای که برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت (دهه **۱۳۴۰**)، علاوه بر تحصیل در رشته‌های زبان و ادبیات انگلیسی، مدیریت و بازرگانی، دوره **ACCA** (حسابدار رسمی چارترد) را هم در لندن گذراند. جالب اینکه تنها جایزه کتاب سال که به ایشان اهدا شده است هم

در موضوع حسابداری بوده است[۶۹]. این استاد بزرگوار در دهه ۱۳۶۰ زحمات بسیار زیادی را برای انتشار دوباره نشریه انجمن متقبل شد، که واقعا جای تقدیر و سپاسگزاری بسیار دارد. یك نکته جالب دیگر هم درباره ایشان و مجله حسابدار اینست که وی در تمام نزدیك به سی و هفت سال گذشته مدیرمسئول حسابدار بوده است. از این نظر احتمالا ایشان یکی از رکورددارن در عرصه مطبوعات در ایران است. امیدوارم همیشه تندرست باشند. من به این عزیز بسیار ارادت دارم. ضمن اینکه در مقطع کارشناسی ارشد هم دانشجوی ایشان بودم و از این نظر هم حق استادی بر گردن من دارند.

بعد از دوره سردبیری دکتر مهدی تقوی (آذر ۱۳۶۳ تا شهریور ۱۳۶۴) تا دی ۱۳۷۱ نام فرد مشخصی در شناسنامه مجله به عنوان **سردبیر** درج نشده است. در آن مقطع و چند مقطع دیگر پس از آن، مجله تحت نظر هیئت تحریریه منتشر می‌شد. سردبیران بعدی مجله تا به امروز عبارتند از محمد شلیله (از دی ۱۳۷۱ تا مرداد ۱۳۷۴)، دکتر یدالله مکرمی (از شهریور ۱۳۷۵ تا شهریور ۱۳۷۸)، غلامحسین دوانی (از دی ۱۳۷۸ تا اردیبهشت ۱۳۸۴)، دکتر محسن خوش‌طینت (از تیر ۱۳۸۴ تا آبان ۱۳۸۷)، دکتر امیر پوریانسب (از دی ۱۳۸۸ تا بهمن ۱۳۹۳)، پرویز روح صداقت (از بهمن

۶۹- در **یازدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲)** کتاب «اصول حسابداری ۳» (نوشته فلیپس فس و رولین نیس ونگر) ترجمه مشترك مهدی تقوی و ایرج نیك‌نژاد (انتشارات پیشبرد، ۱۳۷۱) از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. **ویکی‌پدیا**

۱۳۹۳ تا فروردین ۱۳۹۷)، و من که از اردیبهشت ۱۳۹۷ همزمان با مسئولیت دبیرکلی انجمن، سردبیر مجله هم هستم. طبق رویه‌ای که در انجمن از ابتدا مستقر بوده است، همیشه دبیرکل انجمن همزمان **مدیر اجرایی** مجله هم بوده است. به همین دلیل، من از بهمن ۱۳۹۲ تا به امروز مدیر اجرایی حسابدار هم بوده‌ام. مدیر اجرایی در واقع امور مربوط به چاپ، توزیع و سازمان آگهی‌های مجله را بر عهده دارد.

حسابرس (نشریه سازمان حسابرسی) در صدمین شماره خود که فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸ منتشر شد، گفتگوی نسبتا مفصلی با من انجام داد[۷۰]. در آن گفتگو، توضیحات مشروحی را درباره مجله حسابدار، تاریخ آن، مطالبی که در آن منتشر شده است، امور اجرایی آن، و چالشهای انتشارش طی این سالها ارائه کرده‌ام. دوستان علاقه‌مند به اطلاع از جزئیات بیشتر درباره **حسابدار** می‌توانند به آن گفتگو مراجعه کنند؛ فایل آن در وبگاه مجله حسابرس در دسترس دوستان است. ولی یك نکته بسیار مهم را که در آن مصاحبه به طور کامل توضیح دادم، جا دارد اینجا هم مختصرا تکرار کنم. مجله حسابدار از اولین شماره (در سال ۱۳۵۵) تا به امروز یك کارکرد بسیار ویژه و جالب توجه برای انجمن و حتی برای حسابداری ایران داشته است، و آن کارکرد گزارشگری بی‌وقفه و مشروح رویدادهای انجمن (به عنوان مهمترین نهاد

۷۰- انتشار مجله حسابدار؛ تصمیم جسورانه، گفتگو با دکتر محسن قاسمی (دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران و سردبیر ماهنامه حسابدار)، مجله حسابرس، سازمان حسابرسی، شماره ۱۰۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸.

حسابداران ایران) است. این گروه از مطالب مجله حسابدار طی چهل و پنج سال گذشته یك منبع مرجع بی‌بدیل را برای تاریخ انجمن و تاریخ حسابداری ایران گردآورده است که ارزش آن غیرقابل ارزیابی است.

آقای دکتر، یك انتقاد یا گلایه‌ای که بعضی افراد در تمام ادوار مختلف از حسابدار و سایر نشریات داشته‌اند، این بوده است که انتشار مقاله در آنها کار سختی است. شما به عنوان فردی که از سال ۱۳۸۸ تا به امروز با حسابدار کار کرده‌اید و در آن مسئولیت داشته‌اید چه پاسخی به این انتقاد یا گلایه دارید؟

بله متاسفانه این گلایه همیشه وجود داشته است. حتی در بعضی مقاطع دستآویزی برای تغییر سردبیران مجله به‌دست داده است. این موضوع را در همان گفتگو با مجله حسابرس مفصل و مشروح تشریح کردم. ولی به دلیل اهمیت موضوع، اینجا هم مختصرا تکرار می‌کنم. البته توصیه‌ام به دوستان علاقه‌مند به همکاری با نشریات اینست که آن مصاحبه را حتما به طور کامل بخوانند.

من به عنوان کسی که حدود دوازده سال با حسابدار همکاری تنگاتنگ دارم، و از اوضاع نشریات مشابه (**حسابرس** و **حسابدار رسمی**) هم مطلع هستم، خدمت شما عرض می‌کنم، هم حسابدار و هم سایر نشریات مشابه در تمام دوران انتشارشان با کمبود مقاله و محتوای باکیفیت مواجه بوده‌اند. یعنی واقعیت ماجرا کاملا برعکس تصوری است که از بیرون وجود دارد. چند مسئله اصلی باعث به وجود آمدن این سوءبرداشت شده است. مهمترین مسئله، عدم درك

تفاوت بین نشریات حرفه‌ای و نشریات دانشگاهی است. متاسفانه در اثر توسعه سرطانی تحصیلات تکمیلی دانشگاهی در ایران (که در پاسخ پرسشهای قبل درباره آن مفصلا توضیح دادم) تعداد بسیار قابل توجهی از مخاطبان نشریات حرفه‌ای حسابداری در ایران (**حسابدار، حسابرس و حسابدار رسمی**) طی سالهای گذشته یا دانشجو یا دانش‌آموخته مقاطع تحصیلات تکمیلی حسابداری (فوق‌لیسانس یا دکتری) بوده‌اند. همگی این افراد هم، که دهها هزار نفر را شامل می‌شوند، دست‌کم یك مقاله علمی-پژوهشی از پایان‌نامه خود تنظیم کرده‌اند؛ و تعداد قابل توجهی از آنان بدون توجه به تفاوت نشریات حرفه‌ای و نشریات دانشگاهی، این مقالات دانشگاهی خود را برای انتشار به یکی (یا همه) این نشریات فرستاده‌اند.

ما چه در ایران و چه در جهان سه گروه نشریات تخصصی داریم: نشریات حرفه‌ای، نشریات دانشگاهی، و نشریات خبری. البته در موارد متعددی، نشریات حرفه‌ای انتشار اخبار تخصصی را هم بر عهده می‌گیرند. از این رو، می‌توان گفت نشریات حرفه‌ای و نشریات دانشگاهی دو گروه اصلی نشریات تخصصی هستند. ویژگی اصلی نشریات حرفه‌ای حسابداری (در ایران، **حسابدار، حسابرس و حسابدار رسمی**) اینست که توسط یك نهاد حرفه‌ای (در ایران، **انجمن حسابداران خبره ایران، سازمان حسابرسی، و جامعه حسابداران رسمی ایران**) منتشر می‌شوند، و از آنجا که مخاطبان اصلی آنها افراد حرفه‌ای (نه دانشگاهی) هستند، بنابراین، محتوای حرفه‌ای در آنها منتشر می‌شود. از سوی دیگر، ویژگی اصلی نشریات دانشگاهی

حسابداری (نشریات علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی) اینست که توسط یك نهاد علمی (دانشگاهها یا انجمنهای علمی) منتشر می‌شوند، و از آنجا که مخاطبان اصلی آنها افراد دانشگاهی (نه حرفه‌ای) هستند، بنابراین، محتوای دانشگاهی (مقالات علمی-پژوهشی و مقالات علمی-ترویجی) در آنها منتشر می‌شود. البته از آنجا که ما در ایران گهگاه کارهای خلاف عرف جهانی انجام می‌دهیم، طی سالهای گذشته بعضی از نهادهای حرفه‌ای ما به‌غلط در پی دریافت مجوز انتشار نشریات دانشگاهی رفته‌اند، و هم اینك چند نشریه دانشگاهی از سوی چند نهاد حرفه‌ای حسابداری در ایران منتشر می‌شوند. ولی به هر حال، نشریات حرفه‌ای همچون **حسابدار**، **حسابرس** و **حسابدار رسمی** ماهیتا از انتشار مقالات علمی-پژوهشی و حتی علمی-ترویجی معذورند. البته طی دهه‌های گذشته به دلایل مختلف، مثلا، محدود بودن تعداد نشریات دانشگاهی در مقاطعی، یا در مواردیکه یك فرد دانشگاهی سردبیری یکی از این نشریات حرفه‌ای را بر عهده داشته است، مواردی پیش آمده است که به‌غلط مقالات علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی در این نشریات حرفه‌ای منتشر شده‌اند. ولی این کار نادرست بوده است، و به هیچ وجه قابل دفاع و قابل تعمیم نیست. من بر مبنای تجربه دوازده سال همکاری نزدیك با مجله حسابدار، به جرئت عرض می‌کنم، بالای ۹۵ درصد مقالاتی که به همه نشریات حرفه‌ای ارسال می‌شوند، همین گروه مقالات دانشگاهی (علمی-پژوهشی یا علمی-ترویجی) هستند که اساسا محل انتشار آنها در مجلات دانشگاهی است؛ نه مجلات حرفه‌ای. مثل اینست که شما مقاله پایان‌نامه‌تان را مثلا

برای روزنامه کیهان بفرستید و از تحریریه آن انتقاد یا گلایه کنید که چرا آن را منتشر نکرده است! ارسال این قبیل مقالات به نشریات حرفه‌ای به همین اندازه غیرمنطقی و غیراصولی است.

نکته بعدی اینکه ما همواره با بعضی مقالات مواجه‌ایم که در آنها اصول اولیه مقاله‌نویسی رعایت نشده است. مثلا، من به وفور با مقالاتی مواجه بوده‌ام که حاصل جرح و تعدیل چند مقاله و مطلب برداشته‌شده از کتابهای مختلف بوده‌اند. هیچ ایده جدیدی هم در آنها دیده نمی‌شود. متاسفانه این رویه نادرست و غیراخلاقی در بسیاری از دانشگاههای ما ترویج می‌شود. گردآورندگان این مطالب هم دچار توهم مقاله‌نویسی می‌شوند. ایده محوری هر مقاله باید متعلق به نویسنده مقاله باشد. تنها در این حالت است که او می‌تواند در مقاله خود برای استناد و موثرنویسی از منابع دیگر (البته با ارجاع‌دهی اصولی) استفاده کند. اینکه شما بروید و چند مطلب را از منابع مختلف فارسی و انگلیسی گردآوری کنید و به یکدیگر بچسبانید و یك معجونی درست کنید؛ این مقاله‌نویسی نیست. بعضی افراد هم یك مقاله مناسب را از یك منبع معتبر بین‌المللی انتخاب می‌کنند. آن را کامل یا ناقص ترجمه می‌کنند. سپس، اول، وسط یا آخر آن مطالب نسبتا بی‌اهمیتی را از خودشان اضافه می‌کنند. در نهایت، حاصل این کار را به عنوان مقاله خود معرفی می‌کنند. چند سال پیش، یك بنده خدایی چنین مطلبی را تنظیم کرده بود و به عنوان مقاله خودش برای انتشار در حسابدار فرستاده بود. خیلی هم پیگیر بود که حتما به همان شکل منتشر شود.

من اصل مقاله را خوانده بودم. البته اگر نخوانده بودم هم حتما مثل همیشه بررسی می‌کردم. به هر حال، تا مقاله را دیدم، به آن بنده خدا ایمیل زدم و اصل مقاله را برایش فرستادم و گفتم اگر این مقاله را کامل ترجمه کنی به عنوان ترجمه حتما در حسابدار چاپ می‌شود. ولی آن بنده خدا اصرار داشت که مقاله حاصل کار خودش است، و نباید به عنوان ترجمه منتشر شود. بعد هم کلی جار و جنجال راه انداخت. حتی یك مطلب بی سر و ته و پر از غلط را علیه انجمن نوشت و در یکی از روزنامه‌ها منتشر کرد.

اکثریت قریب به اتفاق گلایه‌ها و انتقادات از این انواع هستند. وگرنه هم ما در حسابدار، و هم دیگر نشریات، از خدایمان است که یك مقاله شسته و رفته و اصولی را منتشر کنیم. ما در حسابدار طی همه ادوار مختلف مترجمان و نویسندگان بسیار جوان و اغلب ناشناخته داشته‌ایم که چون حاصل کارشان قابل قبول بوده مقالات متعددی از آنان منتشر شده است. اکثریت افرادی که طی سالهای گذشته مقالاتشان در حسابدار منتشر شده است را من اصلا نمی‌شناسم. ما به نام و جایگاه شغلی افراد کار نداریم؛ کیفیت مقالاتشان برایمان مهم است. اگر بنا به پارتی‌بازی بود، مثلا ما در حسابدار باید کلی مقاله از اعضای شورای عالی انجمن منتشر می‌کردیم. خودتان بروید و شماره‌های گذشته مجله را از این حیث بررسی کنید. البته اعضای شورای عالی هم مثل هر فرد دیگری می‌توانند مقالاتشان را برای انتشار در حسابدار بفرستند، و اگر مناسب باشد منتشر می‌شود. ولی اینطور نیست که مثلا مقالات

علمی-پژوهشی دیگران منتشر نشود، ولی مقالات علمی-پژوهشی آنان را منتشر کنیم. یا مقالات غیراصولی دیگران منتشر نشود، ولی مقالات بی‌کیفیت آنان را منتشر کنیم.

این توضیحات را خودتان هم به صورت ویدئویی از طریق وبگاه انجمن و کانال انجمن در آپارات ارائه کرده‌اید. چه شد که آن ویدئو را منتشر کردید؟

آن ویدئو را روزهای اول آغاز مسئولیتم به عنوان سردبیر حسابدار ضبط و منتشر کردم. از همان زمان در منوی **مجله حسابدار** بر روی وبگاه انجمن و کانال انجمن در **آپارات** در دسترس است[۷۱]. دلیل انتشار آن ویدئو این بود که قبلا همه این توضیحات را نفر به نفر می‌گفتم. خیلی از افراد هم چون تماسی با من نمی‌گرفتند، طبیعتا از این موارد مطلع نمی‌شدند. بنابراین، در ذهنشان فقط ابهام باقی می‌ماند. به همین دلیل، این موارد را به صورت ویدئویی توضیح دادم و منتشر کردم. البته به صورت نوشتاری هم در منوی **مجله حسابدار** بر روی وبگاه انجمن درج شده است. در اولین شماره مجله هم که مسئولیت سردبیری حسابدار به من واگذار شده بود (**شماره ۳۱۳، اردیبهشت ۱۳۹۷**) بعد از سرمقاله، زیر عنوان **فراخوان ارسال مقاله برای حسابدار** (ص۳) منتشر شد. در قالب خبر هم در پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن منتشرش کردیم[۷۲]. یعنی از همه

۷۱- **توضیحات محسن قاسمی درباره انتشار مقاله در مجله حسابدار**، کانال انجمن حسابداران خبره ایران در آپارات، اردیبهشت ۱۳۹۷.

۷۲- **مطابق اطلاعیه صادره از سوی سردبیر مجله حسابدار: اعضای گرانمایه انجمن و دیگر خوانندگان محترم مجله به ارسال مقالات حرفه‌ای در ارتباط با مسائل روز**

ابزارهایی که در اختیار داشتیم این توضیحات را منتشر کردیم که همه علاقه‌مندان از آنها مطلع شوند. اینطور کار خیلی راحت‌تر شد. بسیاری از عزیزان در مراجعه به وبگاه و آپارات انجمن آن ویدئو را می‌دیدند و موضوع برایشان روشن می‌شد. هر عزیز دیگری هم که در این زمینه سوال یا ابهام داشت، به آن ویدئو ارجاعش می‌دادیم. بعد از انتشار آن توضیحات، پرسشها، ابهامات و حتی گلایه‌ها در این زمینه به وضوح کمتر شد.

شما یك کارگاه یك‌روزه هم با موضوع مقاله‌نویسی در مرکز آموزش انجمن برگزار کردید. برگزاری آن کارگاه هم در همین ارتباط بود؟

آن کارگاه را حدود یك سال قبل از شروع دوره سردبیریم در حسابدار برگزار کردم. البته دغدغه‌ام ارائه همین مطالب بود. به همکارانم در مرکز آموزش انجمن هم تاکید کردم که در همه پوسترها و بروشورهای مربوط به آن کارگاه به صورت برجسته و واضح تاکید کنند که این کارگاه درباره مقاله‌نویسی **غیردانشگاهی** است. چون تعداد بسیار زیادی از افراد به دلیل تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی و الزام به ارائه مقاله علمی-پژوهشی متقاضی دوره‌های آموزشی مقاله‌نویسی دانشگاهی هستند. من تاکید داشتم به همه متقاضیان حضور در آن کارگاه یادآوری شود که این کارگاه در زمینه مقاله‌نویسی دانشگاهی نیست. کارگاه بعد از حدود

حسابداری ایران و دیگر موضوعات حرفه‌ای مرتبط فراخوانده شدند، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱ خرداد ۱۳۹۷.

یك ماه اطلاع‌رسانی در چهار نشست ۹۰ دقیقه‌ای (مجموعاً شش ساعت) در روز جمعه، ۶ مرداد ۱۳۹۶، برگزار شد. در آن چهار نشست درباره مبانی مقاله‌نویسی (غیردانشگاهی)، دستور خط فارسی (آیین نگارش)، و دستور زبان فارسی مطالبی را ارائه کردم. تجربه خوبی بود. می‌توانست ادامه‌دار هم باشد. ولی به دلیل مشغله‌های زیاد من، فرصت تکرار آن فراهم نشد. البته چند روز بعد از برگزاری کارگاه، اسلایدهای آن را روی وبگاه انجمن منتشر کردم که دیگر عزیزان علاقه‌مند هم بتوانند از مطالب آن استفاده کنند[۷۳]. اردیبهشت ۱۳۹۹ هم در گفتگویی زنده (Live) که با همین موضوع با اینستاگرام مرکز آموزش انجمن داشتم، بسیاری از آن مطالب را دوباره به اختصار ارائه کردم. ویدئوی کامل این گفتگو هم از طریق کانال شخصی من در آپارات در دسترس علاقه‌مندان است[۷۴].

یك موضوع جالب که احتمالا بسیاری از خوانندگان مجله حسابدار از آن مطلع نیستند، طراحی جلدهای بسیاری از شماره‌های مجله حسابدار توسط شما است. ریشه علاقه شما به گرافیك به چه زمانی برمی‌گردد؟

علاقه من به گرافیك به خیلی زمان قبل برمی‌گردد. برای اطاله کلام عرض نکردم. سال دوم که در کنکور سراسری شرکت کردم، علاوه

۷۳- اسلایدهای کارگاه یک‌روزه «مبانی مقاله‌نویسی»، با تمرکز بر نوشتن مقالات غیرعلمی–پژوهشی در موضوعات حسابداری و مرتبط، مدرس: محسن قاسمی، دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران و عضو هیئت تحریریه مجله حسابدار، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۱ مرداد ۱۳۹۶.

۷۴- مقاله‌نویسی برای مجلات غیر دانشگاهی، گفتگوی زنده (Live) با اینستاگرام مرکز آموزش حسابداران خبره (PACT)، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، کانال ویدئوها و پادکستهای محسن قاسمی در آپارات.

بر گروه فنی و مهندسی در گروه هنر هم نام‌نویسی کردم. بسیار هم علاقه‌مند بودم که در رشته گرافیك ادامه تحصیل بدهم. ولی رتبه‌ام حدود هفتصد شد؛ که برای قبولی در رشته گرافیك کافی نبود. البته این علاقه همیشه در من باقی ماند، و هر زمان فرصت دست می‌دهد، ایده‌هایی را برای طراحی ارائه می‌دهم. اولین جلد مجله حسابدار که بر مبنای ایده من طراحی شد، **شماره ۲۶۷، خرداد ۱۳۹۳،** بود. آن زمان در حال تدارك جشن چهل‌سالگی انجمن بودیم. به همین مناسبت در آن شماره مجله میزگردی[۷۵] با این موضوع برگزار کردیم. من طرح روی جلد آن شماره را در ارتباط با موضوع آن میزگرد ایده‌پردازی کردم. روش کار هم همیشه اینطور بوده است که من طرح مدنظرم را به صورت ساده روی یك فایل تصویری پیاده می‌کنم. بعد خانم بیگلری برمبنای آن طرح اولیه طرح اصلی را تولید می‌کند. نهایتا کار را آنقدر ویرایش می‌کنیم تا به طرح نهایی برسیم. بعد از آن شماره، دکتر پوریانسب (سردبیر وقت مجله) که علاقه من را به طراحی دید، و از طرح روی جلد آن شماره هم راضی بود، کار طراحی همه جلدهای بعدی را به من سپرد. به این ترتیب، جلد شماره‌های **خرداد ۱۳۹۳ تا بهمن ۱۳۹۳** بر مبنای ایده‌پردازیهای من طراحی شدند. تا اینکه سردبیری مجله از شماره نوروز ۱۳۹۴ به آقای صداقت واگذار شد. در آن دوره من دخالتی در طراحی جلدها نداشتم. البته در طراحی جلد دو شماره

۷۵- **انجمن حسابداران خبره ایران در گذار از چهار دهه پرفراز و نشیب،** میزگرد با حضور (به ترتیب الفبا) هوشنگ خستوئی، الهویردی رجایی سلماسی، غلامرضا سلامی، منصور شمس‌احمدی، محسن قاسمی، و رسول محمدی سالك، مجله حسابدار، شماره ۲۶۷، خرداد ۱۳۹۳، صص ۳-۱۱.

تیر ۱۳۹۵ و دی ۱۳۹۵ از طرحهای من استفاده شد. چون در آن دو شماره، گزارش سی و هفتمین همایش انجمن و جشن چهل‌سالگی مجله حسابدار پوشش داده شده بود، که پوستر آنها بر مبنای ایده‌پردازی من طراحی شده بودند. مجددا از زمان سردبیری خودم، از شماره ۳۱۳، اردیبهشت ۱۳۹۷، همه جلدهای حسابدار بر مبنای ایده‌پردازی من طراحی شدند.

از زمانی که من به انجمن آمدم (بهمن ۱۳۹۲) همه کارهای طراحی که در انجمن انجام شده است، شامل کارتهای دعوت، بروشورها، پوسترهای همایشهای انجمن و آیینهای گرامیداشت برگزارشده توسط انجمن، گزارشهای سالانه و سایر اقلام بر مبنای ایده‌پردازیهای من طراحی شدند.

خودتان کدامیك از این طرحها را بیشتر می‌پسندید؟ اگر توضیحی هم درباره هر طرح دارید بفرمایید.

یك جمله کلیشه‌ای وجود دارد که آدمها در این موارد می‌گویند همه کارهایشان را دوست دارند و نمی‌توانند از بین آنها انتخاب کنند. من هم واقعا همه این طرحها را خودم شخصا دوست دارم. چون هر کدامشان برای من یادآور خاطرات دلپذیری هستند. ولی اگر بخواهم چند مورد را نام ببرم، اولین مورد قطعا طرح روی جلد شماره ۲۶۸، تیر ۱۳۹۳ مجله حسابدار است. در آن شماره گزارش کامل جشن چهل‌سالگی انجمن را پوشش داده بودیم؛ و به نوعی ویژه‌نامه چهل‌سالگی انجمن بود. زمینه طرح روی جلد را مشکی انتخاب

کردیم، و روی آن زمینه مشکی عکس واقعی **مدال یادبود جشن چهل‌سالگی انجمن** را کار کردیم. یعنی آن مدال یادبود را فرستادیم از روی آن یك عکس صنعتی با کیفیت بسیار بالا گرفتند، و آن را در طرح روی جلد کار کردیم. برای اولین‌بار هم بود که داشتیم از تکنیك **UV موضعی** روی جلد مجله استفاده می‌کردیم. با استفاده از این تکنیك، عکس مدال و نام مجله روی زمینه سلفون مات به صورت براق دیده می‌شد. جلد بسیار برازنده‌ای از کار درآمد. کاملا هم مناسب محتوای آن شماره (گزارش جشن چهل‌سالگی انجمن) بود. ضمن اینکه چون ما مجله را برای همه اعضای انجمن می‌فرستادیم، در واقع انگار داشتیم برای همه اعضا یك نسخه چاپی از آن مدال یادبود را می‌فرستادیم. مورد بعدی، طرح روی جلد **شماره ۲۷۱ و ۲۷۱، مهر و آبان ۱۳۹۳**، است. در آن شماره به مناسبت تصویب اساسنامه جدید انجمن و فراهم شدن امکان اعطای گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای (موضوع ماده ۸ اساسنامه)، میزگردی را با موضوع صلاحیتهای **مدیر مالی خبره** برگزار کردیم[۷۶]. در همین ارتباط، با توجه به جایگاه ارشدترین فرد مالی سازمان (CFO) که اغلب قدرتمندترین فرد سازمان است، بر روی نیم‌تنه بدون سر یك مرد، یك تاج شبیه سمبل مهره وزیر شطرنج (قدرتمندترین مهره در شطرنج) کار کردیم. منظورمان این بود که گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای **مدیر مالی خبره** همچون تاج ارزشمندی است که توسط انجمن بر سر مدیران مالی باصلاحیت گذاشته

۷۶- **صلاحیت‌های مدیر مالی خبره**، با حضور (به ترتیب الفبا) جواد بستانیان، امیر پوریانسب، سعید جمشیدی فرد، حجت‌اله صیدی، محسن قاسمی، داود مسگریان حقیقی، و مجید میراسکندری، مجله حسابدار، شماره ۲۷۱-۲۷۲، مهر و آبان ۱۳۹۳، صص ۳-۱۳.

می‌شود، و تاییدی بر صلاحیت آنان نزد عموم است. البته آن زمان من و دکتر پوریانسب قدری نگران تفسیرهای متفاوت از نماد تاج و شیطنت بعضی افراد مغرض بودیم. ولی خوشبختانه حاشیه‌ای درست نشد. طرح دیگری که از چند نظر برای من خاطره‌انگیز است، طرح روی **جلد شماره ۳۱۳، اردیبهشت ۱۳۹۷**، است. این شماره علاوه بر اینکه اولین شماره مجله بود که سردبیری آن به من واگذار شده بود، به صورت اتفاقی نیز دربردارنده گزارش **آیین گرامیداشت صدمین زادسال زنده‌یاد استاد حسن سجادی‌نژاد** (۱۶ اسفند ۱۳۹۶) بود. برای من جالب است، هم اولین شماره مجله حسابدار که از کیوسك روزنامه‌فروشی خریدم (**شماره شهریور ۱۳۷۸**) و هم نخستین شماره مجله حسابدار که سردبیری آن را برعهده داشتم، هر دو به طور اتفاقی مزین به تصویر قدی استاد عزیز زنده‌یاد حسن سجادی‌نژاد بودند. یکی دیگر از جلدهای مجله که به نظرم آنهم زیبا و برازنده از آب درآمد، **جلد شماره ۳۲۴ و ۳۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸**، است. در این شماره به مناسبت طراحی گواهینامه خدمات مالیاتی مشاغل (توسط انجمن) **میزگردی** برگزار کردیم[۷۷]؛ در **سرمقاله** هم پس از معرفی این گواهینامه، نخستین پذیرفته‌شدگان آزمون آن را معرفی کردیم[۷۸]. به همین دلیل، می‌خواستم طرح روی جلد کاملا مرتبط با این گواهینامه باشد. اینطور شد که بعد از چند روز به این

۷۷- **خدمات مالیاتی مشاغل**، با حضور اعضای کارگروه خدمات مالیاتی مشاغل انجمن حسابداران خبره ایران (به ترتیب الفبا)، مصطفی باتقوا، کتایون تفرشی‌راد، منصور شمس احمدی، مهدی غریب، و محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۳۲۴-۳۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸، صص ۱۶-۲۶. (یادکست میزگرد)

۷۸- **گواهینامه خدمات مالیاتی مشاغل انجمن حسابداران خبره ایران**، مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۲۴-۳۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸، صص ۲-۳.

جمع‌بندی رسیدم که عکس یکی از بازارهای سنتی ایران برای اشاره به این مفهوم می‌تواند گزینه مناسبی باشد. از بین بازارهای سنتی شهرهای مختلف ایران هم **بازار تبریز** را انتخاب کردم. چون بزرگترین بازار سرپوشیده جهان است، و به عنوان میراث جهانی نزد یونسکو ثبت شده است. آن عکس را **خوزه ماریا رویز سانچز** در سال **۲۰۱۷** گرفته بود. من از آرش (پشنج) خواستم آن را از یك فروشگاه عکس معتبر بین‌المللی بخرد.

این توجه همیشگی شما به جزئیات خیلی جالب است. درباره مجله حسابدار نکته دیگری هست که بخواهید به آن اشاره کنید؟

به نظرم جا دارد به **جشن چهل‌سالگی مجله حسابدار** هم اشاره‌ای بکنم. شهریور **۱۳۹۶**، بعد از برگزاری **سی و نهمین همایش انجمن**، من در کانال یادداشتهایم در تلگرام یادداشتی را با عنوان **همایش یکی مانده به چهل!** نوشتم[۷۹]. در آن یادداشت با اشاره به تاریخ انجمن و مجله حسابدار عرض کردم من در دوران چلچلی انجمن وارد آن شده‌ام، و «سرمستم از این غوطه‌وری دمادم در این بالندگی و بلوغ انجمن در دوران چلچلی آن». البته نهم آذرماه همان سال، خودم هم چهل‌ساله شدم. جالب‌تر اینکه **فدراسیون بین‌المللی حسابداران** (IFAC) هم چهل‌ساله شد! [با خنده] اتفاقا جناب آقای دکتر جمشیدی‌فرد هم در **دوازدهمین سالانه آیین گرامی‌داشت روز حسابدار** (۱۹ آذر ۱۳۹۷) در **گزارش** جذابی که از **بیستمین کنگره جهانی حسابداران (۲۰۱۸، سیدنی)**

۷۹- **همایش‌یکی‌مانده‌به‌چهل!** کانال یادداشتهای محسن قاسمی در تلگرام، ۸شهریور۱۳۹۶.

ارائه کرد[۸۰]، و به همه عزیزان موکدا توصیه می‌کنم فیلم آن سخنرانی را حتما ببینند، در انتهای سخنرانی به من ابراز محبت کردند و ضمن تبریك گفتن تولدم، من را همزاد آیفك نامیدند! چون هر دو آذرماه ۱۳۵۶ متولد شدیم! [با خنده]

به هر حال، طی این هفت، هشت سالی که من در انجمن بوده‌ام، با هدف معرفی انجمن و نشان دادن تاریخ ارزشمند آن، دو جشن چهل‌سالگی را در انجمن تدارك دیدیم و برگزار کردیم. اولی جشن چهلمین سالگرد ثبت انجمن بود که در ابتدای همین گفتگو توضیحاتی را درباره آن ارائه کردم. دومین جشن را هم همزمان با دهمین سالانه آیین گرامی‌داشت روز حسابدار (۲۳ آذر ۱۳۹۵) به مناسبت چهل‌سالگی مجله حسابدار برگزار کردیم. بعد از برگزاری آن جشن خاطره‌انگیز هم بلافاصله فیلم کامل بخشهای مختلف آن را از طریق وبگاه و کانال انجمن در آپارات منتشر کردم[۸۱]. مجله حسابدار شماره ۲۹۷، دی ۱۳۹۵، را هم به صورت ویژه‌نامه آن جشن تهیه و منتشر شد. در آن شماره مجله، علاوه بر گزارش مراسم، یك گفتگوی بسیار خواندنی با سرکار خانم دکتر فریده خلعت‌بری (نخستین سردبیر نشریه انجمن)[۸۲] و دو یادداشت بسیار خواندنی از

۸۰- گزارش سعید جمشیدی‌فرد از بیستمین کنگره جهانی حسابداران (۲۰۱۸، سیدنی)، کانال انجمن حسابداران خبره ایران در آپارات، ۱۹ آذر ۱۳۹۷.

۸۱- ۲۳ آذرماه در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران: «جشن چهل سالگی مجله حسابدار» ماهنامه حرفه‌ای انجمن حسابداران خبره ایران با حضور اعضای انجمن و مهمانان ویژه برگزار شد (+فیلم کامل مراسم)، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۵ آذر ۱۳۹۵.

۸۲- نهالی نازک که درختی تناور شد؛ گفتگو با فریده خلعتبری پایه‌گذار و نخستین سردبیر ماهنامه حسابدار، مجله حسابدار، شماره ۲۹۷، دی ۱۳۹۵، صص ۸-۱۳.

جنابان آقایان محمد شلیله[۸۳] و مجید میراسکندری[۸۴] منتشر شد، که خواندن هر سه مطلب را به علاقه‌مندان تاریخ انجمن و مجله حسابدار موکدا توصیه می‌کنم.

یك نکته دیگر هم که درباره مجله حسابدار جا دارد گفته شود، راه‌اندازی وبگاه اختصاصی مجله و بارگذاری آرشیو کامل شماره‌های آن در این وبگاه است. در این باره هم اگر نکته تکمیلی یا توضیحی هست بفرمایید.

بله دقیقا. نکته بسیار مهمی است. خوب شد یادآوری کردید. اتفاقا در همان رویداد جشن چهل‌سالگی مجله حسابدار من پس از ارائه توضیحاتی این وبگاه اختصاصی به نشانی hesabdar.iica.ir را رونمایی کردم[۸۵]. من از یك سال قبلش که وبگاه جدید انجمن را راه‌اندازی کرده بودیم، برنامه داشتم در فاصله کوتاهی وبگاه اختصاصی مجله حسابدار و بخشهای دیگر وبگاه انجمن را هم به مرور طراحی و راه‌اندازی کنم. ولی متاسفانه به دلیل بدقولیهای همیشگی همکار فنی انجمن که واقعا در تمام این چند سال من را به شدت اذیت کرد، این کار با یك سال تاخیر سرانجام همزمان با آن جشن آماده رونمایی شد. خانم بیگلری هم در مدت زمان کوتاهی

۸۳- خودکاری در یک دست، حشره‌کشی در دست دیگر، محمد شلیله (سردبیر اسبق مجله حسابدار، و عضو اسبق شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران)،مجله حسابدار، شماره ۲۹۷، دی ۱۳۹۵، صص ۱۴-۱۵.

۸۴- ماجراهای ماهنامه حسابدار، مجید میراسکندری (دبیرکل اسبق انجمن حسابداران خبره ایران و مدیر اجرایی اسبق مجله حسابدار)، مجله حسابدار، شماره ۲۹۷، دی ۱۳۹۵، صص ۱۶-۱۸.

۸۵- رونمایی از وبگاه اختصاصی مجله حسابدار توسط محسن قاسمی (دبیرکل)، کانال انجمن حسابداران خبره ایران در آپارات، ۲۳ آذر ۱۳۹۵.

همه مطالب منتشرشده در شماره‌های قبل مجله حسابدار (از آذر ۱۳۶۳) را در آرشیو این وبگاه بارگذاری کرد، و الان چند سال است که این آرشیو ارزشمند در دسترس همه علاقه‌مندان قرار دارد. البته من طی این مدت همواره پیگیر بودم که جزئیات این وبگاه را ارتقاء بدهیم. مثلا، از همان روز اول به همکار فنی بارها گفتم برای هر نویسنده یك پروفایل تنظیم کند و هر مطلبی از او در حسابدار منتشر شده است، به ترتیب (از آخر به اول) زیر پروفایلش نمایش داده شود. ولی تا الان محقق نشده است. یا امکانات جستجوی مطالب در این وبگاه می‌تواند به مراتب بهتر و اثربخش‌تر باشد. ولی به هر حال همین آرشیو فعلی هم بسیار ارزشمند است. من خودم به دفعات به آن مراجعه می‌کنم، و واقعا از دردسر جستجو در نسخه‌های کاغذی مجله رها شده‌ایم.

یکی دیگر از مسئولیتهای شما طی این مدت، عضویت در شورای مدیریت مرکز آموزش انجمن (PACT) بوده است. در این ارتباط اگر نکته‌ای برای ورود به بحث دارید بفرمایید.

من از مهرماه ۱۳۹۸ به عضویت در شورای مدیریت PACT منصوب شدم. قبل از آن این مسئولیت را نداشتم. PACT یك شورای مدیریت (در جایگاه هیئت مدیره یا Board) دارد که متشکل از سه نماینده انجمن و سه نماینده دانشگاه صنعت نفت (مالکان PACT) است. از زمان تاسیس PACT (در سال ۱۳۸۲) جنابان آقایان غلامرضا سلامی، ابوالقاسم فخاریان و منصور شمس‌احمدی نمایندگان انجمن در آن شورا بودند. تا اینکه در دیماه ۱۳۹۳،

شورای عالی انجمن مصوب کرد هیچ عضو شورای عالی همزمان عضو شورای مدیریت PACT نباشد. بنابراین، آقایان دکتر سعید جمشیدی فرد و دکتر مهدی مرادزاده فرد جایگزین آقایان ابوالقاسم فخاریان و منصور شمس‌احمدی شدند که آن زمان عضو شورای عالی انجمن بودند. نهایتا، در مهرماه ۱۳۹۸ نیز شورای عالی مصوب کرد به منظور برقراری ارتباط سیستماتیك بین دبیرخانه انجمن و PACT، همواره دبیرکل انجمن (هر کسی باشد) یکی از نمایندگان انجمن در شورای مدیریت PACT باشد. در اجرای آن مصوبه هم من جایگزین دکتر مرادزاده فرد شدم.

برای ورود به بحث لطفا برای دوستانی که کمتر با پیشینه PACT و کارهای آموزشی انجمن آشنایی دارند، توضیحات اولیه‌ای را ارائه بفرمایید.

پیشینه آموزش‌های حرفه‌ای انجمن به دهه ۱۳۶۰ برمی‌گردد. آن زمان در پی راه‌اندازی کمیته آموزش انجمن به همت عزیزانی، از جمله، استادان بزرگوار هوشنگ خستوئی، پرویز گلستانی، منصور شمس احمدی، و علی امانی، به مرور سنگ بنای آموزشهای حرفه‌ای انجمن گذاشته شد. اتفاقا اسفند ۱۳۹۶ استاد عزیزم جناب آقای پرویز گلستانی در میز خاطره‌ای که در آیین گرامیداشت صدمین زادسال زنده‌یاد استاد حسن سجادی‌نژاد (۱۶ اسفند ۱۳۹۶) برگزار شد، توضیحات بسیار جالبی را در این ارتباط ارائه کرد[۸۶]. به گفته

۸۶- میز خاطره: بازگویی خاطراتی از زنده‌یاد حسن سجادی‌نژاد، با حضور فریده خلعت‌بری، غلامرضا سلامی، محمدجواد صفار، پرویز گلستانی، نظام‌الدین ملك‌آرایی، و بهروز وقتی، مجله حسابدار، شماره ۳۱۳، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۷، صص ۱۲-۶.

ایشان، آموزشهای انجمن اوایل با دوره‌های تك‌درس اصول حسابداری ۱ و حسابداری صنعتی ۱ آغاز شد. بعدها به همت ایشان و جناب آقای شمس‌احمدی، و با مشارکت دبیران کل وقت انجمن آقایان میراسکندری و زنده‌یاد منیری در چارچوب تفاهم‌نامه‌ای که بین انجمن و **موسسه آموزشی و پژوهشی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران** منعقد شد، به مرور دوره‌های آموزشی بسیار متنوع و ارزشمندی با مدیریت انجمن در محل آن موسسه برگزار شد. اگر به شماره‌های قدیمی مجله حسابدار (دهه‌های ۱۳۷۰ تا اوایل دهه ۱۳۹۰) مراجعه کنید، فهرست آن دوره‌ها را می‌بینید. ولی به مرور این ایده در انجمن شکل گرفت که انجمن خودش یك مرکز آموزش راه‌اندازی کند.

خاستگاه راه‌اندازی PACT به اواسط دهه ۱۳۷۰ برمی‌گردد. آن زمان ابتدا با برگزاری دوره‌های آمادگی برای شرکت در آزمونهای انجمن حسابداران مدیریت چارترد (CIMA) و سپس با برگزاری دوره‌های آمادگی برای شرکت در آزمون حسابدار رسمی، به مرور مرکز آموزش انجمن شکل گرفت. ولی PACT به عنوان یك موسسه غیرتجاری آموزشی با شخصیت حقوقی جدا از انجمن به طور رسمی در روز چهارشنبه، ۲۱ بهمن ۱۳۸۳، تاسیس شد. سرمایه اولیه آن مبلغ ۲۰ میلیون ریال بود که در بدو تاسیس تماما توسط انجمن پرداخت شد. ولی حدود یك سال بعد، طبق صورتجلسه فوق‌العاده هیئت امناء مورخ ۳ اسفند ۱۳۸۴ مبلغ سرمایه به ۴۰ میلیون ریال افزایش یافت و همزمان ۴۹ درصد از سهم‌الشرکه

آن از سوی انجمن به دانشگاه صنعت نفت هبه شد. من از عزیزان بنیانگذار PACT شنیده‌ام، دلیل این کار نگرانی از تداوم فعالیت PACT بوده است. یعنی چون PACT مجوز فعالیت آموزشی نداشت، آن عزیزان تصمیم گرفتند با دانشگاه صنعت نفت شریك شوند. یك دلیل دیگر هم که از عزیزان شنیده‌ام، امید به جذب دانش‌پذیر از مجموعه بزرگ صنعت نفت بوده است.

البته نظر شخصی من اینست که هیچکدام از این دلایل چندان موجه نیستند. یعنی هبه کردن ۴۹ درصد از مالکیت مرکز آموزش انجمن و واگذاری کنترل آن به غیر را توجیه نمی‌کند. امتیازاتی که انجمن داده است، آنقدر حیاتی هستند که توجیه آنها دلایل بسیار موجه‌تری را می‌طلبد.

در ارتباط با نداشتن مجوز آموزشی، اولا، برگزاری دوره‌های آموزشی همواره یکی از مفاد اهداف انجمن در اساسنامه‌اش بوده است؛ دوما، انجمن در زمان تاسیس PACT حدود پانزده، شانزده سال سابقه انجام امور آموزشی داشت. یعنی این نگرانی قاعدتا به پشتوانه اساسنامه انجمن و سابقه آموزشی آن باید مرتفع می‌شد. و سوما، اگر اساسنامه انجمن و سابقه آموزشی آن کفایت نمی‌کرد، به هر طریق ممکن باید به دنبال گرفتن مجوز آموزشی موردنیاز می‌رفتیم. مطمئنا انجمن آنقدر اعتبار دارد که برای گرفتن هر مجوز آموزشی جداگانه اگر اقدام می‌کردیم به نتیجه می‌رسیدیم. من هیچوقت دلیل ایجاد شخصیت حقوقی جداگانه برای مرکز آموزش

انجمن را هم متوجه نشدم. همانطور که عرض کردم، پیش از تاسیس PACT، انجمن حدود پانزده، شانزده سال سابقه انجام امور آموزشی داشت. مرکز آموزش می‌توانست همواره یکی از واحدهای زیرمجموعه انجمن باشد. مگر اینکه از اول بنا بر شراکت با دانشگاه صنعت نفت بود، که تصمیم به ایجاد شخصیت حقوقی جداگانه گرفته شد. البته این تحلیل من است. اطلاع دقیقی ندارم. دلیل دوم هم که امید به جذب دانش‌پذیر از مجموعه بزرگ صنعت نفت ذکر می‌شود، می‌توانست در قالب قرارداد، تفاهم‌نامه یا هر قالب دیگری به جز شراکت انجام شود. حتی اگر شراکت گریزناپذیر بود، دست‌کم کنترل PACT را در اختیار انجمن نگه می‌داشتیم. نه اینکه به امید جذب دانش‌پذیر، مالکیت و کنترل مرکز آموزش را به دانشگاه صنعت نفت هبه کنیم. من طی هشت سال گذشته هر بار این ماجرا را در ذهنم مرور کرده‌ام، باز مثل روز اول برایم عجیب و باورنکردنی بوده است.

یك نکته قابل تامل دیگر هم اینست که این تصمیم‌گیری اساسا در صلاحیت شورای عالی وقت نبوده است. زیرا در مقطع واگذاری کنترل و مالکیت PACT به دانشگاه صنعت نفت (سال ۱۳۸۴)، امور آموزشی اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین بخش انجمن بود. شورای عالی وقت در واقع مالکیت و کنترل اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین بخش انجمن را به غیر هبه کرده است. چنین تصمیمی قطعا باید در عالی‌ترین رکن انجمن یعنی مجمع عمومی اعضاء گرفته می‌شد. به هر حال، این اتفاق عجیب در تاریخ انجمن افتاده است.

شما در گفته‌هایتان چند بار تکرار کردید که مالکیت و کنترل PACT به دانشگاه صنعت نفت واگذار شده است. مگر انجمن مالك ۵۱ درصد PACT نیست؟ چرا می‌گویید کنترل PACT در اختیار دانشگاه صنعت نفت است؟ ضمن اینکه انجمن در تمام این سالها برای گروه (شامل انجمن و PACT) صورتهای مالی تلفیقی تهیه و منتشر کرده است. اگر کنترل PACT در اختیار انجمن نبوده چرا این گزارشگری انجام شده است؟

من از همان سال اول که به انجمن آمدم خدمت عزیزان شورای عالی عرض کردم انجمن چون کنترل PACT را در اختیار ندارد نباید صورتهای مالی تلفیقی تهیه کند. این مجموعه صورتهای مالی از نظر من گمراه‌کننده است. چون باعث می‌شود استفاده‌کنندگان همانند شما به اشتباه اینطور فکر کنند که کنترل PACT در اختیار انجمن است. در صورتی که چنین نیست. در این گفتگو نمی‌خواستم بحث فنی بکنم. ولی چون این موضوع اهمیت اساسی برای انجمن دارد، و خوشبختانه بیشتر مخاطبان هم خودشان حسابدار و اهل فن هستند، این موضوع را تشریح می‌کنم.

طبق **استاندارد شماره ۱۸: صورتهای مالی تلفیقی و حسابداری سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری فرعی** اصطلاح **کنترل** به معنی توانایی راهبری سیاستهای مالی و عملیاتی یك واحد تجاری به منظور کسب منافع از فعالیتهای آن است. یعنی دو شرط **توانایی راهبری سیاستهای مالی و عملیاتی** و **کسب منافع** باید همزمان وجود داشته باشند، تا واحد سرمایه‌گذار ملزم به تهیه صورتهای مالی تلفیقی باشد. هیچکدام از

این دو شرط در رابطه سرمایه‌گذاری انجمن در PACT وجود ندارد. یعنی انجمن نه توانایی راهبری سیاستهای مالی و عملیاتی PACT را دارد، نه هیچ منافعی از فعالیتهای PACT عایدش می‌شود. در بند ۱۰ استاندارد تصریح شده است: «هنگامی که یك واحد تجاری اصلی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق واحدهای تجاری فرعی دیگر خود، مالك بیش از نصف سهام با حق رأی یك واحد تجاری باشد، فرض بر وجود کنترل بر آن واحد تجاری است، مگر در موارد استثنایی که بتوان آشکارا نشان داد چنین مالکیتی، سبب کنترل واحد تجاری نمی‌شود.» من با ارجاع به اساسنامه PACT آشکارا نشان می‌دهم که مالکیت ۵۱ درصدی انجمن در PACT سبب کنترل آن نمی‌شود. در تمام نزدیك به بیست سال گذشته هم نشده است. حتی در سالهایی که برداشت اعضای شورای عالی انجمن این بود که کنترل PACT در اختیار انجمن است، در واقع کنترل PACT در اختیار افراد تاثیرگذار شورای عالی وقت بود؛ نه در اختیار انجمن! این مهمترین نکته در این ارتباط است.

برویم به سراغ اساسنامه PACT؛ طبق ماده ۹، ارکان PACT عبارتند از: هیئت امناء، شورای مدیریت، و بازرسان. هیئت امناء عالی‌ترین رکن PACT است (مشابه مجمع در انجمن). طبق ماده ۱۱، هیئت امناء مرکب از پنج عضو است که دو عضو آن به انتخاب رئیس دانشگاه صنعت نفت و سه عضو به انتخاب انجمن تعیین می‌شوند. رئیس هیئت امناء رئیس دانشگاه صنعت نفت و نایب رئیس آن رئیس شورای عالی انجمن است! چرا؟ مگر ما مالك اکثریت

نیستیم؟ در تبصره۲ ذیل این ماده هم که تیر خلاص به انجمن زده شده است! طبق این تبصره، جلسات هیئت امناء با حضور حداقل چهار عضو رسمیت می‌یابد و تصمیماتش با حداقل چهار رأی موافق به تصویب می‌رسد! پس تا اینجا خدمت شما آشکارا نشان دادم که مالکیت ۵۱ درصدی انجمن در PACT سبب کنترل هیئت امنای آن (عالی‌ترین رکن آن) نمی‌شود. یعنی ما مطلقا هیچ تصمیمی را در هیئت امنای PACT بدون جلب موافقت نمایندگان دانشگاه صنعت نفت نمی‌توانیم اتخاذ کنیم.

حالا به سراغ دومین رکن PACT یعنی شورای مدیریت آن برویم. طبق ماده ۱۳ اساسنامه، PACT توسط شورای مدیریت متشکل از شش عضو اداره می‌شود که سه نفر به انتخاب رئیس دانشگاه صنعت نفت و سه نفر به انتخاب شورای عالی انجمن انتخاب می‌شوند. من در سرتاسر زندگیم به جز همین یك مورد استثنایی و عجیب و غریب هیچ هیئت مدیره دیگری را سراغ ندارم که تعداد اعضای آن زوج باشد! چون همه می‌دانند که تعداد زوج باعث ایجاد گره تصمیم‌گیری می‌شود. البته در اساسنامه PACT برای گشودن این گره تصمیم‌گیری یك راهکار ابتکاری پیش‌بینی شده است! طبق ماده۱۴، رئیس شورای مدیریت PACT از بین اعضای این شورا و با اکثریت آراء انتخاب می‌شود؛ و در صورت عدم حصول اکثریت آراء (که چون تعداد اعضا زوج است هیچگاه حاصل نمی‌شود)، رأی رئیس هیئت امناء (یعنی رئیس دانشگاه صنعت نفت) به عنوان رأی هفتم اخذ می‌شود! با این ساز و کار، رئیس شورای

مدیریت PACT همواره منتخب دانشگاه صنعت نفت است. و طبق ماده۱۶، در صورت تساوی آراء در تصمیم‌گیریهای شورای مدیریت رای رئیس شورای مدیریت تعیین‌کننده است. یعنی در تصمیم‌گیریهای شورای مدیریت PACT نمایندگان دانشگاه صنعت نفت عملا چهار رای و نمایندگان انجمن سه رای موثر دارند.

اگر کسی سابقه تاسیس PACT را نداند و این مواد اساسنامه را بخواند، قطعا فکر می‌کند PACT توسط دانشگاه صنعت نفت تاسیس شده است، و آنها برای کسب اعتبار آمده‌اند و با انجمن شریك شده‌اند؛ ولی با تعبیه این مفاد در اساسنامه خواسته‌اند کنترل PACT را در اختیار خود نگه دارند. من هر بار به این ساختار فکر می‌کنم، همیشه مثل اولین بار شگفت‌زده می‌شوم. برایم باورنکردنی است. انجمنی که در زمان تاسیس PACT، پانزده، شانزده سال سابقه درخشان در امور آموزشی داشت، در این زمینه کسب تجربه کرده بود، به خوشنامی شناخته می‌شد، در دهه ۱۳۷۰ آن اقدامات آموزشی درخشان را در زمینه CIMA در ایران انجام داده بود، به عنوان نخستین انجمن ایرانی عضو فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) اعتبار بین‌المللی داشت، بعد از تاسیس جامعه حسابداران رسمی ایران، در کوتاهترین زمان ممکن، باکیفیت‌ترین دوره‌های آمادگی برای شرکت در آزمون حسابدار رسمی را طراحی و برگزار کرده بود، در شرایط آن سالها چند صد میلیون تومان مازاد از این راه کسب کرده بود، بعد بیاید و یك شخصیت حقوقی جداگانه ایجاد کند و همه امور آموزشی خود را در آن

شخصیت حقوقی جداگانه متمرکز کند، بعد ۴۹ درصد آن را به یك شخصیت حقوقی ثالث ببخشد، کنترل آن را هم به آن شخصیت حقوقی ثالث واگذار کند! واقعا برایم باور نکردنی است. هر بار این موارد را در ذهنم مرور می‌کنم احساس می‌کنم دارم یکی از داستانهای طنز تلخ نیکلای گوگول[۸۷] را می‌خوانم.

به هر حال شده است دیگر. پس دیدید که انجمن در چارچوب ضوابط اساسنامه PACT توانایی راهبری سیاستهای مالی و عملیاتی آن را ندارد. ضمن اینکه چون طبق ماده ۲۳ اساسنامه PACT، هیچ تقسیم سودی هم در PACT انجام نمی‌شود، هیچ منافعی هم از فعالیتهای آن عاید انجمن نمی‌شود. پس طبق استاندارد ۱۸، کنترل PACT در اختیار انجمن نیست. گزارشگری مالی تلفیقی هم که در طول همه سالهای گذشته انجام شده است به نظر من گمراه‌کننده بوده است. چون همه را به اشتباه انداخته، و همه فکر می‌کنند کنترل PACT در اختیار انجمن است. یعنی الان همه اعضای انجمن به اشتباه فکر می‌کنند انجمن هم توانایی راهبری سیاستهای مالی و عملیاتی PACT را دارد، و هم از فعالیتهای PACT منافعی کسب می‌کند. در صورتیکه چنین نیست. من تعجب می‌کنم چطور در همه این سالها هیچکدام از بازرسان محترم انجمن به این موضوع ایراد وارد نکرده‌اند. در صورتیکه همگی این عزیزان از حسابداران رسمی شناخته‌شده و کارکشته بوده‌اند.

۸۷- نیکلای واسیلیویچ گوگول (۱۸۰۹–۱۸۵۲) نویسنده بزرگ روس، بنیان‌گذار سبك رئالیسم انتقادی در ادبیات روسی، و یکی از بزرگترین طنزپردازان جهان است. ویکی‌پدیا

شما در این چند سال که در انجمن مسئولیت داشتید، آیا اقدامی برای اصلاح این ساختار انجام داده‌اید؟

در ساختار انجمن، چنین اقداماتی باید در سطح شورای عالی انجام شود. دبیرکل مجری تصمیمات و سیاستهای شورای عالی است. من در تمام این چند سال، یعنی از سال ۱۳۹۳ تا به امروز، به طور پیوسته در این زمینه اقدام به روشنگری در سطح شورای عالی کرده‌ام. شاید باورتان نشود. ولی حتی عزیزانی که امضایشان پای اساسنامه PACT است، وقتی این صحبتها را می‌شنوند دقیقا مثل من و شما تعجب می‌کنند! یکی از عزیزان تا متن اساسنامه و امضای خودش پای آن را ندید، باورش نمی‌شد این مفاد در اساسنامه‌ایست که او امضاء کرده است. حتی وقتی دید هم می‌گفت در نسخه اولیه اساسنامه چنین مفادی نبود. به هر حال، در اثر گزارشهای متعددی که من طی این چند سال به اعضای شورای عالی ارائه کرده‌ام، الان حداقل یك گام جلوتر هستیم. الان همه اعضای شورای عالی می‌دانند چنین ساختار نادرستی وجود دارد. قبلا هیچکدام از اعضای انجمن (جز چند نفر) از این ساختار اطلاع نداشتند. بعد از این روشنگریها، اقدامات مختلفی طی سالهای اخیر از سوی شورای عالی در راستای اعمال کنترل انجمن بر PACT انجام شد. ولی تا زمانی که اساسنامه PACT اصلاح نشود، و ساز و کار اعمال کنترل انجمن بر PACT در اساسنامه آن تعبیه نشود، هیچ اقدامی اثربخش نیست. این قبیل اقدامات بیشتر مثل مُسکّن و فیزیوتراپی و نهایتا مثل شوك‌درمانی عمل می‌کنند. کار از این حرفها گذشته است. رابطه انجمن و PACT نیاز به جراحی دارد. حتی بعضی از

اعضای شورای عالی انجمن دیدگاهشان اینست که چون این رابطه اصلاح‌ناپذیر است، این رابطه باید یك جا کلا قطع شود و دوباره از نو شروع کنیم. یعنی رابطه شراکت بین انجمن و دانشگاه صنعت نفت قطع شود، و انجمن با سهم‌الشرکه‌اش از خالص دارایی‌های PACT یك مرکز آموزش جدید تحت کنترل خودش ایجاد کند.

نظر شما چیست؟

واقعا نمی‌دانم! وضعیت بغرنجی است. من هم به این جمع‌بندی تاسف‌بار از اوضاع رسیده‌ام که این رابطه اصلاح نمی‌شود. یعنی تقریبا محال است که دانشگاه صنعت نفت به اصلاح اساسنامه‌ای رای بدهد که در آن کنترل PACT به بنیانگذار و مالك واقعی آن یعنی انجمن برگردانده شود. این کار تقریبا محال است. یعنی هیچ رئیسی در دانشگاه صنعت نفت جرئت اتخاذ چنین تصمیمی را ندارد. ضمن اینکه کوچکترین انگیزه‌ای هم برای انجام این کار ندارند. چه انگیزه‌ای دارد که بیاید و کنترل PACT را به انجمن برگرداند؟ من و شما هم اگر جای ایشان بودیم این کار را نمی‌کردیم. به همین دلیل، واقعا نمی‌دانم چکار باید کرد. من شخصا به شدت به PACT علاقه دارم و آن را مایه مباهات حرفه حسابداری ایران می‌دانم. طی دو دهه گذشته کارهای بسیار بزرگ و ارزشمندی در PACT انجام شده است. البته راهبری و حمایت انجمن و اعضای انجمن در انجام همه این کارها اساسی و انکارناپذیر بوده است. PACT مطلقا ماهیت مستقل از انجمن ندارد. همگان PACT را به عنوان مرکز آموزش انجمن می‌شناسند. حتی بسیاری از اعضای انجمن و

دانشپذیران PACT از شخصیت حقوقی جداگانه آن اطلاع ندارند، و فکر می‌کنند یکی از واحدهای انجمن است. PACT تحت هدایت و پشتیبانی همه‌جانبه انجمن و اعضای انجمن، پیشتاز توسعه حرفه‌ایگری و ترویج نگاه بین‌المللی در حسابداری ایران بوده است. PACT تحت هدایت و پشتیبانی همه‌جانبه انجمن و اعضای انجمن، در توسعه ACCA و دیگر گواهینامه‌های حرفه‌ای بین‌المللی در حسابداری ایران نقش اساسی و بی‌بدیل داشته است. در مقطعی که اجرای IFRS در شرکتهای بورسی، بانکها و بیمه‌های ایران الزامی شد، PACT تحت هدایت و پشتیبانی همه‌جانبه انجمن و اعضای انجمن، در یك فرصت بسیار کوتاه چندین هزار حسابدار و حسابرس را در این زمینه آموزش داد. امروز نیز PACT تحت هدایت و پشتیبانی همه‌جانبه انجمن و اعضای انجمن، در زمینه توسعه آموزش در فضای مجازی پیشتاز است. وقتی درباره PACT حرف می‌زنیم درباره همه این کارهای درخشان و ماندگار حرف می‌زنیم. پس تصمیم‌گیری درباره آن اصلا کار راحتی نیست.

در این ارتباط یك ملاحظه بسیار بااهمیت دیگر هم وجود دارد. همه می‌دانیم که انجمن طی دو دهه گذشته همه امور آموزشی خود را در PACT متمرکز کرده است. از این رو، در تمام این سالها از بخش بسیار بااهمیت و اساسی از ظرفیت درآمدزایی خود محروم بوده است، و هیچ منافع مالی در این زمینه کسب نکرده است. در حالیکه انجمنهای مشابه، چه در ایران و چه در کشورهای دیگر، بخش بسیار بااهمیتی از منابع درآمدی خود را از محل ارائه

خدمات آموزشی تامین می‌کنند. از زمان تاسیس PACT همه منابع حاصل از ارائه خدمات آموزشی در گروه انجمن صرف توسعه PACT شده است. این روند طی دو دهه گذشته موجب شده است توان مالی انجمن سال به سال بیشتر تحلیل برود. این در حالیست که اگر PACT حتی وابسته به انجمن هم نبود، به دلیل آنکه بخش اساسی اعتبار خود را از انجمن می‌گیرد، باید بخش متناسبی از عواید حاصل از فعالیتهایش را به انجمن منتقل می‌کرد. ولی متاسفانه چنین رابطه مالی تا کنون بین انجمن و PACT برقرار نشده است. کاش از اول اینطور نمی‌شد. با کمال احترامی که برای دانشگاه صنعت نفت و نمایندگان آن دانشگاه در هیئت امناء و شورای مدیریت PACT قائلم، ولی شراکت انجمن با این دانشگاه در امور آموزشی را یك خطای تاسف‌بار استراتژیك در تاریخ انجمن می‌دانم.

شما اطلاع دارید چرا از بین دانشگاههای مختلف کشور «دانشگاه صنعت نفت» به عنوان شریك انجمن در امور آموزشی انتخاب شده است؟

یك نکته از نظر تاریخی در ارتباط با رابطه انجمن و دانشگاه صنعت نفت وجود دارد که باید عرض کنم. یعنی ماجرا اینطور نبوده است که انجمن به دنبال شراکت با یك دانشگاه بوده و از بین دانشگاههای کشور دانشگاه صنعت نفت را برای شراکت انتخاب کرده باشد. ابدا اینطور نبوده است. رابطه انجمن و دانشگاه صنعت نفت به زمان تاسیس انجمن و حتی پیش از آن برمی‌گردد.

در نخستین فهرست اعضای انجمن که در شماره یك **نشریه انجمن حسابداران خبره ایران** (سال ۱۳۵۵) منتشر شد، از بین ۱۷۴ عضو اولیه انجمن، اکثریت آنان (۴۳ درصد) از دانش‌آموختگان **دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت ملی نفت ایران** بودند. این دانشکده پس از انقلاب به **دانشگاه صنعت نفت** تغییر نام داد و رشته‌های دیگری نیز در آن ارائه شد. من در فروردین ۱۳۹۸ در چهاردهمین قسمت از پادکستهای هزار داستان حسابداری به طور کامل به تاریخ این دانشگاه پرداخته‌ام. دوستان علاقه‌مند می‌توانند به آن پادکست مراجعه کنند[۸۸]. به هر حال، آن اعضاء و اعضای دیگری که پس از آن از بین دانش‌آموختگان آن دانشکده به عضویت انجمن درآمدند، در تمام سالهای فعالیت انجمن نقش بسیار پررنگی در اداره انجمن ایفاء کردند. مثلا، از بین رئیسان انجمن، جنابان آقایان بهروز وقتی، غلامرضا سلامی و ابوالقاسم فخاریان از دانش‌آموختگان آن دانشکده هستند. یا از بین دبیران کل انجمن، جنابان آقایان احمدعلی اقبال (نخستین دبیرکل) و جناب آقای مجید میراسکندری از دانش‌آموختگان آن دانشکده هستند. یا جناب آقای رضا مستاجران، که به نمایندگی از دانشگاه صنعت نفت ریاست شورای مدیریت PACT را از بدو تاسیس تاکنون بر عهده دارد، از دانش‌آموختگان آن دانشکده است. البته ایشان پس از انقلاب ریاست آن دانشکده را نیز بر عهده داشت. آقای مستاجران در زمان تاسیس PACT عضو شورای عالی انجمن و از

۸۸- **هزار داستان حسابداری (۱۴): دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت نفت**، با صدا و نوشته محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۳۰ فروردین ۱۳۹۸.

جمله تصویب‌کنندگان اساسنامه PACT بود. از جمله دیگر اعضای تاثیرگذار انجمن می‌توان به زنده‌یاد حسن سجادی‌نژاد نیز اشاره کرد که از بنیانگذاران، از استادان اصلی و رئیس دانشکده نفت در سالهای پیش از انقلاب بود. آن زنده‌یاد همزمان در زمره بنیانگذاران، عضو دو دوره نخست شورای عالی و از تاثیرگذارترین افراد دهه اول فعالیت انجمن نیز بود. به همین دلیل، در نظر همگی این عزیزان، **دانشگاه صنعت نفت** یك دانشگاه در بین دانشگاههای دیگر کشور نبود و نیست. بلکه همواره جایگاه ویژه‌ای در انجمن داشته است. البته من هم با اینکه از دانش‌آموختگان این دانشگاه نیستم، ولی به دلیل پیشگامی و تاثیرگذاری بسیار باارزش این دانشگاه در توسعه حسابداری در ایران، بسیار برای آن ارزش قائلم و بسیار به آن علاقه‌مندم. ولی این علاقه نباید باعث می‌شد که ما در انجمن چنین خطای استراتژیکی را مرتکب می‌شدیم. به نظرم از این موضوع بگذریم. به اندازه کافی درباره آن صحبت کردیم. حتما باز کلی از عزیزان را دلخور کردم.

در صحبت‌هایتان به طور گذرا به کارهای ارزشمندی که در PACT انجام شده است هم اشاره کردید. اغلب حسابداران ایران شناخت نسبی از PACT دارند و با خدمات ارزشمند آن کمابیش آشنا هستند. ولی به نظر شما چه کارهایی در PACT می‌شد انجام داد که تا به حال انجام نشده است؟

همانطور که گفتید، خیلی گذرا به این موارد اشاره کردم. درباره خدمات PACT بسیار مفصل‌تر از این باید صحبت شود. چون PACT یك موسسه آموزشی بی‌بدیل، بسیار ارزشمند و تاثیرگذار در تاریخ

حسابداری ایران است. ولی چون من حدود یك سال و چند ماه است که در شورای مدیریت آن مسئولیت دارم، بهتر است عزیزان دیگر در این باره صحبت کنند که بیشتر با جزئیات فعالیتهای PACT آشنا هستند. ولی درباره اینکه چه کارهایی می‌شد در PACT انجام داد که انجام نشده است؛ اولین مورد، به نظرم انتشارات است. البته خوشبختانه در یکی، دو سال اخیر جناب آقای دکتر غلامرضایی (مدیر اجرایی PACT) در این زمینه اقدامات خوبی انجام داده است. طی این مدت چند عنوان کتاب توسط PACT منتشر شده است. ولی به نظرم خیلی زودتر از اینها باید این کار انجام می‌شد. ما طی دو دهه گذشته می‌توانستیم پرکارترین انتشارات حسابداری ایران، حتی به مراتب پرکارتر از انتشارات سازمان حسابرسی، را داشته باشیم. امیدوارم در آینده نزدیك این خواسته محقق شود.

مورد دیگری که به نظرم بسیار در زمینه آن کوتاهی کرده‌ایم، **آموزش آفلاین** است. در زمینه آموزش آنلاین کارهای خوبی در PACT انجام شده است. امروز همه دوره‌های PACT به صورت آنلاین هم برگزار می‌شوند. البته دنیاگیری ویروس کرونا و بیماری کووید-۱۹ پیشران اصلی بود. ولی به هر حال زحمات ارزشمند و درخور تقدیری در این زمینه در PACT انجام شده است. با همه اینها، آموزش آنلاین محدودیتهای متعدد و اساسی دارد. مثلا، رقبای بسیار زیادی در زمینه آموزش آنلاین وجود دارند. چون ورود به این عرصه بسیار ساده است. هر مدرسی خودش به راحتی

می‌تواند وارد این عرصه شود، و به جای اینکه از طریق موسسات آموزشی مثل PACT تدریس کند، خودش به صورت انفرادی اقدام به این کار کند. همانطور که الان هم این اتفاق در PACT و دیگر موسسات آموزشی افتاده است. مورد دیگر، محدودیت جذب تعداد دانش‌پذیران در آموزشهای آنلاین است. هم از نظر فنی نمی‌توان تعداد زیادی کاربر را به یك کلاس آنلاین اضافه کرد؛ و هم به دلیل انعطاف‌ناپذیری زمانی این اتفاق نمیفتد. یعنی کلاس حضوری و کلاس آنلاین از این نظر مشابه هم هستند. چون دانش‌پذیران ناچارند سر یك ساعت مشخص از کلاس استفاده کنند. البته بعضی از موسسات آموزشی امکان استفاده از فیلم دوره‌های آنلاین را برای مدت زمان محدودی به صورت آفلاین هم در اختیار دانش‌پذیران قرار می‌دهند. ولی این دیگر آموزش آنلاین نیست، بلکه چیزی شبیه آموزشهای آفلاین است. محدودیت دیگر، اختلال گاه و بیگاه در شبکه اینترنت است که موجب اختلال در دسترسی دانش‌پذیران و مدرسان می‌شود. مورد دیگر، پشتیبانی پرهزینه و پردردسر آموزشهای آنلاین است. ما الان در PACT تعدادی از کارکنان را تمام‌وقت مامور این کار کرده‌ایم که هزینه زیادی تحمیل می‌کند.

حالا راه حل این مشکلات چیست؟ آموزش آفلاین! در آموزش آفلاین یك سرمایه‌گذاری اولیه نسبتا هنگفت نیاز است تا بسترهای نرم‌افزاری ارائه این آموزشها ایجاد شود. این نقطه شروع است. اغلب افراد به غلط فکر می‌کنند نقطه شروع آموزش آفلاین تولید محتواست. ابدا اینطور نیست. چون تولید محتوا کار ساده‌ای است.

چالش اصلی ایجاد بسترهای نرم‌افزاری برای ارائه این محتواهاست. از این رو، نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه هنگفت برای ایجاد این بسترهای نرم‌افزاری موجب می‌شود هر شخصی (چه حقیقی و چه حقوقی) توان مالی ورود به این عرصه را نداشته باشد. من معتقدم در زمینه آموزشهای حسابداری به جز چند شخصیت حقوقی، که PACT قطعا یکی از آنها است، سایر اشخاص توان مالی و شایستگی فنی ورود به این عرصه را ندارند. به همین دلیل، اگر PACT وارد این عرصه شود، سطح فعالیت خود را با همه موسسات آموزشی حسابداری در ایران متفاوت خواهد کرد. الان حتی اشخاص حقیقی هم گهگاه برای PACT چالش ایجاد می‌کنند! دلیلش اینست که PACT در یك سطح دست‌یافتی از آموزش در حال فعالیت است. ولی اگر وارد حوزه آموزش آفلاین شود، به یك سطح دست‌نیافتنی از آموزش ارتقاء خواهد یافت. سایر محدودیتهای آموزش آنلاین هم ذاتا در آموزش آفلاین موضوعیت ندارند. یك زمانی گلوگاه اصلی فعالیتهای آموزشی PACT محدودیت فضای آموزشی بود. آن سالها (اوایل دهه ۱۳۹۰) ما برای برگزاری دوره‌هایمان متقاضی به تعداد مناسب داشتیم، مدرس هم داشتیم، ولی کمبود فضای آموزشی داشتیم. به همین دلیل در سال ۱۳۹۵ در اثر یك تلاش همگانی در انجمن و PACT اتفاق بزرگی رقم خورد؛ و ساختمان فعلی PACT را خریدیم. بدین ترتیب، فضای آموزشی در اختیارمان حدود سه برابر شد. پس از آن شاهد یك جهش در روند توسعه PACT بودیم. تا اینکه دنیاگیری ویروس کرونا به ناگاه همانند یك ترمز در این روند عمل کرد. این روزها

بسیاری افراد معتقدند که جهان در بسیاری از زمینه‌ها، از جمله در آموزش، به وضعیت پیش از کرونا برنخواهد گشت. بنابراین، امروز ما در PACT حتی می‌توانیم تصمیم بگیریم که ساختمان فعلی را بفروشیم و تا ریال آخر آن را در توسعه یك بستر توانمند آموزش آفلاین سرمایه‌گذاری کنیم. چون ما باور کنیم یا باور نکنیم، در زمینه آموزش وارد جهان جدیدی شده‌ایم.

منظور شما از آموزش آفلاین دقیقا چیست؟ می‌توانید آن را واضح‌تر توضیح بدهید؟

بگذارید مصداقی بگویم. فرض کنید من الان میایم به شما، به عنوان یك حسابدار حرفه‌ای که نیازمند آموزش حرفه‌ای مستمر هستید، می‌گویم ما در PACT یك اپلیکیشن به نام **ePACT (اپیکت)** داریم، که با پرداخت اشتراك ماهانه یکصد هزار تومان می‌توانید تا سقف سی ساعت در ماه از هر کدام از آموزشهای سطح دو آن استفاده کنید. برای استفاده از آموزشهای سطح یك هم باید هر دوره را جداگانه خریداری کنید. همه دوره‌ها هم در هر ساعت از شبانه‌روز بر روی فقط یك دستگاه (به انتخاب خودتان) در دسترس است. این شرایط را به صورت فرضی و فی‌البداهه عرض کردم. چون برای طراحی مدل کسب‌وکار (Business model) چنین کاری قطعا به ساعتها کار کارشناسی گروهی نیاز است. فقط خواستم فضای آموزش آفلاین را قدری مصداقی و ملموس برایتان ترسیم کنم.

رمز موفقیت آموزش آفلاین در حسابداری این است که، همه حسابداران در همه جای جهان در همه زمینه‌های تخصصی همیشه نیازمند آموزش هستند. ولی چالش اصلی اغلب آنان کمبود زمان و هزینه نسبتا بالای دوره‌های آموزشی است. آموزش آفلاین این دو چالش را تا حد بسیار زیادی مرتفع می‌کند. ما همین الان حدود یك و نیم میلیون حسابدار در سرتاسر کشور داریم. همه آنان هم در تمام طول مدت زندگی حرفه‌ایشان نیازمند آموزش هستند. اگر **ePACT** (**اپیکت**) همین الان در دسترس بود و فقط ده درصد از حسابداران سرتاسر کشور اشتراك یکصدهزار تومان (ماهانه) آن را پرداخت می‌کردند، حدود صد و هشتاد میلیارد تومان در سال برای **PACT** درآمد ایجاد می‌کرد!! این درآمد را با یك سری مفروضات حداقلی محاسبه کردم، که می‌تواند به مراتب بیشتر باشد. مثلا فقط بازار داخل ایران را در نظر گرفتم. در حالیکه یکی از مزیتهای اصلی آموزش آفلاین برداشتن مرزهای جغرافیایی است. همانطور که می‌دانید هزینه آموزش در ایران به مراتب کمتر از سایر کشورها (حتی کشورهای همسایه) است. فرض کنید شما یك حسابدار ایرانی هستید که به تازگی به کانادا مهاجرت کردید، و می‌خواهید آنجا به عضویت **CPA** کانادا درآیید. هزینه‌ای که ناچارید برای آمادگی خودتان برای شرکت در آزمونهای دشوار **CPA** کانادا به موسسات آموزشی کانادا بپردازید، دهها برابر هزینه‌ای است که می‌توانید برای استفاده از آموزشهای آفلاین در ایران بپردازید. یا یك امکان بسیار مهم و ارزشمند درآمدزایی از چنین اپلیکیشنی اینست که قطعا بهره‌برداری از آن محدود به موضوعات حسابداری

نخواهد بود. به عبارت دیگر، اگر چنین اپلیکیشن توانمندی در PACT توسعه یابد، هر آموزشی را می‌شود از طریق آن ارائه داد. یعنی می‌توان از طریق انعقاد قراردادهای مختلف با دیگر آموزش‌دهندگان این فضا را در اختیار آنان قرار داد، و از این محل نیز درآمدزایی بسیار مناسبی داشت.

شما به عنوان عضو شورای مدیریت PACT همه این موارد را در آن شورا مطرح کرده‌اید؟

از مهرماه ۱۳۹۸ که به عضویت شورای مدیریت PACT درآمدم، تا به امروز، دست‌کم چهار بار در جلسات شورا این موارد را مفصلا مطرح کرده‌ام. همه عزیزان (به جز دکتر غلامرضایی) هم کاملا با انجام این کار موافق هستند. ولی تا به امروز از نظر مطالعاتی، برنامه‌ریزی و اجراء کوچکترین قدمی در این راه برداشته نشده است. طی این مدت فقط چند ویدئوی آموزشی تولید شده است، که هر بار من درباره آموزش آفلاین صحبت می‌کنم، از ضبط آن چند ویدئو به عنوان اقدام در این مسیر گفته می‌شود. بیشتر شبیه شوخی است! چون همانطور که عرض کردم، تولید محتوا آخرین مرحله آموزش آفلاین است. بالای ۹۰ درصد اقدامات مورد نیاز، کارهایی است که باید برای توسعه یك اپلیکیشن توانمند و امن به عنوان بستر فروش و ارائه این آموزشها انجام داد. متاسفانه بعد از گذشت حدود یك سال و نیم احساس می‌کنم اراده‌ای برای انجام این کار در PACT وجود ندارد. من عمیقا خوشحال می‌شدم این کار در PACT انجام شود. ولی الان که تقریبا از انجام آن در PACT

ناامید شدم، امیدوارم یکی از آن چند شخصیت حقوقی دیگر به این سمت حرکت کند. چون وجود چنین اپلیکیشن توانمندی را در حسابداری ایران را فارغ از مالك آن به نفع حسابداران، حرفه و حتی منافع ملی ایران می‌دانم.

به نظر شما کدام شخصیتهای حقوقی دیگر به جز PACT می‌توانند چنین کاری را به انجام رساند؟

هر شخصیت حقیقی یا حقوقی می‌تواند به این عرصه ورود کند. هیچ کس هم نمی‌تواند مانعش شود. ولی با توجه به سرمایه‌گذاری هنگفت موردنیاز برای توسعه این اپلیکیشن، و با توجه به اعتبار موردنیاز نهاد توسعه‌دهنده آن، به نظرم به جز PACT، **مرکز آموزش و تحقیقات حسابداران رسمی** (وابسته به جامعه حسابداران رسمی ایران) و **گروه همکاران سیستم** هم توانایی ورود به این عرصه را دارند.

گفتید در شورای مدیریت PACT همه به جز دکتر غلامرضایی موافقند. دلیل مخالفت ایشان چیست؟

ایشان از دو منظر با این موضوع مخالف است. اول اینکه می‌گوید الان به دلیل شرایط کرونایی باید دست به عصا حرکت کنیم. چون یك اقدام نادرست ممکن است PACT را به زیاندهی بکشاند. دوم اینکه ایراداتی را به اصل موضوع آموزش آفلاین وارد می‌داند. مثلا، معتقد است ریسك انتشار غیرقانونی فیلمهای آموزشی این اپلیکیشن بالا است؛ یا معتقد است مدرسان شناخته‌شده حاضر به همکاری در چنین چارچوبی نخواهند شد، و حاضر نیستند فیلم

دوره‌های آموزشی خود را بفروشند؛ یا معتقد است حسابداری و موضوعات تخصصی آن ذاتا کلاسهای حضوری را می‌طلبد، و هر زمان شرایط کرونایی مرتفع شود، حسابداران مجددا دوره‌های حضوری را ترجیح می‌دهند. من همه این موارد را کمابیش به عنوان چالشهای آموزش آفلاین می‌پذیرم. ولی همچنان معتقدم راهکار آموزش آفلاین اثربخش‌ترین راهکار آموزشی در آینده خواهد بود، و چنانچه PACT هر چه زودتر به این سمت حرکت نکند، به سرعت پیشگامی و رهبری خود را در عرصه آموزشهای حرفه‌ای حسابداری در ایران از دست خواهد داد.

شما در توضیح رابطه مالی انجمن و PACT به اهمیت استراتژیك درآمدهای آموزشی برای نهادهایی مثل انجمن اشاره کردید. قدری درباره ساختار درآمدی انجمن و چالشهای آن توضیح می‌دهید؟

بله؛ اتفاقا خیلی موضوع بااهمیتی است. ممنونم که این موضوع مهم را یادآوری کردید. انجمنها، چه حرفه‌ای چه دانشگاهی و چه صنفی، ماهیتا **مادرخرج** هستند. یعنی شماری از افراد دارای اهداف مشترك حرفه‌ای، دانشگاهی یا صنفی گرد هم می‌آیند، یك انجمن را راه‌اندازی می‌کنند، و هر یك مبلغی را به عنوان حق‌عضویت می‌پردازند تا آن انجمن بتواند ماموریتهای حرفه‌ای، دانشگاهی یا صنفی محوله را به انجام رساند. یك خطای معرفتی (هستی‌شناسانه) که در انجمن ما هم در سطح شورای عالی و هم در سطح اعضا وجود دارد، اینست که از دبیرخانه انجمن و دبیرکل انتظار

درآمدزایی دارند. این یك خطای استراتژیك و مهلك برای انجمن است. یعنی از دبیرکل و کارکنان انجمن می‌خواهند به جای تمرکز بر تحقق اهدافی که انجمن برای رسیدن به آنها راه‌اندازی شده است، همه توان خود را صرف ایجاد درآمد برای پوشش هزینه‌ها کنند. غافل از اینکه اینکار اساسا نقض غرض است. مگر بنیانگذاران انجمن هدفشان از راه‌اندازی انجمن این بوده است که حقوق کارکنان و هزینه‌های جاری را پرداخت کنند؟! این چه راهبرد غلطی است که این قدر هم بر آن اصرار می‌شود؟! البته در اینجا یك استثناء وجود دارد؛ آنهم ارائه خدمات آموزشی است. یعنی اگر بخشی از توان انجمن صرف ارائه خدمات آموزشی شود، هم در راستای تحقق اهداف انجمن است، هم برای انجمن درآمدزایی دارد. کما اینکه از اواخر دهه ۱۳۶۰ تا زمان تاسیس PACT اینکار در انجمن انجام می‌شد، و از قضا درآمد خوبی هم برای انجمن ایجاد می‌کرد. ولی پس از راه‌اندازی PACT همه امور آموزشی انجمن در آن شخصیت حقوقی جداگانه متمرکز شد، و چون طبق اساسنامه PACT تقسیم سود آن هم ممنوع شد، انجمن به یکباره از کل ظرفیت درآمدزایی خود از محل امور آموزشی محروم شد. این یك ظلم آشکار در حق انجمن بود که طی دو دهه گذشته مستمرا تداوم داشته است. طی دو دهه گذشته همه اعتبار و ظرفیت انجمن صرف جذب دانش‌پذیر برای PACT شده است، در حالیکه هیچ نفع مادی از آن محل عاید انجمن نشده است. هر بار هم این مباحث را با عزیزان و بزرگان انجمن و PACT مطرح می‌کنیم، می‌گویند انجمن برود برای خودش درآمدزایی کند! موکدا هم

سفارش می‌کنند، انجمن طوری درآمدزایی کند که به PACT آسیبی وارد نشود. منظورشان اینست که انجمن وارد حوزه آموزش نشود. اینطور که نمی‌شود انجمن‌گردانی کرد.

آقای دکتر اینطور که من اطلاع دارم، حق عضویتهای وصولی انجمن در تمام سالیان گذشته برای پوشش دادن هزینه‌های جاری انجمن کفایت نکرده است. طی این سالها این کسری منابع از چه محلهایی تامین شده است؟

کاملا درست می‌فرمایید. به جز سالهای نخست راه‌اندازی انجمن که هم مبلغ حق عضویتها به نسبت آن سالها بسیار قابل توجه بود، و هم هزینه‌ها به مراتب کمتر از امروز بود؛ در بیشتر سالهای فعالیت انجمن، مجموع هزینه‌های انجمن بیشتر از حق عضویتهای وصولی بوده است. در بدو تاسیس انجمن (سال ۱۳۵۱) حق عضویت سالانه هر عضو ۲۵۰ تومان بود. با دلار هفت تومانی آن سالها چیزی حدود ۳۵ دلار در سال می‌شود. به نرخ دلار امروز حدود هشتصدهزار تومان می‌شود. مبلغ ورودیه هم دوبرابر این مبلغ (پانصد تومان) بود. ولی در سالهای پس از آن، به مرور هزینه‌های انجمن بر حق عضویتهای وصولی پیشی گرفت. طی دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ بخش قابل توجهی از این کسری از محل درآمدهای آموزشی و برگزاری سمینارها تامین می‌شد. ولی پس از راه‌اندازی PACT به مرور طی دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ درآمد انجمن از محل آموزش صفر شد. با این حال، طی این دو دهه یك منبع درآمدی نسبتا پایدار که بخش بزرگی از کسری انجمن را پوشش می‌داد،

درآمد آگهیهای تبلیغاتی منتشره در مجله حسابدار بود. این درآمد در بعضی از سالها تا بیش از ۶۰درصد مجموع درآمدهای انجمن را تشکیل می‌داد. ولی طی سالهای اخیر به موازات توسعه شبکه‌های اجتماعی این درآمد هم سال به سال کاهش پیدا کرد. چون اغلب آگهی‌دهندگان مجله حسابدار طی این سالها توسعه‌دهندگان نرم‌افزارهای حسابداری بودند که با گسترش نفوذ شبکه‌های اجتماعی فرایند بازاریابی و تبلیغات خود را بیشتر در این شبکه‌ها متمرکز کردند. طی دو سال اخیر هم که به دلیل توقف انتشار نسخه چاپی مجله حسابدار (به دلیل افزایش افسارگسیخته هزینه‌های چاپ و همچنین شیوع ویروس کرونا) این درآمد کاملا حذف شد. درآمد حاصل از سمینارهای انجمن هم به دلیل افزایش تعداد برگزارکنندگان سمینارهای مختلف و همچنین افزایش هزینه‌های برگزاری سال به سال کاهش پیدا کرد. طی دو سال اخیر هم به دلیل شیوع ویروس کرونا عملا امکان برگزاری سمینار فراهم نیست. با توجه به مجموع این شرایط، شخصا بسیار برای تداوم فعالیت انجمن نگرانم.

به نظرتان راه برون‌رفت از این وضعیت چیست؟

راهکار اصولی اینست که وصولی حق عضویتهای انجمن جوابگوی هزینه‌های جاری آن باشد. این کار با افزایش مبلغ حق‌عضویت متناسب با افزایش نرخ تورم سالانه و همچنین با افزایش شمار اعضای انجمن ممکن می‌شود. علاوه‌براین، سهم متناسبی از درآمدهای آموزشی PACT هم باید به صورت ماهانه به انجمن

پرداخت شود. هر راهکار دیگری که برای حل این مسئله پیشنهاد شود، راهکار انحرافیست و انجمن را از مسیر رسیدن به اهدافش منحرف خواهد کرد.

آقای دکتر حالا که رفته رفته به پایان گفتگو نزدیك می‌شویم، اجازه بفرمایید قدری هم درباره موضع جنجالی شما درباره سازمان حسابرسی صحبت کنیم. شما چه مشکلی با سازمان حسابرسی دارید؟ [با خنده]

والا من با هیچ کسی مشکلی ندارم! [با خنده] مشکل من با استراتژیهای غلط، ساختارهای غلط، و رویه‌های غلط است. وگرنه دوستانی که از نزدیك من را می‌شناسند تایید می‌کنند که من اتفاقا خیلی آدم منعطف، آرام و به قول قدیمیها آدم بسازی هستم. ولی در جایی از همین گفتگو هم عرض کردم، وقتی می‌بینیم یك چیزی خلاف منافع حسابداران، خلاف منافع حرفه و خلاف منافع ملی ماست، خیانت می‌دانم اگر سکوت کنم. حتی خیانت می‌دانم اگر نظرم را با صراحت نگویم. ما یك عادت بدی که داریم اینست که خیلی وقتها کجدار و مریز اظهارنظر می‌کنیم؛ یعنی هم می‌گوییم و هم نمی‌گوییم! در حالیکه در این موارد حتما باید صریح و بی‌پرده حرف زد. هر چه صداهای منتقدان بیشتر و رساتر و صریح‌تر باشد هم هزینه سرشکن به هر فرد منتقد کمتر می‌شود. ما متاسفانه در همه زمینه‌ها اغلب چوب کسانی را می‌خوریم که سکوت می‌کنند. من موضع خودم را درباره سازمان حسابرسی در قالب سه مقاله به طور شفاف، مفصل و مستدل مطرح کرده‌ام. اولی، مقاله

ضابطه‌گذاری در حسابداری ایران: نیازمند بازاندیشی و دگرگونی که در شماره مرداد ۱۳۹۲ مجله حسابدار منتشر شد. دومی، مقاله **آیا سازمان حسابرسی، مستقل عمل کرده است؟!** که در شماره ۲۸۱۹، مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۹۵، روزنامه شرق منتشر شد. البته این مقاله را با عنوان **چالش استقلال سازمان حسابرسی** به آن روزنامه فرستاده بودم. ولی نمی‌دانم چرا عنوان مقاله را بدون مشورت با من تغییر دادند؟! به هر حال مقاله منتشر شده بود و کاریش نمی‌شد کرد. و مقاله سوم با عنوان **چگونگی شکل‌گیری بدعتِ حسابرسی دولت توسط دولت** که به بهانه سی‌امین سالگرد تصویب قانون اساسنامه سازمان حسابرسی نوشتم. آنهم در شماره ۲۹۹۶، مورخ ۴ آبان ۱۳۹۶، روزنامه شرق منتشر شد. جان کلام این سه مقاله اینست که سازمان حسابرسی به عنوان یکی از سازمانهای زیرمجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی در ارائه خدمات حسابرسی شرکتهای دولتی و حتی در حسابرسی شرکتهای وابسته به نهادهای عمومی غیردولتی فاقد ویژگی اساسی **استقلال** است. این خیلی موضوع واضحی است. اصلا نیاز به نوشتن سه مقاله نداشت! [با خنده] ولی خب یك سری از همکاران محترم یا به خاطر منافع شخصی و سازمانی یا از روی تعصب نمی‌خواهند این موضوع بدیهی را بپذیرند. موضوع بعدی هم اینکه سازمان حسابرسی به عنوان یك موسسه حسابرسی نمی‌تواند خودش هم استانداردگذار و هم مجری آن استانداردها باشد. این هم باز خیلی موضوع واضحی است. شما کدام موسسه حسابرسی را در تاریخ حسابداری جهان سراغ دارید که چنین کاری کرده باشد. در مقاله سوم هم با اشاره به این موضوعات، از نظر تاریخی نشان دادم ریشه

این بدعت به پیش از انقلاب و به زمان تاسیس **شرکت سهامی حسابرسی** (سال ۱۳۵۰) زیر مجموعه وزارت دارایی وقت برمی‌گردد. یعنی **موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی، موسسه حسابرسی بنیاد مستضعفان، موسسه حسابرسی شاهد، سازمان حسابرسی**، و همه موسسات حسابرسی دیگری که بعد از انقلاب زیرمجموعه سازمانهایشان راه‌اندازی شدند و وظیفه حسابرسی آن سازمانها و شرکتهای تحت مالکیت و مدیریت آنها به آن موسسات واگذار شده است، همگی در واقع بازتولید **شرکت سهامی حسابرسی** و با الگوبرداری از آن موسسه حسابرسی دولتی بوده‌اند.

پاسخ مخالفان دیدگاه شما به این مقالات چه بوده است؟

اوایل فقط فحش می‌دادند. هر از گاهی هم تهدید می‌کردند. بعدها جواب سلامم را نمی‌دادند. بی‌محلی می‌کردند، و از همین قبیل رفتارها. مثلا، مقاله دوم که منتشر شد (۱۶ اسفند ۱۳۹۵)، یکی از استادان عزیزم از صبح اول وقت تا حدود عصر در گروه تلگرامیش (در حضور حدود ۲۰۰۰ عضو آن گروه) به من فحش می‌داد. آنقدر عصبانی شده بود که از روی مصلحت هم حفظ ظاهر نمی‌کرد. چند روز بعد هم افرادی با واسطه به من پیام دادند که عید آن سال را نزد خانواده‌ام نخواهم بود! می‌گفتند رسما از من شکایت کرده‌اند، و شکایتشان را می‌خواهند از مراجع امنیتی هم پیگیری کنند!! من بیشتر خنده‌ام گرفته بود که چرا اینقدر برآشفته شده‌اند؟! بعدا شروع کردند به تحریك کردن احساسات همکاران سازمان حسابرسی علیه من. مثلا، در جایی از مقاله دوم نوشته بودم: «در

سی سال گذشته به دفعات شاهد اجرای نمایش برگزاری مجامع عمومی عادی سالانه شرکتهای دولتی ریز و درشتی بوده‌ایم که در آنها **مالک** (دولت)، **مدیر** (مدیران دولتی)، و **حسابرس** (سازمان حسابرسی) هر سه در واقع یکی و همان **دولت** بوده‌اند.» عزیزان به این بخش از مقاله ارجاع ناقص می‌دادند و می‌گفتند من به همه کارکنان سازمان حسابرسی توهین کرده‌ام و به آنان گفته‌ام خیمه‌شب‌بازی می‌کنند!!! پاسخها عمدتا از این جنس بودند. البته همکاران عزیز دیگری هم بودند که محترمانه پاسخ می‌دادند. ولی پاسخ‌هایشان بیشتر از جنس توجیه وضع موجود بود. مثلا می‌گفتند درست است که سازمان حسابرسی وابسته به دولت است، ولی در هیچ کار حسابرسی جلوی دولت کوتاه نیامده و مسئولیت حرفه‌ای خود را تمام و کمال انجام داده است. من هم در پاسخ عرض می‌کردم، مثلا اگر یکی از کارکنان شریف و درستکار (اصلا معصوم) یك شرکت بورسی مسئولیت حسابرسی صورتهای مالی آن شرکت را بر عهده بگیرد، و در ایفای مسئولیت خود اصلا هم کوتاه نیاید، و مسئولیت خود را تمام و کمال انجام دهد، آیا این نشاندهنده استقلال اوست؟! مسلم است که چنین نیست. هر دانشجوی مقطع لیسانس می‌داند که هم استقلال واقعی حسابرس مهم است (این که واقعا مستقل باشد)، و هم استقلال ظاهری او (این که مستقل به نظر برسد). از قضا، استقلال ظاهری مهم‌تر است. سازمان حسابرسی در حسابرسی شرکتهای دولتی نه استقلال واقعی دارد، و نه استقلال ظاهری.

الان که به گذشته فکر می‌کنید از نوشتن این مقاله‌ها و اتخاذ این مواضع به صورت صریح و آشکار و همگانی پشیمان نیستید؟ چون خیلی افراد ممکن است با شما هم‌رای باشند، ولی حاضر نیستند نظر خود را صریح و آشکار و همگانی ابراز کنند.

درباره بقیه قضاوتی ندارم ولی خودم به اندازه سر سوزن پشیمان نیستم. حرف اگر درست و اصولی باشد، در طول زمان اثبات می‌شود. آن زمان که من خودم کار حسابرسی می‌کردم، یك باوری در بین همکاران رایج بود که می‌گفتند سازمان حسابرسی مستقل‌ترین موسسه حسابرسی ایران است. دلیلشان هم این بود که می‌گفتند چون سازمان حسابرسی دغدغه صاحبکار ندارد، و شرکتهای دولتی قانونا موظف به انعقاد قرارداد با این سازمان هستند، پس مستقل‌ترین موسسه حسابرسی ایران است. ولی الان همه فهمیده‌اند که سازمان حسابرسی اساسا فاقد استقلال است. این کم تحولی نیست. من اگر در شکل‌گیری این باور نقش کوچکی هم داشته باشم، از کار خودم راضی هستم.

آقای دکتر اینکه سازمان حسابرسی مستقل باشد یا نباشد چه مشکلی از حسابداری و حسابداران ما حل می‌کند؟ به قول معروف الان مشکل ما اینه؟! [با خنده]

الان که چه عرض کنم؛ حدود پنج دهه است که مشکل ما اینه! [با خنده] دلیل اصلی ناتوسعه‌یافتگی حسابداری ایران همین تفکرات و مداخلات دولتی است. الان بیش از سی سال است که تاثیرگذارترین نهاد حسابداری ایران سازمان حسابرسی دولتی است.

بلافاصله بعد از انقلاب به دلیل ملی‌کردن (بخوانید **دولتی‌کردن** و **حکومتی‌کردن**) شرکتها و صنایع مختلف، عملا برای چندین سال فاتحه بخش خصوصی حرفه خوانده شد. من از زبان بزرگان حرفه شنیده‌ام که در دهه ۱۳۶۰ به دلیل بیکاری در موسسات حسابرسی مگس می‌پراندند! بعد از جنگ و از دهه ۱۳۷۰ هم که سیاستهای تعدیلات اقتصادی اعمال شد و **قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی** به تصویب مجلس رسید و با تاخیر هشت ساله جامعه حسابداران رسمی ایران تاسیس شد، باز هم تا همین امروز این تفکر دولتی گریبان حرفه حسابداری ایران را رها نکرده است. در بعضی موارد که پارادوکس عجیبی حاکم است. مثلا عزیزان شاغل در سازمان حسابرسی خود را **حسابدار رسمی** و عضو جامعه حسابداران رسمی ایران می‌دانند؛ ولی جامعه بر خدمات آنان نظارت ندارد! عزیزان خیلی پرشور هم در انتخابات شورای عالی جامعه شرکت می‌کنند و سودای کنترل جامعه را در سر می‌پرورانند. طیف تندروی این گروه، با رویکردی پوپولیستی آبروی حرفه و حسابداران رسمی را نزد افکار عمومی می‌برند، و گلو و گریبانشان را در مبارزه زبانی با فساد می‌درانند؛ ولی در برابر رسانه‌ای شدن مفاسد اقتصادی چند ده هزار میلیارد تومانی در صاحبکاران دولتی‌شان سکوت می‌کنند. همین تفکر دولتی را طی دو دهه گذشته چنان ترویج کرده‌اند که اعضای شورای عالی و هیئت مدیره جامعه تا از سوی وزیر امور اقتصادی و دارایی تایید نشوند رسمیت پیدا نمی‌کنند! اینها استراتژیها، ساختارها، و رویه‌های غلطی هستند که چون برای ما عادی شده‌اند

فکر می‌کنیم درست هستند. در صورتیکه چنین نیست. والله اینها غلط است. ما اگر به دنبال اصلاح امور، پیشرفت حرفه، ارتقای جایگاه حسابداران، و توسعه پایدار میهن عزیزمان هستیم باید در انتقاد به این موارد غلط و غیراصولی بی‌پروا و صریح باشیم. بخشی از دلایل ناتوسعه‌یافتگی حسابداری ایران به ساختار دولتی اقتصاد ایران برمی‌گردد که اصلاح آن از عهده ما حسابداران خارج است. ولی بخشی دیگر از دلایل، درون‌زای حرفه خودمان هستند. هر کدام از ما در جایگاه خودمان باید در راستای اصلاح امور گام برداریم. تجربه به من ثابت کرده است، هر کسی به اندازه خودش می‌تواند تاثیرگذار باشد. به قول حضرت مولانا:

تو مگو همه به جنگند و ز صلح من چه آید — تو یکی نه‌ای هزاری تو چراغ خود برافروز
که یکی چراغ روشن ز هزار مرده بهتر — که به است یک قدخوش ز هزار قامت کوز

آقای دکتر طی این مدت در انجمن چه کارهایی دوست داشتید انجام بدهید که به هر دلیلی نتوانستید؟

یکی از کارهایی که خیلی دوست داشتم انجام بدهم و طی حدود یك سال گذشته هم خیلی روی طراحی و عملیاتی کردن آن وقت و انرژی گذاشتم، ولی هنوز عملیاتی نشده است، راه‌اندازی یك شبکه اجتماعی داخلی در بین اعضای انجمن بود. در نظر داشتم این شبکه اجتماعی را در دو فاز عملیاتی کنیم. در فاز اول، همه اعضاء یك حساب کاربری و پروفایل آنلاین روی وبگاه انجمن داشته باشند.

مثلا، من که شماره عضویتم **۶۹۹۹** است، نشانی پروفایلم بر روی وبگاه انجمن iica.ir/members/id/۶۹۹۹ باشد. تکمیل و بروزرسانی پروفایل هر عضو هم در اختیار خودش باشد. این سامانه هم برای اعضا مفید و کاربردی است، هم می‌تواند یك بانك اطلاعاتی ارزشمند برای کارفرمایان و دیگر استفاده‌کنندگان باشد. در گام دوم هم در نظر داشتم به مرور آن را توسعه دهیم و امکانات متداول شبکه‌های اجتماعی را در آن راه‌اندازی کنیم، تا اعضا بتوانند با یکدیگر در ارتباط باشند. ولی متاسفانه در اثر بدقولی همیشگی و آزاردهنده مشاور فنی انجمن این سامانه هنوز عملیاتی نشده است. با این حال، امیدوارم هر چه زودتر عملیاتی شود. کار دیگری که به نوعی با همین سامانه مرتبط است، و می‌خواستم به موازات آن عملیاتی شود، طراحی و راه‌اندازی سامانه عرضه و تقاضای نیروی کار حسابداری است. در این سامانه، هم متقاضیان و هم عرضه‌کنندگان خدمات مختلف حسابداری نیازها و تواناییهای خود را اعلام می‌کنند، و به مرور سامانه‌ای راهگشا و سودمند برای هر دو گروه فراهم خواهد شد.

کار دیگری که شخصا خیلی دوست داشتم به سرانجام برسانیم، عملیاتی کردن چند گواهینامه حرفه‌ای دیگر بود که در شورای عالی درباره آنها صحبت کرده بودیم. ولی متاسفانه به دلیل شرایط کرونایی دو سال اخیر نتوانستیم آنها را عملیاتی کنیم. این شرایط عجیب و غریب که پیش آمد حتی برگزاری آزمونهای گواهینامه‌های قبلی انجمن هم در سال **۱۳۹۹** متوقف شد. امیدوارم

این وضعیت هر چه زودتر مرتفع شود و این آزمونها طبق روال منظم قبلی برگزار شوند.

مورد دیگر، فعال کردن کارگروه روابط بین‌الملل انجمن با عضویت چند تن از اعضای جوان ACCA در ایران است. این کارگروه را پاییز ۱۳۹۸ راه‌اندازی کردیم. حتی برای اعلام موجودیت آن و اهدافی که از راه‌اندازی آن داشتیم یك میزگرد با حضور این عزیزان برگزار کردیم که هم در مجله حسابدار (به صورت نوشتاری) و هم در کانال آپارات انجمن (به صورت ویدئوی) منتشر شد[۸۹]. ولی متاسفانه این کارگروه هم به دلیل همین شرایط کرونایی معلق ماند. من شخصا بسیار امیدوارم که اعضای جوان ACCA در ایران نقش کلیدی در انقلاب حرفه‌ایگری در حسابداری ما ایفا کنند، و نگاه بین‌المللی توسط این عزیزان ترویج شود. هر چند تعداد این عزیزان اندك است. ولی به دلیل اینکه در مکتب حرفه‌ای و بین‌المللی ACCA پرورش پیدا کرده‌اند هر کدامشان یك ارتش تك‌نفره هستند.

کار دیگری که بسیار دوست داشتم انجام بدهیم، ولی کمبود منابع مانع انجام آن شد، ارتقاء کانال آپارات انجمن به جایگاه یك رسانه تصویری قدرتمند برای انجمن و حسابداری ایران بود. البته کانال آپارات انجمن با همین محتوای فعلی هم در بین سازمانهای ایرانی

۸۹- حسابداری؛ حرفه‌ای بین‌المللی، میزگرد با حضور (به ترتیب الفبا) احسان سلطانیه، مجتبی سیاهکوهیان، محسن قاسمی، و علی هدایتی، اعضای کارگروه روابط بین‌الملل انجمن حسابداران خبره ایران، مجله حسابدار، شماره ۳۳۵، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۴-۲۳.

بینظیر است. هیچ سازمان ایرانی را نمی‌توانید پیدا کنید که ویدئوی کامل همه رویدادهایش را مستمرا از طریق یك رسانه ویدئویی منتشر کند. ما در انجمن نزدیك به شش سال است که این کار را از طریق این کانال آپارات انجام داده‌ایم. ولی من دوست داشتم به نقطه‌ای برسیم که حداقل روزی دو ساعت برنامه تولیدی تخصصی (در قالب خبر، گزارش، مصاحبه، میزگرد، فیلم مستند،...) از طریق این کانال منتشر کنیم. ولی انجام دادن مستمر چنین کاری حداقل در آغاز کار منابعی نیاز دارد که ما در انجمن در اختیار نداشتیم.

یك کار دیگر که به نظرم جای آن در انجمن بسیار خالی است، راه‌اندازی شاخه دانشجویی و حتی دانش‌آموزی انجمن است. ما در انجمن می‌توانیم اعضای دانشجویی و دانش‌آموزی داشته باشیم و بسیاری از مفاهیم بنیادی (از جمله اصول حرفه‌ایگری و تفکر بین‌المللی) را از سنین پایین به آنان آموزش دهیم. البته خوشبختانه یك اقدام فرخنده و مبارك در PACT در حال انجام است، و تا حدود زیادی می‌تواند این ایده را محقق کند. سال گذشته ما در PACT از طرف یك هنرستان پیشنهاد داشتیم که آنها از ظرفیت خالی ساختمان ما در ساعات صبح استفاده کنند. پیشنهادشان این بود که در قالب یك قرارداد مشارکت این کار انجام شود. ولی ما وقتی در شورای مدیریت درباره این موضوع بحث کردیم، نهایتا تصمیم گرفتیم خودمان به دنبال گرفتن مجوز فعالیت یك هنرستان تخصصی حسابداری برویم. آقای سلامی و دکتر غلامرضایی در این

زمینه بسیار زحمت کشیدند و نهایتا این ایده محقق شد. اگر کارها همین طور خوب پیش برود، فعالیت این هنرستان می‌تواند از سال تحصیلی ۱۴۰۰ آغاز شود. طبق مباحثی که در شورای مدیریت PACT داشته‌ایم، قرار بر این شده است که دانش‌آموزان این هنرستان را خودمان از بین نوجوانان مستعد گلچین کنیم؛ و آموزش زبان انگلیسی هم یکی از اولویتهای آموزشی آنجا باشد. شخصا بسیار امید دارم که از طریق این هنرستان بشود کارهای بزرگی انجام داد. امیدوارم چنین شود.

و مورد آخر که همیشه دوست داشتم منابع مالی و شرایط مورد نیاز آن فراهم شود تا بتوانیم از طریق انجمن به سرانجام برسانیم، پروژه ملی تدوین تاریخ حسابداری ایران است. شأن این کار می‌طلبد که حتما توسط یك نهاد ملی، معتبر و مستقل همچون انجمن یا جامعه انجام شود. صمیمانه امیدوارم این کار اساسی و ضروری روزی در انجمن یا جامعه انجام شود.

در سطح ملی چطور؟ به نظر شما علاوه بر دو مورد ترویج حرفه‌ایگری و ترویج نگاه بین‌المللی در حسابداری ایران، چه کارهای دیگری باید در حسابداری ایران انجام شود؟

مشخصا دو مورد به نظرم حیاتی است. اولین مورد، توجه ویژه به مباحث مرتبط با فناوری است. در حسابداری ایران در این زمینه از نظر عملی بسیار کم‌کاری و کم‌توجهی شده است. البته در زمینه توسعه نرم‌افزارهای حسابداری مالی و تا حدود کمتری حسابداری

مدیریت کارهای خوبی طی سه دهه گذشته انجام شده است. ولی در سایر زمینه‌های تخصصی حسابداری، از جمله، حسابرسی داخلی، حسابرسی مستقل، ضدتقلب، و غیره، تقریبا هیچ کاری انجام نشده است. شاید هم تقصیر نداشته‌ایم. چون جنس نرم‌افزارهای مورد استفاده در این زمینه‌ها متفاوت و عمدتا نیازمند به‌کارگیری هوش مصنوعی و فناوریهای بسیار پیشرفته و گرانقیمت است. از این رو، منابع هنگفتی برای توسعه آنها نیاز است. در ایران، کارهایی که به اسم نرم‌افزارهای حسابرسی معرفی می‌شوند، همگی بدون استثناء از جنس پایگاه دادگان (دیتابیس) هستند. چون هیچ نهاد و سازمانی در ایران از عهده سرمایه‌گذاری هنگفت در زمینه به‌کارگیری هوش مصنوعی و فناوریهای پیشرفته در حرفه حسابداری برنمی‌آید. ضمن اینکه به دلیل کوچك بودن بازار خدمات حرفه‌ای در ایران، اگر این سرمایه‌گذاری هنگفت انجام هم شود، از نظر اقتصادی برگشت نمی‌شود. کل درآمد سالانه موسسات حسابرسی در ایران چیزی حدود چهل، پنجاه میلیون دلار است! در حالیکه سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای توسعه بعضی از این نرم‌افزارها دهها برابر این مبلغ است. بنابراین انتظار توسعه داخلی این نرم‌افزارها کاملا بی‌مورد است. در سطح بین‌المللی هم فقط دو برند اصلی در این زمینه وجود دارند که کل بازار جهانی را قبضه کرده‌اند. چون سایر شرکتهای نرم‌افزاری از عهده رقابت با این غولهای نرم‌افزاری حسابرسی برنمی‌آیند. ولی با همه این حرفها بالاخره باید چاره‌ای اندیشید. علاوه بر این، امروز مفاهیم بسیار متنوع دیگری نیز در ارتباط با فناوری در سطح بین‌المللی و در زمینه‌های شغلی مختلف

حسابداری مطرح است که جا دارد ما حسابداران ایرانی هم آنها را رصد کنیم و در صورت لزوم برای مواجهه و بهره‌برداری از آنها برنامه‌ریزی و اقدام کنیم.

مورد بعدی، توجه ویژه به خدمات متنوع حسابداری در بخش دولتی و عمومی ایران است. من یك بار در سرمقاله شماره ۳۱۹ و ۳۲۰، مهر و آبان ۱۳۹۷، مجله حسابدار به این موضوع پرداختم[۹۰]. همانطور که در آن سرمقاله ذکر کردم، ساختار اقتصادی ایران، به رغم همه اقدامات انجام‌شده در راستای خصوصی‌سازی طی دو دهه اخیر همچنان دولتی است. منظورم از دولتی هم اعمّ از بدنه فربه دولت و بنگاههای اقتصادی تحت تملك و تحت مدیریت آن، و دیگر نهادهای حاکمیتی و نهادهای غیرحاکمیتی بخش عمومی و بنگاههای اقتصادی تحت مالکیت و مدیریت آنها است. همه اینها بنا به روایتهای مختلف، چیزی حدود ۷۰ تا ۸۵ درصد اقتصاد ایران را دربرمی‌گیرند. این در حالیست که ذهنیت حسابداران حرفه‌ای و دانشگاهی ما، طی قریب به یك قرن گذشته، تحت تاثیر منابع آموزشی (کتابها و نشریات حرفه‌ای و دانشگاهی) و ضوابط بین‌المللی (چارچوبهای نظری، اصول، استانداردها، و رویه‌ها) که غالباً بر بنیان ساختار اقتصاد سرمایه‌داری کشورهایی همچون انگلستان و آمریکا توسعه یافته‌اند، بیشتر متمرکز بر بنگاههای غیردولتی فعال در بخش خصوصی کشور بوده است. یعنی به رغم

۹۰- برای حفظ منافع ملّی: بیایید بیشتر به بخش عمومی بپردازیم، مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۱۸-۳۱۹، مهر و آبان ۱۳۹۷، صص ۲-۳.

دولتی بودن بیش از ۷۰ درصد اقتصاد ایران، خدمات ارزشمند حرفه حسابداری عمدتاً در بخش کوچکتر اقتصاد ایران متمرکز بوده است. مسلماً در این عدم تناسب، کوتاهی دولتمردان و تصمیم‌گیرندگان بخش غیرخصوصی اقتصاد ایران کلیدی و تاثیرگذارتر بوده است. زیرا آگاهانه یا ناخودآگاه خود را از خدمات ارزشمند حسابداران محروم کرده‌اند. ولی ما حسابداران نیز می‌توانستیم، و می‌توانیم، بیش از پیش به معرفی خدمات متنوع و ارزشمند خود به مدیران بخش غیرخصوصی کشور بپردازیم. زیرا رسالت حرفه حسابداری همانند همه حرفه‌های دیگر، خدمت به عموم است؛ و در ایران، بخش اعظم منافع عموم در بخش غیرخصوصی اقتصاد است.

آقای دکتر به عنوان سوال پایانی، اگر پسر شما – که الان اگر اشتباه نکنم حدود ده ساله است– در آینده تصمیم بگیرد حسابدار بشود، واکنش شما در مواجهه با تصمیم او چیست؟

آرین‌راد (پسرم) از وقتی خردسال بود و تازه متوجه شده بود من حسابدارم، تا به همین الان، همیشه هر شغل و رشته‌ای را که دوست دارد، آن را در ترکیب با حسابداری نام می‌برد! یکبار آن روزهایی که من مشغول ساختن فیلمهای مستند انجمن بودم به شوخی به من گفت: «ما بالاخره نفهمیدیم شما چکاره‌ای؟ حسابداری؟ فیلمسازی؟» من در جوابش گفتم: «خودم هم نمیدونم؛ شاید حسابدار فیلمساز!» آنجا بود که او هم چون بسیار به بازی‌سازی

علاقه دارد، برقی در چشمانش دوید و گفت: «من هم میخوام، حسابدار بازی‌ساز بشم!» [با خنده]

من برای آرین‌راد فقط آرزو دارم در هر مقطع از زندگیش به هر کاری که علاقه دارد بپردازد. حتی برایم مهم نیست که در آن کار موفق و درجه یك باشد. واقعا چه اهمیتی دارد؟ من الان که در این نقطه از زندگی هستم، فهمیده‌ام فقط مهم است آدم خودش از کاری که انجام می‌دهد عمیقا و خالصانه راضی باشد، و حس خوبی داشته باشد. البته به شرطی که آن کار به دیگران آسیب نرساند. شخصا هیچوقت دنبال این نیستم که آرزوهای دست‌نیافته خودم را از طریق پسرم محقق کنم. من هر چیزی را اگر واقعا دوست داشته باشم، خودم برای رسیدن به آن تلاش می‌کنم، از آینده بچه‌ام مایه نمی‌گذارم. ولی مسلما و بدون تردید اگر آرین‌راد یك روز تصمیم قطعی و آگاهانه بگیرد که حسابدار بشود، من عمیقا از این تصمیمش خوشحال می‌شوم، و هر چه در توان دارم برای موفقیتش به او کمك خواهم کرد. البته او هر شغل دیگری را هم انتخاب کند همین کار را انجام می‌دهم.

ولی مشخصا درباره حسابداری معتقدم همانطور که از آغاز تمدن بشر حسابداری جزو مشاغل معتبر و آبرومند در جوامع مختلف بوده است، در آینده نیز چنین خواهد بود. حسابداری هم در ایران و هم در سطح بین‌المللی آینده درخشانی همچون گذشته درخشانش خواهد داشت. بنابراین، از صمیم قلب به جوانانی که می‌خواهند

حسابدار بشوند، این اطمینان خاطر را می‌دهم که شغل خوبی را انتخاب کرده‌اند.

پس چرا اینقدر حسابدار بیکار داریم؟!

پاسخ من به این سوال همیشه اینست که نه در ایران و نه در هیچ نقطه از جهان هیچ حسابداری بیکار نمی‌ماند. نکته در اینجاست که متاسفانه ما تعداد زیادی دانش‌آموخته رشته حسابداری از مقاطع مختلف (دیپلم تا دکتری) داریم که چون حسابدار نیستند، طبیعتا نتوانسته‌اند شغل حسابداری پیدا کنند. این طبیعی‌ترین اتفاق است. هیچ کارفرمای معقولی در هیچ جای دنیا امور مهم مالی خود را به فردی که از عهده انجام آن برنمیاید نمی‌سپارد. این بدیهی است. توصیه من به عزیزان دانش‌آموخته رشته حسابداری اینست که برای پیدا کردن شغل مناسب حسابداری، اول حسابدار بشوند. البته حسابدار شدن مراتبی دارد. از فردی که حسابداری یك فروشگاه کوچك را بر عهده دارد، تا معاون مالی و اداری یك هلدینگ بزرگ چندملیتی همگی حسابدار هستند. ولی تواناییهایشان متفاوت است.

یك توضیح داخل پرانتز هم درباره اصطلاح **حسابدار** عرض کنم. چون دیده‌ام اغلب محل مناقشه است. مثلا، یك بار از یك دوست حسابدار رسمی شنیدم که می‌گفت، چرا جامعه حسابداران رسمی این همه تلاش برای ثبت روز حسابدار کرد؟ همین تلاش را باید صرف ثبت روز حسابرس می‌کرد! یا بعضی دوستان با خود عنوان **حسابدار**

رسمی مشکل دارند و معتقدند عنوان **حسابرس رسمی** درست‌تر است! یا مثلا، بعضی دوستان مدیر مالی را وقتی **حسابدار** خطاب می‌کنیم احساس می‌کنند مورد تحقیر واقع شده‌اند! از این قبیل سوءبرداشتها درباره اصطلاح **حسابدار** بسیار وجود دارد. **حسابدار** یك معنی خاص دارد و یك معنی عام. معنی خاص آن به فردی اطلاق می‌شود که در رده پایین‌تر از رئیس حسابداری وظایف یك حسابدار مالی را بر عهده دارند. ولی معنی عام آن به همه افرادی اطلاق می‌شود که در زمینه‌های شغلی مختلف حسابداری در همه سطوح مشغول به کار هستند. مشابه اصطلاح **سرباز** که در معنی خاص آن به فردی گفته می‌شود که پایین‌ترین درجه نظامی را دارد. ولی در معنی عام آن، حتی امیران ارتش و سرداران سپاه هم خودشان را سرباز می‌نامند.

با این توضیح، وقتی عرض می‌کنم دوستان باید تلاش کنند **حسابدار** بشوند، منظورم معنی عام آن است. یعنی به هر زمینه تخصصی حسابداری که علاقه‌مند هستند و می‌خواهند در آن زمینه فعالیت بکنند، تلاش کنند در آن زمینه دانش، مهارت، و تجربه مورد نیاز را به دست بیاورند. متاسفانه روند وارونه توسعه حسابداری در ایران که در این گفتگو هم به آن اشاره کردم، یکی از تبعاتش همین است که ما امروز صدها هزار دانش‌آموخته حسابداری از مقاطع مختلف دانشگاهی داریم. ولی بخش بسیار قابل توجهی از آنان فاقد دانش، مهارت، و تجربه مورد نیاز برای تصدی مشاغل مختلف حسابداری هستند. شاهد این ادعا، تعداد

بسیار قابل توجه کارفرمایان در زمینه‌های شغلی مختلف حسابداری است که همواره در جستجوی یافتن حسابدار صلاحیت‌دار هستند، و اغلب با دشواری بسیار زیادی موفق به یافتن فرد مناسب می‌شوند. بنابراین توصیه‌ام به جوانان جویای کار اینست که مدرك دانشگاهی خود را فراموش کنند. این عزیزان باید بدانند که یك حسابدار حرفه‌ای از روزی که مشغول به کار می‌شود، تا آخرین روز کاریش همواره در حال کسب دانش، مهارت و تجربه است. من چند سال پیش در حساب کاربریم در اینستاگرام یادداشتی با عنوان کیف نامرئی حسابداران نوشتم[۹۱]؛ و در آن یادآور شدم هر حسابدار موفقی، در هر جای جهان، همواره یك کیف نامرئی همراه خود دارد، و از اولین تا آخرین روز اشتغال به کارش به طور پیوسته تلاش می‌کند آن کیف نامرئی را تجهیز کند و بروز نگه دارند. آنجا ذکر کردم، محتویات کیف نامرئی هر حسابدار بسته به زمینه تخصصی فعالیتش متفاوت است. ولی مواردی نیز هستند که در کیف نامرئی اغلب حسابداران پیدا می‌شوند. مثلا، استانداردهای حسابداری، قوانین و مقررات مالیاتی، قانون تجارت، قانون کار، قوانین و مقررات تامین اجتماعی، نرم‌افزارهای رایانه‌ای، زبان انگلیسی، و موارد مشابه آنها از این دست هستند. متاسفانه در کشور ما شکاف بسیار بزرگی بین دانشگاهها و حرفه حسابداری وجود دارد. مسئولیت آنهم تماما بر عهده دانشگاههاست. چون در کشورهای توسعه‌یافته دانشگاهها هستند که پشت سر حرفه حرکت می‌کنند. یعنی دانشگاهها آموزش خود را مبتنی با نیاز حرفه

۹۱- کیف نامرئی حسابداران، اینستاگرام، ۱۵ آذر ۱۳۹۶.

طراحی می‌کنند. ولی در ایران اغلب دانشگاهیان گویی در یك سیاره دیگر زندگی می‌کنند. اینطور می‌شود که خروجی دانشگاهها از عهده برآورده کردن نیازهای حرفه برنمی‌آیند، و اغلب آنان بعد از دانش‌آموختگی از دانشگاه تازه ناچارند از نو در موسسات آموزشی حرفه‌ای آموزش ببینند تا بتوانند گیلم خود را از آب بیرون بکشند. اصلا تا به حال به این فکر کرده‌اید که رمز موفقیت مرکز آموزش انجمن در تمام سه دهه گذشته چه بوده است؟ اینکه نیاز حرفه را درك کرده، و قدم به قدم پشت سر حرفه حرکت کرده است. چنین تبعیتی را ما ابدا در دانشگاههای ایران نمی‌بینیم. نتیجه هم این شده است که می‌بینید.

آقای دکتر از بابت وقت بسیار زیادی که به انجام این گفتگوی مفصل اختصاص دادید خیلی ممنونم. امیدوارم حاصل این گفتگو برای مخاطبان هم مفید باشد. در پایان هر حرف نگفته‌ای اگر باقی مانده است بفرمایید.

من هم از شما برای زمانی که صرف این گفتگو کردید بسیار سپاسگزارم. دوستانی که من را می‌شناسند می‌دانند که من ذاتا آدم کم‌حرفی هستم. ولی این کم‌حرفیم یك استثناء دارد، و آنهم در زمینه چیزهایی است که به آنها علاقه دارم. یعنی در این موارد کم‌حرفی‌های دیگرم را هم جبران می‌کنم! [با خنده] فکر نمی‌کنم حرف نگفته‌ای باقی مانده باشد. فقط دوست دارم در پایان یك نکته را صادقانه عرض کنم. امیدوارم دوستان و عزیزان هم این را از من بپذیرند. من طی این گفتگو و همینطور در همه نوشته‌ها و گفته‌هایم در جاهای مختلف، هر انتقادی را که مطرح کرده‌ام، فقط و فقط و

فقط از روی عشق و علاقه فراوانم در درجه اول به میهن عزیزم ایران و در درجه بعد به حسابداری است. من هیچ منفعت و حبّ و بغض و تعصب شخصی در اظهار کردن این مباحث ندارم. فقط و فقط و فقط دوست دارم به عنوان یك ایرانی حسابدار به سهم خودم قدمی را در راستای توسعه پایدار کشور عزیزم و حرفه حسابداری ایران بردارم. من باور قلبی دارم که ما حسابداران اگر اصولی عمل کنیم، و ایرادات موجود در حرفه خودمان را برطرف کنیم، نقش بسیار تاثیرگذارتری می‌توانیم در این زمینه ایفا کنیم. ما حسابداران در سرتاسر تاریخ ایران کارهای بزرگی را انجام داده‌ایم. دوستان اگر گفتگوی من با پروفسور عبدالمجید ارفعی را ندیده‌اند، حتما یك وقتی اختصاص بدهند و این گفتگوی بسیار جذاب را ببینند[۹۲]. ایشان اصلا حسابدار نیست که بگوییم تعصب حسابداری دارد. ولی به عنوان یکی از نوادر زبان‌شناسی جهان عمر خودش را صرف ترجمه بخش بزرگی از اسناد حسابداری دوران هخامنشیان کرده‌اند. آن اسناد به وضوح نشان می‌دهند که امپراتوری هخامنشیان در نبود حسابداران آن دوران محال ممکن بود بتوانند بر دوسوم سرزمینهای جهان آن دوران حکمرانی کند. نقش‌آفرینی حسابداران ایرانی در ادوار مختلف تاریخ ایران نمودهای متنوع و برجسته‌ای داشته است. مثلا، در زمان اشکانیان ما یکی از مدرن‌ترین نظامهای مالیات‌ستانی جهان را داشتیم. یا در دوره خلافت عباسیان نقش حسابداران پارسی چنان برجسته و کلیدی بود که زبان دیوانی

۹۲- گفتگو با: دکتر عبدالمجید اَرفَعی درباره حسابداری و کنترل در گل‌نبشته‌های باروی تخت جمشید، مجله حسابدار، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۷، صص ۲۶-۱۶.

(اداری) بارگاه خلفای عباسی ناگزیر (و قطعا بر خلاف میل آنان) فارسی بود. یا یکی از مهمترین (و به زعم من **مهمترین**) اصلاحات امیرکبیر در دوران صدارتش، اصلاحاتی بود که در امور مالی و حسابداری حکومت قاجار انجام داد و قدرت مطلقه شاه در دخل و خرج را مقید و نظام‌مند کرد. یا در دوران معاصر، نقش حسابدارانی همچون زنده‌یادان مسعود عرفانی، محمدمهدی سمیعی، ابوالقاسم خردجو و حسن سجادی‌نژاد در پیروزی نهضت ملی‌شدن صنعت نفت ایران، راه‌اندازی و اداره شرکت ملی نفت ایران، راه‌اندازی نخستین دانشکده تخصصی حسابداری در ایران (**آموزشگاه عالی حسابداری** (سال ۱۳۳۶) که بعدا به **دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت ملی نفت ایران** تغییر نام داد)، راه‌اندازی و اداره بانك مرکزی، راه‌اندازی و اداره بانك توسعه صنعتی و معدنی ایران (که نقش اساسی در صنعتی کردن ایران در دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ داشت)، راه‌اندازی و اداره بورس اوراق بهادار تهران، و تاسیس انجمن حسابداران خبره ایران و کانون حسابداران رسمی، نقشی بسیار محوری و کلیدی بود.

ما حسابداران ایرانی امروز هم به رغم همه محدودیتها و موانع موجود می‌توانیم نقشی به مراتب اثربخش‌تر از نقشی که اکنون بر عهده داریم ایفا کنیم. به شرط آنکه اصلاح را از درون حرفه خودمان آغاز کنیم. برای این کار باید در بیان کاستیها و انتقاد از ساختارها و رویه‌های نادرست صریح باشیم. باید از انتقاد دلسوزانه دلخور نشویم. باید منتقدان را تشویق و ترغیب کنیم.

با تمام این اوصاف، در پایان این گفتگو از همه عزیزانی که به هر دلیلی از گفته‌ها و نوشته‌های من آزرده‌خاطر شده‌اند عذرخواهی می‌کنم. و مجددا از شما سپاسگزارم، و از خوانندگان این گفتگو به دلیل اطاله کلام پوزش می‌خواهم. امیدوارم همه عزیزان تندرست و موفق باشند. روزخوش.

پیوستها

پیوست (۱): مقاله‌ها

- **به پیشواز آخرین سال قرن،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۳۵، زمستان ۱۳۹۹، صص ۲-۳.
- **رسالت ما دراین بزنگاه تاریخ‌ساز حیات بشری،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۳۴، پاییز ۱۳۹۹، صص ۲-۳.
- **تنها صورتهای مالی است که می‌ماند!،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۳۳، تابستان ۱۳۹۹، صص ۲-۳.
- **رنسانس یا فرصت‌سوزی حرفه حسابداری ایران؟! نگاهی به تحولات اخیر بورس اوراق بهادار تهران،** فصلنامه نگرش‌نو (موسسه ارقام‌نگر آریا)، تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۳-۲۵.
- **کرونا و بورس؛ آنچه از بهار ۱۳۹۹ در یاد ما خواهد ماند،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره۳۳۲، بهار۱۳۹۹، صص ۲-۳.
- **پیش به سوی همگرایی،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۳۱، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲-۳.
- **حرفه‌ای و بین‌المللی،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۳۰، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲-۳.
- **بدرود آقای دبیرکل!** **(سوگنامه درگذشت زنده‌یاد محمد منیری دبیرکل فقید انجمن حسابداران خبره ایران)**، مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۲۸-۳۲۹، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، ص ۲.
- **مشارکت تاثیرگذار حسابداران در توسعه بورس اوراق بهادار در ایران در بیش از نیم‌قرن گذشته،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۲۶-۳۲۷، خرداد و تیر ۱۳۹۸، صص ۲-۳.
- **گواهینامه خدمات مالیاتی مشاغل انجمن حسابداران خبره ایران،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۲۴-۳۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸، صص ۲-۳.
- **نگاهی به نشریه‌های حسابداری ایران،** مجله حسابرس، شماره ۱۰۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸

- **حسابرسی داخلی تعریف و استاندارد بین‌المللی دارد؛ آن را از نو ابداع نکنیم،** فصلنامه نگرش‌نو (موسسه ارقام‌نگر آریا)، بهار ۱۳۹۸، صص ۸-۱۳.
- **پیشرفت فناوریها و دگرگونی حرفه ما،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۲۲-۳۲۳، بهمن و اسفند ۱۳۹۷، صص ۲-۳.
- **بیایید قدر روز حسابدار را بدانیم،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۲۰-۳۲۱، آذر و دی ۱۳۹۷، صص ۲-۳.
- **برای حفظ منافع ملّی: بیایید بیشتر به بخش عمومی بپردازیم،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۱۸-۳۱۹، مهر و آبان ۱۳۹۷، صص۲-۳.
- **حسابرسی داخلی: جزئی از یک کلیت،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۱۷، شهریور ۱۳۹۷، صص ۲-۳.
- **IFRS در ایران: به مناسبت رونمایی از دیپلم IFRS انجمن حسابداران خبره ایران،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۱۵-۳۱۶، تیر و مرداد ۱۳۹۷، صص ۲-۵. (بر مبنای این سرمقاله، فیلم مستند **IFRS در ایران** مرداد ۱۳۹۷ توسط انجمن حسابداران خبره ایران تولید و از طریق کانال آپارات انجمن منتشر شد.)
- **دانشها و مهارت‌های بین‌رشته‌ای،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۱۴، خرداد ۱۳۹۷، ص ۲.
- **و این حسابدار است که می‌ماند،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۱۳، اردیبهشت ۱۳۹۷، ۲-۳.
- **معرفی گواهینامه‌های حرفه‌ای انجمن حسابداران خبره ایران،** مجله‌حسابدار، شماره۳۱۳، اردیبهشت۱۳۹۷، ۳۷-۴۰.
- **گسترش تحصیلات تکمیلی در حسابداری ایران: راه یا بی‌راهه،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۱۲-۳۱۱، اسفند ۱۳۹۶ - فروردین ۱۳۹۷، صص ۴-۶.
- **انجمن، اعضاء، و گواهینامه‌های حرفه‌ای،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۰۸، آذر ۱۳۹۶، صص ۴-۸.

- **چگونگی شکل‌گیری بدعتِ حسابرسی دولت توسط دولت**، به بهانه سی‌امین سالگرد تصویب قانون اساسنامه سازمان حسابرسی، روزنامه شرق، شماره ۲۹۹۶، پنج‌شنبه، ۴ آبان ۱۳۹۶، ص ۵.
- **اصلاحات ساختاری بنیادی در منابع در اختیار گروه انجمن**، مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۰۰-۳۰۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶، ۴-۶.
- **چالش‌های حسابرسی دولتی**، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۰۰۲، ۱۸ اسفند ۱۳۹۵.
- **آیا سازمان حسابرسی مستقل عمل کرده است؟!** روزنامه شرق، شماره ۲۸۱۹، دوشنبه، ۱۶ اسفند ۱۳۹۵، ص ۵.
- **ششمین دوره انتخابات شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران: گزارش تحلیلی از چگونگی و کیفیت مشارکت انجمن**، مجله حسابدار، شماره ۲۹۴، مهر ۱۳۹۵، صص ۲۰-۲۳.
- **انجمن دانشگاهی، صنفی یا حرفه‌ای؟ مسئله این است!**، مجله حسابدار، شماره ۲۸۷-۲۸۸، اسفند ۱۳۹۴ و فروردین ۱۳۹۵، صص ۲۴-۲۹.
- **انجمن: در سالی که گذشت؛ برنامه‌های پیش‌رو**، مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۲۸۵، دی ۱۳۹۴، صص ۵-۷.
- **بازآفرینی حسابرسی داخلی در ایران: از ضابطه‌گذاری تا عمل**، مجله حسابدار، شماره ۲۸۳، آبان ۱۳۹۴، صص ۳۲-۳۶.
- **گذشته، اکنون و آینده حسابرسی در چین**، نویسندگان: لِن جوی و جِسی وونگ، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۷۶-۲۷۷، اسفند ۱۳۹۳ و فروردین ۱۳۹۴، ۴۹-۵۵.
- **زندگینامه سیدنی دیویدسن، چهل و سومین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۸۳)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۶۳-۲۶۴، بهمن و اسفند ۱۳۹۲، صص ۱۴-۱۵.
- **افشاگر، (سخنرانی مایکل وودفورد، رئیس پیشین هیئت مدیره Olympus در کنفرانس بین‌المللی انجمن حسابرسان داخلی، جولای ۲۰۱۳، لندن)**

نویسنده: روث پرایکت، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۶۳-۲۶۴، بهمن و اسفند ۱۳۹۲، صص ۴۱-۴۳.

- **استانداردهای حسابداری جهانی از چشم‌انداز تا واقعیت،** نویسنده: پل پکتر، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۶۲، دی ۱۳۹۲، صص ۲۰-۲۳.
- **چند چارچوب حسابداری کافی است؟ نگاهی انتقادی به استانداردهای شرکتهای خصوصی،** نویسندگان: نیکلاس جی. مسترکچیو (پسر)، هیدر ام. لایولی، مترجمان: محسن قاسمی، آزاده جعفری، فاطمه قشقایی، مجله حسابدار، شماره ۲۶۱، آذر ۱۳۹۲، صص ۲۸-۳۱.
- **زندگینامه سر هنری الکساندر بنسون، چهل و چهارمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۸۴)،** مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۶۱، آذر ۱۳۹۲، صص ۱۶-۱۷.
- **زندگینامه اسکار استرند گیلین، چهل و پنجمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۸۶)،** مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۵۹-۲۶۰، مهر و آبان ۱۳۹۲، صص ۲۸-۲۹.
- **زندگینامه رابرت نیوتن آنتونی، چهل و ششمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۸۶)،** مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۵۸، شهریور ۱۳۹۲، صص ۲۰-۲۱.
- **انجمن بازرسان تقلب گواهی‌شده (ACFE): گاهنامه ۲۵ سال نخست،** مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۵۸، شهریور ۱۳۹۲، صص ۳۲-۳۳.
- **روسای پیشین FASB و IASB در تالار مشاهیر حسابداری، زندگینامه رابرت هنری هرز و سر دیوید فیلیپ توئیدی، هشتاد و نهمین و نودمین اعضای تالار مشاهیر حسابداری،** مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۵۷، مرداد ۱۳۹۲، صص ۱۴-۱۷.
- **ضابطه‌گذاری حسابداری در ایران: نیازمند بازاندیشی و دگرگونی،** مجله حسابدار، شماره ۲۵۷، مرداد ۱۳۹۲، صص ۳-۹.

- **زندگینامه فیلیپ لیروی دیفلیز، چهل و هفتمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۸۷)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۵۶، تیر ۱۳۹۲، صص ۱۴-۱۵.
- **اداره افشاگر**، محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۵۶، تیر ۱۳۹۲، صص ۴-۵.
- **زندگینامه نورتون مور بدفورد، چهل و هشتمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۸۸)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۵۵، خرداد ۱۳۹۲، صص ۳۸-۳۹.
- **تصمیمات یک رزمنده تقلب، گفتگو با ژوزف تی. ولز، بنیانگذار و رئیس هیئت مدیره انجمن بازرسان تقلب گواهی‌شده (ACFE)**، نویسنده: دیك کاروتزا، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۵۵، خرداد ۱۳۹۲، صص ۲۲-۲۷.
- **زندگینامه یوجی ایجیری، چهل و نهمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۸۹)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۵۴، اردیبهشت ۱۳۹۲، صص ۱۸-۱۹.
- **آشنایی با نهادهای حسابداری (قسمت پنجم: ایران – بخش دوم)**، مجله حسابدار، شماره ۲۵۴، اردیبهشت ۱۳۹۲، صص ۴-۷.
- **زندگینامه چارلز توماس هورنگرن، پنجاهمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۹۰)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۵۲-۲۵۳، اسفند ۱۳۹۱ و فروردین ۱۳۹۲، صص ۱۰-۱۱.
- **آشنایی با نهادهای حسابداری (قسمت پنجم: ایران – بخش اول)**، مجله حسابدار، شماره ۲۵۲-۲۵۳، اسفند ۱۳۹۱ و فروردین ۱۳۹۲، صص ۶-۹.
- **زندگینامه ریموند جان چمبرز، پنجاه و یکمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۹۱)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۵۱، بهمن ۱۳۹۱، صص ۲۶-۲۷.

- **آشنایی با نهادهای حسابداری (قسمت چهارم: انگلستان و کشورهای مشترک‌المنافع – بخش دوم)**، مجله حسابدار، شماره ۲۵۱، بهمن ۱۳۹۱، صص ۱۴–۱۷.
- **زندگینامه دیوید سلمونز، پنجاه و دومین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۹۲)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۴۹–۲۵۰، آذر و دی ۱۳۹۱، صص ۲۰–۲۱.
- **آشنایی با نهادهای حسابداری (قسمت چهارم: انگلستان و کشورهای مشترک‌المنافع – بخش اول)**، مجله حسابدار، شماره ۲۴۹–۲۵۰، آذر و دی ۱۳۹۱، صص ۴۶–۴۸.
- **زندگینامه ریچارد توماس بیکر، پنجاه و سومین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۹۳)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۴۷–۲۴۸، مهر و آبان ۱۳۹۱، صص ۲۰–۲۱.
- **آشنایی با نهادهای حسابداری (قسمت سوم: آمریکا – بخش سوم)**، مجله حسابدار، شماره ۲۴۷–۲۴۸، مهر و آبان ۱۳۹۱، صص ۳۴–۳۶.
- **زندگینامه رابرت توماس اسپروز، پنجاه و چهارمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۹۴)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۴۶، شهریور ۱۳۹۱، صص ۲۰–۲۱.
- **آشنایی با نهادهای حسابداری (قسمت سوم: آمریکا – بخش دوم)**، مجله حسابدار، شماره ۲۴۶، شهریور ۱۳۹۱، صص ۲۸–۳۱.
- **زندگینامه ویلیام ویگر کوپر، پنجاه و پنجمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۹۵)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۴۵، مرداد ۱۳۹۱، صص ۱۲–۱۳.
- **آشنایی با نهادهای حسابداری (قسمت سوم: آمریکا – بخش اول)**، مجله حسابدار، شماره ۲۴۵، مرداد ۱۳۹۱، صص ۲۰–۲۳.

- **زندگینامه ویلیام هنری بیور، پنجاه و ششمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۹۶)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۴۴، تیر ۱۳۹۱، صص ۱۴-۱۵.
- **آشنایی با نهادهای حسابداری (قسمت دوم: منطقه‌ای)**، مجله حسابدار، شماره ۲۴۴، تیر ۱۳۹۱، صص ۲۸-۳۳.
- **زندگینامه چارلز آرتور بوشر، پنجاه و هفتمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۹۶)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۴۳، خرداد ۱۳۹۱، صص ۱۴-۱۵.
- **آشنایی با نهادهای حسابداری (قسمت اول: نهادهای بین‌المللی)**، مجله حسابدار، شماره ۲۴۳، خرداد ۱۳۹۱، صص ۲۲-۲۷.
- **زندگینامه دونالد جیمز کرک، پنجاه و هشتمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۹۶)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۴۲، اردیبهشت ۱۳۹۱، صص ۲۲-۲۳.
- **انجمن حسابرسی و کنترل سامانه‌های اطلاعاتی (ISACA)**، مجله حسابدار، شماره ۲۴۲، اردیبهشت ۱۳۹۱، صص ۴۰-۴۳.
- **زندگینامه توماس جونیور بارنز، شصتمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۹۷)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۴۱، فروردین ۱۳۹۱، صص ۲۶-۲۷.
- **۱+۹ رسوایی مالی بزرگ هزار سوم که دنیای حسابداری را لرزاندند**، مجله حسابدار، شماره ۲۴۱، فروردین ۱۳۹۱، صص ۳-۱۱.
- **زندگینامه آرتور رمر ویت، شصت و یکمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۹۸)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۴۰، اسفند ۱۳۹۰، صص ۳۶-۳۷.
- **افشاگران نامدار تقلب**، مجله حسابدار، شماره ۲۴۰، اسفند ۱۳۹۰، صص ۴۴-۴۷.

- **زندگینامه ریدکارل استوری، هشتاد و هشتمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۱۱)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۳۸-۲۳۹، دی و بهمن ۱۳۹۰، صص ۵۲-۵۳.
- **آشنایی با چند سازمان بین‌المللی راهبری شرکتی**، مجله حسابدار، شماره ۲۳۸-۲۳۹، دی و بهمن ۱۳۹۰، صص ۴۸-۵۰.
- **زندگینامه گری جان پرویتز، هشتاد و هفتمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۱۱)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۳۷، آذر ۱۳۹۰، صص ۳۶-۳۷.
- **انجمن بازرسان رسمی تقلب (ACFE)**، مجله حسابدار، شماره ۲۳۷، آذر ۱۳۹۰، صص ۴۴-۴۵.
- **زندگینامه دیوید مایکل واکر، هشتاد و ششمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۱۰)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۳۶، آبان ۱۳۹۰، صص ۳۸-۳۹.
- **۴ بزرگ (BIG۴)**، مجله حسابدار، شماره ۲۳۶، آبان ۱۳۹۰، صص ۴۲-۴۴.
- **زندگینامه جی مایکل کوک، شصت و دومین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۹۹)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۳۵، مهر ۱۳۹۰، صص ۳۰-۳۱.
- **پنج کلید طلایی موفقیت برای حسابداران**، مجله حسابدار، شماره ۲۳۵، مهر ۱۳۹۰، صص ۴۰-۴۱.
- **زندگینامه ری جان گروز، شصت و سومین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۱۹۹۹)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۳۴، شهریور ۱۳۹۰، صص ۳۴-۳۵.
- **۱۰ شهر برتر ایالات متحد برای حسابداران**، مجله حسابدار، شماره ۲۳۴، شهریور ۱۳۹۰، صص ۴۰-۴۱.

- **زندگینامه جول استنلی دمسکی، شصت و چهارمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۰)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۳۳، مرداد ۱۳۹۰، صص ۲۲-۲۳.
- **حسابداری هالیوودی**، مجله حسابدار، شماره ۲۳۳، مرداد ۱۳۹۰، صص ۳۰-۳۱.
- **زندگینامه شون فنتون اومالی، شصت و پنجمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۰)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۳۲، تیر ۱۳۹۰، صص ۲۴-۲۵.
- **رمان‌های حسابداری**، مجله حسابدار، شماره ۲۳۲، تیر ۱۳۹۰، صص ۳۲-۳۳.
- **زندگینامه راس مک‌گرگور اسکینر، شصت و ششمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۰)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۳۱، خرداد ۱۳۹۰، صص ۲۲-۲۳.
- **بازی‌های حسابداری**، مجله حسابدار، شماره ۲۳۱، خرداد ۱۳۹۰، ص ۳۱.
- **زندگینامه چارلز والدو هسکینز، شصت و هفتمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۰)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۳۰، اردیبهشت ۱۳۹۰، صص ۲۴-۲۵.
- **درباره تالار مشاهیر حسابداری بیشتر بدانیم**، مجله حسابدار، شماره ۲۳۰، اردیبهشت ۱۳۹۰، صص ۳۲-۳۳.
- **زندگینامه نیکلاس دپاچ، شصت و هشتمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۱)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۲۸-۲۲۹، نوروز ۱۳۹۰، صص ۲۴-۲۵.
- **پنج متقلب مالی سرشناس**، مجله حسابدار، شماره ۲۲۸-۲۲۹، نوروز ۱۳۹۰، صص ۵۶-۵۸.

- **زندگینامه جیمز دان ادوارز، شصت و نهمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۱)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۲۷، بهمن ۱۳۸۹، صص ۲۸-۲۹.
- **غول‌های دیروز و امروز تقلب در ایالات متحد (قسمت دوم: برنارد میدف)**، مجله حسابدار، شماره ۲۲۷، بهمن ۱۳۸۹، صص ۳۲-۳۳.
- **زندگینامه استفن آدام زف، هفتادمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۲)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۲۶، دی ۱۳۸۹، صص ۱۸-۱۹.
- **غول‌های دیروز و امروز تقلب در ایالات متحد (قسمت اول: چارلز پانزی)**، مجله حسابدار، شماره ۲۲۶، دی ۱۳۸۹، صص ۲۴-۲۵.
- **اعضای تالار مشاهیر حسابداری در سال ۲۰۰۳**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۲۵، آذر ۱۳۸۹، صص ۲۲-۲۳.
- **ده دانشگاه برخط برتر ایالات متحده آمریکا در رشته حسابداری**، مجله حسابدار، شماره ۲۲۵، آذر ۱۳۸۹، صص ۳۰-۳۱.
- **زندگینامه دنیس روبرت برسفورد، هفتاد و چهارمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۴)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۲۴، آبان ۱۳۸۹، صص ۲۸-۲۹.
- **سخنرانی ماهاتیر بن محمد در کنگره جهانی حسابداران ۲۰۱۰ (مالزی)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۲۴، آبان ۱۳۸۹، صص ۳۴-۳۷.
- **زندگینامه جرالد آلبرت فلتام، هفتاد و پنجمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۴)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۲۳، مهر ۱۳۸۹، صص ۲۴-۲۵.

- **زندگینامه ویلیام ژوزف وتر، هفتاد و ششمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۴)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۲۲، شهریور ۱۳۸۹، صص ۳۰-۳۱.
- **زندگینامه ادموند ال. جنکینز، هفتاد و هشتمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۵)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۲۱، مرداد ۱۳۸۹، صص ۲۶-۲۷.
- **زندگینامه ویلیام تریپلند باکستر، هفتاد و هفتمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۵)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۲۰، تیر ۱۳۸۹، صص ۲۶-۲۷.
- **پنج دانشگاه برتر ایالات متحده آمریکا در رشته حسابداری**، مجله حسابدار، شماره ۲۲۰، تیر ۱۳۸۹، صص ۳۴-۳۸.
- **اعضای تالار مشاهیر حسابداری در سال ۲۰۰۶ (رابرت ساموئل کاپلن (هفتاد و نهمین)، رابرت ریموند استرلینگ (هشتادمین))**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۱۹، خرداد ۱۳۸۹، صص ۲۳-۲۵.
- **حسابداری و فناوری**، مجله حسابدار، شماره ۲۱۹، خرداد ۱۳۸۹، صص ۲۸-۳۰.
- **زندگینامه کاترین شیپر، هشتاد و یکمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۷)**، **(نخستین زن عضو تالار مشاهیر حسابداری)** مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۱۸، اردیبهشت ۱۳۸۹، ص ۳۱.
- **پنج فناوری برتر حسابداری در سال ۲۰۱۰**، مجله حسابدار، شماره ۲۱۸، اردیبهشت ۱۳۸۹، صص ۳۲-۳۳.
- **زندگینامه ریموند جان هال، هشتاد و پنجمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۹)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۱۶-۲۱۷، اسفند ۱۳۸۸ و فروردین ۱۳۸۹، صص ۲۶-۲۷.
- **مشهورترین حسابداران**، مجله حسابدار، شماره ۲۱۶-۲۱۷، اسفند ۱۳۸۸ و فروردین ۱۳۸۹، صص ۳۰-۳۱.

- **زندگینامه توماس ریچارد دایکمن، هشتاد و چهارمین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۹)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۱۵، بهمن ۱۳۸۸، ص ۴۶.
- **زندگینامه آنتونی جورج هاپوود، هشتاد و دومین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۸)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۱۴، دی ۱۳۸۸، ص ۳۴.
- **زندگینامه والتر پال شولتس، هشتاد و سومین عضو تالار مشاهیر حسابداری (۲۰۰۸)**، مترجم: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۱۳، آذر ۱۳۸۸، ص ۲۵.

پیوست (۲): یادداشتها

- **گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای در حسابداری: چرایی و چگونگی،** نوروز ۱۴۰۰، اینستاگرام، لینکداین.
- **وارونگی توسعه حسابداری در ایران،** نوروز ۱۴۰۰، اینستاگرام، لینکداین.
- **...و ما همچنان پس از نیم‌قرن نگرانیم!** در ارتباط با طرح و لایحه نظارت بر حرفه حسابداری در مجلس و دولت، ۱۴ اسفند ۱۳۹۹، تلگرام.
- **«روز حسابدار» رویدادی جهانی یا ابتکاری ایرانی،** سخنی با دوستان حسابدار، ۲۳ آذر ۱۳۹۹، اینستاگرام، تلگرام.
- **خطر آنارشی در گزارشگری مالی را جدی بگیرید،** به مناسبت تجدید ارزیابی گزینشی در شرکتهای بورسی، ۱۲خرداد ۱۳۹۸، اینستاگرام، تلگرام.
- **اینترنال آدیتینگ (Internal Auditing) حسابرسی داخلی نیست،** ۲۱ فروردین ۱۳۹۸، اینستاگرام، تلگرام.
- **اولین فهرست حسابرسان معتمد بورس (سال ۱۳۵۵)،** ۲۷ دی ۱۳۹۷، اینستاگرام.
- **پرفروغ در رُم، غایب در سیدنی، امیدوار به بمبئی،** یادداشتی در ارتباط با نوسان حضور حسابداران ایرانی در گردهمایی‌های بین‌المللی، ۵ دی ۱۳۹۷، اینستاگرام، تلگرام.
- **مردی از تبار حسابدانان بورس اوراق بهادار تهران،** به مناسبت انتصاب دکتر علی صحرایی به مدیرعاملی بورس اوراق بهادار تهران، ۸ دی ۱۳۹۷، اینستاگرام، تلگرام.
- **نظارت و حسابدهی مالی: مرز باریک خیریه و جرم مالی،** ۱۳ مهر ۱۳۹۷، اینستاگرام.
- **بین‌المللی‌سازی یا انگلیسی‌سازی گزارشگری مالی؟** ۳ شهریور ۱۳۹۷، اینستاگرام، تلگرام.

- **مالی‌درمانی: رفع ریشه مسائل روانی به کمک متخصصان مالی،** ۲۰ مرداد ۱۳۹۷، اینستاگرام.
- **بحران اعتماد در اقتصاد ایران،** ۱۵ مرداد ۱۳۹۷، اینستاگرام.
- **حسابداری زیبا از جنس زندگی،** ۱ مرداد ۱۳۹۷، اینستاگرام.
- **یوم‌الشوک و رقاصی اژدهای دلار،** ۲۰ فروردین ۱۳۹۷، اینستاگرام، تلگرام.
- **دورخیز حرفه حسابداری برای ورود به زندگی شخصی آدمها،** ۲۴ بهمن ۱۳۹۶، اینستاگرام، تلگرام.
- **ریاکاری کره‌ای،** خاطراتی از بازدید بورس کره جنوبی، ۲۲ بهمن ۱۳۹۶، اینستاگرام.
- **دانشجویان حسابداری بزرگترین جامعه دانشجویان ایران،** ۱۲ بهمن ۱۳۹۶، اینستاگرام، تلگرام.
- **حسابداران زن و انتخابات شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران،** ۱۴ دی ۱۳۹۶، اینستاگرام، تلگرام.
- **آقای حسابدار،** به مناسبت رونمایی از تمبر یادبود «۱۵ آذر روز حسابدار» منقش به چهره زنده‌یاد استاد حسن سجادی‌نژاد در چهارمین همایش بزرگداشت روز حسابدار (۲۱ آذر ۱۳۹۶، اصفهان)، ۲۲ آذر ۱۳۹۶، تلگرام.
- **تاثیرات متقابل توسعه صنعتی و توسعه حرفه حسابداری ایران،** ۱۹ آذر ۱۳۹۶، اینستاگرام، تلگرام.
- **کیف نامرئی حسابداران،** ۱۵ آذر ۱۳۹۶، اینستاگرام.
- **چرتکه نماد حسابداری نیست،** ۲۰ آبان ۱۳۹۶، اینستاگرام، تلگرام.
- **ایران بهشت متقلبان خیریه،** ۱۱ آبان ۱۳۹۶، اینستاگرام.
- **راه‌اندازی کانال پادکستهای انجمن حسابداران خبره ایران،** ۷ آبان ۱۳۹۶، تلگرام.
- **طبل قبیله‌ای و غول خجالتی،** ۱۹ مهر ۱۳۹۶، اینستاگرام، تلگرام.
- **چهارمین سالگرد انتشار یک پوستر،** ۱۸ شهریور ۱۳۹۶، تلگرام.

- **همایش یکی مانده به چهل!** ۸ شهریور ۱۳۹۶، تلگرام.
- **گواهی‌نامه‌های حرفه‌ای: راهکاری اثربخش برای ترویج حرفه‌ایگری در حسابداری ایران،** ۲ شهریور ۱۳۹۶، اینستاگرام، تلگرام.
- **انقلاب آپارات در رسانه‌های تصویری ایران: هر ایرانی یک کانال تلویزیونی!** ۱۸ مرداد ۱۳۹۶، تلگرام.
- **اسلایدهای کارگاه یک‌روزه مبانی مقاله‌نویسی،** ۱۱ مرداد ۱۳۹۶، وبگاه انجمن حسابداران خبره ایران، تلگرام.
- **و باز این "تومان"؛ واژه‌ای که بوی خونخواری مغول از آن به مشام می‌رسد،** ۲ مرداد ۱۳۹۶، اینستاگرام، تلگرام
- **حسابداری زیبا از جنس زندگی،** ۱ مرداد ۱۳۹۶، اینستاگرام، تلگرام.
- **پنج نکته برای مقاله‌نویسی در زمینه حسابداری،** ۲۹ تیر ۱۳۹۶، اینستاگرام، تلگرام.
- **زنده‌شدن دوباره عنوان «حسابدار چارترد» در ایران: در چهار پرده،** ۲۸ تیر ۱۳۹۶، تلگرام.
- **شبکه‌های اجتماعی: جایگزین رزومه‌های سنتی،** ۲۵ تیر ۱۳۹۶، تلگرام.
- **ده نکته درباره عملکرد مالی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS)،** ۳۱ خرداد ۱۳۹۶، تلگرام.
- **مجازات نخبگان: مکانیزم دموکراسی برای گسترش سطح عمومی آگاهی در جامعه،** ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶، اینستاگرام، تلگرام.
- **وقتی "خالکوبی (تتو)" موضوع تیزر تبلیغات تلویزیونی «انجمن حسابداران مدیریت (آمریکا)» می‌شود!** ۳۱فروردین ۱۳۹۶، اینستاگرام.
- **نهضت ملّی شدن صنعت نفت و رنسانس حسابداری در ایران،** ۲۹ اسفند ۱۳۹۵، وبگاه انجمن حسابداران خبره ایران، اینستاگرام.
- **درباره معرفی شغل «حسابدار» در مجله سروش کودکان،** ۱۷ بهمن ۱۳۹۵، اینستاگرام، تلگرام.

- **برنامه‌ریزی مالی شخصی،** ۴ مهر ۱۳۹۵، تلگرام.
- **وقتی "خالکوبی (تتو)" موضوع تیزر تبلیغات تلویزیونی «انجمن حسابداران مدیریت (آمریکا)» می‌شود!** ۲۴ شهریور ۱۳۹۵، تلگرام.
- **استانداردهای حسابداری جهانی – از چشم‌انداز تا واقعیت: ارزیابی وضعیت پذیرش IFRS در قلمروها،** ۲۱ شهریور ۱۳۹۵، تلگرام.
- **تحلیل فهرست نامزدهای مورد حمایت انجمنها و گروهها در ششمین دوره انتخابات شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران،** ۲۵ مرداد ۱۳۹۵، تلگرام.
- **آنچه باید درباره پروژه بروزرسانی «چارچوب یکپارچه مدیریت ریسک بنگاه (COSO-ERM:۲۰۰۴)» بدانیم،** ۲ مرداد ۱۳۹۵، تلگرام.
- **آیا رباتها جایگزین حسابداران خواهند شد؟** ۲۳ تیر ۱۳۹۵، تلگرام.
- **هیچ کارشناس مالیاتی بهتر از حسابدار رسمی نیست،** ۱۳ تیر ۱۳۹۵، تلگرام.

پیوست (۳): کتابها

- **استانداردهای بین‌المللی عمل حرفه‌ای حسابرسی داخلی، انجمن حسابرسان داخلی (IIA)**، اکتبر ۲۰۱۲، ترجمه امیر پوریانسب و محسن قاسمی، انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۳۹۵.
- **استاندارد حسابرسی شماره‌ی ۵: حسابرسی کنترل داخلی حاکم بر گزارشگری مالی که با حسابرسی صورت‌های مالی یکپارچه می‌شود،** هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های عام (PCAOB)، جولای ۲۰۰۷، ترجمه امیر پوریانسب، محسن قاسمی و محمد قربانی، انتشارات بورس (وابسته به شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، سازمان بورس و اوراق بهادار)، ۱۳۹۱.
- **راهنمای کاربردی ریسک‌های تقلب و کنترل‌های ضدتقلب،** پیتر دی. گلدمن با همکاری هیلتون کافمن، ۲۰۰۹، ترجمه امیر پوریانسب و محسن قاسمی، انتشارات حساب‌افزار ایرانیان (ایراکو)، ۱۳۹۰.
- **تقلب و فساد مالی،** نیجل آیر و مارتین سموکیوك، ترجمه امیر پوریانسب، کاظم وادی‌زاده و احمد عیسایی‌خوش، با ویرایش فنی محسن قاسمی، انتشارات حساب‌افزار ایرانیان (ایراکو)، ۱۳۹۰.
- **روابط سرمایه‌گذاران در عرصه عمل،** بورس مالزی، ژوئن ۲۰۰۷، ترجمه امیر پوریانسب و محسن قاسمی، انتشارات بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۷.
- **آیین‌نامه راهبری شرکتی مالزی،** ۲۰۰۷، ترجمه امیر پوریانسب و محسن قاسمی، انتشارات بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۷.

پیوست (۴): گفتگوها

- **در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران: دبیرکل انجمن جزئیات برگزاری آیین گرامی‌داشت روز حسابدار سال ۱۳۹۹ انجمن حسابداران خبره ایران در فضای مجازی را تشریح کرد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۲ آذر ۱۳۹۹.
- **سه راهکار برای اینکه هیچ‌گاه در بورس ضرر نکنید،** خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، شهریور ۱۳۹۹
- **دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران در گفتگو با بورس نیوز تاکید کرد: تنها چالش افزایش سرمایه از محل صرف سهام،** بورس‌نیوز، ۱۶ مرداد ۱۳۹۹.
- **همه‌گیری کووید ۱۹؛ فرصتی برای گذار به حسابرسی مدرن،** گفتگو با مجله حسابرس، شماره ۱۰۷، خرداد و تیر ۱۳۹۹، صص ۲۶-۳۲.
- **در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران: دبیرکل انجمن جزئیات برگزاری آیین گرامی‌داشت روز حسابدار سال ۱۳۹۸ انجمن حسابداران خبره ایران در هتل بین‌المللی استقلال را تشریح کرد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۶ آذر ۱۳۹۸.
- **دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران در گفتگو با بورس نیوز تاکیدکرد: بُعد وارونه تجدید ارزیابی،** بورس‌نیوز، ۱۴ آبان ۱۳۹۸.
- **گفتگوی محسن قاسمی با محمدامین قنبری تفرشی، مسئول واحد بین‌الملل مرکز آموزش حسابداران خبره(PACT) ،** مجله حسابدار، شماره ۳۳۰، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲۴-۳۱. (ویدئوی کامل)

- **گفتگوی محسن قاسمی با ابراهیم نوروزبیگی، مدیر اجرایی پیشین مرکز آموزش حسابداران خبره(PACT)** ، مجله حسابدار، شماره ۳۲۸-۳۲۹، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، صص ۱۸-۲۷. (ویدئوی کامل)
- **بورس نیوز بررسی کرد: آنچه قبل از ورود استارت آپ ها به بازار سرمایه باید بدانیم،** بورس‌نیوز، ۱۴ خرداد ۱۳۹۸.
- **دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران در گفتگو با بورس‌نیوز تاکید کرد: آنارشی نظام گزارشگری مالی، زنگ خطری برای بازار سرمایه،** بورس‌نیوز، ۱۲ خرداد ۱۳۹۸.
- **گفتگوی محسن قاسمی با عبدالمجید ارفعی درباره حسابداری و کنترل در گل‌نبشته‌های باروی تخت جمشید،** مجله حسابدار، شماره ۳۲۴-۳۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸، صص ۱۶-۲۶. (ویدئوی کامل)
- **انتشار مجله حسابدار؛ تصمیم جسورانه،** گفتگو با مجله حسابرس، به مناسبت انتشار صدمین شماره این مجله، شماره ۱۰۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸
- **دبیرکل انجمن حسابداران خبره در گفتگو با بورس نیوز تاکید کرد: یک معافیت مالیاتی جذاب، اما نه برای برخی حقوقی ها!** بورس‌نیوز، ۱۲ بهمن ۱۳۹۷.
- **دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران در گفتگو با بورس‌نیوز تاکید کرد: حسابدار، پاسدار منافع سرمایه‌گذاران/اهمیت حسابداری در شفافیت بازار سرمایه،** بورس‌نیوز، ۱۴ آذر ۱۳۹۷.
- **در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران: دبیرکل انجمن جزئیات برگزاری آیین گرامی‌داشت روز حسابدار سال ۱۳۹۷ انجمن حسابداران خبره ایران در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران را تشریح کرد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۱ آذر ۱۳۹۷.

- **دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران در گفتگو با بورس‌نیوز تاکید کرد: آثار تجدید ارزیابی داراییها در صورت‌های مالی بانک‌ها/ لزوم افشای جزییات بیشتر در گزارش حسابرسان،** بورس‌نیوز، ۲۶ آبان ۱۳۹۷.
- **مشاغل حسابداری و حسابرسی و اهمیت آنها در اقتصاد،** رادیو اقتصاد، برنامه رویش، ساعت ۸ تا ۹ صبح، ۱۲ بهمن ۱۳۹۶.
- **دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران اعلام کرد: با پوشش خبری گسترده، به همّت حسابداران سرتاسر کشور، می‌توانیم آیین گرامیداشت روز حسابدار سال جاری را به یکی از پربازتاب‌ترین رویدادهای حرفه‌ای کشور در سطح ملّی تبدیل کنیم،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۱ آبان ۱۳۹۶.
- **دبیرکل انجمن، در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران جزئیات راه‌اندازی آزمایشی کانال رسمی پادکست‌های انجمن حسابداران خبره ایران (به نشانی shenoto.com/iica_ir) را تشریح کرد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۶ مهر ۱۳۹۶.
- **شفافیت گزارشگری مالی در صنعت بیمه در گفتگو با حسابداران،** مصاحبه خبرنگار باشگاه خبرنگاران جوان با هوشنگ خستوئی، محسن قاسمی، سیدمحمدباقرآبادی و ابراهیم نوروزبیگی، در حاشیه سی و نهمین همایش انجمن حسابداران خبره ایران با عنوان «پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) در صنعت بیمه»، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۸ شهریور ۱۳۹۶.
- **در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران: جزئیات چگونگی پذیرش عضویت خبره اعضای واجد شرایط انجمن در شاخه تخصصی «حسابدار مدیریت خبره» (IICA CMA) توسط**

دبیرکل انجمن تشریح شد، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۹ مرداد ۱۳۹۶.

- **در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران: جزئیات برگزاری سی و نهمین همایش انجمن حسابداران خبره ایران با موضوع «پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) در صنعت بیمه کشور» توسط دبیرکل انجمن تشریح شد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۱ تیر ۱۳۹۶.
- **در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران: جزئیات «آیین‌نامه چگونگی احراز شرایط عضویت خبره» (مصوب ۲۸ فروردین ۱۳۹۶، شورای عالی) توسط دبیرکل انجمن تشریح شد / آغاز فرایند اعطای عناوین خبرگی به اعضای متقاضی واجد شرایط،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۹ فروردین ۱۳۹۶.
- **دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران: اجرای استانداردهای گزارشگری مالی بخش عمومی بزرگترین اتفاق تاریخ حسابداری کشور / مخالفتها سیاسی است،** خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۲۴ بهمن ۱۳۹۵.
- **علت سخت بودن اجرای IFRS در سال اول و سامانه فراموش‌شده بورسی،** بورس‌نیوز، ۲۴ بهمن ۱۳۹۵.
- **در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار اقتصادی ایرنا: جزئیات برگزاری سی و هشتمین همایش انجمن حسابداران خبره ایران با موضوع «پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) در شبکه بانکی کشور» توسط دبیرکل انجمن تشریح شد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۴ آبان ۱۳۹۵.
- **برجام پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را میسر کرد،** خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۱۵ آبان ۱۳۹۵.

- **با انتشار ترجمه فارسی پرسش‌نامه پژوهش جهانی آیفک از سوی انجمن: دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران شاغلان انفرادی و موسسات حسابداران رسمی را به مشارکت فعال در پژوهش جهانی آیفک درباره موسسات حسابرسی کوچک و متوسط جهان در سال ۲۰۱۶ دعوت کرد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۳۰ مهر ۱۳۹۵.
- **دبیرکل انجمن در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران اعلام کرد: با تحویل قطعی و برگزاری جلسه اخیر شورای عالی در محل دفتر جدید انجمن بهره‌برداری از این دفتر رسماً آغاز شد / دفتر جدید حداکثر تا مهرماه مورد بهره‌برداری کامل قرار خواهد گرفت،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۰ مرداد ۱۳۹۵.
- **دبیرکل انجمن اعلام کرد: سمینار آینده انجمن حسابداران خبره ایران، با موضوع «واکاوی اصلاحیه قانون مالیاتهای مستقیم از دیدگاه کاربردی»، در خردادماه ۱۳۹۵ برگزار خواهد شد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۵.
- **در واکنش به خبر اعطای گواهینامه حرفه‌ای «مدیر مالی خبره» از سوی انجمن مدیریت ایران: دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران اعطای گواهینامه «حرفه‌ای» از سوی یک انجمن «دانشگاهی» را اقدامی نامتعارف دانست،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۰ دی ۱۳۹۴.
- **گفتگو درباره نوزدهمین کنگره جهانی حسابداران (رم، ۲۰۱۴)،** مجله حسابدار، شماره ۲۷۳، آذر ۱۳۹۳، صص ۳۰-۳۳.
- **سمینار سراسری تحولات پیش روی حرفه حسابداری و مالی در دوره گذار به محیط کسب و کار بین‌المللی،** برنامه تلویزیونی نگاه چهارم، شبکه

چهار سیمای جمهوری اسلامی ایران، گزارش تصویری از سی و پنجمین همایش انجمن حسابداران خبره ایران، با حضور (به ترتیب الفبا) شهریار دیلم صالحی، فرزام زمانی، منصور شمس احمدی، ابوالقاسم فخاریان، و محسن قاسمی، پژوهشگاه صنعت نفت، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۳.

- **صورت‌های مالی شرکت‌های ایرانی مبهم است،** بورس‌نیوز، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۳.
- **دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران خبر داد: برگزاری سمینار سراسری تحولات پیش روی حرفه حسابداری و مالی،** بورس‌نیوز، ۲۷ فروردین ۱۳۹۳.
- **مدیر امور ناشران بورس اوراق بهادار تهران خبر داد: عرضه سهام همراه اول اثر ۴۰ تا ۱۳۷درصدی بر سود مخابرات می گذارد،** بورس‌نیوز، ۵ آذر ۱۳۸۹.
- **مدیر امور ناشران شرکت بورس: جابه‌جایی ۳۱ شرکت در ۳ تابلوی بورس،** روزنامه دنیای اقتصاد، ۴ خرداد ۱۳۸۹.
- **مدیر امور ناشران شرکت بورس: تقسیم‌بندی شرکتها در تابلوهای بورس به روز می‌شود،** روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۸ فروردین ۱۳۸۹.
- **مدیر امور ناشران شرکت بورس: جزئیات اخراج ۱۵ شرکت از بورس،** خبرگزاری فارس، ۸ خرداد ۱۳۸۸.
- **مدیر امور ناشران بورس اوراق بهادار تهران گفت: دسته‌بندی ۳۴۶ شرکت بورس بر اساس ۴ نوع ریسک،** بورس‌نیوز، ۲۹ فروردین ۱۳۸۸.
- **مدیر امور ناشران بورس اوراق بهادار تهران در ارتباط با مفاد پیش‌نویس دستورالعمل انضباطی ناشران گفت: عزل مدیران متخلف بدون دخالت مجمع،** بورس‌نیوز، ۹ مهر ۱۳۸۷.

پیوست (۵): میزگردها

- **حسابداری؛ حرفه‌ای بین‌المللی،** با حضور (به ترتیب الفبا) احسان سلطانیه، مجتبی سیاهکوهیان، محسن قاسمی، و علی هدایتی، اعضای کارگروه روابط بین‌الملل انجمن حسابداران خبره ایران، مجله حسابدار، شماره ۳۳۰، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۴-۲۳. (ویدئوی کامل)
- **رایانش ابری و آینده حسابداری،** با حضور محسن قاسمی (دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران) و مدیران ارشد شرکت همکاران سیستم، مجله حسابدار شماره ۳۲۸-۳۲۹، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، صص ۹-۱۷. (ویدئوی کامل)
- **خدمات مالیاتی مشاغل،** با حضور اعضای کارگروه خدمات مالیاتی مشاغل انجمن حسابداران خبره ایران (به ترتیب الفبا)، مصطفی باتقوا، کتایون تفرشی‌راد، منصور شمس احمدی، مهدی غریب، و محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۳۲۴-۳۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸، صص ۱۶-۲۶. (پادکست کامل)
- **چالش و فرصت‌های ورود استارت‌آپها به بازارسرمایه در میزگرد بورس‌نیوز بررسی‌شد: «ارزش‌گذاری» مهم‌ترین چالش ورود استارت‌آپها به بازارسرمایه / تک‌شاخ‌های استارت‌آپی عرضه می‌شوند؟** با حضور (به ترتیب الفبا) آرش سروری، محسن قاسمی، و ساسان مهرانی، بورس‌نیوز، ۴ دی ۱۳۹۷.
- **حسابداران و شفافیت مالی،** با حضور (به ترتیب الفبا) غلامحسین دوانی، سیدمحمد علوی، محسن قاسمی، رادیو اقتصاد، ۱۴ آذر ۱۳۹۷.
- **صلاحیت‌های مدیر مالی خبره،** با حضور (به ترتیب الفبا) جواد بستانیان، امیر پوریانسب، سعید جمشیدی‌فرد، حجت‌اله صیدی، محسن قاسمی، داود مسگریان حقیقی، و مجید میراسکندری، مجله حسابدار، شماره ۲۷۱-۲۷۲، مهر و آبان ۱۳۹۳، صص ۳-۱۳.
- **خبرگی و راهبری: اساس اساسنامه جدید،** با حضور (به ترتیب الفبا) امیر پوریانسب، منصور شمس‌احمدی، غلامرضا سلامی، ابوالقاسم فخاریان، و محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۶۹، مرداد ۱۳۹۳، صص ۴-۱۳.

- **انجمن حسابداران خبره ایران در گذار از چهار دهه پرفراز و نشیب،** با حضور (به ترتیب الفبا) هوشنگ خستوئی، الهویردی رجایی سلماسی، غلامرضا سلامی، منصور شمس‌احمدی، محسن قاسمی، و رسول محمدی سالك، مجله حسابدار، شماره ۲۶۷، خرداد ۱۳۹۳، صص ۳-۱۱.
- **گزارشگری و اطمینان‌بخشی کنترل داخلی: واکاوی عملکرد ضابطه‌گذاران، ناشران، و حسابرسان،** با حضور (به ترتیب الفبا)، ابراهیم ابراهیمی، علی رحمانی، ابوالقاسم فخاریان، محسن قاسمی، مسعود محمدپور، آزاده مداحی، و کاظم وادی‌زاده، مجله حسابدار، شماره ۲۶۲، دی ۱۳۹۲، صص ۳-۱۵.
- **چشم انداز: پیوستن بهIFRS: بدون عزم جدی،** با حضور (به ترتیب الفبا)، امیر پوریانسب، منصور شمس احمدی، محسن قاسمی، آزاده مداحی، مهدی مرادزاده‌فرد، و عبدالرضا تالانه، مجله حسابدار، شماره ۲۵۸، شهریور ۱۳۹۲، صص ۳-۱۷. (بخش دوم گزارش این میزگرد، شامل گفته‌های عبدالرضا تالانه، در شماره ۲۵۹-۲۶۰، مهر و آبان ۱۳۹۲ منتشر شد.)
- **دستورالعمل راهبری شرکتی: شکافتن سقف فلک،** با حضور (به ترتیب الفبا)، موسی بزرگ‌اصل، امیر پوریانسب، سعید جمشیدی فرد، علی رحمانی، محسن قاسمی، و آزاده مداحی، مجله حسابدار، شماره ۲۵۵، خرداد ۱۳۹۲، صص ۴-۲۱.
- **دستورالعمل راهبری شرکتی: درانداختن طرحی نو،** با حضور (به ترتیب الفبا)، امیر پوریانسب، سعید جمشیدی فرد، علی رحمانی، غلامرضا سلامی، محسن قاسمی، و آزاده مداحی، مجله حسابدار، شماره ۲۳۸-۲۳۹، دی و بهمن ۱۳۹۰، صص ۸-۲۱.
- **دستورالعمل کنترل داخلی بایدها، اگرها، و امّاها،** با حضور (به ترتیب الفبا)، موسی بزرگ‌اصل، امیر پوریانسب، یحیی حساس یگانه، منصور شمس‌احمدی، محسن قاسمی، آزاده مداحی، نظام‌الدین ملك‌آرایی، و کیهان مهام، مجله حسابدار، شماره ۲۳۷، آذر ۱۳۹۰، صص ۳-۱۳.

پیوست (۶): سخنرانیها

- **نقش حسابداران: گزارشگری و اطمینان بخشی ریسک،** دومین همایش مالی ایران با عنوان «نقش بازارهای مالی و همراهی اقتصاد با سلامت در فضای کرونا»، انجمن مالی ایران، ۲۹ بهمن ۱۳۹۹، به صورت آنلاین.
- **نقش حسابرسان داخلی در ارزش‌آفرینی در هلدینگ‌ها،** همایش ارزش‌آفرینی در هلدینگ‌ها، بورس اوراق بهادار تهران با همکاری دانشگاه الزهراء، آبان ۱۳۹۷، تهران.
- **نقش حسابداران در مبارزه با پولشویی،** ششمین سالانه‌ی پیشگیری از تقلب و سوءاستفاده‌های مالی، اسفند ۱۳۹۴، تهران.
- **نقش افشاگران و مخبران در مبارزه با تقلب و فسادهای مالی،** پنجمین سالانه پیشگیری از تقلب و سوءاستفاده‌های مالی، بهمن ۱۳۹۳، تهران.
- **نقش راهبری، ریسک، و کنترل (GRC) در پیشگیری و کشف تقلب،** چهارمین سالانه پیشگیری از تقلب و سوءاستفاده‌های مالی، دی ۱۳۹۲، تهران.
- **نقش حسابرسان داخلی در پیشگیری از تقلب،** سومین سالانه پیشگیری از تقلب و سوءاستفاده‌های مالی، دی ۱۳۹۱، تهران.
- **راهبری و مدیریت فناوری بنگاه با تمرکز بر چارچوب کوبیت ۵،** کنفرانس کنترلهای داخلی اثربخش، اردیبهشت ۱۳۹۱، تهران.
- **مدیریت ریسک بنگاه (ERM) در عمل (کارگاه تخصصی)،** کنفرانس کنترلهای داخلی اثربخش، اردیبهشت ۱۳۹۱، تهران.
- **استقرار کنترل داخلی اثربخش در عمل (کارگاه تخصصی)،** کنفرانس کنترلهای داخلی اثربخش، اردیبهشت ۱۳۹۱، تهران.
- **نشانه‌شناسی تقلب (کارگاه تخصصی)،** دومین سالانه پیشگیری از تقلب و سوءاستفاده‌های مالی، آذر ۱۳۹۰، تهران.
- **تقلب در صنعت بیمه (کارگاه تخصصی)،** یکمین سالانه پیشگیری از تقلب و سوءاستفاده‌های مالی، دی ۱۳۸۹، تهران.

پیوست (۷): جدول کلمات متقاطع حسابداری

- **شماره ۲۶: فساد مالی،** مجله حسابدار، شماره ۲۶۳-۲۶۴، بهمن و اسفند ۱۳۹۲، ص ۶۰.
- **شماره ۲۵: استانداردهای حسابداری ایران،** مجله حسابدار، شماره ۲۶۱، آذر ۱۳۹۲، ص ۶۰.
- **شماره ۲۴: حسابرسی،** مجله حسابدار، شماره ۲۵۹-۲۶۰، مهر و آبان ۱۳۹۲، ص ۶۰.
- **شماره ۲۳: سازمان حسابرسی،** مجله حسابدار، شماره ۲۵۸، شهریور ۱۳۹۲، ص ۶۱.
- **شماره ۲۲: دیوان محاسبات کشور،** مجله حسابدار، شماره ۲۵۷، مرداد ۱۳۹۲، ص ۶۱.
- **شماره ۲۱: تقلب،** مجله حسابدار، شماره ۲۵۶، تیر ۱۳۹۲، ص ۶۱.
- **شماره ۲۰: راهبری، ریسک و کنترل در ضوابط سازمان بورس و اوراق بهادار،** مجله حسابدار، شماره ۲۵۵، خرداد ۱۳۹۲، ص ۶۱.
- **شماره ۱۹: حسابداری و اطمینان‌بخشی در بخش عمومی،** مجله حسابدار، شماره ۲۵۴، اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۶۱.
- **شماره ۱۸: نهادهای حسابداری ایران،** مجله حسابدار، شماره ۲۵۲-۲۵۳، اسفند ۱۳۹۱و فروردین ۱۳۹۲، ص ۸۴.
- **شماره ۱۷: حسابداری مدیریت،** مجله حسابدار، شماره ۲۵۱، بهمن ۱۳۹۱، ص ۶۰.
- **شماره ۱۶: حسابرسی داخلی،** مجله حسابدار، شماره ۲۴۹-۲۵۰، آذر و دی ۱۳۹۱، ص ۸۲.
- **شماره ۱۵: فناوری اطلاعات،** مجله حسابدار، شماره ۲۴۷-۲۴۸، مهر و آبان ۱۳۹۱، ص ۳۷.
- **شماره ۱۴: IFRS،** مجله حسابدار، شماره ۲۴۶، شهریور ۱۳۹۱، ص ۶۱.

- **شماره ۱۳: اخلاق حرفه‌ای،** مجله حسابدار، شماره ۲۴۵، مرداد ۱۳۹۱، ص ۸۰.
- **شماره ۱۲: مالیات،** مجله حسابدار، شماره ۲۴۴، تیر ۱۳۹۱، ص ۸۰.
- **شماره ۱۱: XBRL،** مجله حسابدار، شماره ۲۴۳، خرداد ۱۳۹۱، ص ۸۰.
- **شماره ۱۰: کنترل داخلی،** مجله حسابدار، شماره ۲۴۲، اردیبهشت ۱۳۹۱، ص ۸۰.
- **شماره ۹: بازار سرمایه،** مجله حسابدار، شماره ۲۴۱، فروردین ۱۳۹۱، ص ۷۸.
- **شماره ۸: عمومی،** مجله حسابدار، شماره ۲۴۰، اسفند ۱۳۹۰، ص ۶۸.
- **شماره ۷: راهبری شرکتی،** مجله حسابدار، شماره ۲۳۸-۲۳۹، دی و بهمن ۱۳۹۰، ص ۸۰.
- **شماره ۶: عمومی،** مجله حسابدار، شماره ۲۳۷، آذر ۱۳۹۰، ص ۸۰.
- **شماره ۵: عمومی،** مجله حسابدار، شماره ۲۳۶، آبان ۱۳۹۰، ص ۷۸.
- **شماره ۴: عمومی،** مجله حسابدار، شماره ۲۳۵، مهر ۱۳۹۰، ص ۸۰.
- **شماره ۳: عمومی،** مجله حسابدار، شماره ۲۳۴، شهریور ۱۳۹۰، ص ۷۸.
- **شماره ۲: عمومی،** مجله حسابدار، شماره ۲۳۳، مرداد ۱۳۹۰، ص ۸۰.
- **شماره ۱: عمومی،** مجله حسابدار، شماره ۲۳۲، تیر ۱۳۹۰، ص ۸۰.

پیوست (۸): فیلمهای مستند

فیلمنامه‌ها:

- **فیلمنامه فیلم مستند «لوکا پاچولی قهرمان کمترشناخته‌شده رنسانس»،** مترجم: بنفشه صفری‌نژاد، ویرایش و بازنویسی: محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۳۲۰-۳۲۱، آذر و دی ۱۳۹۷، صص ۲۵-۲۸.
- **فیلمنامه فیلم مستند «IFRS در ایران»،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۱۵-۳۱۶، تیر و مرداد ۱۳۹۷، صص ۲-۵.
- **فیلمنامه فیلم مستند «آقای حسابدار: زمانه و زندگی حسن سجادی‌نژاد»،** مجله حسابدار، شماره ۳۱۳، اردیبهشت ۱۳۹۷، صص ۱۳-۱۵.

فیلم‌های مستند:

- **فیلم مستند «لوکا پاچولی قهرمان کمترشناخته‌شده رنسانس»،** بازنویسی فیلمنامه و گوینده: محسن قاسمی، کارگردان: آرش پشنج، انجمن حسابداران خبره ایران، آذر ۱۳۹۷.
- **فیلم مستند «IFRS در ایران»،** نویسنده فیلمنامه و گوینده: محسن قاسمی، کارگردان: آرش پشنج، انجمن حسابداران خبره ایران، مرداد ۱۳۹۷.
- **فیلم مستند ح: مثل حسابدار؛ مثل حرفه‌ای،** نویسنده فیلمنامه و گوینده: محسن قاسمی، کارگردان: آرش پشنج، انجمن حسابداران خبره ایران، تیر ۱۳۹۷.
- **فیلم مستند «آقای حسابدار: زمانه و زندگی حسن سجادی‌نژاد»،** نویسنده فیلمنامه و گوینده: محسن قاسمی، کارگردان: آرش پشنج، انجمن حسابداران خبره ایران، اسفند ۱۳۹۶.

پیوست (۹): ویدئوها

- **چهاردهمین آیین گرامی‌داشت روز حسابدار انجمن حسابداران خبره ایران (به صورت آنلاین)،** با اجرای محسن قاسمی و با حضور رحمت‌اله صادقیان، سعید جمشیدی‌فرد، علی صحرایی، محسن غلامرضایی، هوشنگ خستوئی، عباس هشی، غلامحسین دوانی، منصور شمس احمدی، و اعضای شورای عالی انجمن، ۱۹ آذر ۱۳۹۹.
- **بورس در ایران: دیروز، امروز، فردا | قسمت دوم (نگاه میانه به بورس)،** گفتگوی زنده (Live) با اینستاگرام انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران، ۱۹ شهریور ۱۳۹۹، کانال ویدئوها و پادکستهای محسن قاسمی در آپارات. (فایل صوتی در تلگرام و کست‌باکس)
- **بورس در ایران: دیروز، امروز، فردا | قسمت اول،** گفتگوی زنده (Live) با اینستاگرام انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران، ۵ شهریور ۱۳۹۹، کانال ویدئوها و پادکستهای محسن قاسمی در آپارات. (فایل صوتی در تلگرام و کست‌باکس)
- **مقاله‌نویسی برای مجلات غیر دانشگاهی،** گفتگوی زنده (Live) با اینستاگرام مرکز آموزش حسابداران خبره (PACT)، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، کانال ویدئوها و پادکستهای محسن قاسمی در آپارات.
- **تحولات اخیر بورس و چشم انداز ماههای پیش رو (قسمت دوم)،** ۳ مرداد ۱۳۹۹، کانال ویدئوها و پادکستهای محسن قاسمی در آپارات. (فایل صوتی در تلگرام و کست‌باکس)
- **تحولات اخیر بورس و چشم انداز ماههای پیش رو (قسمت اول)،** ۱۰ خرداد ۱۳۹۹، کانال ویدئوها و پادکستهای محسن قاسمی در آپارات. (فایل صوتی در تلگرام و کست‌باکس)
- **توضیحات محسن قاسمی (دبیرکل) درباره انتشار الکترونیکی مجله حسابدار،** مجمع عمومی عادی سالانه اعضای انجمن حسابداران خبره ایران، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۲۵ دی ۱۳۹۸.

- **توضیحات محسن قاسمی (دبیرکل) درباره انتشار چندرسانه‌ای مجله حسابدار،** مجمع عمومی عادی سالانه اعضای انجمن حسابداران خبره ایران، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۲۵ دی ۱۳۹۸.
- **توضیحات محسن قاسمی (دبیرکل) درباره معرفی موسسات حسابداری توسط انجمن،** مجمع عمومی عادی سالانه اعضای انجمن حسابداران خبره ایران، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۲۵ دی ۱۳۹۸.
- **گزارش محسن قاسمی (دبیرکل) از برگزاری آزمونهای انجمن حسابداران خبره ایران در ۱۳۹۸،** سیزدهمین سالانه آیین گرامی داشت روز حسابدار به همت انجمن حسابداران خبره ایران، تالار دریای نور هتل استقلال، ۱۷ آذر ۱۳۹۸.
- **حسابداری؛ حرفه‌ای بین‌المللی،** با حضور (به ترتیب الفبا) احسان سلطانیه، مجتبی سیاهکوهیان، محسن قاسمی، و علی هدایتی، اعضای کارگروه روابط بین‌الملل انجمن حسابداران خبره ایران، مجله حسابدار، شماره ۳۳۰، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۴-۲۳.
- **گفتگوی محسن قاسمی با محمدامین قنبری تفرشی، مسئول واحد بین‌الملل مرکز آموزش حسابداران خبره(PACT) ،** مجله حسابدار، شماره ۳۳۰، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲۴-۳۱. (فایل صوتی در تلگرام و کست‌باکس)
- **رایانش ابری و آینده حسابداری،** با حضور محسن قاسمی (دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران) و مدیران ارشد شرکت همکاران سیستم، مجله حسابدار شماره ۳۲۸-۳۲۹، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، صص ۹-۱۷.
- **گفتگوی محسن قاسمی با ابراهیم نوروزبیگی، مدیر اجرایی پیشین مرکز آموزش حسابداران خبره(PACT) ،** مجله حسابدار، شماره ۳۲۸-۳۲۹، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، صص ۱۸-۲۷.
- **سخنرانی آغازین دکتر محسن قاسمی دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران،** چهل‌ویکمین همایش انجمن حسابداران خبره ایران با عنوان

تامین مالی از بازار سرمایه، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۲۹ خرداد ۱۳۹۸.

- **فراخوان مقاله‌نویسی درباره حسابداری و گزارشگری مالی اوراق بدهی منتشره در ایران،** چهل‌ویکمین همایش انجمن حسابداران خبره ایران با عنوان تامین مالی از بازار سرمایه، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۲۹ خرداد ۱۳۹۸.
- **دقایقی از میزگرد گواهینامه خدمات مالیاتی مشاغل،** با حضور اعضای کارگروه خدمات مالیاتی مشاغل انجمن حسابداران خبره ایران (به ترتیب الفبا)، مصطفی باتقوا، کتایون تفرشی‌راد، منصور شمس احمدی، مهدی غریب، و محسن قاسمی، دفتر انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸. (متن کامل، پادکست کامل)
- **گفتگوی محسن قاسمی با عبدالمجید ارفعی درباره حسابداری و کنترل در گل‌نبشته‌های باروی تخت جمشید،** مجله حسابدار، شماره ۳۲۴-۳۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸، صص ۱۶-۲۶. (پادکست کامل)
- **توضیحات محسن قاسمی (دبیرکل) درباره فیلم مستند لوکا پاچیولی،** دوازدهمین سالانه آیین گرامی داشت روز حسابدار به همت انجمن حسابداران خبره ایران، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۷ آذر ۱۳۹۷.
- **توضیحات محسن قاسمی (دبیرکل) درباره آزمونهای خبرگی انجمن،** دوازدهمین سالانه آیین گرامی داشت روز حسابدار به همت انجمن حسابداران خبره ایران، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۷ آذر ۱۳۹۷.
- **خوشامدگویی محسن قاسمی (دبیرکل) در آغاز همایش مدیریت هزینه در عمل،** چهلمین همایش انجمن حسابداران خبره ایران با عنوان مدیریت هزینه: در عمل، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۱ مهر ۱۳۹۷.
- **پنل پرسش و پاسخ چالشهای اجرایی پیاده‌سازی سامانه‌های هزینه‌یابی در بنگاه‌ها،** با حضور محسن قاسمی، عزیز عالیور و هنگامه مقدس پور، چهلمین همایش انجمن حسابداران خبره ایران با عنوان مدیریت هزینه: در عمل، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۱ مهر ۱۳۹۷.

- **توضیحات محسن قاسمی درباره انتشار مقاله در مجله حسابدار،** دفتر انجمن حسابداران خبره ایران، اردیبهشت ۱۳۹۷.
- **توضیحات محسن قاسمی درباره فیلم مستند آقای حسابدار،** آیین گرامیداشت صدمین زادسال زنده‌یاد استاد حسن سجادی‌نژاد به همت انجمن حسابداران خبره ایران، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۶ اسفند ۱۳۹۶.
- **سخنرانی محسن قاسمی در مراسم گرامیداشت استاد سجادی نژاد،** آیین گرامیداشت صدمین زادسال زنده‌یاد استاد حسن سجادی‌نژاد به همت انجمن حسابداران خبره ایران، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۶ اسفند ۱۳۹۶.
- **پاسخ محسن قاسمی (دبیرکل) به پرسش حاضران در مجمع ۱۳۹۶،** مجمع عمومی عادی سالانه انجمن حسابداران خبره ایران، تالار جابر بن حیان دانشکده علوم دانشگاه تربیت مدرس، ۲۶ دی ۱۳۹۶.
- **حسابداران چارترد و توسعه حسابداری ایران (محسن قاسمی)،** دفتر انجمن حسابداران خبره ایران، تابستان ۱۳۹۶.
- **شفافیت گزارشگری مالی در صنعت بیمه در گفتگو با حسابداران،** مصاحبه خبرنگار باشگاه خبرنگاران جوان با هوشنگ خستوئی، محسن قاسمی، سیدمحمدباقرآبادی و ابراهیم نوروزبیگی، در حاشیه سی و نهمین همایش انجمن حسابداران خبره ایران با عنوان «پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) در صنعت بیمه»، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۸ شهریور ۱۳۹۶.
- **رونمایی از وبگاه اختصاصی مجله حسابدار توسط محسن قاسمی (دبیرکل)،** جشن چهل‌سالگی مجله حسابدار، تالار الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۲۳ آذر ۱۳۹۵.
- **خوشامدگویی محسن قاسمی دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران،** سی و هفتمین همایش انجمن حسابداران خبره ایران با عنوان اصلاحیه قانون مالیاتهای مستقیم در عرصه عمل، سالن همایشهای رازی دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۱ خرداد ۱۳۹۵.

- **سمینار سراسری تحولات پیش روی حرفه حسابداری و مالی در دوره گذار به محیط کسب و کار بین‌المللی،** برنامه تلویزیونی نگاه چهارم، شبکه چهار سیمای جمهوری اسلامی ایران، گزارش تصویری از سی و پنجمین همایش انجمن حسابداران خبره ایران، با حضور (به ترتیب الفبا) شهریار دیلم صالحی، فرزام زمانی، منصور شمس احمدی، ابوالقاسم فخاریان، و محسن قاسمی، پژوهشگاه صنعت نفت، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۳.

پیوست (۱۰): پادکستها

- **هزار داستان حسابداری (۱۷): روز حسابدار،** نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۸آذر۱۳۹۸.
- **هزار داستان حسابداری (۱۶): خدمات متنوع حسابداری،** نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۲۱ تیر ۱۳۹۸.
- **هزار داستان حسابداری (۱۵): دکتر فضل الله اکبری و دانشکده علوم اداری،** نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۸.
- **هزار داستان حسابداری (۱۴): دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت نفت،** نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۳۰ فروردین ۱۳۹۸
- **هزار داستان حسابداری (۱۳): دکتر عزیز نبوی و موسسه عالی حسابداری،** نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۱۶ فروردین ۱۳۹۸
- **هزار داستان حسابداری (۱۲): حسابداران و نهضت ملّی شدن صنعت نفت ایران،** نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۲۹ اسفند ۱۳۹۷.
- **هزار داستان حسابداری (۱۱): حسابداری علم یا فن؟** نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۲۴ اسفند ۱۳۹۷.
- **هزار داستان حسابداری (۱۰): دورهمی در ویلا،** با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۹ اسفند ۱۳۹۷.
- **هزار داستان حسابداری (۹): ابوالقاسم خردجو (بنیانگذار بورس اوراق بهادار تهران)،** نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۳ اسفند ۱۳۹۷.

- **هزار داستان حسابداری (۸): محمدمهدی سمیعی (بنیانگذار انجمن حسابداران خبره ایران)**، نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۲۶ بهمن ۱۳۹۷.
- **هزار داستان حسابداری (۷): انجمنهای حرفه‌ای، دانشگاهی و صنفی**، نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۱۹ بهمن ۱۳۹۷.
- **هزار داستان حسابداری (۶): نگاهی به نهادهای ملّی حسابداری ایران**، نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۱۲ بهمن ۱۳۹۷.
- **هزار داستان حسابداری (۵): تاریخچه مجله حسابدار (نشریه انجمن حسابداران خبره ایران)**، نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۵ بهمن ۱۳۹۷.
- **هزار داستان حسابداری (۴): خدمات متقابل حسابداری و بورس در ایران**، نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۲۸ دی ۱۳۹۷.
- **هزار داستان حسابداری (۳): نقش شبکه بانکی در توسعه حسابداری ایران**، نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۲۱ دی ۱۳۹۷.
- **هزار داستان حسابداری (۲): عوامل موثر بر توسعه حسابداری در ایران**، نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۱۶ دی ۱۳۹۷.
- **هزار داستان حسابداری (۱): آغاز سخن**، نوشته و با صدای محسن قاسمی، آپارات، کست‌باکس، تلگرام، ۱۲ دی ۱۳۹۷.
- **توضیحات محسن قاسمی، دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران، درباره برگزاری نخستین آزمون گواهینامه خدمات مالیاتی مشاغل**

(۲۰ و ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸)، و پاسخ به شماری از پرسش‌های پرتکرار داوطلبان شرکت در این آزمون، آپارات، تلگرام، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸.

- **گواهینامه‌های حرفه‌ای: راهکاری اثربخش برای ترویج حرفه‌ای‌گری در حسابداری ایران**، نوشته و با صدای محسن قاسمی، اینستاگرام، تلگرام، ۲ شهریور ۱۳۹۶، شنوتو، تلگرام، ۱۳۹۶.
- **انجمن دانشگاهی، صنفی، یا حرفه‌ای؛ مسئله این است!** نوشته و با صدای محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۸۸-۲۸۹، اسفند ۱۳۹۴ و فروردین ۱۳۹۵، صص ۲۴-۲۹، شنوتو، تلگرام، ۱۳۹۶.
- **مرتضی ممیّز، آفریننده نشان‌واره انجمن حسابداران خبره ایران**، با صدای آرش پشنج، نوشته محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۶۸، تیر ۱۳۹۳، صص ۲۲-۲۳، شنوتو، تلگرام، ۱۳۹۶.
- **حرفه حسابداری در ایران**، با صدای محسن قاسمی، نوشته حسن سجادی‌نژاد، نشریه انجمن حسابداران خبره ایران، شماره ۲، زمستان ۱۳۵۵، صص ۲-۹، شنوتو، تلگرام، ۱۳۹۶.
- **تاریخچه انجمنهای حسابداری**، با صدای محسن قاسمی، نوشته مسعود عرفانی، نشریه انجمن حسابداران خبره ایران، شماره ۱، پاییز ۱۳۵۵، صص ۷-۸، شنوتو، تلگرام، ۱۳۹۶.
- **آغاز راه، نخستین سرمقاله نشریه انجمن حسابداران خبره ایران**، با صدای محسن قاسمی، نوشته محمدمهدی سمیعی، نشریه انجمن حسابداران خبره ایران، شماره ۱، پاییز ۱۳۵۵، صص ۲-۶، شنوتو، تلگرام، ۱۳۹۶.
- **نخستین سمپوزیوم حسابداری ایران (۷ و ۸ اسفند ۱۳۵۵، تهران)**، با صدای محسن قاسمی، نشریه انجمن حسابداران خبره ایران، شماره ۳، بهار ۱۳۵۶، صص ۲-۵، شنوتو، تلگرام، ۱۳۹۶.

پیوست (۱۱): مطالب مربوط به ترویج حرفه‌ایگری در حسابداری

- **گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای در حسابداری: چرایی و چگونگی،** نوروز ۱۴۰۰، اینستاگرام، لینکداین.
- **وارونگی توسعه حسابداری در ایران،** نوروز ۱۴۰۰، اینستاگرام، لینکداین.
- **حرفه‌ای و بین‌المللی،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۳۰، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲-۳.
- **حسابداری؛ حرفه‌ای بین‌المللی،** میزگرد با حضور (به ترتیب الفبا) احسان سلطانیه، مجتبی سیاهکوهیان، محسن قاسمی، و علی هدایتی، اعضای کارگروه روابط بین‌الملل انجمن حسابداران خبره ایران، مجله حسابدار، شماره ۳۳۰، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۴-۲۳. (ویدئوی کامل)
- **گفتگوی محسن قاسمی با محمدامین قنبری تفرشی، مسئول واحد بین‌الملل مرکز آموزش حسابداران خبره(PACT) ،** مجله حسابدار، شماره ۳۳۰، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲۴-۳۱. (ویدئوی کامل)
- **گواهینامه خدمات مالیاتی مشاغل انجمن حسابداران خبره ایران،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۲۴-۳۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸، صص ۲-۳.
- **توضیحات محسن قاسمی، دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران، درباره برگزاری نخستین آزمون گواهینامه خدمات مالیاتی مشاغل (۲۰ و ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸)، و پاسخ به شماری از پرسش‌های پرتکرار داوطلبان شرکت در این آزمون،** آپارات، تلگرام، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸.
- **خدمات مالیاتی مشاغل،** میزگرد با حضور اعضای کارگروه خدمات مالیاتی مشاغل انجمن حسابداران خبره ایران (به ترتیب الفبا)، مصطفی باتقوا، کتایون تفرشی‌راد، منصور شمس احمدی، مهدی غریب، و محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۳۲۴-۳۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸، صص ۱۶-۲۶. (پادکست کامل)

- **هزار داستان حسابداری (۱۱): حسابداری علم یا فن؟** پادکست نوشته و با صدای: محسن قاسمی، آپارات، ۲۴ اسفند ۱۳۹۷.
- **هزار داستان حسابداری (۷): انجمنهای حرفه‌ای، دانشگاهی و صنفی،** پادکست نوشته و با صدای: محسن قاسمی، آپارات، ۱۹ بهمن ۱۳۹۷.
- **«IFRS در ایران»،** فیلم مستند نوشته و با صدای: محسن قاسمی، کارگردان: آرش پشنج، انجمن حسابداران خبره ایران، مرداد ۱۳۹۷.
- **IFRS در ایران: به مناسبت رونمایی از دیپلم IFRS انجمن حسابداران خبره ایران،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۱۵-۳۱۶، تیر و مرداد ۱۳۹۷، صص ۲-۵.
- **ح: مثل حسابدار؛ مثل حرفه‌ای،** فیلم مستند نوشته و با صدای: محسن قاسمی، کارگردان: آرش پشنج، انجمن حسابداران خبره ایران، تیر ۱۳۹۷.
- **معرفی گواهینامه‌های حرفه‌ای انجمن‌حسابداران خبره ایران،** مجله‌حسابدار، شماره۳۱۳، اردیبهشت۱۳۹۷، ۳۷-۴۰.
- **گسترش تحصیلات تکمیلی در حسابداری ایران: راه یا بی‌راهه،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۱۲-۳۱۱، اسفند ۱۳۹۶ - فروردین ۱۳۹۷، صص ۴-۶.
- **انجمن، اعضاء، و گواهینامه‌های حرفه‌ای،** مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۳۰۸، آذر ۱۳۹۶، صص ۴-۸.
- **گواهینامه‌های حرفه‌ای: راهکاری اثربخش برای ترویج حرفه‌ای‌گری در حسابداری ایران،** نوشته محسن قاسمی، اینستاگرام، تلگرام، ۲ شهریور ۱۳۹۶، (پادکست در شنوتو و تلگرام، ۱۳۹۶).
- **در پاسخ به استقبال داوطلبان شرکت در «آزمون حسابدار مدیریت خبره سال ۱۳۹۶»: فهرستی از پرسش‌های متداول درباره عضویت خبره در شاخه‌های تخصصی «حسابدار مالی خبره»، «حسابدار مدیریت خبره» و «حسابدار مستقل خبره» از سوی امور اعضای انجمن**

منتشر شد، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۱۱ مرداد ۱۳۹۶.

- **در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران: جزئیات چگونگی پذیرش عضویت خبره اعضای واجد شرایط انجمن در شاخه تخصصی «حسابدار مدیریت خبره» (IICA CMA) توسط دبیرکل انجمن تشریح شد،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۹ مرداد ۱۳۹۶.
- **زنده‌شدن دوباره عنوان «حسابدار چارترد» در ایران: در چهار پرده،** ۲۸ تیر ۱۳۹۶، تلگرام.
- **انجمن دانشگاهی، صنفی، یا حرفه‌ای؛ مسئله این است!** با صدای محسن قاسمی، نوشته محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۸۸-۲۸۹، اسفند ۱۳۹۴ و فروردین ۱۳۹۵، صص ۲۴-۲۹، شنوتو، تلگرام، ۱۳۹۶.
- **حرفه حسابداری در ایران،** پادکست با صدای محسن قاسمی، نوشته حسن سجادی‌نژاد، نشریه انجمن حسابداران خبره ایران، شماره ۲، زمستان ۱۳۵۵، صص ۲-۹، شنوتو، تلگرام، ۱۳۹۶.
- **تاریخچه انجمنهای حسابداری،** پادکست با صدای محسن قاسمی، نوشته مسعود عرفانی، نشریه انجمن حسابداران خبره ایران، شماره ۱، پاییز ۱۳۵۵، صص ۷-۸، شنوتو، تلگرام، ۱۳۹۶.
- **وقتی "خالکوبی (تتو)" موضوع تیزر تبلیغات تلویزیونی «انجمن حسابداران مدیریت (آمریکا)» می‌شود!** ۳۱ فروردین ۱۳۹۶، اینستاگرام
- **در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران: جزئیات «آیین‌نامه چگونگی احراز شرایط عضویت خبره» (مصوب ۲۸ فروردین ۱۳۹۶، شورای عالی) توسط دبیرکل انجمن تشریح شد / آغاز فرایند اعطای عناوین خبرگی به اعضای متقاضی واجد شرایط،** پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۹ فروردین ۱۳۹۶.

- **انجمن دانشگاهی، صنفی یا حرفه‌ای؟ مسئله این است!**، مجله حسابدار، شماره ۲۸۷–۲۸۸، اسفند ۱۳۹۴ و فروردین ۱۳۹۵، صص ۲۴–۲۹.
- **در واکنش به خبر اعطای گواهینامه حرفه‌ای «مدیر مالی خبره» از سوی انجمن مدیریت ایران: دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران اعطای گواهینامه «حرفه‌ای» از سوی یک انجمن «دانشگاهی» را اقدامی نامتعارف دانست**، پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن حسابداران خبره ایران، ۲۰ دی ۱۳۹۴.
- **انجمن: در سالی که گذشت؛ برنامه‌های پیش‌رو**، مجله حسابدار، سرمقاله شماره ۲۸۵، دی ۱۳۹۴، صص ۵–۷.
- **صلاحیت‌های مدیر مالی خبره**، میزگرد با حضور (به ترتیب الفبا) جواد بستانیان، امیر پوریانسب، سعید جمشیدی‌فرد، حجت‌اله صیدی، محسن قاسمی، داود مسگریان حقیقی، و مجید میراسکندری، مجله حسابدار، شماره ۲۷۱–۲۷۲، مهر و آبان ۱۳۹۳، صص ۳–۱۳.
- **خبرگی و راهبری: اساس اساسنامه جدید**، میزگرد با حضور (به ترتیب الفبا) امیر پوریانسب، منصور شمس‌احمدی، غلامرضا سلامی، ابوالقاسم فخاریان، و محسن قاسمی، مجله حسابدار، شماره ۲۶۹، مرداد ۱۳۹۳، صص ۴–۱۳.

پیوست (۱۲): وبگاه شخصی و شبکه‌های اجتماعی

- **وبگاه شخصی محسن قاسمی:**
mohsen-ghasemee.ir

- **کانال ویدئوها و پادکستهای محسن قاسمی در آپارات:**
aparat.com/mohsen_ghasemee

- **کانال ویدئوها و پادکستهای محسن قاسمی در یوتیوب:**
youtube.com

- **کانال یادداشتهای محسن قاسمی در تلگرام:**
t.me/mohsen_ghasemeee

- **کانال هزار داستان حسابداری در تلگرام:**
t.me/mohsen_ghasemee

- **کانال هزار داستان حسابداری در کست‌باکس:**
castbox.fm/channel/id۲۰۸۷۹۷۱

- **حساب کاربری در لینکداین:**
linkedin.com/in/mohsen-ghasemi-۱۱۷b۸۲۳۶

- **حساب کاربری در اینستاگرام:**
instagram.com/mohsen_ghasemee

- **حساب کاربری در فیسبوک:**
m.facebook.com/profile.php?id=۱۳۴۸۱۰۰۸۴۴

- **حساب کاربری در توئیتر:**
twitter.com/MohsenGhasemi۳

Iranian Institute of Certified Accountants over The Last Decade of The Century

Interview with
Dr. Mohsen Ghasemi
Secretary General of
Iranian Institute of
Certified Accountants
(2014-2021)

By:
Ali Majd

April
2021

Iranian Institute of Certified Accountants over The Last Decade of The Century

Interview with
Dr. Mohsen Ghasemi
Secretary General of
Iranian Institute of
Certified Accountants
(2014-2021)

By:
Ali Majd

April
2021